مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۹۱۳
Mojahed 913
چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۷
۷ جمادی‌الثانی ۱۴۲۹
June 11 2008
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

۵سال پس از آن بامداد نحس

در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ حمله کودتاگرانه به مراکز و اماکن مقاومت ایران در فرانسه در بند و بست ننگین با فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران صورت گرفت و بلافاصله موج گسترده و فزاینده اعتراض و محکومیت در فرانسه و ایران و دیگر کشورهای جهان بالا گرفت

یورش ۱۷ژوئن، توطئه‌یی که با پایداری و شور آزادی درهم شکست

جنبش عظیم بین‌المللی در همبستگی با مقاومت ایران و اعتراض علیه بازداشت مریم رجوی و دیگر دستگیرشدگان به‌راه افتاد

چهره واقعی فرانسه در حمایتهای شخصیتهای سیاسی و مدافع حقوق بشر و سمبلهایی چون آبه‌پیر و دانیل میتران و فوران حمایت مردم به‌ویژه مردم شریف اورسوراواز بارز گردید

در صفحات ۶و۱۳

در کنفرانس مطبوعاتی نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در انگلستان

جزئیات تولید و ارسال گسترده بمبهای کنار جاده‌یی از سوی رژیم آخوندی به عراق افشا شد

ـ حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت: اطلاعات به‌دست‌آمده توسط شبکه مجاهدین خلق در ایران بیانگر آنست که بیش از ۸۰درصد از سلاح و مهمات مورد استفاده در عراق توسط نیروی تروریستی قدس و سپاه پاسداران حکومت آخوندی تهیه و توزیع می‌شود.

ـ در کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران که در محل پارلمان انگلستان برگزار شد، لرد کوربت، رئیس کمیته پارلمانی ایران آزاد و لرد وادینگتون، وزیر کشور سابق انگلستان، شرکت داشتند. لرد وادینگتون گفت رژیم ایران حداکثر تلاش را برای بی‌ثباتی عراق انجام داده است. لرد کوربت تأکید کرد سیاست استمالت از آخوندها راه دخالتهای مرگبار رژیم ایران در عراق را هموار کرده و تنها راه مقابله با این تهدید، حمایت از خواستهای دموکراتیک مردم ایران برای تغییر دموکراتیک در کشورشان است

در صفحه۳

چهار هزار دانشجوی دانشگاه تربیت‌معلم پردیس کرج پس از ده روز تظاهرات، تحصن و اعتصاب‌غذا، رژیم آخوندی را وادار به‌عقب‌نشینی کردند

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران به دانشجویان اعتصابی دانشگاه تربیت معلم در پردیس کرج درود فرستاد و عموم دانشجویان و جوانان را به حمایت از آنان فراخواند

۴۰انجمن دانشجویی از دانشگاههای سراسر کشور، با صدور بیانیه‌یی از دانشجویان متحصن تربیت معلم حمایت کردند

دانشجویان اعتصابی با سر دادن شعارهای: «گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد» و «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» و «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم» به اعتراض خود ادامه می‌دادند.

بیش از ۱۲۰ دانشجوی این دانشگاه به یک اعتصاب غذای ده روزه دست زدند که تعداد زیادی از آنها دختران دانشجو بودند

مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر و سندیکاها و اتحادیه‌های دانشجویی خواستار محکوم‌کردن اعمال سرکوبگرانه رژیم علیه دانشجویان گردید

ـ رژیم ناگزیر شد کلیه خواستهای دانشجویان، ازجمله تعویق امتحانات و لغو احکام انضباطی که برای ۸دانشجو صادر شده بود را بپذیرد و این احکام را لغو کند

در صفحه۲

اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه را برای تصویب چهارمین قطعنامه تحریم علیه رژیم هموار کرد

البرادعی: رژیم ایران با اقداماتش این پیام را به‌جهانیان ارسال می‌کند که ما می‌توانیم در مدت‌زمانی نسبتاً کوتاه بمب بسازیم

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از رژیم ایران خواست به سؤالات و ابهامات آژانس پاسخ بدهد. وی گفت: میزان همکاری رژیم تهران با آژانس درحدی نیست که ما می‌خواهیم

ـ گرک شولت، نماینده آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز ۱۶خرداد پس از پایان جلسه شورای حکام گفت: «رژیم ایران عمداً با به تأخیر انداختن بازرسیهای آژانس، به غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد تا بتواند نهایتاً به هدف خود برای تولید سلاح هسته‌یی دست یابد».

اتحادیه اروپا با انتشار بیانیه‌یی اعلام کرد رژیم ایران از پاسخ به سؤالات و ابهامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و ارائه اطلاعات به آن خودداری می‌کند

اتحادیه اروپا بر نگرانیهای آژانس درباره احتمال ابعاد نظامی برنامه هسته‌یی رژیم ایران تأکید کرد

رژیم آخوندی به خواست شورای حکام گردن نمی‌گذارد

ـ پاسدار لاریجانی، رئیس مجلس ارتجاع: گزارش آژانس دو پهلو است. آنها به دنبال دیپلوماسی هزار و یک شب، هستند و مرتباً زمان می‌گیرند. اگر آنها می‌خواهندمسأله هسته‌یی را دچار پیچش کنند مشکل ایجاد می‌شود(خبرگزاری رژیم ـ فارس ۱۸خرداد).

ـ علی اصغرسلطانیه نماینده رژیم آخوندی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: «اگر آنهایی که تلاش می‌کنند پرونده ایران را در آژانس باز نگهدارند، فکر می‌کنند با این کار می‌توانند ایران را مجبور به چشم‌پوشی از حقوق و فعالیتهای هسته‌یی خود ازجمله غنی سازی اورانیوم کنند، سخت در اشتباه هستند»(خبرگزاری رژیم ـ ایسنا ۱۷خرداد).

در صفحه۳

در کنفرانس مطبوعاتی شورای ملی مقاومت در رم علیه سفر پاسدار احمدی‌نژاد

شخصیتهای ایتالیایی و هیأت شورای ملی مقاومت خواستار اتخاذ یک سیاست قاطع علیه دیکتاتوری آخوندی و طرد این رژیم از سوی جامعه بین‌المللی شدند

ـ آنتونیو استاگو، دبیرکل انجمن هلسینکی و از مسئولین حزب رادیکال: با حضور احمدی‌نژاد بر اجلاس فائو در رم سایه انداخته بود، گفت: «با اطمینان می‌شود گفت از سه روز مدت زمان مشخص شده برای برگزاری این اجلاس، یک روز کامل آن به دلیل صحبت بر سر حضور جنایتکار در جلسه فائو چه می‌خواهد بگوید؟ او دزد سرمایه‌های ملی ایران است. وی بیش از ۷۰درصد جامعه را به زیر فقر کشانده و سرمایه‌های ایران، را خرج اسلحه، تروریستها، و سپاه پاسداران می‌کند. افکار عمومی ایتالیا از این شخص نفرت دارند

احمدی‌نژاد ضایع شد»

ـ جان فرانکو فینی، رئیس مجلس ایتالیا، در یک اقدام اعتراضی علیه رژیم آخوندی، دیدار خود با سفیر این رژیم در رم را لغو کرد

ـ وزیر دفاع ایتالیا تصریح کرد، لفاظیهای احمدی‌نژاد در اجلاس فائو علیه تاریخ و منطق بود

ـ ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه و نماینده شورای ملی مقاومت در ایتالیا: شرکت نماینده رژیمی که بانکدار مرکزی تروریسم است نقض آشکار ارزشها و اصولی است که ملل متحد برای حراست و نگاهبانی از آنها بنیانگذاری شده است

ـ ربنا برناردینی، نماینده پارلمان و دبیرکل حزب رادیکال ایتالیا پذیرش احمدی‌نژاد در اجلاس رم را نشانه ضعف اروپا در برابر یک دیکتاتور خشن دانست

در صفحه۱۶

سفر احمدی‌نژاد به ایتالیا انزجار مردم و مقامات این کشور را علیه رژیم برانگیخت

ـ معاون مدیرکل سازمان خواروبار جهانی ـ فائو ـ با تأیید این که مخالفت با حضور احمدی‌نژاد بر اجلاس فائو در رم سایه انداخته بود، گفت: «با اطمینان می‌شود گفت از سه روز مدت زمان مشخص شده برای برگزاری این اجلاس، یک روز کامل آن به دلیل صحبت بر سر حضور

افشای چپاول و دزدیهای نجومی سران رژیم در جنگ گرگها

عباس پالیزدار گوشه‌یی از دزدیهای سرسام‌آور بالاترین سران رژیم نظیر رفسنجانی، ناطق نوری، واعظ طبسی، عسگراولادی، محمد یزدی، امامی کاشانی، خزعلی و... را برملا کرد

در اعترافات پالیزار ازجمله به این موارد اشاره شده است: تصاحب صادرات چوب جنگلهای شمال توسط حمید یزدی فرزند آخوند یزدی، دریافت صدها دستگاه خودرو از شرکت ایران‌خودرو توسط ناطق نوری، ۱۱۰۰مورد قاچاق کالا از فرودگاه پیام توسط فردی که از سوی ناطق نوری حمایت می‌شد، تصاحب ۱۲معدن ازجمله معدن ذغال سنگ طبس توسط واعظ طبسی نماینده خامنه‌ای در استان خراسان و تصاحب یک سوم جزیره کیش توسط خانواده رفسنجانی

پالیزدار: دستگاه قضایی خود از فاسدترین دستگاههاست

محسن سازگارا: پالیزدار به جناح احمدی‌نژاد تعلق دارد، باید پرسید که تکلیف دست‌درازیهای این جناح چه می‌شود؟ آنها در وزارت نفت و دهها ارگان کشور دست‌درازی کردند. از آن مهمتر تکلیف سپاه پاسداران با بیش از ۸۰۰شرکت و ۱۵۰۰پروژه بزرگ چه می‌شود؟ تکلیف بیت خامنه‌ای چه می‌شود؟ صدها و بلکه هزاران مورد فساد در این مراکز گزارش شده است

یک مقام وزارت اطلاعات رژیم: چند صد پرونده از این نوع در کمیسیون اصل نود مجلس بایگانی شده است

در صفحه۵

در صفحات دیگر

رژیم در تله اتمی

سرمقاله

گزارش محمد البرادعی و موضعگیریهای اجلاس اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مقایسه با ابعاد واقعی تخلف و بنهانکاری رژیم برای تولید بمب اتمی و خطران برای ملت ایران و صلح منطقه و جهان، البته محدود و ناکافی است. اما این گزارش و اجلاس شورای حکام از بابت ضربه‌یی که به تلاشهای فریبکارانه فاشیسم مذهبی وارد آورده، به دو دلیل عمده حائز اهمیت به‌سراست:

اولاً، هم در گزارش و هم در اجلاس شورای حکام، روی «ابعاد نظامی» فعالیتهای اتمی رژیم انگشت گذاشته شد. در این‌باره مدیرکل آژانس به هنگام ارائه گزارش خود در جلسه شورای حکام، گفت: «جای تأسف دارد که ما در خصوص یک موضوع اصلی باقیمانده یعنی سؤالات مربوط به بعد نظامی برنامه هسته‌یی ایران پیشرفتی نداشته‌ایم» موضوعاتی مانند «نقش سند فلز اورانیوم»، «پشتیبانی مؤسسات نظامی مرتبط با برنامه هسته‌یی»، « پروژه نمک سبز»، «آزمایش مواد با قابلیت انفجار بالا»، «پروژه دستگاه حمل کلاهک موشکی» که از موضوعات جدی گزارش و مورد بحث شورای حکام بود، موارد مشخصی است که در کنفرانس مطبوعاتی مقاومت در بروکسل در ۲۰آذر۸۶ مطرح شده بود. بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت مجلس هفتم آخوندها، در واکنش به گزارش البرادعی گفت: «اطلاعات را مجاهدین در اختیار آژانس گذاشته‌اند». سلطانیه، نماینده رژیم هم در واکنشهای هیستریک خود در جلسه شورای حکام، ضمن انکار سندها ومدارک ارائه شده ـ که آنها را «یک‌کلی سری» توصیف می‌کرد، گفت: «چطور ممکن است چنین چیزی به‌صورت عادی در دسترس قرار گیرد».

ثانیاً، بحثها و موضعگیریهای جلسه شورای حکام که روز ۱۴خرداد درست در خاتمه ضرب‌الاجل سه ماهه قطعنامه تحریم شورای امنیت (مصوب۱۳اسفندماه۸۶) برگزار شد، به گزارش آژانس اهمیت سیاسی ویژه‌یی می‌دهد. به همین مناسبت، اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌یی از رژیم خواست «تمام اطلاعات برنامه اتمی خود را به آژانس تحویل بدهد». خبرگزاری فرانسه (۱۵خرداد) نوشت: «کشورهای درحال توسعه نیز به غرب پیوستند و وزن خود را پشت اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای وادارکردن رژیم ایران به روشن‌ساختن اطلاعات مربوط به ساختن بمب اتمی قرار دادند» رویتر به نقل از«یک دیپلومات ارشد غربی که در جلسه در بسته شورای حکام حضور داشت» نوشت: «تقریباً هر هیأتی ابراز نگرانی می‌کرد و اکثریت چشمگیری از رژیم ایران خواستند غنی‌سازی را تعلیق کند و اجازه بازرسیهای سرزده وگسترده بدهد».

به این ترتیب، سیاست خامنه‌ای در بازیهای فریبکارانه با آژانس و مدیر آن، به‌منظور سنگرسازی در برابر شورای امنیت ملل متحد، با شکستی جدی روبه‌رو گردید. کیهان آخوندی (۱۲خرداد) در این‌باره نوشت: «گزارش محمد البرادعی به اجلاس ماه ژوئن شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به معنای ورود پرونده هسته‌یی ایران به مرحله‌یی جدید است» و «گویی آژانس قصد جوسازی و عملیات روانی علیه ایران را دارد»! اما واقعیت این است که طرف پیگیر مقابله اصولی با طرحهای اتمی رژیم آخوندی، مردم و مقاومت ایران بوده و هستند و یکبار دیگر اعتبار و اقتدار اثر گذار خود را در مقابله با سیاستهای ضدایرانی و ضداسانی فاشیسم مذهبی به اثبات رساندند.

سفر نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق به ایران بی‌نتیجه بود و دستاوردی برای رژیم آخوندی نداشت

تایمز مالی: یک مقام برجسته سابق گفت آمریکا در دور کردن مالکی از رژیم ایران نسبتاً موفق بوده است سی‌ان‌ان: اگر هدف نخست‌وزیر عراق از سفر به ایران متقاعدکردن آیت‌الله‌ها بود که توافق میان واشینگتن و بغداد تهدیدی علیه آنها نیست، موفقیت چندانی نداشته است

در صفحه۴

سخنگوی نیروی چندملیتی در عراق جزئیات جدیدی از کشف سلاح و مهمات ساخت رژیم ایران را اعلام کرد

ارتش آمریکا اعلام کرد دو تن از فرماندهان شبه‌نظامیان شیعی وابسته به رژیم ایران را در یکی از مناطق جنوب بغداد دستگیر کرده است یکی از دستگیرشدگان کارمند ارشد وزارت کشور عراق بوده است

روزنامه الشرق الاوسط: نیروهای امنیتی عراق، در عملیاتی با حمایت نیروهای آمریکا، نفر شماره دو حزب‌الله لبنان را در شهرک صدر بغداد، دستگیر کردند

در صفحه۴

توپ‌باران مناطق مرزی کردستان عراق توسط رژیم آخوندها ادامه دارد

دولت منطقه کردستان عراق از دولت مرکزی این کشور خواست تا علیه توپ‌باران مستمر مناطق مرزی این منطقه توسط رژیم آخوندی موضعگیری کند.

در توپ‌باران شهر سیدصادق واقع در استان سلیمانیه دو تن از شهروندان مجروح شدند

هشدار رهبران و شخصیتهای سیاسی عراق نسبت به تقلب در انتخابات شوراهای استان در این کشور

در صفحه۴

رژیم ایران در لیست بدترین رژیمهایی است که مشغول قاچاق انسان هستند

گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا درباره قاچاق انسان: رژیم ایران، منبع، ترانزیت و مقصد نهایی زنانی است که برای سوءاستفاده‌های جنسی و بردگی اجباری قاچاق می‌شوند. زنان و کودکان ایرانی به‌همین‌منظور در داخل کشور قاچاق می‌شوند.

زنان و کودکان هم‌چنین به پاکستان، ترکیه، قطر، کویت، و امارات متحده عربی قاچاق می‌شوند

در صفحه۵

در درگیری میان مردم پارس‌آباد مغان و مأموران جنایتکار نیروی انتظامی دو تن کشته و شماری مجروح شدند

این درگیری عصر روز دوشنبه زمانی رخ داد که مردم زحمتکش پارس‌آباد مغان علیه غصب زمینهایشان توسط ارگانهای نظامی رژیم اعتراض کردند. مأموران جنایتکار رژیم به سوی مردم آتش گشودند و باعث کشته و مجروح شدن شماری از آنان گردیدند

در صفحه۲

سی و چهارمین روز اعتصاب و اعتراض هزاران کارگر کارخانه نیشکر هفت‌تپه

هزاران تن از کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه خوزستان روز یکشنبه ۱۹خرداد، سی و چهارمین روز اعتصاب و اعتراض خود را پشت سر گذاشتند. کارگران اعتصابی در مقابل دفتر گردانده کارخانه تجمع کرده و اعلام کردند تا زمانی که حقوق عقب‌مانده آنها پرداخت نشود، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

در صفحه۵

۷هزارتن از کارگران کوره‌پزخانه‌های ارومیه وارد چهارمین هفته اعتصاب خود شدند

این کارگران که در ۹۰کوره آجرپزی شاغل هستند خواهان افزایش دستمزد خود می‌باشند. کارگران کوره‌پزخانه‌های میاندوآب نیز به‌منظور افزایش دستمزدهای خود در این اعتصاب شرکت دارند.

در صفحه ۵

رژیم جنایتکار آخوندی یک جوان ۱۷ساله را به‌دار آویخت

روز سه‌شنبه ۲۱خردادماه۸۷ یک نوجوان ۱۷ساله بنام محمد حسن‌زاده در زندان سنندج به‌دار آویخته شد. وی از ۱۵سالگی در زندان بود.

۱۱نفر در زندان اوین به‌دار آویخته می‌شوند

در صفحه ۲

واشینگتن‌تایمز: احمدی‌نژاد آدولف هیتلر زمانه ماست

روزنامه واشینگتن‌تایمز ۱۹خرداد۸۷، احمدی‌نژاد، ادولف هیتلر زمانه ماست. از قسم خورده است یک اسیراطوری اسلامی به محوریت تهران برپا سازد، اسرائیل را نابود کند و برای گسترش انقلاب ویران‌کننده‌اش، به بمب هسته‌یی دست یابد.

خطرناکتر این است که رژیم ایران به ایالات متحده اعلام جنگ کرده است. این رژیم، با مسلح‌کردن، آموزش و تأمین مالی غارتگران تروریست در عراق، مستقیماً مسئول ریختن خون آمریکاییان است. با این‌همه اما خانم رایس، اصرار می‌ورزد که تنها راه برخورد با احمدی‌نژاد از طریق دیپلوماسی و تحریمهای اقتصادی است.

ملاهای رژیم ایران نیز از خط‌مشی نرم خانم رایس بهره بردهاند. خانم رایس و متعصبان وزارت خارجه از یک تصور خطرناک رنج می‌برند: آنها بر این باورند که مستبدان جنایتکاری چون احمدی‌نژاد در اساس رهبران منطقی‌یی هستند که پاسخگوی مشوقها و امتیازات دیپلوماتیک می‌باشند. اما این‌چنین نیست بلکه این مستبدان، افراطیونی غیرمنطقی و متعصب هستند.

مقالات:
ـ «ما ماندگار شدیم»
گرامی باد خاطره تابناک مجاهد کبیر رضا رضایی
ـ انتخابی از یک کتاب و تذکر یک نکته
ـ شعر «چاره کار چنین جانی نباشد جز قیام»
جمشید پیمان
ـ پیروزی عدالت
دکتر محمد قرابی
صفحه۱۴
ـ شکنجه و آمال «خلیفه خمینی» (۱۳)
کاظم مصطفوی
صفحه۱۵

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

تظاهرات واعتصاب غذای ده روزه چهار هزار دانشجوی دانشگاه تربیت معلم پردیس کرج با پیروزی دانشجویان به پایان رسید

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران به دانشجویان اعتصابی دانشگاه تربیت معلم در پردیس کرج درود فرستاد و عموم دانشجویان و جوانان را به حمایت از آنان فراخواند.

خانم مریم رجوی افزود: اعتصابها، اعتراضها و تظاهرات پی در پی دانشجویان از پلی‌تکنیک تا دانشگاه شیراز و سهند و تا تربیت‌معلم نشاندهنده خشم و نفرت فزاینده جوانان از رژیم آخوندی و تمایل عموم مردم به تغییر در ایران است.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت از کلیه سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر و سندیکاها و اتحادیه‌های دانشجویی خواستار حمایت از دانشجویان ایرانی و محکوم‌کردن سرکوب مستمر و سیستماتیک آنان گردید.

دانشجویان دانشگاه تربیت معلم پردیس کرج سرانجام پس از ده روز پایداری رژیم آخوندی را به عقب‌نشینی وادار کردند و به پیروزی رسیدند.

بیش از ۳۵۰۰تن از دانشجویان مقاوم تربیت معلم از ده روز پیش دست به تحصن و اعتصاب غذا و با شعارهای ضدحکومتی ازجمله شعار اشرف‌نشان «ما زن و مرد جگیم بجنگ تا بجنگیم» خواستار پایان دادن به سرکوب در دانشگاه و بهبود وضعیت خدماتی شدند. در اعتصاب غذای دانشجویان بیش از ۱۲۰دانشجو شرکت داشتند که اکثر آنان دختران دانشجو بودند.

بنا به گزارشهای دریافتی از این دانشگاه در روز ۲۱خرداد۸۷، مسئولان دانشگاه ۶ مورد از خواستهای دانشجویان را تا عصر روز قبل پذیرفتند ولی از پذیرش خواست تعویق امتحانات و لغو احکام انضباطی خودداری می‌کردند که در نهایت جلسه دانشجویان بدون رسیدن به توافق نهایی در ساعت ۶بعدازظهر به پایان رسید و دانشجویان گفتند به تحصن خود ادامه خواهند داد. در نهایت در ساعت ۱۰شب(دوشنبه) دانشگاه خواست تعویق امتحانات را نیز پذیرفته و امتحانات پایان ترم تا یکشنبه هفته آینده به تعویق افتاد. هم‌چنین رئیس دانشگاه که به هیچ‌وجه حاضر به پذیرش لغو احکام انضباطی صادرشده برای ۸ دانشجو نبود، سرانجام مجبور به تسلیم در برابر خواست دانشجویان شد و احکام انضباطی این دانشجویان نیز لغو شد.

به این ترتیب پایداری این دانشجویان دلیر، پیروزی در این اعتصاب را برای آنان رقم زد.

در زیر گزارشی از ده روز پایداری این دانشجویان از نظرتان می‌گذرد:

هزاران تن از دانشجویان دانشگاه تربیت‌معلم پردیس کرج از روز پنجشنبه ۸خرداد۸۷، در اعتراض به سرکوب و اختناق حاکم بر دانشگاه دست به تحصن و اعتصاب زدند. آنها باسردادن شعارهای «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد، می‌ایستیم می‌مانیم تا پای جان می‌خوانیم، بسیجی برو گمشو، حراست برو گمشو» بی‌اعتنا به همه تهدیدها و تدابیر سرکوبگرانه رژیم آخوندی به اعتراض خود ادامه دادند. عده زیادی از دانشجویان از دومین روز تحصن دست به‌اعتصاب غذا زدند که در روزهای بعد تعداد آنها به بیش از ۱۷۰نفر رسید. ۴۵تن از اعتصاب‌غذاکنندگان دختران دانشجو بودند. بیش از ۲۰تن از دانشجویان اعتصابی حالشان وخیم شد و در بیمارستان یا بهداری دانشگاه بستری شدند.

مأموران حراست رژیم در یک اقدام ضدانسانی آب را بر روی اعتصاب غذاکنندگان قطع کردند. علاوه بر مأموران سرکوبگر حراست دانشگاه تربیت معلم، مأموران حراست از چندین دانشگاه تهران ازجمله پلی‌تکنیک به این دانشگاه اعزام شدند، نیروهای بسیجی نیز در سرکوب دانشجویان معترض نقش مستقیمی داشتند.

در یک اقدام سرکوبگرانه دیگر وزارت اطلاعات رژیم آخوندی دانشجویانی را که حالشان وخیم بود و به بیمارستان منتقل شدند را دستگیر کرد.

دانشجویان اعتصابی گفتند: مأموران اطلاعات رژیم حتی امکانات پزشکی را هم از دریغ کرده‌اند تا نتوانیم به اعتصابون رسیدگی کنیم. اما اقدام ضدانسانی رژیم آخوندی علیه دانشجویان اعتصابی آنان را در ادامه اعتصاب و اعتراضشان بیش از پیش مصمم ساخت.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران به دانشجویان اعتصابی دانشگاه تربیت معلم در پردیس کرج درود فرستاد و عموم دانشجویان و جوانان را به حمایت از آنان فراخواند.

خانم مریم رجوی افزود: اعتصابها، اعتراضها و تظاهرات پی در پی دانشجویان از پلی‌تکنیک تا دانشگاه شیراز و سهند و تا تربیت‌معلم نشاندهنده خشم و نفرت فزاینده جوانان از رژیم آخوندی و تمایل عموم مردم به تغییر در ایران است.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت از کلیه سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر و سندیکاها و اتحادیه‌های دانشجویی خواستار حمایت از دانشجویان ایرانی و محکوم‌کردن سرکوب مستمر و سیستماتیک آنان گردید.

دانشجویان سایر واحدهای دانشگاه تربیت معلم تهدید کردند چنان‌چه به‌خواستهای دانشجویان اعتصابی رسیدگی نشود، به صف اعتصابیون خواهند پیوست. هم‌چنین عده‌یی از دانشجویان دانشگاه علامه تهران، در حمایت از دانشجویان اعتصاب‌کننده تربیت معلم، دست به اعتصاب غذا زدند.

دانشجویان دانشگاههای سراسر ایران نیز با صدور اطلاعیه‌هایی، همبستگی خود را با دانشجویان اعتصاب‌کننده تربیت معلم در پردیس کرج اعلام کرده و گفتند تا آخر از خواستهای آنها حمایت می‌کنند.

روز جمعه ۱۷خرداد دانشجویان در نهمین روز این تحصن بیش از ۳هزار دانشجو به آن پیوستند و به‌رغم تهدیدهای رژیم آخوندی این تظاهرات با شعارهای ضدحکومتی ازجمله «بسیجی برو گمشو، «حراست برو گمشو» و هم‌چنین شعار اشرف نشان «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم» ادامه یافت. در این روز تعداد اعتصاب‌غذاکنندگان به ۱۷۰تن رسید. طی این ۹ روز عوامل رژیم آخوندی با اقداماتی نظیر قطع آب آشامیدنی، تهدید خانواده‌های دانشجویان، صدور احکام کمیته انضباطی برای ۸دانشجو، ایجاد اختلال در سیستمهای موبایل و اینترنت دانشگاه، سعی داشتند تحصن و اعتصاب دانشجویان را درهم بشکنند اما براثر مقاومت وپایداری اعتصابیون ناکام ماندند. رژیم آخوندی علاوه بر این تهدیدها، یکبار فرماندار خود در کرج را به محل اعتصابیون فرستاد تا آنان را وادار کند اعتصاب خود را پایان بدهند اما دانشجویان با «هو» کردن و اعتراض او را از دانشگاه بیرون کردند.

رئیس مزدور دانشگاه با کمک مزدوران بسیجی قصد ایجاد تفرقه در بین دانشجویان را داشت که این اقدام نیز به‌خاطر هوشیاری دانشجویان با شکست مواجه شد.

روز دهم دانشجویان با شعارهای «گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد» «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» تریبون آزاد برگزار کردند و در آن اعلام کردند تا رسیدن به خواستهایشان به تحصن و اعتصاب غذا ادامه خواهند داد.

دانشجویان در یک اقدام انساندوستانه، غذای خود را از سلف سرویس دانشگاه تحویل گرفته و آن را در محلات فقیرنشین کرج بین خانواده‌هایی که در فقر شدید به‌سر می‌برند، توزیع نمودند. مزدوران حراست دانشگاه سعی داشتند از این اقدام ممانعت به‌عمل آورند که با مقاومت دانشجویان، مجبور به عقب‌نشینی شدند. یکی از مزدوران که در سازماندهی و هماهنگی ارگانهای سرکوبگر علیه دانشجویان نقش عمده‌یی دارد فردی به نام مبشری می‌باشد که نماینده ولی‌فقیه ارتجاع در دانشگاه است. وی اقدام به برگزاری جلسات متعدد با مزدوران حراست، بسیج دانشجویی و سایر ارگانهای سرکوبگر در دانشگاه می‌کند و آنها را برای اقدامات سرکوبگرانه علیه دانشجویان توجیه می‌نماید.

حمایت دانشجویان پلی‌تکنیک و سهند از دانشجویان تربیت معلم

روز ۱۶ و ۱۷خرداد، دانشجویان دانشگاههای پلی‌تکنیک تهران و سهند تبریز با صدور بیانیه‌هایی، حمایت خود را از تحصن و اعتصاب دانشجویان دانشگاه تربیت معلم ابراز کردند.

دانشجویان دانشگاه سهند تبریز در بیانیه خود اعلام کردند: نیروهای امنیتی، حراست دانشگاه و عاملان و آمران اطلاعات دست در دست هم داده‌اند تا استواری، آزادگی، شجاعت و یگانگی یارانمان را خاموش کنند و در انجام این کار، از هیچ بی‌شرمی و لجن‌پراکنی دریغ نکردند و به طرق مختلف دست به تهدید و ارعاب و فشار زدند اما زهی خیال باطل... دانشجو در راه رسیدن به حقوق آزادی‌خواهانه‌اش خستگی‌ناپذیر است و جنان‌که یارها گفته‌ایم، ایثار نیز رسانّر در کنار یارانمان، در تربیت معلم فریاد می‌زنیم: «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم».

در بیانیه دانشجویان دانشگاه پلی‌تکنیک تهران نیز آمده است: «ما ضمن ابراز همبستگی با دانشجویان متحصن تربیت معلم، حمایت از مطالبات بر حقشان و تحسین استقامت و پایداری دانشجویان، برخوردهای تهدیدآمیز با دانشجویان را محکوم کرده و تأکید می‌کنیم ادامه فشار بر دانشجویان و سیاستهای سرکوبگرانه در دانشگاهها نتیجه‌یی جز افزایش پتانسیل اعتراضی دانشجویان نخواهد داشت».

روز ۱۸خرداد چهار هزار تن از دانشجویان با سر دادن شعارهای ضدحکومتی دهمین روز اعتصاب و تحصن خود را پشت سر گذاشتند.

در این روز مقاومت ایران از مجامع بین‌المللی خواستار محکوم‌کردن اعمال سرکوبگرانه رژیم آخوندی علیه دانشجویان اعتصابی گردید.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌یی در این باره اعلام کرد دانشجویان اعتصابی با سر دادن شعارهای: «گر تیر و فتنه بارد، جنبش ادامه دارد» و «دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» به اعتراض خود ادامه دادند...

مقاومت ایران از کلیه سازمانها و مجامع مدافع حقوق بشر و سندیکاها و اتحادیه‌های دانشجویی خواستار محکوم‌کردن اعمال سرکوبگرانه رژیم علیه دانشجویان گردید.

روز ۱۹خرداد دانشجویان با سر دادن شعارهای ضدحکومتی علیه فضای سنگین امنیتی و انتظامی که دراطراف دانشگاه ایجاد شده بود به اعتراض خود ادامه دادند. مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی و یگان ویژه قصد داشتند با یک درگیری ساختگی اعتصاب دانشجویان را درهم بشکنند و عدیمی را به زور به جلسه امتحان بکشانند اما دانشجویان موفق شدند این توطئه را خنثی کنند.

دانشجویان با تحریم قاطع جلسات امتحان که قرار بود روز یکشنبه ۱۹خرداد برگزار شود، توطئه رژیم آخوندی را که به این بهانه می‌خواست اعتصاب را درهم بشکند، نقش برآب کردند.

مأموران سرکوبگر رژیم آخوندی برای خاموش‌کردن صدای اعتراض دانشجویان، برق محوطه‌یی را که تحصن و اعتصاب در آن جریان دارد قطع کردند، اما دانشجویان با استفاده از بلندگوی دستی، پیام خود را می‌رساندند.

در این روز به‌دلیل گرمای شدید و ضعف ناشی از اعتصاب غذا حال چندتن از دانشجویان به وخامت گرایید و ۲۰ نفر از دانشجویان اعتصاب غذاکننده در بهداری خوابگاه دانشجویی بستری شدند.

در همین روز شماری از استادان دانشگاه تربیت معلم نیز به دانشجویان اعتصابی پیوسته و حمایت خود را از آنان اعلام کردند.

حمایت ۴۰انجمن دانشجویی

۴۰انجمن دانشجویی از دانشگاههای سراسر کشور، با صدور بیانیه‌یی از دانشجویان متحصن تربیت معلم حمایت نموده و تهدید کردند چنان‌چه به خواستهای آنها رسیدگی نشود، آنان نیز به اعتصاب و تحصن می‌پردازند.

در قسمتی از این بیانیه که روز ۱۸خرداد صادر شده، آمده است: ۹ روز از تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه تربیت معلم می‌گذرد و دانشجویان این دانشگاه شجاعانه تا رسیدن به تمامی مطالبات به حق خود ایستاده‌اند... بدین‌وسیله دانشجویان دانشگاههای کشور ضمن محکومیت اقدامات نیروهای امنیتی در واردکردن فشارهای روحی و جسمی به دانشجویان متحصن و با اعلام حمایت کامل خود از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، هشدار می‌دهند در صورت برآورده‌نشدن مطالبات همکلاسیهای خود در دانشگاه تربیت معلم، اقدامات عملی خود را در حمایت از آنان آغاز می‌کنند.

دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی تهران نیز طی بیانیه‌یی اعلام کردند: ما حمایت بی‌قید و شرط خود را از همه خواستهای هم‌کلاسیهای خود در تربیت معلم اعلام می‌کنیم و برخوردهای غیرانسانی و خشونت اعمال شده بر دانشجویان را محکوم کرده و حق هرگونه اعتراض و تجمع و تحصن را برای دانشجویان محفوظ می‌دانیم.

دانشجویان کرد دانشگاه اصفهان و کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه که خود نیز بیش از یک ماه است که در تحصن به‌سر می‌برند، طی بیانیه‌یی از تحصن و اعتراض دانشجویان دانشگاه تربیت معلم کرج حمایت کردند.

وحشت سران رژیم از سرنگونی

رفسنجانی: امروز خطر بزرگ در دنیای ما عدم ثبات و عدم امنیت است

رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت آخوندها، از موقعیت متزلزل حکومت آخوندی ابراز نگرانی کرد.

وی که در جلسه‌یی در مکه سخنرانی می‌کرد، گفت: «امروز خطر بزرگ در دنیای ما برای مسلمانها، عدم ثبات و عدم امنیت است. چیزی که دامن می‌زنند. مگر می‌شود توی یک منطقه‌یی که صدها هزار اشغالگر نظامی با نارگان جنگی حضور تهدیدکننده دارند، احساس امنیت کرد؟...

رفسنجانی به تهدید و دعاوی توسعه‌طلبانه نیز متوسل شد و گفت: «۲۰درصد ثروت جهانی در اختیار کشورهای مسلمان است و بهترین نقاط ثوق‌الجیش دنیا تنگه و آبراهها و بهترین جغرافیای روی کره زمین در قلمرو مسلمانها است. بازار عظیم، تولید عظیم، این مجموعه چرا باید در دنیا در مقابل استکبار و انحصارطلبها تسلیم باشد؟ ما نمی‌خواهیم زورگویی کنیم اما حق این است ما نمی‌توانیم به آسانی به دیگران واگذار کنیم(تلویزیون رژیم ۱۵خرداد۸۷).

رفسنجانی در سخنان دیگری در مکه، نسبت به تهدیدات داخلی ابراز نگرانی کرد و گفت: عوامل خارجی چندان در برهم خوردن نظام موفق نخواهند بود و باید استحکام درونی خود را حفظ کنیم و در مقابل تهدیدها، از ظرفیتها و فرصتهایی که داریم، استفاده کنیم. وی نسبت به پیامدهای نارضایتی و خشم مردم هشدار داد و گفت: اگر مردم این گونه تصور کنند که ما مسائل را برای خودمان مطرح می‌کنیم، ناامید می‌شوند و اگر احساس کنند ما با دین به‌صورت ابزاری برخورد می‌کنیم، به‌گونه‌یی دیگر عمل خواهند کرد(خبرگزاری رژیم ـ ایرنا ۱۷خرداد۸۷).

در همین حال باند مشارکت، باند مرتجعین شیاد نیز طی بیانیه‌یی که روز ۱۱خرداد منتشر کرد، نسبت به آینده حکومت آخوندی ابراز وحشت کرد و نوشت: وضعیت اقتصادی کشور، شرایط فعلی را نگران‌کننده ساخته است. در سایه آمارهای بانک مرکزی درباره تورم و با توجه به برخورداری از درآمد افسانه‌یی نفت در سه سال گذشته روزهای سختی برای اقتصاد ایران پیش‌بینی می‌شود. اگر به چالشهای پرونده هسته‌یی اعمال تحریمها و خشکسالی هم افزوده شود به جد باید نگران وضع اقتصادی کشور بود.

باند مرتجعین شیاد در بیانیه خود خطاب به باند ولی‌فقیه ارتجاع نوشت: ما به جد هشدار می‌دهیم که وضعیت اقتصاد ایران و بودجه عمومی دولت در مسیری بحرانی قرار گرفته است و در صورت ادامه این روند باید منتظر حوادث غیرقابل پیش‌بینی و خسارت بار بود.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

رژیم آخوندی ۱۱زندانی را در سحرگاه روز چهارشنبه اعدام می کند

روزنامه حکومتی اعتماد روز ۲۰خرداد از صدور احکام اعدام ۱۱زندانی که به‌تأیید دیوانعالی رژیم ملایان رسیده است، خبر داد. این ۱۱زندانی قرار است سحرگاه روز چهارشنبه ۲۲خرداد به‌دار آویخته شوند.

در بین ۱۱زندانی در انتظار اعدام، جوانی به‌نام بهنود شجاعی قرار دارد که هنگام ارتکاب جرم انتسابی نوجوان و ۱۷ساله بوده است. بهنود شجاعی بکبار دیگر در گذشته پای چوبه‌دار رفته بود، اما با یک مهلت یک ماهه از مرگ نجات یافته بود.

از سوی دیگر، روزنامه جمهوری اسلامی گزارش داد رژیم آخوندی یک زندانی را صبح روز ۳۰خرداد در زندان بجنورد اعدام کرد. دادستان رژیم در بجنورد درباره اعدام زندانی مذکور مدعی شد: این حکم به عنوان درس عبرتی برای افرادی است که امنیت اجتماعی جامعه را مخدوش می‌کنند.

رژیم جنایتکار آخوندی، عاجز از مقابله با امواج گسترده اعتصابات و اعتراضات اجتماعی کارگران، دانشجویان، زنان، معلمان و جوانان، برشدت سرکوب و اعدام در ایران افزوده است.

مقاومت ایران مجامع بین‌المللی حقوق بشر و ارگانهای ملل متحد را به‌محکوم کردن قاطعانه جنایات گسترده و ضدانسانی ملایان فرا می‌خواند و خواستار ارجاع پرونده نقض حقوق بشر رژیم آخوندی به‌شورای امنیت ملل متحد می گردد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۲۰خرداد۱۳۸۷ (۹ژوئن۲۰۰۸)

شکنجه و سرکوب

یک جوان ۱۶ساله که زیر شکنجه‌های وحشیانه عوامل رژیم مجبور به‌اعتراف به قتل شد در آستانه اعدام است

محمد فدایی، نوجوانی که در سن ۱۶سالگی به جرمی که مرتکب نشده، دستگیر و زندانی شد و قرار است به‌زودی اعدام شود، طی نامه سرگشاده‌یی اعلام کرد که در زیر شکنجه‌های وحشیانه مجبور به اعتراف به قتل شده است. در قسمتی از اعتراض نامه او آمده است: از روزی که پایم به آگاهی باز شد یا بهتر بگویم، رفتم که بگویم من هم شاهد دعوا بودم‌ام روزگار من به گونه‌یی دیگر ورق خورد و هزاران در پشت سرم بسته شد. مدتی را که در آگاهی به‌سر بردم‌ام از تلخترین روزهای زندگیم بود، روزهای تلخی که هر شب به‌مانند کابوسی به سراغم می آید. آن‌قدر شلاق و کتک خورده‌ام، آن‌قدر از سقف آویزانم کردند که دیگر امیدی به زنده‌ماندن نداشتم. هر که از راه می‌رسید من را می‌زد، همراه با ساوُک و قاتل شکنجه شدم. تا یکی از آن شبهای غیرقابل‌تحمل به ناچار گفتم هر چه بنویسید و هر چه بگویید امضا می کنم، نیم ساعت بعد کاغذی را جلویم گذاشتند. بدون آن‌که بدانم درون آن چیست و چه چیزی نوشته شده بود، مجبورم کردند آن را انگشت بزنم، خدا را شاهد می گیرم نه کلمه‌یی نوشتم و نه می‌دانم در آن کاغذ چه نوشته شده بود. روز بازپرسی نیز گفتند که من به قتل اعتراف کردم».

در قسمت دیگری از نامه این جوان زندانی آمده است: اکنون باردیگر در انتظار اجرای حکم هستم، دیگر از مرگ نمی‌ترسم، سالهاست که با آن زندگی کرده‌ام، سالهاست که قبل از خودم رؤیاهایم را دار زدند... هنوز نمی‌توانم باور کنم که تا چند روز دیگر باید بمیرم.

ابراز نگرانی از سرنوشت هفت زندانی سیاسی در شکنجه‌گاههای رژیم

سازمان عفو بین‌الملل طی بیانیه‌یی نسبت به سرنوشت هفت زندانی سیاسی که در زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم آخوندی محبوس هستند، ابراز نگرانی کرد.

براساس این بیانیه این زندانیان از هموطنان آذری هستند که در جریان اعتراضات امسال به‌مناسبت سالگرد قیام خرداد۱۳۸۵، در شهرهای مختلف دستگیر شدند.

عفو بین‌الملل اعلام کرد این زندانیان آذری در وضعیت وخیمی به‌سر می‌برند.

این سازمان هم‌چنین نسبت به مفقودشدن شماری از فعالان آذری ابراز نگرانی کرد.

افزایش فشار بر زندانیان شکنجه‌گاه دستگرد اصفهان

رژیم آخوندی فشار بر زندانیان در شکنجه‌گاه دستگرد اصفهان را شدت بخشیده است. روز ۵خرداد ۳تن از زندانیان به نامهای علی مولائی ۱۶ساله که از سن ۱۲سالگی در این زندان به‌سر می‌برد و مجید گلیایی ۲۱ساله را به بند قرنطینه منتقل کردند. نوجوانان و جوانان در این بند هیچ‌گونه امنیتی ندارند و توسط دژخیمان زندان، مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار می‌گیرند.

بنا به این گزارش طی چند هفته اخیر جیره غذایی زندانیان به لحاظ کمی و کیفی کاهش یافته است و اکثر زندانیان دچار سوءتغذیه هستند و در مقابل بیماریها آسیب‌پذیر می‌باشند. هم‌چنین مدتهاست که زندانیان ناچارند آب تصفیه‌نشده و آلوده به مواد نفتی را مصرف نمایند... تعداد زندانیان که در بندها نگهداری می‌شوند چند برابر ظرفیت و امکانات بندهاست و در برابر هر اعتراضی که از جانب زندانیان نسبت به شرایط حاکم بر بند روی دهد دژخیمان رژیم آخوندی آنها را به سلولهای انفرادی منتقل کرده و شکنجه می کنند. تاکنون تعدادی از زندانیان در اثر این شکنجه‌ها جان باخته‌اند.

ابراز نگرانی از سرنوشت یک دانشجوی دستگیر شده

یک دانشجوی ۲۱ساله به نام «ناهید کلهر» که توسط مأموران وزارت اطلاعات رژیم آخوندی در قم دستگیر شده در معرض خطر بدرفتاری و شکنجه قرار دارد. سازمان عفو بین‌الملل، با صدور اطلاعیه‌یی، نگرانی خود را نسبت به سرنوشت این دختر دانشجو ابراز نموده و اعلام کرد محل نگهداری او مشخص نیست و تماسی با خانواده یا وکیل خود ندارد. عفو بین‌الملل از اعضای خود در سراسر جهان خواست برای نجات جان این دختر دانشجو تلاش کنند.

ایجاد معاونت امنیتی در ۷استان کشور برای سرکوب

رژیم آخوندی در وحشت از اعتراضات و خیزشهای مردمی در تهران و ۷استان دیگر کشور معاونت امنیتی در استانداریها ایجاد کرده است. به‌گزارش خبرگزاری رژیم (ایرنا) در روز ۱۹خرداد۸۷، پاسدار علیرضا افشار، از معاونان وزارت کشور کابینه پاسدار احمدی‌نژاد، گفت: «بر اساس موافقت دولت، در استانهایی که مأموریتهای امنیتی در آن‌جا از حجم بیشتری برخوردار است، بخش امنیتی از معاونت سیاسی تفکیک و حوزه وظایف آنان نیز از یکدیگر تفکیک می‌شود. استانهای تهران، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و غربی، خراسان رضوی، خوزستان، کرمان و کرمانشاه استانهایی هستند که این کار در آنها صورت گرفته است.

در درگیری میان مردم پارس‌آباد مغان و مأموران جنایتکار نیروی انتظامی دو تن کشته شدند و شماری مجروح گردیدند

در جریان درگیری میان مردم پارس‌آباد مغان و مأموران جنایتکار نیروی انتظامی دو تن کشته شدند و شماری مجروح گردیدند. حال دو تن از مجروحان وخیم گزارش شده است. این درگیری عصر روز دوشنبه ۱۳خرداد در حالی رخ داد که مردم زحمتکش پارس‌آباد مغان علیه غصب زمینهایشان توسط ارگانهای نظامی رژیم اعتراض کردند. مأموران جنایتکار رژیم به سوی مردم آتش گشودند و باعث کشته و مجروح‌شدن شماری از آنان گردیدند. در وحشت از خشم و انزجار مردم، شورای تأمین شهر با حضور استاندار رژیم جلسه‌یی اضطراری تشکیل داد و دستور داد نیروهای امنیتی و انتظامی در نقاط مختلف شهر مستقر شوند. نیروهای یگان ویژه نیز از شهرهای مجاور به محل اعزام شدند. مأموران جنایتکار رژیم یک حکومت نظامی اعلام نشده در این شهر برقرار کردند. تعدادی از مردم پارس آباد مغان نیز توسط مأموران رژیم دستگیر شدند.

در کنفرانس مطبوعاتی نمایندگی شورای ملی مقاومت در انگلستان جزئیات تولید و ارسال گسترده بمبهای کنار جاده‌یی از سوی رژیم آخوندی به عراق افشا شد

حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت: اطلاعات به‌دست‌آمده توسط شبکه مجاهدین خلق در ایران بیانگر آنست که بیش از ۸۰درصد از سلاح و مهمات مورد استفاده در عراق توسط نیروی تروریستی قدس و سپاه پاسداران حکومت آخوندی تهیه و توزیع می‌شود.

لرد وادینگتون: رژیم ایران حداکثر تلاش خود را برای بی‌ثبات‌کردن عراق انجام داده است
لرد کوربت: سیاست دولت انگلستان در استمالت از آخوندها، راه دخالتهای مرگبار رژیم ایران در عراق را هموار کرده است. تنها راه مقابله با این تهدید بزرگ جهانی، حمایت از خواستهای دموکراتیک مردم ایران برای تغییر دموکراتیک در کشورشان است

در یک کنفرانس مطبوعاتی که از سوی دفتر نمایندگی شورای ملی مقاومت ایران در پارلمان انگلستان با حضور لرد کوربت، رئیس کمیته پارلمانی ایران آزاد در بریتانیا و لرد وادینگتون، وزیر کشور سابق انگلستان برگزار گردید، جزئیات مربوط به تولید و ارسال گسترده بمبهای کنار جاده‌یی از سوی رژیم آخوندی به عراق، افشا شد. در این کنفرانس حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، گفت: اطلاعات به‌دست‌آمده توسط شبکه مجاهدین خلق در ایران بیانگر آنست که بیش از ۸۰درصد از سلاح و مهمات مورد استفاده در عراق، توسط نیروی تروریستی قدس و سپاه پاسداران حکومت آخوندی تهیه و توزیع می‌شود.

کنفرانس مطبوعاتی لندن که روز ۲۱خرداد در محل پارلمان انگلستان برگزار گردید با سخنان لرد وادینگتون، وزیر کشور سابق انگلستان آغاز شد. وی گفت: رژیم ایران بر خلاف آن‌چه که وانمود می‌کند، هرگز خواهان یک عراق با ثبات نیست و حداکثر تلاش خود را برای بی‌ثبات‌کردن این کشور از طریق ارسال بمب و سلاح و به‌ویژه بمبهای کنار جاده‌یی که علیه نیروهای ائتلاف در عراق مورد استفاده قرار می‌گیرد، انجام داده است. تلاشهای ملایان برای بی‌ثبات‌نمودن عراق همگام با تلاشهای آنها جهت دستیابی به سلاح اتمی و تبدیل‌شدن به یک قدرت اتمی انجام می‌گیرد.

لرد وادینگتون اظهار داشت مدتهای مدیدی از این‌که رژیم حاکم بر ایران مقاصد اصلی و واقعی خود را آشکار کرده می‌گذرد ولی متأسفانه دولت ما براداده سیاست استمالت تأکید می‌ورزد.

اکنون که تمام تلاشها برای استمالت از ملایان با شکست روبه‌رو شده، ما باید تمام حمایت خود را نثار آنانی کنیم که برای تغییر این رژیم تلاش می‌کنند و بسیار جای تأسف دارد که سازمان مجاهدین خلق ایران در مسیر تلاشهای خود برای تحقق این تغییر با محدودیتهای قرارگرفتن در لیست تروریستی و ممنوعه‌شدن روبه‌رو بوده است. ولی کنفرانس امروز ما درحالی برگزار می‌شود که ما توانستیم موفقیت بزرگی به‌دست بیاوریم و این ممنوعیت خاتمه خواهد یافت و ما امیدواریم که در پی آن، ممنوعیت اتحادیه اروپا نیز که براساس لیست‌گذاری بریتانیا بوده، به‌زودی پایان یابد و دور نیست روزی که ما شاهد برقراری یک دموکراسی واقعی در ایران باشیم.

لرد وادینگتون در خاتمه افزود ما نباید هیچ فرصتی را برای افشای دخالتهای رژیم ملایان در عراق و خاورمیانه از دست بدهیم.

آن‌گاه حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، به تشریح جزئیات مربوط به تولید و ارسال گسترده بمبهای کنار جاده‌یی به عراق از سوی رژیم آخوندی پرداخت و گفت: اطلاعات به‌دست‌آمده توسط شبکه مجاهدین خلق در ایران، بیانگر آنست که بیش از ۸۰درصد از سلاح و مهمات مورد استفاده در عراق توسط نیروی قدس سپاه پاسداران تهیه و توزیع می‌گردد. در ماه مه سال۲۰۰۶، مقاومت ایران اطلاعات مشخصی از محل ساخت بمبهای جهت‌دار در گروه مهمات‌سازی سازمان صنایع دفاع (وابسته به وزارت دفاع ایران) در بخش صنعت ستاری در لویزان تهران را افشا نمود و امروز من می‌خواهم اطلاعات بیشتری در مورد سایر سایتهایی که در آنها بمبهای جهت‌دار کنار جاده‌یی تولید می‌گردد، در اختیار شما قرار دهم.

عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت در ادامه گفت: اخیراً نیروی قدس، تولیدات بیشتری از انواع بمبهای جهت‌دار با قدرت انفجاری بالاتر را به سازمان صنایع دفاع رژیم آخوندها سفارش داده است و فعالیتهای صنایع دفاعی رژیم در زمینه بمبهای جهت‌دار افزایش چشمگیری داشته است. به‌نحوی که اضافه بر کارخانه ستاری در لویزان تهران، در صنایع پارچین در جنوب تهران نیز ساخت و آزمایش انواع قوی‌تری از بمبهای جهت‌دار در جریان می‌باشد و انواع کشنده‌تر از بمبهای جهت‌دار، در پارچین در جنوب تهران تولید می‌شود.

حسین عابدینی در بخش دیگری از سخنانش به افشای برخی از شبکه‌های ارسال سلاح به عراق پرداخت و گفت درحال‌حاضر نیروی قدس از گروههایی که دارای روابط با سپاه پاسداران می‌باشند و همچنین از قاچاقچیان محلی برای واردکردن محموله‌های بمب و موشک و سایر سلاحها از طریق مناطق مرزی خوزستان، ایلام، کرمانشاه و کردستان، استفاه می‌کند. سازمان مجاهدین خلق ایران تاکنون توانسته است اطلاعات مربوط به ۵۱شبکه قاچاق و توزیع سلاح و مهمات در عراق را به‌دست‌آورده و افشا کند.

وی جزئیات مربوط به برخی از این شبکه‌ها ازجمله در العماره، بصره، بغداد و بدره ازجمله معابر رسمی و معابر قاچاق برای انتقال سلاح و مهمات به عراق را افشا کرد و افزود: همان‌طور که ملاحظه می‌کنید رژیم حاکم بر ایران به‌هیچ‌وجه قصد برقراری امنیت و آرامش در عراق را ندارد و در عوض مشغول طراحی حملات گوناگون علیه نیروهای ائتلاف، به‌منظور بیرون‌راندن آنها از عراق می‌باشد تا بتواند در پی آن یک رژیم بنیادگرای مطلوب خود را بر سر کار بیاورد.

پس از سخنان آقای عابدینی، لرد کوربت، رئیس کمیته ایران آزاد در پارلمان انگلستان، ضمن سخنانی سیاست استمالت اتخاذ شده از سوی دولت بریتانیا در قبال رژیم ایران را مورد حمله قرار داد و گفت ادامه سیاست استمالت توسط دولت بریتانیا، مسیر را برای دخالت مرگبار رژیم ایران در عراق هموار کرده است و تنها راه مقابله با این تهدید بزرگ جهانی حمایت از خواستهای دموکراتیک مردم ایران برای تغییر دموکراتیک در کشورشان است.

کنفرانس مطبوعاتی لندن با استقبال رسانه‌های انگلیسی و بین‌المللی روبه‌رو گردید.

حسین عابدینی

لرد وادینگتون و لرد کوربت

بازتاب کنفرانس مطبوعاتی مقاومت در رسانه‌های خبری

دیلی تلگراف: رژیم ایران دو و نیم میلیارد دلار به گروههای تروریستی می‌دهد تا نیروهای بریتانیایی را هدف قرار دهند

The Daily Telegraph

روزنامه دیلی تلگراف چاپ انگلستان در شماره ۲۱خرداد خود، باعنوان «رژیم ایران دو و نیم میلیارد دلار به گروههای تروریستی می‌دهد تا نیروهای بریتانیایی را هدف قرار دهند» گزارش مشروحی از افشاگری عابدینی در لندن، درج کرد و نوشت: این وجوه توسط خامنه‌ای، به نیروی قدس سپاه پاسداران تخصیص داده شده است. مبلغ واقعی بسا فراتر از این است.

دیلی‌تلگراف با اشاره به افشای اسامی و مشخصات ۳۱نفر از دست‌اندرکاران قاچاق سلاح به عراق توسط مقاومت ایران، نوشت: این افراد احتمالاً کسانی هستند که مورد حمایت شبه‌نظامیان بدر قرار دارند و احتمالاً در ارتباط نزدیک با فرماندهان بریتانیایی می‌باشند. افرادی که از آنها نام برده شده، ازجمله شامل فرمانده این شبه‌نظامیان در بصره می‌باشد. شبه‌نظامیان بدر، شاخه‌یی از مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق است.

دیلی‌تلگراف خاطرنشان کرد: سازمان مجاهدین خلق ایران ماه گذشته توسط دادگاه استیناف انگلستان از اتهام تروریسم تبرئه شد.

میدل ایست تایمز: رژیم ایران از ترور در عراق حمایت می‌کند

میدل ایست تایمز چاپ انگلستان در شماره ۲۲خرداد با عنوان «رژیم ایران از ترور در عراق حمایت می‌کند» گزارش مشروحی از افشاگری مقاومت ایران در لندن منعکس کرد و نوشت: شورای ملی مقاومت ایران جزئیات دقیق ۵۱ شبکه قاچاق تسلیحاتی را که بین ایران و عراق فعالیت می‌کنند افشا نمود.

این اطلاعات همراه با تصاویر ماهواره‌ای از سایتهای مخفی رژیم ایران بود.

حسین عابدینی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران، گفت: بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده توسط شبکه سازمان مجاهدین خلق ایران، نیروی قدس مسئول تهیه بیش از ۸۰درصد سلاح، مهمات و بمبهایی که در سراسر عراق مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌باشد.

اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راه را برای تصویب چهارمین قطعنامه علیه رژیم هموار کرد

اجلاس فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از روز دوشنبه ۱۳خرداد تشکیل شده بود به بررسی برنامه اتمی رژیم آخوندی پرداخت. این اجلاس با حضور ۳۵عضو این شورا در وین پایتخت اتریش برگزار شد. در این اجلاس، محمد البرادعی، مدیر کل آژانس، گزارش سالانه خود را ارائه داد و درباره برنامه اتمی رژیم آخوندی گفت: «جای تأسف دارد که ما در رابطه با یک موضوع اصلی باقیمانده یعنی سؤالات مربوط به بعد نظامی برنامه هسته‌یی ایران پیشرفتی نداشته‌ایم. مطالعات مربوط به تولید سلاح هسته‌یی به‌عنوان یک موضوع نگران‌کننده جدی باقیمانده است. این، ازجمله موضوعاتی است که شورای امنیت از آژانس خواسته است تا آن را روشن سازد.

البرادعی به این طریق یکبار دیگر از رژیم آخوندی خواست پروتکل الحاقی را امضا کند و به تمامی سؤالات و ابهامات مربوط به برنامه هسته‌یی‌اش پاسخ بدهد.

خبرگزاری فرانسه اظهارات البرادعی را تند توصیف کرد. روزنامه وال استریت ژورنال نیز در این باره نوشت اگر تاکنون آژانس برای به چالش‌طلبیدن رژیم ایران، پشت سر آمریکا و سایر کشورهای غربی حرکت می‌کرد، الان جلودار این مسأله شده است، چرا که رژیم ایران همکاری لازم را به عمل نیاورده است.

تأثیرات اجلاس شورای حکام

در حال حاضر، مرجع اصلی تصمیم‌گیری در مورد برنامه اتمی رژیم آخوندی، شورای امنیت است که تا کنون سه قطعنامه علیه رژیم صادر کرده است. اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌یی، بررسی فنی و تکنیکی برنامه هسته‌یی رژیم ایران را به‌عهده دارد و کار آن به‌طور بلافصل بر روی قطعنامه‌های شورای امنیت تأثیر دارد. به‌همین دلیل این اجلاس که در پایان ضرب الاجل ۴ماهه شورای امنیت به رژیم برگزار شده بود، حائز اهمیت زیادی بود. در این اجلاس دو بیانیه شدیداللحن توسط اعضای شورای حکام علیه رژیم صادر شد. یکی از این دو بیانیه به ابتکار ریاست اتحادیه اروپا (عضو شورای حکام) و قطعنامه دوم توسط نمایندگان تروئیکای اروپا بود.

ریاست اتحادیه اروپا به نمایندگی از ۲۷عضو این اتحادیه در بیانیه خود که روز چهارشنبه ۱۰خرداد صادر شد، نسبت به اصرار رژیم ایران بر ادامه برنامه اتمی و خودداری از پاسخ به سؤالات و ابهامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ابراز نگرانی کرد و از این رژیم خواست، تمام اطلاعات باقیمانده در مورد برنامه اتمی خود را به آژانس تحویل بدهد.

در این بیانیه آمده است: پاسخگویی شفاف به سؤالات و ابهامات آژانس عنصر مهمی در مشخص‌کردن ماهیت برنامه هسته‌یی رژیم ایران است... اتحادیه اروپا بر نگرانیهای آژانس درباره احتمال ابعاد نظامی در برنامه‌های هسته‌یی رژیم ایران تأکید می‌کند.

بیانیه دیگری نیز توسط تروئیکای اروپا یعنی فرانسه، انگلستان و آلمان صادر شد. در این بیانیه نیز ضمن محکوم‌کردن عدم همکاری رژیم ایران با آژانس، از رژیم خواسته شده «تمام اطلاعات ضروری در مورد برنامه هسته‌یی خود، ازجمله افراد، اسناد و تأسیسات را در اختیار آژانس قرار دهد.

در این بیانیه تصریح شده است تنها راه برای «مشخص‌کردن ماهیت برنامه هسته‌یی رژیم ایران» ارائه این اسناد از سوی رژیم ایران به آژانس است. به تأیید کارشناسان غربی، صدور دو بیانیه شدیداللحن در یک اجلاس علیه رژیم آخوندی، امر بیسابقه‌یی بوده است.

موضع کشورهای عضو پیمان عدم‌تعهد علیه رژیم

موضوع جدیدی که در جلسه شورای حکام به‌چشم می‌خورد موضعگیری کشورهای عدم‌تعهد علیه رژیم بود. خبرگزاری فرانسه روز ۱۶خرداد در این‌باره نوشت: این تنها کشورهای غربی نبودند که از رژیم ایران خواسته به ابهامات برنامه اتمی خود پاسخ بدهد. بلکه در این اجلاس کشورهای عضو پیمان عدم‌تعهد مثل کوبا، هند و آفریقای جنوبی که معمولاً از رژیم ایران حمایت می‌کردند این‌بار به کشورهای غربی پیوستند و خواستار پاسخگویی رژیم ایران شدند. عبدالصمد مبتی، سفیر آفریقای جنوبی، طی اطلاعیه جداگانه‌یی ابراز نگرانی کرد که بعد از این همه سال فعالیت آژانس در ایران هنوز این نهاد قادر نیست روی برنامه اتمی ایران نتیجه‌گیری کند و این نشان می‌دهد که آن‌قدر مصالح یا فعالیتهای اتمی اعلام‌نشده اتمی در ایران زیاد است که این آژانس در موضعی نیست که ماهیت کامل برنامه اتمی ایران را مشخص سازد.

به این ترتیب اجلاس شورای حکام آژانس این بار به صحنه جدیدی از اتوای رژیم آخوندی تبدیل شد و با توجه به مسائلی که در طی این اجلاس گذشت، بیش از پیش راه برای تصویب قطعنامه چهارم تحریمها هموار شد.

موضع رژیم در اجلاس شورای حکام

علی‌اصغر سلطانیه، نماینده رژیم در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، موضع رسمی آخوندها را اعلام کرد و گفت به خواست شورای امنیت مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم گردن نمی‌گذاریم.

رژیم آخوندی به جای پاسخگویی به سؤالات و ابهامات، به ویژه در رابطه با ابعاد نظامی برنامه‌اش، یک گزارش ۳۰صفحه‌یی را بین اعضای شورای حکام آژانس توزیع کرد و اعلام کرد تمامی اتهامات علیه ایران جعلی و بی‌اساس هستند و کسی هم نیاز به اثبات آنها ندارد.

خبرگزاری فرانسه در روز ۱۶خرداد۸۷ به نقل از دیپلوماتهای غربی نوشت: جزوه ۳۰صفحه‌یی رژیم ایران بیشتر یک برگه تبلیغاتی بود. این رژیم باید به جای این اقدامات به سؤالات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پاسخ مادی بدهد.

آهنود حسن روحانی، نماینده خامنه‌ای در شورایعالی امنیت رژیم نیز گفت: «آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌یی درحال قرارگرفتن در یک مسیر انحرافی است و این مسأله به ضرر آژانس تمام می‌شود... ایران آن‌چه سؤالات مربوط به آژانس بوده را پاسخ داده است و این‌که یک یا دو کشور ادعاهایی را مطرح کنند و به گفته خودشان "مسائل، مطالعات و موارد ادعایی" این معنی ندارد» (خبرگزاری رژیم- ایرنا ۱۵خرداد۸۷).

حمایت کشورهای درحال توسعه از خواست آژانس

علاوه بر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌یی، کشورهای در حال توسعه نیز از تحقیقات سازمان ملل در مورد احتمال دستیابی رژیم ایران به بمب اتمی حمایت کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه در روز ۱۵خرداد۸۷ این کشورها در این زمینه به غرب پیوستند و وزن خود را پشت اقدامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای وادار کردن ایران به روشنگری در مورد اطلاعات فعالیتهایش در زمینه ساخت بمب اتمی قرار دادند... یک دیپلومات ارشد غربی که در جلسه محرمانه این کشورها حضور داشت به رویتر گفت: «تقریباً هر هیأت نگرانی جدی در رابطه با این موضوع را یادآوری کرد.

اکثریت زیادی از ایران خواستند تا غنی‌سازی را تعلیق نماید و اجازه بازرسیهای ناگهانی گسترده را بدهد و شفافیت بیشتری در رابطه با امکان ابعاد نظامی این فعالیتها مهیا کند...»

برنامه هسته‌یی رژیم ایران در صدر مسائل مورد بحث در سفر رئیس‌جمهور آمریکا به اروپاست

جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا روز دوشنبه ۲۰خرداد، سفر دوروبی خود به کشورهای اروپایی را آغاز کرد. بنا به گفته تحلیلگران، این سفر که ۸روزه است، آخرین سفر بوش به اروپا، قبل از ترک کاخ سفید است. اولین مقصد جرج بوش، لوبلیانا، پایتخت اسلوونی در کنفرانس سالانه سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا به میزبانی دیمیتریچ رویل، ریاست کنونی اتحادیه اروپاست. سپس او عازم آلمان، ایتالیا، فرانسه و بریتانیا خواهد شد و با رهبران این کشورها ملاقات خواهد کرد.

بنابه گفته رسانه‌ها و مقامات آمریکایی، مسأله برنامه هسته‌یی رژیم ایران در صدر مسائلی که رئیس‌جمهور آمریکا با مقامهای اروپایی مطرح خواهد کرد قرار دارد. تلویزیون فاکس نیوز روز ۱۹خرداد در این باره گفت: رئیس‌جمهور آمریکا طی مدتی که در اروپا خواهد بود با متحدان خود در مورد وضعیت رژیم ایران گفتگو خواهد کرد. او امیدوار است که بتواند قبل از ترک کاخ سفید، تحریمهای سخت‌تری را در مورد این رژیم، اعمال کند.

استفن هدلی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز تصریح کرد موضوع رژیم ایران در صدر گفتگوهای جرج بوش خواهد بود.

بوش قبل از ترک واشینگتن در مصاحبه با شبکه تلویزیونی رای ایتالیا بر لزوم توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم ایران تأکید کرد. از رئیس‌جمهور آمریکا در این مصاحبه سؤال شد که آیا گزینه نظامی برای مقابله با رژیم ایران هم‌چنان مطرح است. بوش پاسخ مثبت داد و گفت «اری، چنین است!... من در این سفر، مدام در مورد خطرهای یک ایران هسته‌یی، صحبت خواهم کرد... جهان آزاد باید کاری کند که رژیم ایران از غنی‌سازی دست بکشد». بنا به اظهارات مقامات دولتی و محافل سیاسی و مطبوعاتی فشار بیشتر بر رژیم ایران به‌عنوان خواست اصلی بوش در دیدار با سران اروپایی معرفی شده است.

روزنامه تایمز لندن روز ۲۰خرداد در این باره نوشت: اولویتهای جرج بوش در سفر به اتحادیه اروپا، همکاری برای افزایش فشارهای اقتصادی و دیپلوماتیک به رژیم ایران برای متوقف‌کردن فعالیتهای هسته‌یی رژیم می‌باشد. تایمز افزود: «به جای نگرانی در قبال احتمال یک حمله نظامی علیه رژیم ایران به‌دلیل جاه‌طلبیهای هسته‌یی آن، باید علیه این رژیم دست به عمل زد. یعنی رژیم ایران را قاطعانه زیر فشار سیاسی و اقتصادی قرار داد تا این خطر برطرف شود».

خبرگزاری فرانسه نیز روز ۲۰خرداد گزارش داد: جرج بوش در جریان سفر هشت روزه خود به کشورهای اروپایی مشتاق است اتحادیه اروپا را متقاعد کند، اقدامات بیشتری را برای متوقف کردن نقل و انتقال پول از طریق بانکهای رژیم ایران، انجام دهند. در بیانیه مشترکی که قرار است بعد از اجلاس روز سه‌شنبه سران اروپا و آمریکا، تحریمهای بیشتری را علیه رژیم ایران در نظر می‌گیرند. در این بیانیه مشترک آمده است: ما تحریمهای جاری ملل متحد علیه رژیم ایران را «به‌طور کامل و مؤثر به اجرا در خواهیم آورد و آماده‌ایم که این تحریمها را با اقدامات بیشتری، تکمیل کنیم».

در بیانیه مذکور هم‌چنین آمده است: رژیم ایران باید در زمینه ماهیت برنامه هسته‌یی خود به‌طور کامل شفاف باشد. ما به کار با یکدیگر از جمله از طریق گروههای کاری ملی ادامه می‌دهیم تا اقداماتی به‌عمل آوریم که بانکهای رژیم ایران نتوانند از سیستم بانکی بین‌المللی برای پشتیبانی از تکثیر سلاحهای کشتار جمعی و تروریسم سوءاستفاده کنند.

بویدن گری، فرستاده ویژه آمریکا در اتحادیه اروپا، گفت: «فعالیتهای بانکهای رژیم ایران ممکن است محدود شوند».

آمریکا خواهان آن است که اتحادیه اروپا، با متوقف‌کردن فعالیتهای شعبه‌های بانک ملی ایران در هامبورگ، لندن و پاریس، علیه این بانک دست به اقدام بزند. اروپاییها هم برای آمادگی کوده‌اند تا موضع سخت‌تری در قبال نهادهای مالی رژیم ایران اتخاذ کنند.

موضعگیری قاطع کاندیداهای ریاست‌جمهوری آمریکا علیه رژیم

سناتور جان مک کین: رژیم ایران حامی اصلی تروریسم در جهان است

سناتور جان مک کین، کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا از حزب جمهوریخواه، رژیم ایران را حامی اصلی تروریسم در جهان دانست و بر ضرورت برخورد قاطع با جاه‌طلبیهای هسته‌یی این رژیم و دخالتهای آن در کشورهای منطقه، تأکید کرد. جان مک کین گفت: «در درجه نخست، تهدیدی وجود دارد که از جانب رژیم تهران می‌باشد. این (رژیم)، حامی حماس و حزب‌الله است. رهبری رژیم ایران به کرات از خشونت استفاده کرده تا به رونق صلح خاورمیانه ضربه بزند. این رژیم شبه‌نظامیان در عراق را آموزش داده، حمایت مالی کرده و تجهیز نموده است؛ این رژیم حامی اصلی تروریسم در جهان است و ثبات تمامیت خاورمیانه را از بصره تا بیروت مورد تهدید قرار می‌دهد.

کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا نسبت به جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم ایران نیز هشدار داد و گفت: اصرار رژیم تهران بر دستیابی به سلاح هسته‌یی، ریسکی غیرقابل قبول و تهدیدی از ایجاد می‌کند که ما نمی‌توانیم اجازه بپذیرد آن را بدهیم. رژیمی که جری شده و به سلاح اتمی دست یافته برای حمایت از حملات تروریستی علیه هر دشمنی، آزادی عمل خواهد داشت. عدم‌تبعیت این رژیم از معاهده منع گسترش سلاح هسته‌یی، می‌تواند ترکیه، مصر، عربستان سعودی و سایرین را به پیوستن به یک مسابقه تسلیحاتی ترغیب کند. جان مک‌کین هرگونه مذاکره با رئیس‌جمهور رژیم آخوندی را یک اشتباه تاریخی دانست و گفت: دولتهای زیادی تلاش کردند با رژیم ایران گفتگو کنند و هیچ‌یک بیش از دولت کلینتون برای این کار تلاش نکرد اما رژیم ایران تمامی پیشنهادات را رد کرد. به جای آن‌که ما بخواهیم بدون پیش شرط با رئیس‌جمهور رژیم ایران و یا ولی‌فقیه آن بنشینیم و گفتگو کنیم، باید فشارهای جهانی را علیه این رژیم افزایش دهیم. مک‌کین بر ضرورت اعمال تحریمهای اقتصادی و دیپلماتیک بر رژیم ایران تأکید کرد و گفت: ایجاد محدودیت سخت بر واردات بنزین رژیم ایران، موجب ایجاد فشار بلادرنگ بر روی خامنه‌ای و احمدی‌نژاد خواهد شد. سناتور مک کین بر اعمال تحریمهای گسترده‌تر از سوی آمریکا بر رژیم تأکید کرد و افزود: من خوشبختم که از لایحه نامگذاری سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی حمایت کردم. سناتور مک کین گفت: مردم ایران، مردم بزرگ و متمدنی هستند و از تروریستهایی که سران رژیم حاکم مورد حمایت قرار می‌دهند، حمایت نمی‌کنند. هیچ‌یک از آنها خواهان تهدید دیگر کشورها با استفاده از سلاح هسته‌یی نیستند. سیاست آمریکا باید همواره امید آنها برای یک جامعه آزادتر و منصفانه‌تر را بازتاب کند. جان مک کین به دخالتهای گسترده رژیم آخوندی در لبنان و عراق نیز اشاره کرد و هشدار داد: نیروهای ما در عراق، تحت استراتژی جدید ژنرال پتریوس پیشرفت زیادی داشته اند... اگر به نیروهای ما فرمان یک عقب‌نشینی زودرس داده شود، ما ریسک (وقوع) یک نسل کشتی و (پدید آمدن یک) کشور شکست خورده را در مرکز خاورمیانه پذیرفته‌ایم... این امر باعث دخالتهای بیشتر از سوی همسایگان عراق خواهد شد، ازجمله یک ایران به‌غایت جری‌شده! ما نباید اجازه وقوع چنین چیزی را بدهیم. ما نباید منطقه را در هرج و مرج، در خشونتهای تروریستها و جنگی گسترش یافته ترک کنیم» (فاکس نیوز ۱۳خرداد۸۷).

سناتور باراک اوباما، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا: هدف من حذف تهدید و خطر رژیم ایران است که خطری بزرگ و واقعی است

سناتور باراک اوباما، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا از حزب دموکرات، اعلام کرد هیچ تهدیدی بزرگتر از تهدید رژیم ایران برای صلح و ثبات منطقه نیست. وی تصریح کرد: هدف من حذف تهدید و خطر رژیم ایران است که خطری بزرگ و واقعی است.

اوباما که در اجلاس‌ایک AIPAC سخنرانی می‌کرد با اشاره به تهدیدات رژیم ایران، آن را یک چالش استراتژیک برای آمریکا و نسلهای آینده دانست و تأکید کرد که با گروههای تروریستی هم‌چون حماس هیچ‌جایی برای مذاکره وجود ندارد» (خبرگزاری فرانسه ۱۵خرداد۸۷).

وزیر خارجه آمریکا: ضروری است جامعه جهانی برای به چالش‌کشیدن رژیم ایران به‌پا خیزد

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، گفت: «اگر حاکمان رژیم ایران فکر می‌کنند بهترین راه برای پیشرفت منافع ملی‌شان از طریق تزور، تقلب و دروغگویی است، فقط اتوای خود و بهایی که باید بپردازند را عمیقتر می‌کنند. رژیم ایران به دلیل سیاست اقتصادی متورم و ورشکسته، و ایدئولوژی بی‌اعتبار خود در مقابل فشار خارجی آسیب‌پذیر است. ضروری است شرکای ما در اروپا و نقاط دیگر جهان با شدت بیشتری از این آسیب‌پذیری استفاده کنند و هزینه دیپلوماتیک، سیاسی، مالی و اقتصادی بیشتری را به این رژیم تحمیل نمایند. وی افزود: به‌خاطر صلح، جهان نباید به رژیم ایران اجازه دهد بمب اتمی داشته باشد.

کاندولیزا رایس خواستار افزایش تحریمها علیه رژیم ایران برای متوقف‌کردن فعالیتهای هسته‌یی آن شد.

وی اعلام کرد: قبل از این که رژیم ایران از خواستهای شورای امنیت ملل متحد مبنی بر متوقف‌کردن غنی‌سازی اورانیوم، متابعت کند، با این رژیم مذاکره نخواهد کرد.

رایس گفت: ایالات متحده کشورهای جهان را برای حمایتی از رژیم ایران گردهم می‌آورد. ضرورت است جامعه جهانی برای به چالش کشیدن این رژیم به‌پا خیزد.

وزیر خارجه آمریکا هم‌چنین گفت رژیم ایران از شبه‌نظامیان در عراق حمایت می‌کند» (خبرگزاری فرانسه ۱۴خرداد۸۷).

سخنگوی نیروی چندملیتی در عراق، جزئیات جدیدی از کشف سلاح و مهمات ساخت رژیم ایران را اعلام کرد و از این رژیم خواست اقدامات خرابکارانه خود در عراق را متوقف کند

ژنرال کوین برگنر، سخنگوی نیروی چندملیتی در عراق، جزئیات جدیدی را از کشف سلاح و مهمات ساخت رژیم ایران اعلام کرد و از این رژیم خواست اقدامات خرابکارانه خود در عراق و حمایت از گروههای ویژه را متوقف کند. وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی تصریح کرد رژیم ایران نقش مخربی در عراق دارد و مستمراً سلاح و مهمات به گروههای ویژه می‌رساند. وی افزود: ما به تلاش خود برای تحت تعقیب قرار دادن گروههای ویژه که از رژیم ایران آموزش می‌گیرند ادامه می‌دهیم. ما برای برقراری حاکمیت قانون، تمرکز خود را روی مقابله با گروههای ویژه وابسته به رژیم ایران قرار می‌دهیم.

ژنرال کوین برگنر با ارائه بیلانی از کشف انبارهای ساخت سلاح رژیم ایران گفت: روز ۲۷ماه مه (۷خرداد۸۷) در دو منطقه سلاحهای متعلق به گروه ویژه کشف شد که شامل ۱۱بمب ضدزره، ۲۵۰گلوله خمپاره، موشکهای ایرانی با کالیبر ۱۲۰میلیمتری و ۵۰کیلو مواد منفجره و بیش از ۱۰هزار فشنگ بود.

در شهرک صدر ۹٤مخفیگاه سلاح کشف شد که حاوی بمب و مواد منفجره بودند. دو مخفیگاه سلاح در مسجدی قرارداشت و بخشی دیگر از سلاحها شامل بیش از ۹۵موشک و گلوله خمپاره و ۷بمب ضدزره و سکوی پرتاب موشک و همچنین مواد برای ساخت مواد منفجره در این انبارها کشف شد. در یک مدرسه در بصره مقادیر زیادی سلاح و مهمات کشف شد که شامل موشکهای زمین به زمین، بمبهای ضدزره، گلوله‌های خمپاره و انواع مهمات بود.

از سوی دیگر، فرمانده ناوگان پنجم آمریکا رژیم ایران را از اقدامات تحریک‌آمیز در منطقه برحذر داشت.

کوین کاسگریف گفت ما اجازه نخواهیم داد کشتیهایمان مورد حمله قایقهای کوچک رژیم ایران قرار گیرند. ما در سی سال گذشته فعالیتها و قابلیتهای نیروی دریایی رژیم ایران و نیروی دریایی سپاه پاسداران را زیر نظر داشتیم.

وی با اشاره به کشته‌شدن افراد نیروی دریایی آمریکا در حملات قایقهای کوچک در گذشته گفت: ماتوره‌ای قایقهای تندرو در مسیر کشتیهای آمریکا و انداختن اشیاء در و این اقدامات می‌تواند به وضعیت جدی‌تری منتهی شود (تلویزیون العراقیه ۱۵خرداد۸۷).

ارتش آمریکا روز ۱٦خرداد نیز با صدور بیانیه‌یی اعلام کرد دو تن از فرماندهان شبه‌نظامیان شیعی وابسته به رژیم ایران را در یکی از مناطق جنوب بغداد دستگیر کرده است. یکی از دستگیرشدگان در تهاجم علیه نیروهای آمریکایی در عراق و قاچاق سلاح از ایران به عراق دست داشته است.

روزنامه الشرق‌الاوسط ۱۷خرداد نوشت: نیروهای امنیتی عراق در عملیاتی با حمایت نیروهای آمریکا، نفر شماره دو حزب‌الله لبنان را در شهرک صدر بغداد، دستگیر کردند. از سوی دیگر ارتش عراق اعلام کرد: حزب‌الله لبنان، در آموزش تروریستها و شبه‌نظامیان افراطی شیعی در عراق، نقش مهمی ایفا می‌کند.

روز ۱۸خرداد ارتش آمریکا اعلام کرد مقادیر قابل توجهی سلاح از جمله موشکها و سلاحهای ضد هوایی را در عراق کشف و ضبط کردند. بسیاری از سلاحها ساخت رژیم ایران است. در بیانیه ارتش آمریکا آمده است مجموعه انبارها و زاغه‌های مهمات کشف شده به ۱۰۰مورد می‌رسد.

ژنرال جان کمپبل، معاون فرمانده عملیات منطقه‌یی از ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، گفت: رژیم ایران از گروههای ویژه و شبه‌نظامیان در عراق حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کند.

وی روز ۱۵خرداد در یک کنفرانس مطبوعاتی در وزارت دفاع آمریکا در پاسخ به سؤالی درباره دخالتهای رژیم ایران در عراق و حمایت از شبه‌نظامیان گفت: ما هم‌چنان بمبهای کناره جاده‌یی پیدا می‌کنیم. ما می‌دانیم که گروههای ویژه، اگر حمایت مالی و تدارکاتی رژیم ایران را نداشتند، نمی‌توانستند بمبهای کناره جاده‌یی را بسازند (سایت وزارت دفاع آمریکا ۱۵خرداد۸۷).

انفجار یک خودرو حامل موشک متعلق به مزدوران رژیم آخوندی در منطقه الشعب بغداد دهها کشته برجای گذاشت

انفجار یک خودرو حامل موشک متعلق به مزدوران رژیم آخوندی در منطقه الشعب بغداد، فاجعه آفرید و به کشته‌شدن دهها نفر از مردم غیرنظامی منطقه منجر شد. نیروهای آمریکایی اعلام کردند: موشکهایی که ظهر روز چهارشنبه در منطقه الشعب بغداد منفجر شد ساخت رژیم ایران بوده است.

یک افسر آمریکایی روز ۱۵خرداد به تلویزیون البغدادیه گفت: این انفجار هنگامی صورت گرفت که یک خودرو جنایتکاران که سکوی موشکی حمل می‌کرد، قصد حمله موشکی به یک پایگاه نیروهای آمریکایی را داشت ولی موشکها در محل منفجر شده و تعداد زیادی از مردم بیگناه کشته شدند. وی ضمن نشان دادن عقیه یک موشک به‌جامانده از این انفجار گفت: این عقیه موشکی است که منفجر شده تهران خواستار آن است که آمریکا هرچه زودتر از عراق خارج شود تا خود بتواند آنچه را که پیروزی خود در جنگ عراق توصیف میکند، به‌دست آورد.

در انفجار جنایتکارانه موشک در یک منطقه مسکونی که منطقه و سیعی را با خاک یکسان کرد عده زیادی از مردم بر اثر انفجار به قتل رسیدند و عده‌یی در زیر آوار ماندند و جان خود را از دست دادند.

سفر مالکی به ایران بی‌نتیجه بود و هیچ دستاوردی برای آخوندها نداشت

یک مقام سابق آمریکایی گفت ایالات متحده در دورکردن مالکی از رژیم ایران نسبتاً موفق بوده است

دخالتهای رژیم ایران در عراق و هراس آخوندها از چرخش تعادل در منطقه علیه رژیمشان در کانون گفتگوهای سران رژیم با مالکی قرار داشت

تلویزیون سی.ان.ان روز ۲۰خرداد گزارش داد نوری مالکی به ایران رفته است تا در مورد اوضاع امنیتی و اتهاماتی مبنی بر این که رژیم ایران به تسلیح شبه‌نظامیان شیعه در عراق کمک می‌کند با آنها گفتگو کند. خصوصاً شبه‌نظامیانی که علیه نیروهای آمریکایی دست به حمله می‌زنند و جان آنها را به خطر می‌اندازند.

سی.ان.ان سپس با عدنان پاچه‌چی، وزیر خارجه اسبق عراق و عضو پارلمان این کشور مصاحبه‌یی در این باره ترتیب داد و پرسید: آیا دولت نوری مالکی در این باره با رژیم ایران قاطعانه برخورد کرده است؟

عدنان پاچه‌چی گفت: آنها باید بسیار قاطعانه برخورد کنند، زیرا (رژیم) ایران در امور عراق دخالت می‌کند و به‌داخل عراق و به گروههای مختلف سلاح و سایر تجهیزات انفجاری قاچاق می‌کند. به‌نظر من این اقدامات (رژیم ایران باید متوقف شود. من ایمیدوارم که مالکی در سفر خود به ایران کاملاً تصریح کند که همه عراقیها از همه احزاب و گروهها بشدت مخالف تلاشهای (رژیم) ایران در دخالت در اوضاع داخلی کشورشان هستند.

در همین روز هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق نیز در یک گفتگوی اختصاصی با رادیو آزادی گفت: هیأت عراقی به سرپرستی نوری مالکی در سفر به ایران تمام نگرانیها و بیم و هراسهای عراق در مورد دخالت در امور داخلی عراق را با طرف ایرانی مطرح می‌کند.

دکتر ایاد علاوی نخست‌وزیر پیشین عراق نیز روز ۲۰خرداد در مصاحبه با العربیه گفت: ایمیدوارم در سفر مالکی به تهران درباره موضوع روابط بین شفاف و تهران به‌طور شفاف گفتگو شود. مداخله رژیم ایران در عراق هم‌چنان ادامه دارد و اظهارات زیادی در این خصوص مطرح شده است، رژیم ایران قطعاً در منطقه و در رأس آن در عراق دخالت دارد.

سفر مالکی بی‌نتیجه بود

مفسرین و رسانه‌ها سفر نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق به ایران را بی‌نتیجه و بدون دستاورد برای رژیم آخوندی دانستند و تصریح کردند که دولت آمریکا توانسته است مالکی را از این رژیم دور کند.

روزنامه تایمز مالی چاپ انگلستان روز ۲۰خرداد طی تفسیری درباره سفر مالکی به تهران اعلام کرد نخست‌وزیر عراق در دیدار خود اتهامات مربوط به حمایت از شبه‌نظامیان عراقی را مطرح کرده است. یک مقام برجسته سابق گفت ایالات متحده در دور کردن مالکی از رژیم ایران نسبتاً موفق بوده است.

در همین روز تلویزیون العربیه گزارش داد: رژیم ایران از سفر نوری مالکی چیزی به دست نیاورد. به‌نظر می‌رسد تضمینی که نخست‌وزیر عراق به مقامات ایرانی داد که از خاک عراق برای تهدید امنیتی علیه ایران استفاده نخواهد شد آنها را قانع نکرده و باعث نشده که موضعشان را در مخالفت با توافقنامه درازمدت بین بغداد و واشینگتن که مورد گفتگوست عوض کنند.

العربیه افزود: دیدار نخست‌وزیر عراق از تهران برای ایرانیها آن چیزی را که انتظارش داشتند را به همراه نداشت، زیرا که یک تضمین قطعی مبنی بر امضاناکردن توافقنامه امنیتی با واشینگتن به‌دست نیاوردند. در مقابل عراق نیز یک موضع قاطع از طرف ایران حول بقیه مسائل فی‌مابین به‌دست نیاورد.

پاتریک کلاوسون، از انستیتو سیاستهای خاورمیانه واشینگتن، روز ۲۰خرداد طی مصاحبه‌یی با تلویزیون الجزیره درباره سفر نوری مالکی، گفت: رژیم ایران کسانی را که علیه دولت مالکی عمل می‌کنند مجهز کرده، تأمین مالی نموده و آموزش داده است. در سه ماه گذشته مالکی تصمیم گرفت با آمریکاییان کار کند و نیروهای شبه‌نظامی شیعه را که در گذشته توسط ایران حمایت می‌شدند شکست داد. در دیدار مالکی از تهران شاهد بودیم که دولت ایران الان می‌داند که دولت مالکی قدرتمندتر شده است. آمریکا می‌خواهد دولتی قدرتمندتر در بغداد برسر کار باشد و به‌همین دلیل با مالکی کار می‌کند.

روزنامه واشینگتن‌پست ۲۰خرداد طی تفسیری درباره سفر مالکی به تهران، مواضع رژیم ایران در قبال قرار داد امنیتی میان آمریکا و عراق را مداخله‌جویانه توصیف کرد و نوشت: امکان ندارد که تضمینهای نوری مالکی به ایرانیان، موضع آنها را در قبال قراردادامنیتی تغییر دهد. رژیم ایران تلاش می‌کند تا عراق به محلی برای تهاجم علیه خودش تبدیل نشود به همین دلیل در صدد ممانعت از انعقاد قرارداد بین عراق و آمریکا می‌باشد.

سی.ان.ان: هرگونه توافق امنیتی میان آمریکا و عراق به هیچ‌وجه به نفع رژیم ایران نیست

تلویزیون سی.ان.ان روز ۲۱خرداد گزارش داد: برای نوری مالکی متقاعدکردن رژیم ایران که پیمان همکاری امنیتی میان بغداد و واشینگتن تهدیدی علیه کشورهای همسایه عراق نیست، کار دشواری بود. تا آن‌جا که به‌نظر می‌رسد، نخست‌وزیر عراق در این سفر نتوانست موفقیتهایی در این جهت کسب کند.

رژیم ایران نگرانی عمیقی نسبت به این پیمان ابراز داشته است... گزارشگر سی.ان.ان گفت: ...اگر هدف نخست‌وزیر عراق از سفر به ایران این بوده که آب‌ها را متقاعد کند توافق میان واشینگتن و بغداد که انعقاد آن تا پایان ماه جاری الزامی است، تهدیدی علیه آنها نیست، موفقیت چندانی نداشته است. زیرا حقیقت این است که هرگونه توافق امنیتی میان آمریکا و عراق به هیچ‌وجه به نفع رژیم ایران نیست... تهران خواستار آن است که آمریکا هرچه زودتر از عراق خارج شود تا خود بتواند آنچه را که پیروزی خود در جنگ عراق توصیف میکند، به‌دست آورد.

گزارشگر سی.ان.ان افزود: شکی نیست که حضور نیروهای آمریکایی تا سالهای متمادی در عراق ادامه خواهد داشت. تنها یک واقعه فاجعه‌بار می‌تواند این روند را تغییر دهد. حتی اگر آمریکا متعهد شود که هیچ پایگاه دائمی در عراق نداشته باشد، چه مدت طول خواهد کشید تا این هدف برآورده شود، کسی نمی‌داند. نه بغداد و نه تهران این موضوع را نمی‌دانند. آن‌چه که این‌جا مهم است، آینده عراق است. این نشان می‌دهد که آیا آمریکا در جنگ عراق در مقابل تهران، طرف پیروز بوده یا طرف بازنده.

مالکی یک پرونده سری درباره دخالتهای رژیم ایران با خود به‌همراه برد

تلویزیون سی.ان.ان در روز ۲۰خرداد طی گزارش دیگری گفت: نوری مالکی در سفر به تهران یک پرونده سری را با خود برده بود این پرونده حاوی اتهامات مقامات آمریکایی در مورد دخالتها و فعالیتهای رژیم ایران در عراق بود. رژیم ایران همواره گفته است حضور نیروهای آمریکایی باید خاتمه یابد و اشغال این کشور باید پایان پذیرد. خامنه‌ای رهبر رژیم ایران، بر این سیاست در سفر نوری مالکی به تهران تأکید کرد. ولی امضای پیمان میان بغداد و واشینگتن سند گویایی از این خواهد بود که در حقیقت چه کسی برنده جنگ عراق بوده است. جنگی که میان نفوذ واشینگتن و تهران در عراق جریان دارد.

عراق تبدیل به صحنه درگیری میان رژیم ایران و آمریکا شده است

اسامه نجفی، نماینده پارلمان از فراکسیون ملی عراق، رژیم ایران را یک رژیم متجاوز توصیف کرد و گفت عراق تبدیل به صحنه درگیری میان رژیم ایران و آمریکا شده است بنابراین دیدار مالکی از ایران دستاورد جدیدی نداشته است. وی گفت پرداختن به تجاوزات رژیم ایران در عراق برای دولت امکانپذیر نیست زیرا که اینکار عمل را بدست ندارد. موضوع، خیلی بزرگتر از این است دولت عراق بتواند مانع تجاوزات ایران بشود، زیرا رژیم ایران و آمریکا در عراق با هم درگیر هستند (تلویزیون البغدادیه ۲۰خرداد۸۷).

خامنه‌ای خواستار خودداری عراق از امضای قرارداد امنیتی با آمریکا شد

به گزارش تلویزیون روز در روز ۲۰خرداد، خامنه‌ای، ولی‌فقیه ارتجاع، در دیدار با نخست‌وزیر عراق خواستار خودداری عراق از امضای قرارداد امنیتی با آمریکا شد و گفت: «قطعاً خواب آمریکاییها برای عراق تعبیر نخواهد شد». تلویزیون رژیم گفت: «خامنه‌ای در دیدار با آقای نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق و هیأت همراه، مشکل اصلی کنونی عراق را حضور نیروهای اشغالگر دانست و تأکید کرد: «بوجودآمدن سخن و حرکت واحد در عراق موفقیت بزرگی است اما، این وحدت کلمه دشمنانی دارد که در واقع دشمنان دولت و ملت عراق هستند... این که یک عامل خارجی بخواهد به تدریج در همه امور عراق دخالت کند و سلطه خود را بر شئون مختلف این کشور گسترش دهد مهمترین مانع در راه پیشرفت و سعادت ملت عراق خواهد بود».

هشدار رهبران و شخصیتهای سیاسی عراق نسبت به تقلب در انتخابات شوراهای استان

دبیرکل حزب امت: رژیم ایران میلیونها دلار به نیروهای وابسته به خود داده است تا در انتخابات استانداریها به‌پیروزی برسند

رهبران و شخصیتهای سیاسی عراق نسبت به تقلب در انتخابات شورای استانها در عراق هشدار دادند و خواستار نظارت دقیق کشورهای عربی و سازمان ملل متحد بر این انتخابات گردیدند. انتخابات شوراهای استانی قرار است اول اکتبر امسال برگزار شود.

دکتر ایاد علاوی، نخست‌وزیر پیشین عراق، روز ۱٦خرداد، در مصاحبه با تلویزیون بغدادیه گفت: در انتخابات قبلی تقلب زیادی صورت گرفت و تعداد زیادی از ما کشته شدند. ما ۱۳شهید وصدها نفر زندانی دادیم. من برای همه سران کشورهای عربی و آمریکا و سازمان ملل نوشتم و هشدار دادم که اگر این‌بار، انتخابات نظارت جدی نداشته باشد در عراق فاجعه رخ خواهد داد.

وی گفت: دو سال است که این دولت هیچ کاری برای مردم نکرده است و گامی در جهت آشتی ملی بر نداشته است. مردم در حال کوچ هستند و خدماتی در عراق وجود ندارد.

علاوی با اشاره به دخالتهای رژیم ایران در عراق، گفت: در عراق از ابتدا اشتباهات استراتژیکی صورت گرفته است. اشتباه اول این بود که نهادهای دولتی را منحل کردند. اشتباه دوم فرقه‌گرایی و اشتباه سوم سکوت در مقابل دخالتهای کشورهای همسایه است که درحال‌حاضر کاری انجام شده محسوب می‌شود.

دکتر صالح مطلق، دبیرکل جبهه گفتگوی ملی عراق نیز گفت: اگر در این انتخابات تقلب شد همه باید بدانند که این کار به‌مثابه تیر خلاص بر دموکراسی در عراق محسوب می‌شود، دیگر دموکراسی در نزد عراقیان پایان می‌یابد و سمت دیگری خواهند گرفت. وی که روز ۱٦خرداد با تلویزیون ابوظبی گفتگو می‌کرد افزود: همه به این انتخابات، امید بسته‌اند زیرا که برخی از جریانهای سیاسی از اشتباه قبلی یعنی کشیده‌شدن عراقیان به‌سمت فرقه‌گرایی پشیمان شده‌اند ولی مردم عراق بیشتر پشیمان هستند و می‌خواهند از این وضعیت دردناکی که به‌سمت آن کشیده شده‌اند، رها شوند. همه از تقلب مجدد و تکرار تجربه قبلی وحشت دارند. ما در تماس مستمر با نمایندگی سازمان ملل در عراق و دیگر نیروهای سیاسی هستیم تا این تقلب را مهار کنیم. برخی احزاب مذهبی که طی این مدت خودشان را سازمان داده‌اند، برای تقلب آماده هستند.

دبیرکل جبهه گفتگوی ملی عراق، درباره هم‌پیمانی خود با دیگر گروهها گفت: ما با برادر ایاد علاوی، با شوراهای بیداری و برادر احمد ابورپشه و با نیروهای محلی در استانها گفتگوهایی داریم که با هم وارد انتخابات بشویم و تلاش می‌کنیم در یک لیست مشترک وارد انتخابات شویم.

دکتر ندیم جابری، سخنگوی هیأت تدارک جبهه نیروهای ملی و مردمی عراق نیز نسبت به تقلب در انتخابات شوراهای استانی هشدار داد و خواستار نظارت کشورهای عربی و جامعه بین‌المللی بر این انتخابات شد. وی در گفتگو با الشرقیه گفت میزان و درصد تقلب در انتخابات آینده به‌دلیل عدم وجود نظارت بی‌طرفانه بر آن، ممکن است بیشتر از آن‌چه در انتخابات گذشته رخ داد باشد. ندیم جابری هشدار داد در صورتی که در انتخابات آینده تقلبی صورت گیرد، پیامدهای منفی خطرناکی به‌دنبال خواهد داشت.

به‌گزارش تلویزیون الشرقیه در روز ۱٤خرداد۸۷، مثال الآلوسی، نماینده پارلمان عراق و دبیر کل حزب امت این کشور نیز اعلام کرد که رژیم ایران، میلیونها دلار به نیروهای شیعی وابسته به خود داده است تا در انتخابات استانداریها که در ماه اکتبر برگزار می‌شود، عناصر وابسته به این رژیم به پیروزی برسند.

نخست‌وزیر پیشین عراق، برضرورت اقدام سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب برای پایان‌دادن به دخالتهای رژیم ایران در عراق تأکید کرد

دکتر ایاد علاوی، نخست‌وزیر پیشین عراق، برضرورت اقدام سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب و سایر مجامع بین‌المللی برای پایان‌دادن به دخالتهای رژیم ایران در عراق تأکید کرد. وی روز ۱۳خرداد در مصاحبه با تلویزیون الشرقیه با اشاره به دخالتهای رژیم ایران در عراق، گفت: متأسفانه تضعیف عراق در جریان جنگ و بروز خلأ سیاسی و امنیتی و اداری در عراق، کشورهای منطقه را به دخالت در امور داخلی عراق وا داشت که البته این دخالت با به‌خاطر ترس از موجودیت خودشان بود یا این که می‌خواستند از جیب عراق به نفع خودشان توسعه‌طلبی کنند. با کمال تأسف در چنین شرایطی عراق به صحنه تصفیه حساب بین رژیم ایران و آمریکا تبدیل شد و این چیزی است که بسیاری از مقامهای عراقی به آن اعتراف کرده‌اند. ما معتقدیم این موضوع با یک دیدگاه روشن استراتژیکی که موضوعات را تحت نظارت یک مرجع بین‌المللی یعنی سازمان ملل و با حضور اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی و شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای همسایه تعیین تکلیف می‌کند، حل می‌شود. متأسفانه دولت عراق تا کنون به آن مبادرت نورزیده و به‌همین‌خاطر یک روز مهم می‌کند و یک روز هم پس می‌گیرد و صحنه را برای نزاع ایران و آمریکا در عراق آماده گذاشته است.

ایاد علاوی تأکید کرد: هیچ راه‌حلی جز راه حل عراقی برای عراق وجود ندارد. یعنی راه حل عراقی در تهران یا واشینگتن و یا دمشق و یا هیچ جای دیگری نمی‌باشد.

نخست‌وزیر پیشین عراق به تلاشهایی که برای آشتی ملی در عراق صورت می‌گیرد، اشاره کرد و گفت: ما اجلاس مهمی متشکل از جریانات ملی و مردمی عراق و سندیکاها، عشایر، سازمانهای مدنی و برخی شخصیتهای سیاسی برگزار کردیم. این اجلاس به تشکیل کمیته مهمی جهت زمینه‌سازی برای برگزاری کنگره‌یی گسترده از نیروهای مردمی و ملی عراق راه برد. این اجلاس همچنین توانست یک طرح ملی متشکل از ۹ ماده را متبلور کند که این طرح محور تشکیل دهنده این ائتلاف می‌باشد. ارتباطات هم‌چنان برای پیوستن نیروهای بیشتری به آن در جریان است و گسترش پیدا می‌کند. طبعاً ریاست کمیته آماده‌سازی با یکی از برادران شناخته‌شده یعنی برادر دکتر ندیم الجابری می‌باشد. در این کمیته گروهی از برادران از طیفهای مختلف مردم عراق شرکت دارند.

دبیرکل جبهه گفتگوی ملی عراق: رژیم ایران عامل اصلی ایجاد خشونت و قتل در عراق است

دکتر صالح مطلق، دبیرکل جبهه گفتگوی ملی عراق رژیم ایران را عامل اصلی ایجاد خشونت و قتل در عراق دانست و خواستار خلع ید از این رژیم در عراق شد. وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی، با اشاره به وجود اسناد انکار ناپذیر دخالت رژیم ایران در عراق گفت: نوری مالکی باید با صراحت تمام از این دخالتها صحبت کند، بویژه اینکه تمام سلاحهایی که در عراق یافت می‌شوند ساخت رژیم ایران می‌باشند.

صالح مطلق از رژیم ایران خواست تا به آموزش شبه‌نظامیان عراقی در ایران پایان دهد و خاطرنشان کرد که این اقدامات، به سود رژیم ایران و دولت فعلی عراق نخواهد بود. تلویزیون الحره ۱۷خرداد۸۷).

رئیس شورای بیداری استان الانبار عراق در دیدار با جرح بوش از وی خواست مانع دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق شود

شیخ احمد ابورپشه رئیس شورای بیداری استان الانبار عراق، در دیدار با جرح بوش رئیس‌جمهور آمریکا، از وی خواست تا مانع دخالت رژیم ایران در امور داخلی عراق شود. وی روز ۱۵خرداد طی گفتگویی با تلویزیون العربیه گفت: رئیس‌جمهور آمریکا بر حمایت از عراق برای خروج از بحران فعلی و هم‌چنین بر ضرورت پاکسازی جنوب عراق از عوامل رژیم ایران و پایان دادن به دخالتهای این رژیم تأکید کرد. شیخ احمد ابورپشه که چند روز است در واشینگتن به سر می‌برد، برضرورت پایان دادن به فرقه‌گرایی و سهمبندی نژادی و مذهبی در عراق تأکید کرد.

دروغپردازی مسخره تلویزیون آخوندها

از سوی دیگر تلویزیون رژیم آخوندی(سحر) روز ۲۱خرداد در یک دروغپردازی مسخره که حاکی از غیظ و کین افسار گسیخته رژیم نسبت به مجاهدین و مقاومت ایران است، از کشف ۲۵جسد در غرب شهر بعقوبه عراق خبر داد که به ادعای رژیم توسط مجاهدین و نیروهای آمریکایی به قتل رسیده‌اند.

تلویزیون آخوندها گفت: «جسد ۲۵عراقی که چند روز قبل مفقود شده بودند در غرب بعقوبه کشف شد. با توجه به نزدیک‌بودن پایگاه گروه تروریستی منافقین از محل کشف این اجساد و تمرکز نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه، پلیس عراق مشغول تحقیق است که آیا قاتلان این ۲۵نفر، نیروهای گروه منافق هستند یا افراد مسلح آمریکایی.

مداخلات رژیم در سایر کشورها

توپ‌باران مناطق مرزی کردستان عراق توسط رژیم آخوندها ادامه دارد

دولت منطقه کردستان عراق از دولت مرکزی این کشور خواست تا علیه توپ‌باران مستمر در مناطق مرزی عراق توسط رژیم ایران موضع‌گیری کند. رژیم ایران روز ۱٤خرداد روستاهای مرزی در منطقه حاجی عمران از شهرستان چومان در شمال شرق اربیل را توپ‌باران کرد. شاهدان گفتند در اثر این توپ‌باران، بسیاری از روستائیان مجبور شدند خانه و کاشانه خود را ترک کنند و آواره شوند (تلویزیون الرافدین ۱٤خرداد۸۷).

روز ۱۵خرداد مجدداً روستاهای کردستان عراق توسط رژیم توپ‌باران شد. جبار یاور، سخنگوی رسمی نیروهای مرزبان عراقی در شمال عراق، در این‌باره به خبرگزاری فرانسه گفت توپ‌باران ۵ روستا دو نفر مجروح بر جای گذاشت. خسارات زیادی به مزارع وارد شده و دامهای زیادی تلف شدند. وی افزود مناطق توپ‌باران‌شده نزدیک شهر سیدصادق ۲ساعت به‌طول انجامید. این اولین‌بار است که این منطقه توسط رژیم ایران توپ‌باران می‌شود (خبرگزاری فرانسه ۱۵خرداد۸۷).

توپ‌باران مناطق مرزی کردستان عراق، توسط رژیم ایران، روز چهارشنبه نیز ادامه داشت. منابع امنیتی خبر دادند شهرستان سیدصادق، واقع در استان سلیمانیه عراق، صبح روز چهارشنبه، آماج توپ باران رژیم ایران قرار گرفت که دو تن ازشهروندان در این توپ‌باران مجروح شده‌اند.

به‌گزارش تلویزیون بغدادیه در روز ۱۵خرداد، نماینده پارلمان عراق از استان سلیمانیه، از وزارت خارجه عراق خواست تا از رژیم ایران بخواهد توپ‌باران را متوقف کند. تاکنون بیش از ۲۰۰خانواده از روستاهای کوههای قندیل در شهرستان قلعه‌دیزه، آواره گردیده‌اند.

روستاهای مرزی استان سلیمانیه صبح روز جمعه نیز مورد تهاجم توپخانه سنگین رژیم ایران قرار گرفت.

جبار یاور سخنگوی نیروهای گارد منطقه کردستان عراق گفت دو روستای کوکو و خندور که در دامنه کوههای قندیل در شمال شرقی سلیمانیه قرار دارند توسط توپخانه سنگین رژیم ایران توپ باران شدند(تلویزیون بغداد ۱۷خرداد۸۷).

تلویزیون رافدین عراق روز ۱۸خرداد خبر داد: در آستانه سفر مالکی نخست‌وزیر عراق به تهران، رژیم ایران در یک تجاوز آشکار به حاکمیت عراق، روستاهای واقع در دامنه کوه قندیل را توپ‌باران کرد. استمرار این توپ‌باران بررسی میزان تلفات را مشکل کرده است.

گوشه‌یی از چپاول و دزدیهای نجومی سران رژیم افشا شد

ـ در جریان درگیری باندهای درونی رژیم آخوندی، عباس پالیزدار دبیر هیات تحقیق و تفحص مجلس از دستگاه قضاییه آخوندها گوشه‌یی از دزدیهای سرسام‌آور، نجومی و بی‌نظیر در تاریخ دزدی وچپاول بالاترین سران رژیم آخوندی نظیر رفسنجانی، ناطق نوری، واعظ طبسی، عسگراولادی، محمد یزدی، امامی کاشانی، خزعلی و مواردی از تسویه حسابهای جنایی در درون حکومت آخوندی را برملا کرد و نشان داد که تمامی درگیریهای درون- باندی رژیم برسر چپاول بیشتر و برای قدرت بیشتر است.

ـ در اعترافات پالیزدار از جمله به این موارد اشاره شده است: تصاحب صادرات چوب جنگلهای شمال توسط حمید یزدی فرزند آخوند یزدی، دریافت صدها دستگاه خودرو از شرکت ایران‌خودرو توسط ناطق نوری، ۱۱۰۰ مورد قاچاق کالا از فرودگاه پیام توسط فردی که از سوی ناطق نوری حمایت می‌شد، تصاحب ۱۲ معدن از جمله معدن ذغال سنگ طبس توسط واعظ طبسی نماینده خامنه‌ای در استان خراسان و تصاحب یک سوم جزیره کیش توسط خانواده رفسنجانی.

ـ در اعترافات پالیزدار از جمله به این موارد اشاره شده است: تصاحب صادرات چوب جنگلهای شمال توسط حمید یزدی فرزند آخوند یزدی، دریافت صدها دستگاه خودرو از شرکت ایران‌خودرو توسط ناطق نوری، ۱۱۰۰ مورد قاچاق کالا از فرودگاه پیام توسط فردی که از سوی ناطق نوری حمایت می‌شد، تصاحب ۱۲ معدن از جمله معدن ذغال سنگ طبس توسط واعظ طبسی نماینده خامنه‌ای در استان خراسان و تصاحب یک سوم جزیره کیش توسط خانواده رفسنجانی.

در جریان درگیری باندهای درونی رژیم آخوندی، عباس پالیزدار دبیر هیات تحقیق و تفحص مجلس از دستگاه قضاییه آخوندها گوشه‌یی از دزدیهای سرسام‌آور، نجومی و بی‌نظیر در تاریخ دزدی وچپاول بالاترین سران رژیم آخوندی نظیر رفسنجانی، ناطق نوری، واعظ طبسی، عسگراولادی، محمد یزدی، امامی کاشانی، خزعلی و مواردی از تسویه حسابهای جنایی در درون حکومت آخوندی را برملا کرد و نشان داد که تمامی درگیریهای درون- باندی رژیم برسر چپاول بیشتر و برای قدرت بیشتر است.

در اعتراف عباس پالیزدار از ٤٤ نفر و از جمله ۹ تن از سران رژیم در پرونده‌های مفاسد اقتصادی نام برده شده از جمله: تصاحب صادرات چوب جنگلهای شمال توسط حمید یزدی فرزند آخوند یزدی، دریافت صدها دستگاه خودرو از شرکت ایران‌خودرو توسط ناطق نوری، ۱۱۰۰ مورد قاچاق کالا از فرودگاه پیام توسط فردی که از سوی ناطق نوری حمایت می شد، تصاحب ۱۲ معدن از جمله معدن ذغال سنگ طبس توسط واعظ طبسی نماینده خامنه‌ای در استان خراسان و تصاحب یک سوم جزیره کیش توسط خانواده رفسنجانی و ...

وی همچنین به سقوط مشکوک دو هواپیمای حامل کاظمی از فرماندهان سپاه پاسداران و دادمان وزیر راه و ترابری در جریان درگیریهای باندی اذعان کرد. بخشهایی از این اعترافات که درجریان جلسه‌یی در دانشگاه بوعلی سینای همدان صورت گرفته است، در زیر می‌آید:

عباس پالیزدار:کسانی که مردم پشت‌سرشان نماز می‌خوانند، رفته‌اند این کارها را کرده‌اند

«پس از بارها نامه نگاری...تحقیق و تفحص پس از دستیابی به کدهایی به جاهایی رسیده و فجایعی را که اتفاق افتاده در جمهوری اسلامی دیدیم...، این همه مصیبتها مردم کشیدند. حالا بدون توجه به این همه فقر و مصیبتها و مشکلاتی که مردم دارند، کسانی که مردم پشت‌سرشان نماز می‌خوانند، رفته‌اند این کارها را کرده‌اند».

چرا ما می‌توانیم با مفاسد اقتصادی برخورد کنیم چون سران بزرگ مملکت در این رابطه دخیل هستند. اگر بخواهم فقط چند پرونده کوچک مفاسد اقتصادی را بگویم آن وقت می‌بینید که چه مصیبتی کشور را گرفته است و به‌خاطر بعضی مسائل رهبر باید به صورت سربسته به مردم بگوید که در کشور چه خبر است.

کسانی که به عنوان مفسد اقتصادی در کشور در حال فعالیت هستند تحت حمایت شاهرودی رئیس قوه قضاییه قرار دارند. وقتی طی ۱۶ سال گذشته پرونده‌هایی از مفاسد اقتصادی بررسی شده و مدیران به دادگاه معرفی و دادگاه حکم ۵ ریال ۱۰ ریال برای متهمان داده، ببینید چه مصیبتی بر سر کشور آمده است.

پرونده شهرام جزایری هم که مطرح شد، مانند هزاران پرونده مفاسد اقتصادی دیگر است، ولی چون شهرام جزایری اسامی یکسری مفاسد اقتصادی و افراد وابسته را اعلام کرد مورد ضرب و شتم قرار گرفت چرا که منافع بسیاری از علما و سران به خطر افتاده بود.

در حال حاضر ۱۲۳ پرونده مفاسد اقتصادی کشور در کمیته تحقیق و تفحص مجلس در دست بررسی است ولی اگر بخواهیم پرونده واقعی مفاسد اقتصادی را بیان کنیم، اصلا نمی‌توانیم باور کنیم.

خلاصه ما فجایعی که اتفاق افتاده در جمهوری اسلامی را دیدیم. خلاصه دیدم که یک آقایی آمده و نامه داده که پسرش معلول نیست. گفته می‌خواهم یک مؤسسه توانبخشی بزنم که پسرم هم برود در آن مؤسسه توانبخشی، دم دست خودم باشد. ۱۰۰ تا، ۲۰۰ تا، ۳۰۰ تا معلول را نگهداری کنیم در آنجا، پسرم هم مسئول آنها باشد. گفتند: باشد، خدا پدرت را بیامرزد. مؤسسه را که ثبت کرده و کارش را استارت زده، نامه زده به آقای [...] گفته که من ساپورت نیاز دارم، نمی‌توانم خرج کنم که، باید نظام به ما کمک کند. چه‌کار کنیم؟ فلان معدن را، معدن سنگ ده‌بید فارس را بدهید به این آقا. آقا این سنگ مرمر بهترین سنگ مرمر دنیاست، ۲ بله، بدهیدش به من. معامله انجام شد و این معدن را به این آقا واگذار کردند. دوباره بعد از یک مدت گفت آقا من معدن کافی نیست، معدن [...] زنجان را هم بدهید به ما. چهار تا را که ما پیدا کردیم، چهار تا معدن را یک آقایی از علما گرفته، که مردم هم پشتش نماز می‌خوانند متأسفانه.

[یکی از حاضر خواستار اعلام اسم فرد می‌شود] اگر اجازه بدهید، [اعتراض جمعی دانشجویان] من چند موردی را اسامی‌اش را می‌گویم. این یکی که عرض کردم، آقای امامی کاشانی است.

هاشمی رفسنجانی — آخوند امامی کاشانی — آخوند ناطق نوری — آخوند محمد یزدی

مهدی هاشمی رفسنجانی — عسگر اولادی — آخوند واعظ طبسی — محسن رفیق‌دوست

تصاحب صادرات چوب جنگلهای شمال توسط فرزند آخوند یزدی

پالیزدار در قسمت دیگری از سخنرانی خود گفت:

«عرض شود خدمتتان که، یک دانشکده‌یی را رفقاتان از مقام معظم رهبری اجازه‌اش را گرفته‌اند که برای خواهران دانشکده علوم قضایی می‌خواهیم بزنیم در قم. چیز خوبی است که خواهران هم در آن قضا حضور داشته باشند، اگر متهمی از خواهران [یود] از باز بخواهیم کنند و از این حرفهای اینطوری. خلاصه نظر آقا را گرفتند که این دانشکده تأسیس شود. آقا استقبال کردند و مجوز صدور دانشکده را، دستورش را دادند. موضوع این دانشکده بلافاصله بعد از گرفتن مجوز رفتند دنبال ساپورتهای مالی‌اش. نوشتند، جناب آقای نعمت‌زاده، محبت فرمایید در جهت حمایت از تأسیس این دانشکده، کارخانه لاستیک دنا را کارشناسی کنید جهت این دانشکده. آوردند کارشناسی رسمی دادگستری را، چون آقایانی که این مؤسسه را تأسیس کرده بودند در دستگاه قضایی هم بودند، آن کارشناسان رسمی دادگستری هم می‌ترسیدند که قیمتی تعیین کنند که به اینها بر بخورد، حتماً باید قیمتی می‌گفتند که خوش به حال اینها بشود. زدند ۱۲۶ میلیارد. در صورتی که ما معتقدیم ۶۰۰ میلیارد هم بالاتر بود. تازه ۱۲۶ میلیارد که ویلاهایش در شمال را نزده‌اند، اصلا در آمار ناوارده‌اند، زمین‌های شیرازش را در آمار ناوارده‌اند، پول نقد موجود در حسابش را هم در آمار ناوارده‌اند، این طوری به ۱۲۶ میلیارد واگذاری کردند.

این که عرض کردم لاستیک دنا، مال آقای یزدی بود - آقای محمد یزدی رئیس قوه قضاییه در زمان رایستش و آقای محمدعلی شرعی نماینده خیرگان استان قم.

عباس پالیزدار افزود: «آن آقا نامه نوشت که آقای نعمت زاده، محبت کنید تخفیف منظور فرمایید. آقای نعمت زاده هم نوشتند ۵۰ درصد تخفیف، از مال بایایش می خواست ببخشد. دوباره نوشتند که محبت کنید تخفیف منظور بفرمایید.

خلاصه پنج بار نامه‌نگاری انجام شده، معدن ۱۲۶ میلیاردی به ۱۰ میلیارد واگذار شد. بعد از آن دوباره نوشتند که ما حالا امکان پرداخت این پول را نداریم، ترتیباتی فراهم نمایید تا امکان پرداخت این پول برای ما فراهم شود. نوشتند که ۸۰ درصدش را اقساط بلند مدت و ۲۰ درصد یعنی دو میلیاردش را هم نقدی پرداخت کنید. گفتند ما آن دو میلیارد را هم نداریم نقدی بدهیم، ما بررسی کرده‌ایم که اموال کارخانه لاستیک دنا به این مقدار می رسد، از شما مهلت می‌خواهیم که اینها را بفروشیم تا بتوانیم این پول را بدهیم. گفتند که باشد، سفته‌ای ارائه بدهید به مدت نه ماه و ما این را نقد از شما می‌پذیریم، گفتند آقا پول هم نداریم یا سفته بخریم! نوشت که آقای محمد تقی بانکی، مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران، ۴۳ میلیون تومان از صندوق سازمان صنایع ملی ایران برداشت کنید و سفته بخرید، بروید آیت‌الله فلانی و فلانی امضا کنند و کارخانه را تحویلشان بدهید. و بعد از چند روز دیدیم که کارخانه هم در بورس فروخته شد و واگذار شد به آن پشت پرده‌یها که اینها را هدایت می‌کنند. اینها آلوده دست آنها شده‌اند... این که عرض کردم لاستیک دنا، مال آقای یزدی بود، آقای محمد یزدی، رئیس قوه قضاییه؛ در زمان ریاست اش.

مجدداً آقای یزدی برمی‌دارد می‌نویسد که جناب آقای فروزش، حمید، ما یکجار است! ترتیبی اتخاذ فرمایید که از جنگلهای شمال جهت صادرات چوب بهره‌مند گردد. آقای حمید یزدی، پسر آقای یزدی، مدیرکل حوزه ریاست قوه قضاییه بود در آن مقطع. و متأسفانه جنگلهای شمال را [این طوری] به تاراج بردند و رفتند...»

عباس پالیزدار در ادامه این جدال باندی علیه چپاولگران رقیب، افزود:

«ایران خودرو می‌آید به دستگاه قضایی اعلام می‌کند که ما به همه قاضیها ماشین [کارشناسی] می‌دهیم، ماشین پرشیا می‌دهیم و زیر قیمت. خب چه‌جوری؟ این ماشین کارشناسی است، ما هم تشخیص می‌دهیم که اینها را ۸ تومان، ۹ تومان بدهیم. دیدیم که کارخانه ایران خودرو بدون هیچ ضابطه‌یی به قضات قوه قضاییه ماشین پرشیا به نصف قیمت داده، بقیه‌اش را هم به اقساط، خیلها هم که ماشین به نامشان شد قسطها را هم نپرداختند. همین بذل و بخششها باعث شد صدای خیلهای دیگر در بیاید، از همین نهادها و بنیادها. مثلا "بنیاد نهج‌البلاغه"، که گفتند ۵۰۰ دستگاه بهش بدهید. آقا! دید که بدش نمی‌آید، گفت ۵۱۷ تا دیگر هم بدهید. بنیاد نهج البلاغه کی هست؟ علی‌اکبر ناطق نوری، حسین دین‌پرور، معزی، عسگراولادی، رفیق دوست... یا ملاّ می‌آیند می‌دهند به باشگاه پرسپولیس. باشگاه پرسپولیس کیست؟ آقای عابدینی. ۲۰۰۰ دستگاه بهشان بدهید. بنیاد دیگری به نام "همگرایی اندیشه"، کیست این بنیاد؟ آقای فلاحیان، آقای علم الهدی، آقای X و Y، تعاونی وزارت کشور، ۲۰۰۰ دستگاه [گرفتند آنها هم]

تصاحب ۱۲ معدن توسط واعظ طبسی

وی درباره گوشه‌یی از دزدیهای آخوند طبسی نماینده خامنه‌ای در آستان قدس رضوی و ناظق نوری مشاور ولی فقیه نیز گفت:

«بخواهم وقت شما را با این موارد بگیرم، زیاد است. مثلاً معدن ذغال سنگ طبس، دوازده تا از معادن در استان خراسان توسط آقای واعظ طبسی. پرونده المکاسب مال پسر آقای واعظ طبسی است.

در پرونده قاچاق کالا از فرودگاه پیام، قاچاقچی بزرگ فرودگاه پیام هزار و صد پرونده قاچاق کالا دارد، اما هنوز موفق به بازداشتش نمی‌شویم، چرا که تحت‌الحمایه آقای ناظق نوری است. در مورد سلطان شکر و مافیای شکر هم باید بگویم که آقای مدلل، داماد یکی از علمای بزرگ بوده است. مدلل با همکاری شخصی به نام محمدرضا یوسفی اقدام به این کار می‌کردند که پس از رو شدن فعالیتشان حاضر شده بودند ۷۰۰ میلیارد تومان برای مخدوم شدن این پرونده بپردازند.

در مورد قاچاق سیگار، اساساً تولید و قاچاق سیگار تولید توتون ایران را قطع کرده و کارگران این کارخانه‌ها را بیکار کرده است».

عباس پالیزدار در پاسخ به سؤالی درباره سقوط هواپیمای کاظمی، گفت: «این پرونده را من بررسی نکرده‌ام، اما طبق آنچه از شواهد پیداست، می‌توان ماجرا را عمدی دانست و دست یکی از سران وقت سپاه در آن دخیل بود. ما دو سقوط هواپیما داشتیم. یکی شهید کاظمی و دیگری شهید دادمان. در مورد دادمان ماجرا عمدی بود، پرونده‌یی هزار صفحه‌یی این را می‌گوید».

علاوه بر این، وی از یحیی رحیم صفوی، فرمانده سابق سپاه پاسداران به عنوان کسی نام برده که «احتمالاً در سقوط هواپیمای حامل فرماندهان سپاه و از جمله احمد کاظمی فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران نقش داشته است.

مفاسد اقتصادی رفسنجانی و خانواده‌اش آن قدر زیاد است که قابل گفتن نیست

عباس پالیزدار عضو هیأت تحقیق و تفحص مجلس از دستگاه قضاییه آخوندها گوشه جدیدی از فساد رفسنجانی و خانواده‌اش را برملا کرد و گفت:

«درباره مفاسد اقتصادی آقای هاشمی رفسنجانی و خانواده‌اش هم، آن قدر مفاسد اقتصادی آن خانواده زیاد است که اصلا قابل گفتن نیست. اما یکی از مفاسد اقتصادی این خانواده که میلیاردها دلار [یود] از محل عدم پرداخت عوارض واردات خودروی دوو به دولت [یود و] پول را بالا کشیدند. یک سوم جزیره کیش، پارک جنگلی در شمال [؟] را هم باید از دیگر مفاسد اقتصادی خانواده هاشمی بیان کرد.

در حال حاضر اصطبل اسبهای دختر هاشمی فقط روزی ۱۰۰ هزار تومان پول هندوانه‌هایی است که برای اسبها می‌ریزند. شرکت نفتی این خانواده به همراه عمه خانم یعنی خواهر هاشمی در کانادا هم که دیگر قابل گفتن نیست.

پسر وسطی هاشمی به نام مهدی که در سازمان مدیریت بهینه سوخت مدیریت می‌کرد، با استخدام زیباترین دخترانِ از آنجا که سوء استفاده‌هایی که نمی‌کرد و بعداً که فیلم از اتاق او کشف شد عمق کثیف کاربهای او مشخص شد»...

دستگاه قضایی خود از فاسدترین دستگاههاست

عباس پالیزدار در یک سخنرانی دیگر در شیراز نیز گفته است: «دستگاه قضایی خود از فاسدترین دستگاهها است و به این نتیجه رسیده‌ایم که با این دستگاه پر فساد نمی‌توان جامعه را اصلاح کرد. در یک مورد که یکی از مسئولین تخلف کرده بود، هاشمی شاهرودی به او نامه نوشته که کاز خود را اصلاح کند و او کاز خود را اصلاح نکرد و هاشمی شاهرودی هم از قضیه مطلع بود.این امر دو حالت بیشتر ندارد؛ یا هاشمی شاهرودی عرضه ندارد و یا برخود فرقی قرار گیرد.

تکاپوی باند رقیب بدنبال افشاگری پالیزدار

به دنبال اعتراف عباس پالیزدار دبیر هیأت تحقیق و تفحص از دستگاه قضاییه آخوندها، باند رقیب نیز به تکاپو افتاد.

سعید ابوطالب و عزت‌الله یوسفیان اعضای مجلس ارتجاع اعلام کردند پالیزدار به دلیل اتهاماتی که علیه مسئولان ارتشا نظام مطرح کرده، باید مورد پیگیری و برخورد قضایی قرار گیرد.

محسن سازگارا از بنیانگذاران سپاه پاسداران در یک مصاحبه رادیویی گفت: پالیزدار به جناح احمدی نژاد تعلق دارد، باید پرسید که تکلیف دست درازیهای این جناح چه می‌شود؟ آنها در وزارت نفت و دهها ارگان کشور دست درازی کردند. از آن مهمتر تکلیف سپاه پاسداران با بیش از هشتصد شرکت و دخالت در بیش از ۱۵۰۰ پروژه بزرگ کشور چه می شود.

وی افزود: بسیاری از مدیریتهای کشور بین ابواب‌جمعی احمدی‌نژاد و فرماندهان رده‌های بالا یا میانی سپاه تقسیم شده است. علاوه بر آن تکلیف بیت خامنه‌ای چه می شود؟ سازمانهای بزرگی مثل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، ستاد اجرای فرمان ۸ مادیوی امام که از هر نظارتی بیرون هستند چه می‌شود. صدها و بلکه هزاران مورد فساد در این مراکز گزارش شده است.

عباس پالیزدار دبیر هیات تحقیق و تفحص از دستگاه قضاییه آخوندها روز ۲۰خردادماه نیز در یک مصاحبه رادیویی گفت: آنچه گفتم تنها قسمتی از دزدیها بود نه همه آنها. هنوز مقادیر زیادی باقی است که در آینده آنها را افشا می‌کنم.

سایت انتخاب روز بیستم خرداد طی گفتگویی با یک مقام وزارت اطلاعات رژیم آخوندی که از او فقط به‌عنوان یک منبع آگاه دیگر نام برد به نقل از وی نوشت: او پرونده‌های بسیاری را (۱۲۳ پرونده) به‌واسطه فعالیت در کمیسیون تحقیق و تفحص در اختیار دارد. این مقام وزارت اطلاعات رژیم، در پاسخ به این سئوال که ... این اسناد منبع شان چیست؟ می گوید، شما می دانید چند صد پرونده در کمیسیون اصل نوه مجلس طی این سال ها بایگانی شده، موضوعاتی هم چون زمین‌خواری که یکی از وزرای سابق نیز با آن مرتبط بود یا پرونده فروش ۴۷ کیلو سیمان در بسته‌های ۵۰ کیلویی طی دو دهه توسط یکی از مسئولین که بعدا از ماجرای اختلاس نیز رهایی پیدا کرد، پرونده‌هایی است که در کمیسیون اصل نوه موجود است. کسی حوصله داشته باشد و از ابواب جمعی مجلس باشد به راحتی دستش به آنها خواهد رسید. وی اضافه می کند؛ حالا حساب کنید این شخص عضو کمیسیون تحقیق و تفحص بوده بنابراین به بایگانی سازمان بازرسی و بایگانی قوه قضاییه نیز دسترسی داشته، خب این ها مهم است. موضوع را نباید بر گردن وزارت اطلاعات بیندازند. اینها پرونده‌هایی است که اگر در یک کشور غربی مطرح می شد ۱۰ دقیقه بعد از آن در صدر خبرهای رسانه ها قرار می گرفت. متنها ما در ایران به اخلاق پایبندیم، معتقدیم باید آبروی افراد را حفظ کرد. دلیل نمی شود کسی خطایی کرد همه جا جار بزنیم. این مقام در پاسخ به این سئوال که آیا این پرونده‌ها واقعا وجود دارند، می گوید: اگر وجود نداشت که الان هر یک از این آقایانی که اسمشان برده شده بود، آسمان و زمین را می لرزاند. موضوع اصلا بود و نبود این پرونده هاینیست. موضوع آن است که قوه قضاییه موظف است تا پایان دادرسی اسم خواهان و خوانده را برای حفظ آبرو مخفی نگه دارد. وی در پاسخ به این پرسش که آیا شما اطلاعی از دمکتیری وی دارید؛ می گوید؟ اگر منظورتان فقط دمکتیری است، خیرا محل هر دفعه که دوستان قوه قضاییه گافی می دهند وزارت اطلاعات باید داخل شود؟ اصلا این مسأله نه اندازه مهم است که وزارت اطلاعات وارد ماجرا شود و سر و صدا ها را چند برابر کند؟ اگر منظورتان قوه قضاییه و دیگر دوستان است، من اطلاعی ندارم. این منبع آگاه در پاسخ به اصرار خبرنگار انتخاب درباره این پرسش که آیا پرونده‌های دیگری هم لو رفته یا خیر، می گوید: نمی دانم اگر این شخص به آرشیوهایی که گفتم دسترسی داشته باشد، هم اینک پرونده مؤسسه کیهان و زمینهای این مؤسسه در دماوند را نیز در دست دارد. غیر از آن پرونده واردات برخی اقلام هست که من نمی‌دانم آیا او به آنها دسترسی پیدا کرده یا خیر. او در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان جلوی چنین اقداماتی را گرفت، می‌گوید: اگر دوستان قوه قضاییه بررسی هر پرونده را چندین سال طول ندهند، این اتفاق نمی‌افتد. برخی از این پرونده ها ۱۰ تا ۱۵ سال سنشان است. خب این جا باید از قضات پرسید که چه می کنند.

حرکتهای اعتراضی کارگران

یورش مأموران نیروی انتظامی و گارد ویژه به تظاهرات کارگران هفت‌تپه در سی‌وهفتمین روز تظاهرات

بیش از سه هزار تن از کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه خوزستان روزهای دوشنبه و سه شنبه هفته جاری طی تظاهرات خود در شهر شوش به درگیری با مزدوران رژیم پرداختند.

کارگران قهرمان هفت‌تپه روز دوشنبه در سی و پنجمین روز اعتصاب و اعتراض خود با شعارهای ضدحکومتی در خیابانهای شوش تظاهرات کردند.

کارگران مقاوم در حالی که شعار می دادند «کارگر هفت تپه‌ایم گرسنه‌ایم گرسنه»، از محل کارخانه تا بازار شهر راهپیمایی کردند.

براساس گزارش دریافتی کارگران معترض طی پیامی از اعتراض و اعتصاب دانشجویان تربیت معلم پردیس کرج حمایت کردند. در این پیام آمده است: ما ضمن اعلام حمایت از اعتصاب دانشجویان تربیت معلم امیدواریم تا رسیدن به خواسته های خود استوار و ثابت قدم باقی بمانند.

روز سه شنبه ۲۱ خرداد ماه جاری نیز سی و هفتمین روز تظاهرات کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه خوزستان در خیابانهای شوش، به درگیری با نیروهای گارد ویژه و مأموران نیروی انتظامی کشیده شد. کارگران معترض، از ساعت ۸صبح، با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها نوشته شده بود گرسنه‌ایم گرسنه، و با سر دادن شعارهایی همچون: معیشت زندگی حق مسلم ماست ، وارد شهر شوش شدند و از رویه‌وری تربیت بدنی و بیمارستان نظام‌مافی، شروع به راهپیمایی کردند.

براساس گزارشهای دریافتی پس از گذشت یک ساعت، مأموران نیروی انتظامی و یگان ویژه با حملات وحشیانه با باتون و اسپری‌های مخصوص ضد شورش کارگران را در خیابان و میدان چهار دستگاه مورد ضرب و شتم قرار دادند.

بسیاری از کارگران مجروح و بسیاری دیگر نیز بازداشت شدند.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه خوزستان، از تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۸۷ در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق عقب افتاده و مطالبات بر حق خود، دست از کار کشیده اند.

حرکتهای اعتراضی و درگیریهای مردم با نیروهای رژیم

درگیری مردم کمهر فارس با نیروی انتظامی

مردم خشمگین منطقه کُمهر سپیدان در استان فارس به پاسگاه انتظامی این منطقه حمله کردند و با مأمورین جنایتکار نیروی انتظامی درگیر شدند. مردم ضمن گوشمالی مأموران نیروی انتظامی، خسارتی به ساختمان و خودروهای این نیروی سرکوبگر وارد کردند.

این درگیری در اعتراض به غصب زمینهای مردم توسط ارگانهای غارتگر رژیم آخوندی صورت گرفت.

رژیم آخوندی تعدادی از مردم را دستگیر و روانه زندان کرد. شمار دقیق دستگیرشدگان مشخص نیست.

پاسدار علی مؤیدی سرکرده نیروی انتظامی فارس به این درگیری اعتراف کرد و گفت: به‌منظور آزادسازی بخشی از اراضی منطقه کمهر، مأموران نیروی انتظامی به منطقه عازم شدند که برخی شهروندان با اجرای حکم مخالفت کردند و مأموران نیروی انتظامی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و به خودروی پلیس و پاسگاه انتظامی منطقه خسارتی وارد کردند.

این پاسدار افزود: تعدادی از عوامل آشوب شناسایی و دستگیر شده‌اند و هم اکنون در اختیار مراجع قضایی قرار گرفته‌اند».

ارگان پاسدار محسن رضایی موسوم به تابناک با عنوان "بازداشت عوامل ناآرامی در سپیدان" به درگیری در این منطقه اذعان کرد.

اعتصاب یکماهه کارگران کوره‌پزخانه‌های ارومیه و میاندوآب

۷هزارتن از کارگران ۹۰ کوره آجرپزی ارومیه که خواهان افزایش دستمزد خود می‌باشند، وارد چهارمین هفته اعتصاب خود شدند.

کارگران کوره‌پزخانه‌های میاندوآب نیز به‌منظور افزایش دستمزدهای خود در این اعتصاب شرکت دارند.

کارگران زحمتکش کوره‌پزخانه‌های ارومیه در دومین هفته اعتصاب و تحصن خود نماینده اعزامی کابینه پاسدار احمدی‌نژاد به نام «شیرزاد محورجرخ» را که با تهدید و ارعاب تلاش می‌کرد این اعتصاب را در هم بشکند، به شدت گوشمالی دادند.وی مدت شش روز در بیمارستان بستری بود.

کارگران اعتصابی اعلام کردند تا رسیدن به خواستهایشان به اعتراض خود ادامه می‌دهند.

این اعتصاب گسترده از روز شنبه ششم خردادماه جاری شروع شده است. کارگران می‌گویند هر هزار خشت آجر را تنها ۹۵۰تومان برای ما محاسبه می کنند اما این مبلغ امکان یک زندگی بخور و نمیر را هم به ما نمی‌دهد. باید هر هزار خشت آجر ۱۵هزار تومان محاسبه شود.

دبیرخانه شورای ملی مفاوضت ایران روز ۱۸ خرداد اطلاعیه‌یی درباره اعتصاب «۷هزار کارگر کوره‌پزخانه‌های ارومیه» صادر کرد و خبر این حرکت اعتراضی را به اطلاع افکار عمومی رساند.

در این اطلاعیه آمده است:

اغلب کارگران کارخانه‌های آجرپزی از جمله آجر فشاری زرین‌خاک، آجرفشاری سروجان، آجرفشاری خامه‌ای در تحصن و اعتصاب بسر می‌برند.

کارفرمایان تلاش کردند که با تهدید وتطمیع اراده کارگران را در هم بشکنند. اما کارگران عهد کرده‌اند که تا رسیدن به حقوقشان به اعتصاب ادامه دهند.

مقاومت ایران کلیه سازمانها و مجامع مدافع حقوق کارگران، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و به ویژه سازمان بین‌المللی کار را به محکوم کردن سیاستهای ضدکارگری رژیم آخوندی و سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران فراخواند.

اعتراض مردم زاهدان به جنگ‌افروزی وزارت اطلاعات آخوندها میان شیعه و سنی

مردم خشمگین زاهدان در پی اقدامات تحریک‌آمیز وزارت اطلاعات برای جنگ افروزی میان شیعه و سنی، با مأموران سرکوبگر نیروی انتظامی درگیر شدند، و تعدادی از خودروهای آنان را به آتش کشیدند.

روز ۱۹ خرداد در حوالی میدان کوثر و انتهای خیابان سعدی زاهدان مردم خشمگین به خودروهای انتظامی حمله کردند و ضمن به آتش کشیدن سه خودرو یا آنان درگیر شدند. مردم هم‌چنین چندین حلقه لاستیک را آتش زده و خیابانها را بستند.

رژیم آخوندی در وحشت از این حرکت اعتراضی نیروهای گارد ضدشورش و مأموران امنیتی را روانه محل کرد. آنان به طرز وحشیانه‌یی مردم را مورد تهاجم قرار دادند و به سوی مردم آتش گشودند.

پس از این درگیری یک حکومت نظامی اعلام نشده در زاهدان برقرار شده است. درجریان این درگیریها صدها تن دستگیر شدند.

روزنامهٔ حکومتی جمهوری، در شماره روز ۲۱ خرداد، به گوشه‌یی از این درگیریها اعتراف کرد.

رژیم ایران دست اندر کار قاچاق انسان

در گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا اعلام شد رژیم ایران که یکی از بدترین رژیمهای دست‌اندرکار قاچاق انسان است، به جای عملاان قاچاق، قربانیان را به مجازات می‌رساند.

وزارت خارجه آمریکا روز چهارشنبه ۱۵ خرداد ماه ۸۷، گزارش سالانه خود را درباره قاچاق انسان منتشر کرد و بخشی از آن را به نقض رژیم آخوندی در این پدیده ضدانسانی اختصاص داد. در این گزارش آمده است: رژیم ایران؛ منبع، ترانزیت و مقصد نهایی زنانی است که برای سوءاستفاده‌های جنسی و بردگی اجباری قاچاق می‌شوند. زنان ایرانی به همین منظور در داخل کشور نیز قاچاق می‌شوند. کودکان ایرانی نیز در داخل کشور قاچاق می‌شوند.

زنان و دختران ایرانی به پاکستان، ترکیه، قطر، کویت، و امارات متحده عربی نیز قاچاق می‌شوند و در آنجا مورد سوءاستفاده جنسی قرارمی‌گیرند.

وزارت خارجه آمریکا در گزارش خود تصریح کرد: دولت ایران از حداقل استانداردهای (بین‌المللی) برای از بین بردن قاچاق انسان متابعت نمی‌کند و هیچ تلاش جدی برای جلوگیری از آن به عمل نیاورده است.

عدم دسترسی مقامات دولت آمریکا به ایران باعث شده که نتوانند اطلاعات کافی در زمینه قاچاق انسان در این کشور بدست آورند و برای متوقف کردن این پدیده تلاش کنند. گزارشهای معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد مقامات (رژیم) ایران قربانیان قاچاق انسان را شلاق زده، زندانی و یا اعدام می‌کنند.

گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا خواستار توقف قاچاق انسان در ایران و مجازات قربانیان این پدیده گردید.

در ادامه این گزارش آمده است: هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد (رژیم) ایران طی سال جاری مجرمین قاچاق انسان را بر طبق قانون مجازات کرده باشد. هیچ‌گونه دستگیری، بازجویی یا صدور حکمی برای قاچاقچیان انسان در ایران ارائه نشده است. مقامات مرزبانی رژیم ایران هم احتمالا در قاچاق انسان دست دارند، ولی (رژیم) ایران تاکنون هیچ‌گونه مجازاتی علیه مقامات دولتی که گفته می‌شود در قاچاق انسان دست دارند، اعمال نکرده است.

در گزارش وزارت خارجه آمریکا با اشاره به این که رژیم ایران قربانیان را مجازات می‌کند و نه عاملان قاچاق زنان آمده است:

مشخص نیست که تاکنون چه تعداد قربانی، مجازات شده‌اند. قربانیان خارجی قاچاق انسان نیز هیچ حمایت قانونی برای خارج شدن از کشور را ندارند و معمولا با بیگاری و مجازاتهایی روبه‌رو می‌شوند.

هیچ گزارشی از این که دولت دست به اقدامات پیشگیرانه در زمینه قاچاق انسان زده باشد، وجود ندارد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس ضمن مخابره این گزارش گفت: رژیمهایی که در لیست سیاه قاچاق انسان قرار دارند با تحریمهایی از جانب آمریکا مواجه می‌شوند.

یورش ۱۷ژوئن، توطئه‌یی که با پایداری و شور آزادی درهم شکست

صبح روز ۱۷ژوئن۲۰۰۳ هیچ‌گاه از حافظه تاریخی مردم ایران پاک نخواهد شد. در آن «بامداد نحس بود که به‌فرموده «ارباب بی‌مروت دنیا» در یک زد و بند با آخوندهای کلاش، ۱۳۰۰کماندو بسیج شدند تا حاکک مراکز رسمی و شناخته شده مقاومت ایران را به تیوره بکشند؛ و کشیدند. یعنی که از هیچ کاری که می‌توانستند بکنند، کوتاهی نکردند. از حمله به بیماران و مجروحانی که قادر نبودند برسرپای خود بایستند، تا لگد گذاشتن بر گردن مادران کهنسال و غارت اموال و دستگیری اعضا و هواداران مقاومت.

اما آن چه که این لشکرکشی شرم‌آور را فراموشی‌ناپذیر می‌کند تنها اینها نیست. در رأس همه اینها دستگیری رئیس جمهور برگزیده مقاومتی است که تمام زندگی‌اش را صرف مبارزه با آخوندها و بنیادگرایی و خطرات ناشی از آنها برای صلح(اعم از منطقه‌یی و یا جهانی) کرده است. دستگیری کسی که نقطه آمال و آرزوهای مردمی در بند و تسلیم ناشده است، برگ کیفی رذالت این معامله کثیف بود.

دولت شیراک در یک رقابت بین‌المللی با دیگر کشورهای غربی، که در معامله‌یی مشابه تن به بمباران قرارگاههای مجاهدین داده بودند، برای عقب نماندن از یغمای مردم ایران این ننگ را پذیرفت و با آخوندها برای انهدام مقاومت همدست شد. به زودی برملا شد که نرخ این وظیفه محوله از سوی آخوندها برای آقای شیراک و همگنان، یک قلم معامله‌یی ۱۴میلیاردی بوده است.

در صبحگاه ۱۷ژوئن۲۰۰۳ ظاهراً همه چیز مطابق میل و نظر آخوندها پیش رفت. علاوه بر رئیس جمهورپرگزیده مقاومت، ۱۶۵نفر از اعضای شناخته‌شده و هواداران مقاومت دستگیر شدند و چند خانه و مرکز آنها تقریباً به صورت نیمه‌ویرانه درآمد. «ایلخوف‌های نوع شیراکی، لبخند برلب اعلام کردند که هرچند از پایگاههای مقاومت سلاحی به دست نیاورده‌اند اما سازمان آن را متلاشی کرده‌اند.

در آن تند باد ویرانی و وبا، البته همه چیز برباد رفته بود. باد جهانی بر وفق مراد آخوندها سمت وزش خود را کوک کرده بود و خیلها مقهور تعادل قوای جدیدی شدند که البته ابد مدت هم می‌نمود.

اما، حسب المعول، آن چه که آخوندها و شریکانشان در سطح بین‌المللی نفهمیده بودند و نمی‌توانستند هم بفهمند، ماهیت مقاومتی بود که در عرصه پیکار با آخوندها بارهای بسیار دیگری هم ثابت کرده است برای پرنسیپها و ارزشهای خود حاضر به پرداخت هربهایی هست. اگر چه با رنج وخون بسیار و اگر که لازم باشد از میان شعله‌هایی که جان مشعلداران آزادی میهن را در خود ذوب می‌کرد. قفنوس مقاومت از میان همین شعله‌ها و بسیاری رنجهای ناگفته دیگر بود که بال در کشید و پرواز در آسمانی بس گشاده‌تر را آغاز کرد.

از فردای ۱۷ژوئن، و شکست توطئه، پروازی آغاز شده است که برای آخوندها بسیار خطرناکتر است. این روشنترین واقعیتی است که هرکس دستی برآتش مقاومت ایران در برابر آخوندهای حاکم برمهبن دارد می‌فهمد. پروازی که اوج در اوج، تا نهایت سرنگونی رژیم آخوندها، ادامه خواهد یافت.

به راستی اکنون که پس از ۵سال از آن بامداد، تحس به صحنه شطرنج سیاسی، و البته ایدئولوژیک، ملی وبین‌المللی میهنمان نگاه می‌کنیم چه می‌بینیم؟ چه بود؟ چه شد؟ چه گذشت؟ چگونه گذشت؟ و چه هست؟ و چه خواهد شد؟

به تک تک این سؤالات باید پاسخ داد. ما چه بودیم و چه برسرمان آوردند و می‌خواستند از ما چه بسازند؟ در مقابل، ما به عنوان مقاومتی که میراث مبارزه صد ساله برای آزادی را بردوش دارد چه کرده‌ایم؟ از ادعاهای رذیلانه و بمباران اتهامات ناروا، که بخشی از توطئه بزرگ وزارت اطلاعات آخوندی بود و هست، بگذریم. دیگرانی که مقهور شدند کجایند و مقاومتی که ایستاد و بهای سنگین این ایستادگی را هم با شعله‌های جان نسلی مصمم و استوار پرداخت کجاست؟ زمستان، هرچند نه به تمامه، رفته است، راستی روز سیاهان کیانند؟ و سرفرازان چه کسانی؟ چه کسانی جا زدند و در سخت‌ترین شرایط خنجر کینه‌های خود را ناجوانمردانه بر آهیختند تا در شیهای غربت و درد، بر سینه و قلب مقاومت فرو کنند؟ و چه کسانی ماندند و ایستادند و رنجها را صبورانه تحمل کردند و کوهها لرزیدند بی آن که آنها بلرزند؟ و چه کسانی چرتکه انداختند یا محاسبه تعادل قوای بین‌المللی سمت و سوی باد را تشخیص دادند و همچون گیاهی بی‌ریشه با آن رفتند؟ و چه کسانی در شیهای زمهریر، انگشتند که دیگر «خورشید سرد شد و برکت از زمین رفت»؟ و در عوض چه کسانی چشم به مهرتابانی دوختند که گرما و حرارتش آتش شور و امید در رگهای مقاومت می‌دواند. چه کسانی بر پیمان سرفرازی پای فشردند، و چه کسانی رودر روی واقعیت تلخ عزم تغییر آن کردند؟

شرح این داستان، و به خصوص ناگفته‌های آن برگهای ناتوشته‌یی از تاریخ معاصر ایران است. باید هر فراز و فرودش را لحظه به لحظه نوشت تا آموزه نسلهای بعد باشد. نسلهایی که ایران متعلق به آنهاست و آزادی حق آنهاست و تمامی تلاش ما براین است که آنان نسلی آگاه و آزاد باشند. نسلی که نه فریب ارتجاع را می‌خورد و نه مقهور توطئه‌های دشمنان آزادی است.

هشت سال بعد از آن بامداد نحس

تظاهرات اعتراضی ایرانیان در کشورهای مختلف برای آزادی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت و اعضا و هواداران مقاومت

به دنبال دستگیری خانم مریم رجوی در ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، علاوه بر تحصن و اعتصاب غذای هموطنامان در خیابان گرد در اورسورواژ، تظاهرات و اعتراضات گسترده‌یی در فرانسه و سایر شهرهای اروپا و آمریکا برگزار شد. دبیرخانه شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌یی که در ۹تیر ۱۳۸۲، صادر کرد، خبر از مراسم شب زنده‌داری ایرانیان در ۲۰ شهر جهان داد. در این اطلاعیه آمده بود: هزاران تن از ایرانیان در ۲۰شهر اروپا، آمریکا و استرالیا از شامگاه دوشنبه یک مراسم شب‌زنده‌داری و روشن کردن شمع برای آزادی مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران، را به‌صورت همزمان برگزار کردند.

هزاران تن از مجاهدین در قرارگاه اشرف در منطقهٔ مرزی ایران و عراق نیز مراسم مشابهی برگزار نمودند.

علاوه بر انبوه ایرانیانی که در اورسورواژ در مقابل محل اقامت خانم مریم رجوی و دفتر شورای ملی مقاومت ایران گرد آمده بودند، شب‌زنده‌داری ایرانیان در شهرهای لندن، اسلو، کپنهاگ، آمستردام، برلین، هامبورگ، دوسلدرف، فرانکفورت، رم، استکهلم، مالمو، یوتوبوری، نیکوزیا، ملبورن، سیدنی، واشینگتن، لس‌آنجلس، هوستون و اتاوا جریان داشت.

در این مراسم، شاعران و نویسندگان ایرانی به خواندن شعرها و نوشته‌هایی در وصف مقاومت حماسی مردم ایران علیه فاشیسم مذهبی حاکم بر میهنشان طی بیش از دو دهه پرداخت و موسیقیدانان ایرانی برخی از سروده‌های مقاومت و ترانه‌های میهنی را اجرا نمودند.

در قرارگاه اشرف، هزاران تن از مجاهدین در مراسمی که در حضور خبرنگاران رسانه‌های بین‌المللی برگزار گردید، یکصدا با شعارهای «مریم رجوی را بیدرنگ آزاد کنید» و «مریم مهر تابان، رئیس‌جمهور ایران!» خشم و اعتراض خود را نسبت‌به حملهٔ اخیر پلیس فرانسه به پناهندگان ایرانی و دفتر شورای ملی مقاومت ایران در فرانسه ابراز داشتند.

دستگیریهای گستردهٔ ایرانیان معترض توسط پلیس فرانسه

در جریان اعتراضات و تظاهرات ایرانیان هواداران مقاومت نسبت علیه دستگیری ناموجه خانم مریم رجوی، صدهاتن از ایرانیان هواداران مقاومت توسط پلیس فرانسه دستگیر شدند. دبیرخانه شورای ملی مقاومت با صدور اطلاعیه‌یی در ۱۹ژوئن ۲۰۰۳، ضمن اعلام خبر این دستگیریها گفت:

در عین‌حال، اعتراضات ایرانیان و هواداران مقاومت در سراسر اروپا و آمریکا در جلوسفارتهای فرانسه همزمان ادامه دارد. دهها تن از ایرانیان به محض ورود به فرانسه و در برخی از خیابانها و نقاط مختلف پاریس توسط پلیس دستگیر و بازگردانده شده‌اند. همچنین تعدادی نیز در جریان تجمع اعتراضی در نقاط مختلف پاریس دستگیر شده و برخی به کشورهای خودشان بازگردانده شده‌اند.

مقاومت ایران، ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه پلیس فرانسه، که نقض آشکار حق آزادی بیان می باشد، این دستگیریها را در چارچوب معاملهٔ ننگینی که بر اساس آن، تهاجمات وحشیانهٔ روز سه‌شنبه علیه خانه‌های پناهندگان ایرانی ومقر خانم مریم رجوی صورت گرفت، ارزیابی می‌نماید.

بخشهایی از بیانیهٔ شورای ملی مقاومت ایران (۳۰ تیر ۱۳۸۲)

«کودتای ناگهانی علیه مقاومت ایـران»

بند و بست با رژیم تروریست حاکم بر ایران علیه پناهندگان و افراد مقاومت

در ۲۷خرداد ۱۳۸۲، طی یک لشکرکشی و یورش گسترده به محل اقامت رئیس جمهور برگزیدهٔ شورای ملی مقاومت و تعدادی دیگر از خانه‌های پناهندگان و هواداران و خانواده‌های شهیدان مقاومت در فرانسه، که رسانه‌های جنگی آن را بزرگترین عملیات پلیسی ۳۰سال گذشته فرانسه توصیف نمودند، خانم مریم رجوی و تعداد دیگری از فعالان و هواداران و پناهندگان ایرانی دستگیر شدند.

ناظران سیاسی این یورش را یک معاملهٔ رسوا با دیکتاتوری حاکم برایران توصیف کردند. نشریهٔ ژورنال دو دیمانش در شمارهٔ اول تیرماه خود طی یک گزارش مشروح، جریان ژدوبند و هماهنگیهای مربوطه را شرح داد. رسانه‌ها در همین خصوص به‌چندین قرارداد و امتیاز اقتصادی از جمله قراردادهای نفتی به نمونه‌ی، خانم مریم رجوی و تعداد دیگری از فعالان و هواداران و پناهندگان ایرانی دستگیر شدند.

ناظران سیاسی این یورش را یک معاملهٔ رسوا با دیکتاتوری حاکم برایران توصیف کردند. نشریهٔ ژورنال دو دیمانش در شمارهٔ اول تیرماه خود طی یک گزارش مشروح، جریان ژدوبند و هماهنگیهای مربوطه را شرح داد. رسانه‌ها در همین خصوص به‌چندین قرارداد و امتیاز اقتصادی از جمله قراردادهای نفتی به مبلغ ۵میلیارد دلار (رویتر۱۱ژوئن) در آستانهٔ این بازداشتهای غول‌آسا، اشاره کردند.

مجلهٔ المشاهد السیاسی (۲۹ ژوئن ۲۰۰۳) این یورش بزرگ را به‌وسیلهٔ هلیکوپتر و قایق انجام شد، یک «کودتای ناگهانی علیه مقاومت ایران» خواند. ماهنامه زن امروز چاپ لندن (ژوییه ۲۰۰۳) خاطرنشان کرد که «جهان از این عملیات متعجب شده» و تأکید نمود که «شاید بهانه از نظر ما به‌اندازه اتهامهای وارده مضحک باشد: این که این جنبش طرح حمله به‌سفارتهای ایران دراروپا را داشته است! اما آن‌چه جهان را قانع نمی‌کند این سرو صدای مطبوعاتی (علیه مجاهدین و مقاومت ایران) است که گویا نمایشی است متناسب با وضعیت جدید بین‌المللی بعد از اشغال عراق».

همبستگی ملی و اعتراض گستردهٔ بین‌المللی

درهرحال، این حمله و رفتار ناموجه علیه مقاومت ایران در فرانسه، با اعتراض گستردهٔ داخلی و بین‌المللی روبه‌رو گردید. موضعگیریها و واکنشهای اعتراضی ایرانیان و ابراز همبستگی وسیع نیروها و شخصیتهای ایرانی و غیرایرانی با عقاید و مرامهای مختلف و محکوم‌کردن این معاملهٔ ننگین نمونه‌یی بارز از رشد آگاهی و هشیاری و پیشرفت اتحاد و همبستگی در میان ایرانیان و در روابط بین ایرانیان با شهروندان کشورهای میزبان است.

شورای ملی مقاومت با سپاسگزاری از همهٔ کسانی که این اقدام شرم‌آور را محکوم کردند و با تقدیر از پایداری ایرانیانی که در تحصنها و اعتصاب غذا در کشورهای مختلف جهان، از جمله در فرانسه و در مقابل محل اقامت رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت در اورسورواژ، شرکت کردند و همچنین با تجلیل از فداکاریهای ایرانیان قهرمانی که در اعتراض به‌این اقدام دولت فرانسه، به‌پاخاستند و دست ازجان شستند و با گرامیداشت یاد و خاطرهٔ زنده‌یادان صدیقه مجاوری و نداحسنی و با قدردانی از همبستگی شخصیتهای سیاسی و حقوق بشری فرانسه و دیگر کشورها، به‌ویژه خانم دانیل میتران، و همچنین با قدردانی از حمایت بی‌دریغ مردم فرانسه به‌ویژه اهالی شریف، شهروند و اعضای شورای شهر اورسورواژ، اطمینان دارد که همهٔ این تلاشها و جانفشانیها و حمایتهای بی‌دریغ در تاریخ مبارزهٔ مردم ایران برای آزادی به‌عنوان برگی درخشان به‌ثبت خواهد رسید.

برای شورای ملی مقاومت جای سی خرسندی است که حکم بازداشت موقت خانم مریم رجوی و دیگر بازداشت‌شدگان در ناموجه و غیر قانونی علیه مقاومت ایران باشد.

دانیل میتران، رئیس بنیاد فرانسه آزادی و همسر فرانسوا میتران، رئیس جمهور فقید فرانسه، لیگ حقوق بشر فرانسه، حقوق بشر نوین و فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر و صدها نمایندهٔ پارلمان و سناتور وشخصیت برجستهٔ سیاسی در آمریکا و اروپا علیه این روشهای ناموجه وکارزار اهریمن‌سازی به‌پا خاستند. دانیل میتران با تأکید بر مناسبات باز و روابط عمومی گستردهٔ مجاهدین و مقاومت ایران با نیروهای مختلف داخل و خارج ایران و حتی با همسایگان و جامعه فرانسه اتهامهایی ازقبیل «کیش شخصیت» و «سکت» را با یادآوری دوران مقاومت ضدفاشیستی در فرانسه و محبوبیت رهبرش ژنرال دوگل رد نمود و دربارهٔ برچسب تروریستی علیه یک مقاومت مشروع دربرابر فاشیسم مذهبی یادآور شد زمانی به او و همسرش فرانسوا میتران نیز تروریست می‌گفتند اما بعداً فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه شد و به خود وی مدال افتخار دادند.

دربارهٔ تاخت‌وتاز و توطئهٔ آخوندها دراین جریان، مسئول شورای ملی مقاومت در پیام تهنیت وقدردانی خود به درستی گفته است:

«رژیم برای چند روز در پوست خود نگنجید و برای یکصدمین و هزارمین بار از پایان مجاهدین و جنبش مقاومت ایران خبر داد و باز دیگر ثابت شد که به‌رغم همهٔ یاوه‌گوییهایش درمورد «تجاوز شمردن «گروهگ تروریستی» خطر اصلی و از همین بابت از تنها جایگزین میهنی و دموکراتیک می‌داند و الا چه نیازی به این‌همه تشبثات داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی علیه «یک سکت خلع سلاح شده و مطرود» بود؟!

راستی این بسیج دروغپردازی و «شیطان‌سازی» از مجاهدین «ترور شخصیت» برای چیست و چه‌کسی غیر از رژیم و مأموران اطلاعات آخوندها در پشت آن است؟ رژیم در چه شرایطی است و با چه‌خطر مبرمی روبه‌روست که این‌چنین بقای خود را در فنای مقاومت ایران می‌بیند؟ ارتباط این قضایا با افشای تسلیحات کشتار جمعی رژیم آخوندی از سوی مقاومت و با موج اعتراضات برحق دانشجویان ومردم آزادهٔ ایران چیست؟ به‌نظر می‌رسد که آخوندها تنها راه بروون‌رفت خود را از تنگنای داخلی و تنگنای بین‌المللی و به‌ویژه تنگنایی که در عراق با آن مواجه هستند در انهدام این مقاومت یافته‌اند. اما چه‌کسی نمی‌داند که روزگار حاکمیت آنها شتابان روبه‌پایان است.

گامهای استوار مقاومت ایران در میان توفان و خشم و حسرت آخوندها

وقتی مقاومت ایران توانست در میان توفان با استواری راه خود را که همان تکیه بر مبارزه با استبداد دینی حاکم بر ایران است ادامه دهد و در گردابی که رژیم و دشمنان مردم ایران فکر می‌کردند با آرزو می‌کردند این مقاومت در آن نابود شود، فرو نرفت و توانست با اتخاذ سیاست اصولی و میهنی، فرادادِ آتش بس را (هرچند که از جانب مقاومت آشتی در کار نبود) با نیروهای ائتلاف امضا کند و درمورد گردآوری نفرات وتجهیزات نیز به‌رغم توطئهٔ رژیم به‌توافق برسد، خشم دیوانه‌وار سرکردگان رژیم فوران نمود. سرکردگان رژیم با سردادن گلایه و آویختن به دامن آمریکا تلاش کردند تا این آتش بس را به هم زده و نیروهای ائتلاف را به بمباران مجدد قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران وادار کنند. خامه‌ای، رفسنجانی، خاتمی، دبیر شورایعالی امنیت، وزراء، امام جمعه‌ها وبسیاری از مقامهای ریز ودرشت حکومتی به‌زبان آمدند و بیمایهای گوناگون خشم و غیظ خود را از این آتش بس و این که نیروهای مقاومت در آتش جنگ نابود نشده‌اند، ابراز داشتند و حرفشان این بود که «هرگونه تسامح نسبت به‌منافقین برای ایران قابل قبول نیست» (شیخ حسن روحانی دبیرشورایعالی امنیت رژیم ۷اردیبهشت ۸۲).

در این زمینه آخوندها همه‌گونه مذاکرهٔ پنهانی و آشکار را برای خود مجاز اعلام کرده بودند که سر انجام با تصمیم دولت امریکا مذاکرات در سوئیس متوقف شد.

درباره‌ی محسن آرمین ازسران باند خاتمی و نماینده و نایب رئیس قبلی مجلس رژیم به‌خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «ایران این فرصت را ازدست داد که در زمان حکومت صدام مجاهدین را ازمیان برداره. اکنون برای ما دشوارتراست که با آمریکا دربارهٔ تسلیم این گروه وارد مذاکره شویم». یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم نیز تصریح کرد: «یک هفته بلا تصمیمی فرصت مناسبی برای ایران بود که بحث نفاق را ازبین ببرد. عدم اتخاذ تصمیم مناسب این فرصت را ازدست ایران گرفت و انتقاد شدیدی به‌وزارت خارجه وارد است»(۱۰اردیبهشت۸۲).

به‌نظر می‌رسد که آخوندها تنها راه برون‌رفت خود را از تنگنای داخلی و تنگنای بین‌المللی و به‌ویژه تنگنایی که در عراق با آن مواجه هستند در انهدام این مقاومت یافته‌اند. اما چه‌کسی نمی‌داند که روزگار حاکمیت آنها شتابان روبه‌پایان است

درسی که از تجربهٔ ۱۷ژوئن می‌توان گرفت

نقل از مجاهد شماره ۶۶۳

دکتر منوچهر هزارخانی

چند روز پیش، درگزارشی از تشکیل کمیتهٔ «حقیقت و عدالت برای شورای ملی مقاومت ایران» و برگزاری نخستین کنفرانس آن در مجلس نمایندگان فرانسه، یک روزنامهٔ «پاریسی» تیتر زده بود: «شو ـ بیزنس به کمک مجاهدین می‌شتابد». واقعیت این است که در سال گذشته بود که «شو ـ بیزنس» به صحنه آمد: بیزنس مربوطه به ارزش میلیاردها دلار، پس از «مذاکرات انتقادی» ولی سرشار از حسن تفاهم مقامات «نزادگاه حقوق بشر» با آخوندهای ضدبشر در تهران انجام شد. در حالی که «شو» آن با تدارک قبلی، با شرکت نیروهای ویژهٔ پلیس و بسیج غالب وسائل ارتباط جمعی، به بهانهٔ خنثی‌کردن طرحهای تروریستی. ولی درواقع برای نابودکردن جنبش مقاومت ـ در اورسورواژ صورت گرفت. مقامات مربوطه خیلی سعی کردند آریتمیک‌بازی پلیسی‌شان را «مبارزه با تروریسم» به افکار عمومی قالب کنند، اما رابطهٔ مستقیم و بلافصل معاملهٔ تهران و «شو» اور سور اواز از دید هیچ‌کس پوشیده نماند و حرکت خودانگیخته و عمیق و صمیمانه‌یی که در همدردی و همبستگی با مقاومت ایران از شهرک اور شروع شد و بعد گسترش یافت، در واقع واکنش فرانسویان آزاده به‌همین معامله ـ نمایش شرم‌آور بود.

البته به زمامداران «سرزمین حقوق‌بشر» و به‌طور کلی‌تر به زمامداران اروپا منطقاً نمی‌توان ایراد گرفت که چرا مثلاً نام سازمان مجاهدین خلق را، با آن‌که هیچ دلیلی برای اثبات ادعایشان ندارند، در فهرست سازمانهای تروریستی قرار داده‌اند یا چرا با رژیم ضدبشری آخوندها که تروریسم دولتی را به بخش جدایی‌ناپذیر سیاست تجاوزکارانه‌اش مبدل کرده و آن را به‌طور علنی و بی‌هیچ پرده‌پوشی هم اجرا و هم تبلیغ می‌کند، به معاملهٔ اقتصادی دست می‌زنند. این، اقتضای «نظم نوین جهانی» است که هرچیز و همه چیز ـ از مادیات و معنویات و اخلاقیات و... ـ را کالا و دارای ارزش مبادله تلقی می‌کند و به‌همین رو غالب سیاستمداران را به «تجار محترم» مبدل کرده است. روند «جهانی‌شدن» طبق قوانین رایج و غالب، در وهلهٔ اول یعنی همین، یعنی ولایت مطلق سرمایه نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر!

خوشبختانه فراتنهای دیگری هم از روند جهانی شدن وجود دارند که پیروانشان براصول و ارزشهای انسانی پای می‌فشارند و در برابر لگدمال کردن آنها توسط «تجار محترم» روز به‌روز بیشتر ایستادگی می‌کنند. به میدان آمدن بسیاری از مبارزان برای حمایت از جنبش مقاومت ما در مقابل تحمیلات غیرقابل قبول «تجار محترم» ـ که تشکیل کمیتهٔ نامبرده در بالا به همت آقای پیربیرسی نمونه‌یی از آن است ـ کمک گرانبهایی به مبارزهٔ مردم ستمدیدهٔ ایران در مقابله با استبداد دینی است و باید قدر آن را دانست. حتماً همهٔ آنها با تمام تحلیلها و روشهای جنبش مقاومت ما موافق نیستند و حتی ممکن است هزار و یک ایراد به ما داشته باشند، اما به حقانیت ایستادگی ما در برابر حکومت ضد بشری آخوندها معترفند و به پایمال‌شدن حقوق مشروعمان معترض.

جا دارد که این روش مورد توجه ما هم قرار گیرد و جامعهٔ ایرانی تبعیدی، چه با سیاستهای جنبش مقاومت موافق باشند و چه نباشند، برای احقاق حق مشروع مجاهدین خلق در مبارزهٔ بی‌امان با استبداد دینی و حذف اسم این سازمان از فهرست سازمانهای تروریستی به یا خیزند. نخستین گام در این راه می‌تواند شرکت در مراسم یادبود ۱۷ژوئن سال۲۰۰۳ در اورسورواژ باشد تا صدای اعتراض به معامله و زدوبند با شکنجه‌گران مردم ایران هرچه رساتر به گوش جهانیان برسد. به جای منتظرماندن تا «دستی از غیب برون آید و کاری بکند» یا امید بستن به معجزات امامزاده‌یی غیرتهایی مثل خاتمی و امثالش، باید جنبش مخالفت رادیکال و سازش‌ناپذیر با استبداد دینی را تقویت کرد و مقدمات استقرار یک رژیم لایک و دموکراتیک را از هم اکنون فراهم ساخت. این درسی است که واقعهٔ ۱۷ژوئن سال گذشته بما داده است.

آخرین پیام یک تبعیدی به شیراک

«آخرین پیام من به رئیس‌جمهور فرانسه، آقای ژاک شیراک، به تمامی مقامات فعال حقوق بشر، به تمامی مطبوعات فرانسه، به خلق فرانسه برای آزادی...

آن‌چه را که خواهید خواند، آخرین پیامهای یک پناهنده سیاسی است که نتوانست از طریق راههای متداول به پاسخش برسد، به این علت است که من خود را در اجباری یافتم که دست به‌عمل خودسوزی بزنم... من ۵۳ساله، مادر دو فرزند و دارای لیسانس علوم اداری هستم. ۲۱سال است که در فرانسه استانوی پناهندگی دارم. امروز ساعت ٦ صبح مرا به اتهام تروریسم دستگیر و دستبند زدند، و مرا با قهر به مرکز بازداشت پلیس بردند. متأسفانه شب قبل از آن، تمامی اماکن استقرار و فعالیت پناهندگان ایرانی، همچنین اقامتگاه خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران، و همچنین خانه‌های مادران شهدا مورد حمله وحشیانه و شرم‌آور قرار گرفت. آن‌چه که دیروز اتفاق افتاد برای من غیرقابل تحمل بود. ولی روزی که راه مبارزه علیه رژیم ملاها را آغاز و انتخاب کردم، در آن روز تمامی رنجها و سختیها و شکنجه‌ها و سختیها و زحمات در این راه را پذیرفته و به آن آگاه بودم و می‌دانستم در مسیری که قرار دارم بایستی منتظر چیزهای سخت و روح آورباشم...

بدین‌وسیله آخرین پیامهای خود را انشا کرده و اکنون با عمل انتحاری خودسوزی به زندگی خود پایان می‌دهم. این اعتراضی است به دستگیری شرم‌آور خانم مریم رجوی که امید خلق ایران و رئیس‌جمهور منتخب مقاومت ایران است. بدین‌گونه من اعتراض می‌کنم به تمامی حملاتی که صورت گرفت به‌شیوه‌یی بسیار ننگین که دقیقاً شبیه عمل پاسداران رژیم ملایان بود. امروز ساعت ٦ صبح ما را از تختهای خودمان با اسلحه فرو کشیدند. من که قبلاً یکبار سکته قلبی داشتم و بر اثر آن سمت چپ بدنم لمس شده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفتم. مرا با ضربات پوتین زدند. بازوهایم را نمی‌توانم به علت جراحات وارده تکان بدهم...

آیا ما تقصیری غیر از مبارزه و فدای همه چیز برای خلق ایران داریم؟ ...

من زخمهای زیادی در روح و جانم هست که از ملاهای جنایتکار دریافت کرده‌ام. اکثر اعضای خانواده ما توسط رژیم ملایان شهید شده‌اند. من دیگر قادر نیستم این همه تعدی را به ساحت مقاومت خلق ایران و سمبل آن، مریم رجوی، تحمل کنم و به‌عنوان اعتراض به این اعمال...»

یورش ۱۷ژوئن، توطئه‌یی که با پایداری و شور آزادی درهم شکست

۱۷ژوئن چه شد؟

معامله برملا می‌شود

از ماه‌ها پیش طیفی از انگیزشهای سیاسی و اقتصادی برای رسیدن به‌این هدف به‌کارگرفته شده بود. در ۱۲مه یک پروتکل تجاری در جریان سفر وزیر بازرگانی خارجی فرانسه به‌تهران امضا شد و در پی آن سه قرارداد چندمیلیارد دلاری با شرکت نفتی توتال و با سازندگان فرانسوی ایرباس و رنو بسته شد. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه ملایان، ضمن استقبال از این هجوم گفت: «ما از مدتها قبل انتظار داشتیم مقامهای فرانسوی با مجاهدین برخورد کنند. ما اطلاعات خود را در خصوص اعضای این گروهک تروریستی و پرونده قضایی و جنایات آنان به‌مقامهای فرانسوی داده بودیم. این یک گام مثبت از سوی فرانسه است».

خاتمی، رئیس جمهور رژیم آخوندی، شب بعد از حمله، خواهان ستودار اعضای مقاومت می‌شود.

این حمله و رفتار ناموجه علیه مقاومت ایران در فرانسه، با اعتراض گسترده داخلی و بین‌المللی روبه‌رو می‌شود.

جنبش عظیم بین‌المللی

به‌اصله کمی، یک جنبش عظیم بین‌المللی در همبستگی و اعتراض علیه بازداشت مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران و دیگر دستگیرشدگان که هنوز به‌شکلی ناعادلانه توسط دادگستری فرانسه در بازداشت به‌سر می‌بردند، به‌راه می‌افتد.

هر روز در یک گوشه از پاریس ایرانیان با تظاهرات و اعتراضهای خود نسبت به این دستگیریهای غیرقانونی اعتراض می‌کنند.

در فاصله کوتاهی اورسوراواز به محل تجمع هزاران ایرانی از زن و مرد تا پیر و جوان، که برای آزادی مریم رجوی دست به اعتراض و تحصن و اعتصاب غذا می‌زنند، تبدیل می‌شود.

اکنون خیابان محل اقامت رئیس جمهور برگزیده مقاومت به‌کانون پرتپش و پرجنب و جوش زنان و مردانی تبدیل می‌شود که برای آزادی مریم رجوی و سایر دستگیرشدگان از چهارگوشه جهان، از کشورهای مختلف اروپایی تا آمریکا و کانادا و استرالیا خود را به این میعادگاه رسانده‌اند. طنین شعار آزادی مریم رجوی خاموشی ندارد.

روزهای تحصن و اعتصاب غذا در اورسوراواز به‌روزهایی به‌یادماندنی در تاریخچه سرخ‌فام مقاومت سرفراز ایران تبدیل می‌شود. ایرانیان هوادار مقاومت با اعتصاب غذای خود که تا روزهای متمادی ادامه می‌یابد، توجه جهانیان و رسانه‌های مختلف خبری را به‌خود جلب می‌کنند.

طی ۱۵روز، ایرانیان آزاده و شریف در شرایط بهداشتی ناکافی، با خوابیدن بر کف پیاده‌رو در خیابان گرد، روزگار گذراندند. آنان با مقاومت و پایداری ستایش‌انگیز خود، ریشه‌های مستحکم این مقاومت در اعماق قلبهای ایرانیان و عشق بزرگ خود به‌آزادی و رهایی ملی را در تک‌تک لحظه‌های این روزهای به‌یادماندنی به‌نمایش می‌گذارند و توطئه‌های آخوندهای دجال و دین‌فروش را افشا می‌کنند.

مشعلهای انسانی

در اعتراض به این زدوبند کثیف با فاشیسم مذهبی حاکم برایران ۳۵ایرانی در انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا، کانادا، قبرس، یونان و ایران اقدام به خودسوزی می‌کنند. آنها در برابر چنین معامله ننگینی که برضد مخالفان رژیم و پناهندگان سیاسی وابسته به مقاومت، می‌توانست تا استرداد به رژیم آخوندی امتداد پیدا کند، از جان و هستی خود مایه گذاشتند و خود را به‌شعله‌ها سپردند تا صدای اعتراض خود به این بیعدالتی ازجاترآور را به‌گوش جهانیان برسانند.

مریم رجوی که همچون دیگر اعضا و فعالان مقاومت در سلولهای انفرادی زندانی شده و از هرگونه ارتباط و اطلاعی از بیرون زندان محروم است، بعد از وقوع چند مورد خودسوزی، توسط مقامهای فرانسه، در جریان قرار می‌گیرد... در نهایت، د.اس.ت قبول می‌کند که مریم رجوی که خواستار تسریع در ارسال پیامش به هموطنان برای توقف خودسوزیهاست، یک پیام مکتوب بفرستد که از طرف او برای جمعیتی که در مقابل د.اس.ت گردآمده‌اند، خوانده شود:

«این مرا نگران و شوکه می‌کند که بشنوم بعضی‌هایتان تا حد خودسوزی جلو رفته‌اید. خواهش می‌کنم این‌کار را متوقف کنید. من از شما می‌خواهم از خودسوزی خودداری کنید، وگرنه پیش از این درد خواهم کشید و ناراحت خواهم شد... تظاهرات مسالمت‌آمیز خود را ادامه دهید تا به اهدافتان دست پیدا کنید».

آقای مالکوم هاریو، رئیس اتحادیه ملل متحد در انگلستان در نامه‌یی به رئیس جمهور فرانسه نوشت: «رژاندی جوانانی که در اعتراض و به نشانه ظلم و بیعدالتی، خود را به‌آتش می‌کشند، زخمی عمیق و پایدار در وجدان همگی ما خواهد بود».

در اتاوا، مادر و پدر نذا حسنی، مراسم خاکسپاری او را که با حضور ۱۵۰۰تن از ایرانیان در این شهر صورت گرفت، به‌محکمه رژیم آخوندی و محکوم‌کردن معاملات شرم‌آور با این رژیم تبدیل کردند. به نوشته اتاوا سیتی‌زن، فروغ، مادر نذا، در آخرین وداع با دخترش فریاد زد: «من به‌او افتخار می‌کنم و حالا باید قوی باشم تا پیامش را به همه جهان برسانم».

همبستگی ملی

در پی حمله و هجوم ننگین پلیس فرانسه به مراکز و اماکن مقاومت ایران و بازداشت مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده مقاومت و تعداد زیادی از اعضا و پشتیبانان مقاومت ایران، موج همبستگی ملی ایرانیان آزاده و شریف در محکومیت این عمل شرم‌آور و کثیف، سراسر ایران و کشورهای مختلف را فراگرفت. احزاب، سازمانها، گروه‌ها، انجمنها و کانونها و مجامع مختلف ایرانی و نیز شخصیتهای سیاسی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا، هنرمندان، روشنفکران، متخصصان و... به‌صدور اطلاعیه، بیانیه، نامه‌های سرگشاده، فراخوانهای مختلف اعتراضی پرداختند یا با نوشتن مقالات و سرودن اشعار و ... اعتراض خود را به‌معامله ننگین دولت فرانسه با رژیم ولایت فقیه ابراز داشتند. در این همبستگی ملی، هموطنان ایرانی ضمن اعتراض به‌بازداشتهای غیرقانونی پلیس فرانسه، آن را نقض آشکار حقوق پناهندگی دانسته و خواستار آزادی سریع و بدون قید و شرط دستگیرشدگان شدند. هموطنانمان این اقدام شرم‌آور را در همسویی و معامله با رژیم جنایتکار حاکم برایران ارزیابی کرده و آن‌را علیه دموکراسی و آزادی و حقوق بشر دانستند.

بیش از ۲۰۰۰تن از روشنفکران و متخصصان ایرانی در تبعید طی بیانیه‌های مختلفی خواهان آزادی فوری خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، شدند. در میان امضاکنندگان این بیانیه‌ها چهره‌های سرشناس سیاسی، ادبی، هنری، علمی، ورزشی و اجتماعی جامعه ایرانیان در تبعید به‌چشم می‌خورد. علاوه بر این، صدها انجمن و اتحادیه تخصصی و حرفه‌یی متعلق به تبعیدیان ایرانی از سراسر جهان با ارسال نامه و صدور بیانیه، خواستار آزادی خانم مریم رجوی و سایر بازداشت‌شدگان شدند.

حمله ناموجه و وحشیانه به‌مقاومت ایران و پناهندگان ایرانی در فرانسه همبستگی ملی ایرانیان در خارج کشور را به‌اوج رساند. همه گروهها و سازمانها و شخصیتهای سیاسی به‌استثنای عوامل و همدستان رژیم آخوندی، صرفنظر از هراختلاف سیاسی با مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران، به‌اعتراض پرداختند.

نمایش برای مریم

در اور سوراواز، روحانی آزاده، اسقف ژاک گایو، همراه با استاد جلال گنجه‌ای، یک مراسم نمایش بین‌المذاهب برگزار کردند و ضمن درخواست آزادی سریع مریم رجوی، به نام انسانیت و عدالت، برعواطف جریحه‌دار و حرمت پایمال‌شده پناهندگان ایرانی، کسانی که بعد از دو دهه سرکوب و اعدام و دربه‌دری ناشی از حاکمیت فاشیسم مذهبی در کشورشان، این‌بار در قلب یک دموکراسی چنین هدف قرارگرفته‌اند، مرهم نهادند.

شامگاه دوشنبه ۳۰ژوئن هزاران تن از ایرانیان در ۲۰شهر اروپا، آمریکا و استرالیا یک مراسم شب‌زنده‌داری و روشن کردن شمع برای آزادی مریم رجوی برگزار کردند. هزاران تن از مجاهدین در شهر اشرف در منطقه مرزی ایران و عراق نیز مراسم مشابهی برگزار کردند. علاوه بر انبوه ایرانیانی که در اورسوراواز گردآمده بودند، شب زنده‌داری ایرانیان در شهرهای لندن، اسلو، کپنهاگ، آمستردام، برلین، هامبورگ، دوسلدورف، فرانکفورت، رم، استکهلم، مالمو، یوتیوری، نیکوزیا، ملبورن، سیدنی، واشینگتن، لس‌آنجلس، هوستون و اتاوا جریان داشت.

همزمان در خاک میهن اسیر و در زیرسایه سنگین حکومت سرکوبگر آخوندی، صدها تن از هواداران مقاومت و خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی با دردست داشتن پلاکاردهایی با شعار آزادی مریم رجوی طی چند نظاهرات و درگیری با نیروهای رژیم در مقابل سفارت فرانسه با در سایر نقاط تهران دست به‌اعتراض و تظاهرات می‌زنند. گروهی از این تظاهرکنندگان توسط پاسداران سرکوبگر رژیم دستگیر و روانه زندان می‌شوند.

سیمای واقعی فرانسه

اما چهره واقعی فرانسه نه در عملیات پلیسی خشونت‌بار و بندوبستهای تجاری و سیاسی، بلکه در فوران حمایت مردم و به‌خصوص اهالی اورسوراواز و مناطق اطراف آن بارز گردید. شهردار و انجمن شهر اور و همسایگان یکپارچه به‌حمایت از خانم رجوی و اعتصاب‌غذاکنندگان برخاستند. شورای شهر اور به اتفاق آرای همه اعضایش از سراسر طیف سیاسی فرانسه، ازجمله احزاب حاکم، طی قطعنامه‌یی حمایت خود را از خانم رجوی و سایر ایرانیان مقیم این شهر اعلام کرد و مسئولیتهای دولت فرانسه را به‌آن تذکر داد. اور به میعادگاه وجدانهای بیداری تبدیل شد که برای ابراز حمایت و همبستگی با متحصنان و اعتصاب‌غذاکنندگان به‌آن‌جا می‌شتافتند. اما علاوه برساسیمدارانی نظیر ژان پیر بلازی، نماینده مجلس و فعالان حقوق بشر، نظیر نمایندگان حقوق بشر نوین، لیگ حقوق بشر فرانسه، انبوهی از شهروندان عادی فرانسوی خود را حتی از شهرهای دور دست در جنوب و شمال فرانسه به اور رساندند تا همبستگی خودشان را با مریم رجوی و پناهندگان ایرانی ابراز کنند.

به‌دستور شهرداری، برخی امکانات استادیوم محل نیز مورد استفاده متحصنان قرار گرفت. هرکس سعی می‌کرد به‌این ایرانیان ـ که همگی از افراد مرفه و تحصیلکرده، از پزشک و مهندس و متخصص کامپیوتر گرفته تا اساتد دانشگاه و اقتصاددان، بوده و خانه و زندگی خود را برای اعتراض به‌دستگیری مریم رجوی رها کرده و به اور شتافته بودند ـ کمکی کند.

در این شرایط دشوار، هرحرکت کوچک معنی سمبلیک عظیمی را دربرداشت. یک مرد همسایه با آکاردئون خود نزد اعتصابیون که از شدت گرسنگی بیحال شده بودند، آمد و ساعتها برایشان موسیقی نواخت. هنگام ترک محل، او که می‌خندید به‌اعتصابیون گفت: «آمده بودم به‌شما روحیه بدهم، اما خودم از شما روحیه گرفتم!»

زنان فرانسوی برای اعتصاب‌غذاکنندگان در موج حرارت بی‌سابقه اواخر ژوئن کیسه‌های یخ می‌آوردند. همسایگان در خانه‌های خود را به‌روی اعتصاب‌غذاکنندگان بازگذاشتند تا شرایط دشوار حضور شبانه‌روزی در پیاده‌روهای مقابل دفتر شورا در اور را قدری سهلتر کنند.

همسایگان در صدها نامه و استشهاد تأکید کردند که هرگز با هیچ مشکلی از سوی جامعه ایرانیان در اورسوراواز مواجه نبوده‌اند و اتهامهای وارد آمده به‌آنها نظیر برچسب تروریسم را به‌عنوان مضحکه و ساختگی رد می‌کردند.

مونیک دوندن، که ۳۵سال است در کوچه گرد در همسایگی دکترصالح زیبا، برادر مسعود رجوی رهبر مقاومت ایران، زندگی می‌کند، به‌هفته‌نامه اکوزوپوتال گفت: «الان ۲۲سال است که دولتهای فرانسه چپ و چه راست از آنها حفاظت کرده‌اند. حالا بعد از ۲۲سال چه‌طور به‌آنها تروریست می‌گویند؟ من به‌این حرف باور ندارم».

اعتراضات گسترده علیه تهاجم وحشیانه به مقر مقاومت و دستگیری مریم رجوی

حزب سوسیالیست می‌گوید عملیات علیه مجاهدین به‌یک افتضاح تبدیل شده است

خبرگزاری فرانسه، ۱۱تیر ۸۲: حزب سوسیالیست فرانسه، روز چهارشنبه، اظهار داشت که عملیات پلیس علیه سازمان مجاهدین خلق ایران «امروز به یک افتضاح تبدیل شده است». حزب سوسیالیست در بیانیه‌یی اعلام کرد: پانزده روز پیش، پلیس با تبلیغات بسیار، اقدام به‌دستگیری ۱۶۰ نفر با شیوهٔ عمداً نمایشی کرده بود اما امروز همه آزاد هستند.

۷۵هواداد مقاومت ایران در برابر کلیسای نوتردام پاریس دستگیر شدند

خبرگزاری فرانسه، ۳۰خرداد۸۲:
پرفکتور پلیس اعلام کرد صبح جمعه ۷۵هوادار مقاومت ایران در مقابل کلیسای نوتردام پاریس دستگیر شدند و چندین ماشین که از کشورهای اروپایی آمده بودند، توقیف شدند. پرفکتور پلیس در اطلاعیه‌یی می‌گوید این دستگیریها به‌دنبال اجرای حکم منع هرگونه تجمع از طرف مقاومت ایران صورت گرفته است...

تبعیدیان ایرانی در رم تحصن می‌کنند

خبرگزاری آ.جی.آی، ۷تیر۸۲:
بعد از گزارش دستگیریهای اخیر در پاریس، تبعیدیان ایرانی در رم امروز همبستگی خود را با مقاومت نشان می‌دهند. طی تحصنهایی که توسط شورای ملی مقاومت ایران برگزار شد، تظاهرکنندگان خواستار آزادی مریم رجوی رئیس‌جمهور منتخب پارلمان مقاومت به‌عنوان بخشی از خواستشان برای از بین‌بردن رژیم ملاها شدند. تظاهرکنندگان به‌همراه ۴۰۰ایرانی تبعیدی در حال اعتصاب غذا، دست به‌تحصن زدند

تظاهرکنندگان در مقابل سفارت فرانسه در تهران خواستار آزادی مریم رجوی می‌شوند

دبیرخانه شورای ملی مقاومت (۲تیر۱۳۸۲) در اطلاعیه‌یی در مورد تظاهرات حامیان مقاومت در داخل کشور اعلام کرد: نیروهای سرکوبگر رژیم آخوندی در پنجمین روز متوالی از اعتراض خانواده‌ها و هواداران مقاومت در مقابل سفارت فرانسه در تهران آنها را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار داده و گروه زیادی از آنها را دستگیر کردند.

روز گذشته، صدها تن از خانواده‌ها و دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار آزادی مریم رجوی و سایر پناهندگان زندانی در فرانسه، در مقابل سفارت فرانسه در تهران دست به اعتراض زدند. این تظاهرات هرروز از ساعت ۱۱صبح آغاز و تا پاسی از شب ادامه داشته است.

طی روزهای گذشته گروه زیادی از تظاهرکنندگان دستگیرشده‌اند. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات مادران و پدران پیری هستند که با پذیرش ریسک جانی و هرگونه آزار و اذیت از سوی پاسداران سرکوبگر رژیم آخوندی به‌مقابل سفارت فرانسه رفته‌اند تا فریاد دادخواهی و اعتراضشان را به دولت فرانسه منتقل کنند. این اعتراض درحالی صورت می‌گیرد که قوای سرکوبگر نیروی انتظامی تمامی خیابانهای منتهی به سفارت را مسدود کرده و از نزدیک شدن افراد به سفارت جلوگیری می‌کنند. وزارت اطلاعات آخوندی نیز خبرنگاران را از مراجعه به محل سفارت فرانسه به‌شدت ممنوع نموده است و علیه تهیه هرگونه گزارش از این موضوع به آنها اخطار داده است.

سایر اخبار هم‌چنین حاکی از آن است که شبه شب بیش از هزار نفر در منطقهٔ امیرآباد تهران از ساعت ۱۲ تا ۳بامداد دست به تظاهرات زده و شعار می‌دادند «مریم رجوی آزاد باید گردد».

همزمان در تظاهراتی در اصفهان گروه بزرگی از مردم با سردادن شعار خواستار آزادی خانم مریم رجوی شده‌اند.

تجمع صدها تن از مردم تهران در مقابل پارک ملت تهران و فراخوان به آزادی فوری خانم مریم رجوی

عصر روز جمعه ۶تیرماه، صدها تن از مردم و جوانان با برگزاری یک تجمع در مقابل پارک ملت در تهران خواهان آزادی فوری خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت ایران شدند. به‌رغم حضور گستردهٔ مأموران سرکوبگر، جوانان اقدام به توزیع تراکت و فراخوان برای آزادی مریم رجوی در میان مردم و رهگذران کردند.

مأموران وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی با محاصرهٔ کامل پارک و بستن خیابان ولی‌عصر از تقاطع نیایش، تلاش کردند جمعیت را متفرق کنند، اما با مقاومت شدید جوانان مواجه شدند و تجمع تا حوالی ساعت ۱۰شب ادامه یافت. تعداد زیادی از مزدوران بسیجی در سطح پارک گشت می‌زدند تا هرگونه ناآرامی را به‌شدت سرکوب کنند و مانع گسترش دامنهٔ تظاهرات شوند. هم‌چنین ۵۰موتورسوار مسلح متعلق به بسیج سپاه پاسداران، در خیابانهای اطراف به گشت‌زنی و ایجاد جو رعب و وحشت پرداختند.

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۹ تیر ۱۳۸۲ (۳۰ژوئن۲۰۰۳)

۲۰۰۰روشنفکر و متخصص ایرانی در تبعید خواستار آزادی فوری مریم رجوی شدند

بیش از ۲۰۰۰تن از روشنفکران و متخصصان ایرانی در تبعید طی بیانیه‌های مختلفی خواهان آزادی فوری خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران شدند.

در میان امضاکنندگان این بیانیه‌ها که نسخه‌یی از آن به دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ارسال شده است، چهره‌های سرشناس سیاسی، ادبی، هنری، علمی، ورزشی و اجتماعی جامعه ایرانیان درتبعید به چشم می‌خورد. آنان هجوم وحشیانه پلیس فرانسه به دفتر شورای ملی مقاومت ایران و محل اقامت خانم مریم رجوی و هم چنین خانه‌های پناهندگان ایرانی مقیم فرانسه را به‌شدت محکوم کرده و آن را یک معامله ننگین با دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم برایران توصیف کرده‌اند.

امضاکنندگان شامل نویسندگان، شاعران، مجسمه‌سازان، نقاشان، هنرپیشگان و کارگردانان تئاتر و سینما، خوانندگان، آهنگسازان، رهبران ارکستر، نوازندگان، پژوهشگران، دانشمندان، مقامها و سفیران سابق، افسران ارتش، خلبانان، بازرگانان و صاحبان صنایع، استادان دانشگاه، اقتصاددانان، حقوقدانان و وکلا، خبرنگاران و سردبیران، ورزشکاران، مسئولان اتحادیه‌ها و انجمنهای مدافع حقوق زنان و حقوق پناهندگان و... می‌باشند.

علاوه براین، صدها انجمن و اتحادیه تخصصی و حرفه‌یی متعلق به‌تبعیدیان ایرانی از سراسر جهان با ارسال نامه و صدور بیانیه، خواستار آزادی خانم مریم رجوی و سایر بازداشت شدگان درجریان حمله اخیر به‌پناهندگان ایرانی در فرانسه شدند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۰تیر ۱۳۸۲ (۱ژوییه ۲۰۰۳)

بیانیه شهردار اورسوراواز

می‌توان در مورد این چرخش ناگهانی مقامات از خود سؤال کرد آیا خواسته‌اند به دولت ملاها باج بدهند؟

قسمتی از بیانیه شهرداراورسوراواز

۲۴ژوئن ۲۰۰۳

سه‌شنبه ۱۷ژوئن در ساعت ۶صبح، به‌درخواست قاضی پروگر، یک عملیات پلیسی در ابعاد گسترده در محلهای مسکونی که محل استقرار پناهندگان ایرانی و متعلق به مقاومت ایران بود، رخ داد. شهردار اور فقط در ساعت ۶صبح با یک تماس مرامندار والدوآز مطلع شد. مطبوعات شب قبل با خبر شده بودند و این، حضور آنها را در خیابان گرد قبل از ساعت ۶توضیح می‌دهد.

امکانات به‌کارگرفته‌شده (پلیس ضد ضربت، دو گروهان ضد شورش، هلیکوپترها و کشتیها) تناسبی با موضوع نداشتند.

لازم است یادآوری شود که مسئولان اصلی که در خیابان گرد مستقر بودند، از ۲۰سال پیش، از حفاظت دائمی گاردهای سیاربرخوردار بودند و با بالاترین مقامهای دولتی ارتباط داشتند. موقعیت حقوقی آنها توسط کنوانسیونهای بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون ژنو به‌رسمیت شناخته شده است.

بنابراین می‌توان در مورد این چرخش ناگهانی مقامات از خود سؤال کرد. آیا این یک تغییر ژئوپولتیک است که بعد از جنگ در عراق رخ می‌دهد؟ آیا خواسته‌اند باج بدهند؟ به چه کسی؟ به دولت ملاها که در حال حاضر با مشکلات بزرگی مواجه است؟ به دولت آمریکا؟ این سؤالات مطرح هستند.

عده‌یی سمپاتیزانهای ایرانی از چندین کشور اروپایی به این‌جا آمده‌اند. شهرداری تلاش کرده است که امکانات انسانی لازم برای حضور در خیابان گرد را با بازکردن استادیوم ورزشی و با دادن اجازه استفاده از زمین فوتبال تثبیت‌شده، فراهم نماید.

شهرداری بررسی کرده است که تأمین آب، غذا و پتو فراهم شده باشد. بسیاری از اهالی اور به‌طور خودجوش آمده‌اند تا قوت‌قلب بدهند و خوراکیهای مختلف با خود آورده‌اند...

بخشی از صورتجلسه شورای شهرداری:

۲۴ژوئن ۲۰۰۳

شورای شهر اور که به‌ریاست آقای ژان‌پیر بکه، تشکیل شد، اعلام می‌دارد:

... ضمن اظهار تعجب از ویژگی این اقدام که در کادر دستور قاضی ضدتروریستی ژان لویی بروگر صورت گرفته، خبری که خیلی زودتر به مطبوعات رسیده در حالی که مقامهای محلی همان صبح و در موقع وقوع از آن مطلع شدند.

ـ با توجه به همبستگی بسیاری از اهالی اور به‌ویژه همسایگان نزدیک،

ـ با توجه به ضرورت این که تحت حاکمیت قانون به‌آزادیهای فردی و جمعی احترام گذاشته شود و هم‌چنین به‌آزادی عقیده و ایجاد سازمان و نفی سرکوب چه در فرانسه و در هرجای دیگر جهان، این آزادیها توسط موقعیت حقوقی پناهنده سیاسی به‌رسمیت شناخته شده‌اند،

ـ عطف به وضعیت ایجادشده در اثر این مداخله بدون این که عوارض بهداشتی و اجتماعی و امنیتی مربوط به آرامش عمومی در ناحیه اورسوراواز درنظر گرفته شده باشد،

ـ شورای شهرداری بعد از مشورت به‌اتفاق آرا اعلام می‌کند:

ـ به‌دولت در رابطه با مسئولیتهایش نسبت به‌سازمان و استقرار پناهندگان ایرانی از ۲۰سال پیش در منطقه اورسوراواز سکونت دارند، تذکر می‌دهد.

ـ مایل است که دولت درمورد شرایط به‌کاربستن یک عملیات پلیسی با چنین ابعادی توضیح بدهد،

ـ از حکومت و دولت می‌خواهد که کلیه مسئولیتهای خود را به‌عهده بگیرد تا این‌که امنیت تأمین گردد.

ژان پیر بکه ـ شهردار اور

حقوقی پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شده‌اند،

یاد مانده‌های آن روزها که گذشتند

کاظم مصطفوی

جهان تو را سکه‌یی می‌خواهد
بی‌مقدار
آن چنان که رنگین کمان/ رزوهایت
بلی حقیر باشد و سست
در فاصله دست خریدار و مشتری
و نگاه تو نمی‌گنجد
در اوراق خونین دفتری که
برای من رقم خورده است.

صبح، ساعت ٦ نشده، داشتم با علی مقدم می‌آمدیم به محل کارمان. سر پیچ میدان علی گفت: «چه اخمات تو همه؟» حوصله نداشتم. گفتم چیزی نیست. اما دلم به‌شدت گرفته بود. مقداری که رفتیم دلم پر شد. طاقت نیاوردم و گفتم: «علی خبر را شنیدی؟» بعد اشاره به خیانت ناجوانمردانه‌یی که آن روزها خبرش را شنیده بودیم کردم. علی گفت آره. من ادامه دادم: «مانه تا کی نوبت ما بشه!» علی گفت: یعنی؟... گفتم آره خدا را چه دیدی؟

آمدیم به محل کار. هنوز شروع نکرده بودیم. ساعت ٦ و ده دقیقه بود. وسط هال بودم که در باز شد و یک فول سورمه‌یی پوش آمد تو. جا خوردم. دستش تفنگی بود و ماسک هم زده بود. این کیه دیگه؟ تا آمدم به‌خودم بجنبم فریاد زد و دومی و سومی ریختند تو. دستور دادند دستهایمان را بالا بیریم. هنوز فکر می‌کردم برای بازرسی ساده‌یی آمده‌اند. سعی کردم خونسرد باشم ولی آنها طور دیگری بودند. در یکی از اتاقها قفل بود. انبار کارتونهایمان بود. یکی از همان سورمه‌یی‌پوشها که میله سنگینی به دست داشت یک دفعه حمله کرد بدمبر. با ضربتی در شکسته شد. آمدم اعتراض کنم که یک سورمه‌یی‌پوش دیگر زد توی ذوقم. دستور داد تکان نخوریم. گوش ندادم و شروع کردم به‌اعتراض که بابا اگر می‌خواهید بازرسی کنید بگویید کلید بدهیم چرا در را می‌شکنید؟ اما گوشی بدهکار نبود. هنوز دوزاری‌مان نیفتاده بود که جو عجیب شده است.

فکر می‌کردم به اینها چه گفته‌اند که این قدر با احتیاط و حتی مقداری ترس برخورد می‌کنند. ما چه چیز مخفی و پنهانی داشته یا داریم؟ همه‌مان را روی زمین خوابانده. تا خواستیم حرفی بزنیم داد زدند و از آن اداها و اطوارهای سینمایی رعب‌آور. یعنی که بترسیم و خفقان بگیریم. یکیشان رفت توی اتاقی که کامپیوتر و دوربین فیلمبرداری بود. با خشونت سیمها را دمته دسته کرد و کند. بقیه، ما را بر زمین خوابانده. جلال، احمدرضا و علی مقدم بودند و آقا جلال گنجه‌ای. دو خواهر هم با ما بودند. ما به لحاظ جسمی منکلی نداشتیم ولی به آقا جلال، به خاطر وضعیت کمرش، خیلی فشار می‌آمد. اما با مناعت و بزرگواری تحمل می‌کرد. خیالشان که راحت شد که بمب اتمی‌اندازیم رئیسهایشان آمدند داخل. حالا ما از وضع کلی ساختمان بی‌خبر بودیم. فقط قسمت خودمان را می‌دیدیم. یکی از لباس شخصیهایشان آمد و به دفت توی اتاقها سرکشید. من سر را از روی زمین بلند کردم و گفتم چرا این طور برخورد می‌کنید؟ اگر بازرسی می‌خواهید بکنید خودمان درها را برایتان باز می‌کنیم و اگر... ماندم که بگویم یا نه؟ ولی گفتم: «اگر هم دنبال تروریست هستید بیایید تا من هم به شما نشان بدهم». طرف جا خورد یکی دو نفر دیگر هم آمدند کمکش. گفت بگو! گفتم نزدیک میدان تره‌کاردو، سفارت رژیم! بیایید تا برویم نشانتان بدهم! طرف انتظار نداشت. من ادامه دادم: «ما که از سالها قبل به شما آدرس داده‌ایم، چرا آمده‌اید سراغ خودمان؟». طرف هیچ نگفت. با نوعی بلاهت نگاهم کرد و رفت. یکی دیگر از بچه‌ها چیزی گفت. یک سورمه‌یی‌پوش همچه کرد که یعنی ساکت! رئیس لباس شخصی‌پوششان نگاهم کرد و پوزخندی زد. مانده بودم آن را به چه چیزی تعبیر کنم. درست که دقت کردم قیافه‌اش آشنا به نظرم رسید. او را کجا دیده بودم؟ آن‌جا یادم نیامد. ولی بعدها فهمیدم پلیسی بود که چندی قبل خودمان آورده بودیم قضیه گندهتر از آن بود که ما فکر می‌کردیم. برای همین هم یک تضاد عجیب و غریب در عملکردشان دیده می‌شد. بعدها فهمیدیم که از یک طرف تمامشان را پر کرده‌اند که بیایند مثلا سلاح و مهمات پیدا کنند و حتی با آنها در مورد احتمال درگیری و کشته شدن چند نفرشان صحبت کرده بودند؛ و از طرف دیگر کسانی که در صحنه بودند با چیزی کاملا متفاوت روبه رو بودند. سورمه‌یی‌پوشها که اصلاً برایشان فرقی نمی‌کرد. آنها برای زدن و شکستن و از این قبیل کارها آورده شده بودند. به قسمت دیگر همین ساختمانی که ما بودیم وقتی حمله کردند با وحشیگری در قسمتی را که خواهران استراحت می‌کردند شکستند و بدون رعایت کوچکترین موازین اخلاقی و شهروندی به آنها هجوم بردند. اعتراض خواهران هم با برخورد خشن‌تر آنها روبه رو شد و بدتر زدند و توهین کردند. اما یکی دو رده بالاترشان که مقداری می‌فهمیدند دنبا دست کیست گیج و متحیر بودند. به خوبی می‌فهمیدند که به دامی‌افتاده‌اند که واقعی نیست. اما تاجار از اجرای دستور بودند. همین مسأله شکافی ایجاد کرده بود تا ما بتوانیم اعتراض کنیم و حرفمان را بزنیم.

سورمه‌یی‌پوشها اصلاً قابل مذاکره نبودند. دورمان حلقه زده بودند و ما روی زمین خوابیده بودیم. کم‌کم فشار روی کمرمان زیاد شد. پهلو به پهلو که شدیم سورمه‌یی‌پوشها شروع به داد و بیداد کردند. ما هم شروع کردیم به اعتراض. ژست گرفتند که حمله کنند. و کشمکشی ادامه پیدا کرد. یک لباس شخصی آمد داخل و من با او شروع به صحبت کردم. با بیانی محترمانه گفت چیزی نیست یک بازرسی ساده است و به زودی شما را از این‌جا می‌بریم. چی؟ می‌برند؟ کجا؟ پرسیدم کجا؟ گفت چیزی نیست و دست به سرم کرد. من به فارسی به بچه‌ها گفتم قضیه ساده نیست. سورمه‌یی‌پوشها نهیب زدند که ساکت باشم. یکی‌شان بود که خیلی بدجنسی می‌کرد. چشمهای زائفی داشت و برخلاف بقیه که زمخت بودند هیکل ظریفی. آمدم باهاش رفیق شوم دیدم خیلی فاشیستی برخورد می‌کند. اصلا میدان نمی‌داد. کتکی لبخند زدم و با استفاده از تجربیات بازجویی زندان گفتم سرکار می‌شود یک لیوان آب به من بدهید؟ می‌خواستم یک راهی باز کنم. ظرف اصلا محلم نگذاشت. من دوباره لبخند زدم و با دست نشان دادم که تشنمام. طرف چشم غره‌یی رفت و با خشونت دستورد داد سرم را روی زمین بگذارم. دیدم خواهرها را هم بدجوری گذاشته‌اند گوشه دیوار. چند بچه بعد آمدند به دستانمان از پشت دستبند زدند. این دیگر واقعاً زور داشت. مگر چکار کرده بودیم؟ یادمان نبود که اتفاقاً به همین خاطر که کاری نکرده‌ایم باید چوب بخوریم. دستهای خواهر فاطمه را که به شدت بسته بود و سابقه سکته داشت بدجوری پیچانده بودند. آقا جلال گنجه‌ای را با زور و فشار دستبند زدند به کمرش فشار می‌آمد. هرچه گفتیم و اعتراض کردیم کسی گوشش بدهکار نبود.

یکی از شخصی‌پوشها آمد بالای سرم. گفت تو چه‌کاره‌یی؟ گفتم نویسنده. گفت این‌جا چه می‌کنی؟ گفتم برای برنامه تلویزیونی برنامه تهیه می‌کنم. گفت چند سال است فرانسه هستی؟ گفتم از سال۱۳٦۲ به فرانسه آمده‌ام. حواسم بود رو دست نخورم. اما طرف با محبت و ادب صحبت می‌کرد. به خودم نهیب زدم که آدم اسیر نباید زیادی حقوق بشری باشد. خودم را جمع و جور و مقداری بسته برخورد کردم. طرف رفت و برگشت. دو باره شروع به سؤال و جواب کردن. گفت خانواده‌ات الان کجا هستند. گفتم ایران. گفت چند وقت است دخترت را ندیده‌ای؟ گفتم ۲۲سال. طرف جا نخورد، یک دفعه وا رفت. باورش نمی‌شد. گفتم ۲۲سال است دخترت را ندیده‌ای؟ گفتم از وقتی که به خارج این آمدم‌ام دیگر او را ندیده‌ام. می‌خواست سکته کند. گفت هیچ با او حرف زده‌ای؟ گفتم نه. گفت چرا؟ گفتم اگر حرف بزنم رژیم می‌رود سر وقتش. من این‌جا هستم دق و دلی‌اش را روی آنها خراب می‌کند. گفت دخترت الان چه‌کار می‌کند؟ دیدم بایا موضوع بازجویی عوض شد. طرف حسابی به هم ریخته بود. یادش رفت که بازجوی پلیس است و من اسیر. پرسیدم چرا با ما این طور برخورد می‌کنید؟ طرف اصلا یادش رفته بود پلیس است. گفت چیز مهمی نیست. گفتم من بابد با وکیلم صحبت کنم. گفت سه روز بعد امکان دارد. گفتم تا او نیامد من حرف نمی‌زنم. گفت حالا دخترت را ندیده‌ای ولی می‌دانی چه می‌کند؟ دیدم حواسش جای دیگری است. گفتم بابا تو اول بگو این چه برخوردی است با ما می‌کنید؟ گفت همه‌تان را می‌بریم اداره پلیس! گفتم برای چه؟ گفت نمی‌دانم دستور است. فهمیدم قضیه بیخ‌دارتر از این است که او هم بداند. صدایش کردند و او رفت. به آقا جلال گفتم آقا شنیدی چی می‌گفت؟ سورمه‌یی‌پوش بد اخم نهیب زد که حرف نزنیم. شخصی‌پوش اولی برگشت. به او گفتم نیاز دارم به دستشویی بروم. خودش آمد بالای سرم. زانو زد و دستبندم را باز کرد. رئیس بود برای خودش. به دستشویی رفتیم. در آن‌جا باز شروع کرد درباره وضعیت دخترم سؤال کردن. که چکار می‌کند و چه درسی می‌خواند. پرسیدم اگر ما را به اداره پلیس ببرید چه‌کار خواهید کرد؟ گفت هیچی بیشترش را همان موقع آزاد می‌کنند. تعداد کمی را نگه می‌دارند. بعد سرش را انداخت پایین و گفت قول می‌دهم تو را که ببرم ۵دقیقه هم معطل نشوی. خودم آزادت می‌کنم. از وضعیت خانواده‌گی من به شدت شرمنده و خجالت‌زده بود. برگشتیم توی هال. روی زمین خوابیده و دستم را از پشت دراز کردم که دستبند بزند. زد، اما خیلی شل و ول. رفت و چند دقیقه بعد برگشت. پرسید چیزی نمی‌خواهی؟ گفتم برای خودم نه ولی... آقا جلال را نشانش دادم و گفتم به خاطر کمرش خیلی تحت فشار است. آقا جلال را از روی زمین بلند کرد و دستور داد روی صندلی بنشیند. دستبندش را هم از جلو به او زد. بعد پرسید دیگر چیزی نمی‌خواهی؟ خواهر فاطمه را نشانش دادم و گفتم می‌دانی ما مسلمانیم؟ گفت بله گفتم لطفاً اگر برای بازرسی بدنی آمدید یک پلیس زن همراهتان یاوریم. گفت حتما رفت و چند دقیقه نگذشته که دیدم یک پلیس زن را فرستاد داخل.

یک سورمه‌یی‌پوش با لگد در ورودی را باز کرد و چند نفر دیگر در حالی که خواهری را در محاصره داشتند به وسط هال آمدند. معلوم بود از طبقه سوم ساختمان که محل استراحت خواهران بودند آمده‌اند. ملافه بزرگی روی سر خواهر مزبور انداخته بودند و او با این که چشمهایش جایی را نمی‌دید با استواری و قاطعیت قدم برمی‌داشت. فهمیدیم قسمت بالا درگیری مختصری پیش آمده. صدای اعتراض چند خواهر از راهروی بغلی به گوش می‌رسید. سورمه‌یی‌پوشها حاضر یراق ضرب و شتم و اشظم نباشند. ما خیز برداشتیم که خبری بگیریم. فهمیدیم بیرون ساختمان غوغا است. به راستی نمی‌دانستیم این قدر هم هستیم. یعنی واقعاً نمی‌دانستند که ما در این ساختمان علکی که هزار بار مورد مراجعه پلیس و شخصی و کارمند این شرکت و آن شرکت واقع شده چیزی نداریم؟ چنین سادگی و حتی بلاهتی امکان نداشت. بدون شک نقش اصلی را اوضاع سیاسی منطقه و معامله چند میلیاردی ایفا می‌کرد در چنین متنی هرکسی نقش خود را بازی می‌کند. یک نقش هم به عهده «برید» مزدوران گذاشته شده. آنها به عنوان «افراد مطلع» از درون روابط ما سخیف‌ترین اطلاعات دروغ را به خورد فرانسویها دادند.

رفت و آمدها تند شد و افراد دیگری سر رسیدند. شروع به کندن سیمهای تلویزیونها، کامپیوترها و بقیه دستگاهها کردند. معلوم بود دستورهای جدیدی رسیده است.

یک مأمورشان که معلوم بود متخصص کامپیوتر است آمده بود و به دفت کامپیوترها را نگاه می‌کرد و دنبال دیسک قلمیها بود. جلال ارانی با او گپی زد. دیدیم طرف اصلا برای همین کار آمده و کار دیگری ندارد. خودشان هم می‌دانستند به شدت تیرشان به سنگ خورده. اما به هرحال نمی‌شد دست خالی برگشت. باید یک چیزی به بالا ارائه داد و با توی بوق تبلیغاتی دمید. برای همین هم خودشان خبرنگاران و مترجمان را از قبل صدا و توجیه کرده بودند. وقتی اسبابها را بار می‌زدند عکس می‌گرفتند و فیلمبرداری می‌کردند که یعنی چیزی گرفته‌اند. می‌خواستند وقتی می‌خواهند نشان بدهند دستشان خالی نباشد.

سر و صداها زیاد شد و بردن جنسها، انگاری که مال بی‌صاحب هستند. غارت به تمام معنا بود. دلمان آتش گرفته بود. می‌دانستیم که تک تک آن میز و صندلیها تا دستگاهها و کامپیوترها را با چه خون دلی تهیه کرده‌ایم. یعنی دنیا این قدر بی‌صاحب و حساب و کتاب است؟ در این فکر بودیم که آیا فقط به ما حمله کرده‌اند؟ یا او و سایر جاها هم مورد تهاجم قرار گرفته‌اند؟ هراحمالی را می‌دادم الاّ دستگیری خواهر مریم. از بی مروتی دنیا کم ندیده و نخوانده بودم. اما نه تا این حد. البته این ساده‌انگاریی در آن جا به نفعمان تمام شد. اگر می‌فهمیدیم که خود خواهر مریم هم مورد حمله قرار گرفته مسلماً قضایا روند دیگری می‌گرفت. فکر می‌کنم خودشان هم این را می‌دانستند. به همین خاطر هم بود که حتی به خیلی از بچه‌های اخراج نگفتند که خواهر مریم دستگیر شده یا می‌خواهند دستگیرش کنند. در واقع تا آخر بچه‌ها را در بی‌خبری نگه داشتند. به هرصورت هرطور بود تا ظهر صبر کردیم. دستهایمان خسته شده بود و واقعاً فشار زیادی روی همه بود. ما سرپا کردند و روی صندلی نشاندند. اما در عین حال اجازه صحبت با هم را نداشتیم.

پلیسی که با من دوست شده و تحت تأثیر وضعیت خانواده‌گی‌ام قرار گرفته بود به سراغم آمد. گفت آماده باش باید به اداره منتقل شویم. دستبند شاخی را که بسیار سفت شده بود و دیگر اذیت می‌کرد از دستم باز کرد. دستبند آهنی زد و راه افتادیم. به نزدیک در خروجی که رسیدیم نمی‌دانم چه شد گفتند برگردید. طرف با دلخوری من را برگرداند و کلی هم عذرخواهی کرد. بعد هم دیگر دستبند شاخی نزد. همان دستبند آهنی را به دستم جا گذاشت و رفت. من بعد فهمیدم که این دستبند در واقع متعلق به فرد خودش بود.

یک دفعه دیدیم چندین مترجم ایرانی از راه رسیدند. بیشترشان زن بودند. بینشان یک افغانی هم بود که موضع سیاسی داشت و طرف ما را می‌گرفت. تا تکان می‌خوردیم می‌گفت: «سگها آمدند!» یا «سگها رفتند!»

ساعت یک و دو بعد ازظهر شده بود. پستهایشان را عوض کردند. سورمه‌یی‌پوشهای دیگری را کار گذاشتند. ما در اتاقها بودیم و دیگر محدودیت حرف زدن و این جور چیزها را نداشتیم.

چند متخصص کامپیوتر آمدند و شروع به صورت‌برداری از کامپیوترهایمان کردند. اسمها را و نوشتند و این که کدام متعلق به کی است و چه وجه... کامپیوتر مرا هم برداشتند. تازه یک فصل از کتابی را نوشته بودم و یادداشتها و مدارکم در آن بود. در واقع تمام هستی و حاصل بیست سال کار ملا تحقیق و نویسندگی و شاعری. یک ضرب برداشتند و بردند. بعدها نامه نوشتم به انجمن قلم فرانسه و تقاضای کمک کردم. گفتم بابا من نوشته‌هایم را نمی‌خواهم ببایید! اگر راست می‌گویید همه آنها را منتشر کنید تا معلوم شود من تروریست هستم که درباره قاتلان و جنایتکاران شناخته شده بین‌المللی تحقیق می‌کنم یا سوراخ دعا را عوضی گرفته‌اید. کی باور می‌کند در فرانسه کشور شعر و رمان و ادبیات و هنر آثار یک نویسنده را این طور به یغما ببرند؟ هیچ کس هم‌بیدا نشود بگوید تا کی و چرا و بالاخره کی این ملا تحقیق تمام می‌شود؟ بگذارم که انجمن قلم فرانسه هم جوابم را نداد.

عصر بود که سوارمان کردند و همگی را دست‌بسته به مرکز پلیس ناحیه (سرژی) بردند. حیاط بسیار بزرگی بود با مجموعه‌های ساختمانی متعدد. یک مجموعه بزرگ را از قبل برای ما آماده کرده بودند. همگی منتظر بودیم که صدایمان کنند و برویم برای بازجویی. یک دفعه دیدم دوست جدیدم(پلیسی که تحت تأثیر وضع من قرار گرفته بود) پیدایش شد. بین بچه‌ها گشت و تا من را دید خیلی جدی و مقداری با اوقات تلخی صدایم کرد. اصلا انتظار نداشتم مرا به اتاقی برد که رئیس بالا دستش بازجویی می‌کرد. به او گفت: «این همان است که گفتم!» من داشتم شاخ در می‌آوردم. یعنی واقعاً می‌شود در آن برهوت نامردی و رذالت یک انسان، آن هم این قدر شریف پیدا شود؟ دوستم، من را تحویل داد، به علامت اطمینان خاطر لبخندی زد و رفت خودش را در اتاق بغلی مشغول کرد. بعد از آن هم هراز گاهی می‌آمد و سر و گوشی آب می‌داد و می‌رفت. بازجویم پلیس میانسالی بود. از نگاه و سؤالاتش فهمیدم که بی‌تجربه نیست. سرد و بی واکنش بود و سؤال و جواب را خودش تایپ می‌کرد. وسطهای بازجویی، مشکل زبان پیش آمد. رفت خانمی را برای ترجمه آورد. یک خانم بسیار مهربان و مؤدب ایرانی بود. از بیماری دیسک رنج می‌برد و من چند بار خواستم کمکش کنم اما قبول نکرد. در عوض قول داد که مترجم امینی باشد. واقعاً هم امین بود. تنها در یک مورد که بازجو چیزی گفت و من با تندی گفتم این اقدام شما یک معامله کثیف با آخوندهاست، حاضر نشد ترجمه کند. با نگرانی پرسید همین را بگویم؟ باورش نمی‌شد موضع من این باشد. گفتم بله همین را بگویید. اما فهمیدم «کثیف» را نگفت. من هم خودم وارد شدم و تأکید کردم: «dirty»، بازجویم خندید و شغلم را پرسید. گفتم. گفت چرا می‌گویی این کار با یک معامله با آخوندهاست؟ گفتم من این همه سال است در فرانسه بودمام. تا حالا حتی برای یک جریمه رانندگی هم پایم به اداره پلیس نیفتاده. بعد شما آمده‌اید تمام زندگی ما را به هم زده‌اید و به ما می‌گویید تروریست! کی توی جیابانهای همین پاریس شما بمب گذاشت؟ ما بودیم یا رژیم؟ من به عنوان یک تبعیدی این‌جا زندگی می‌کنم؟ ولی مردم فرانسه را بسیار دوست دارم. بعد با تأکید پرسیدم باور می‌کنید که من بچه‌های فرانسوی را چقدر دوست باشم؟ من یک دشمن بیشتر ندارم آن هم آخوندها هستند. بازجو دست از تایپ کشید. گفته عیفی به من انداخت و پرسید من را هم دوست داری؟ گفتم من با شما هیچ دشمنی ندارم. بالا بالای شما است که رفته معامله کرده. شما هم الان دارید انجام وظیفه می‌کنید. بنابراین تکرار می‌کنم من یک دشمن بیشتر ندارم. آخوندها! مترجمی که نشسته بود داشت سکته می‌کرد. اما از آن‌جا که زن شریفی بود با صدای لرزان حرفهایم را ترجمه می‌کرد.

بازجویی که تمام شد دوست قبلی‌م به سروقتمان آمد. با بازجو مقداری با ایما و اشاره حرف زدند و دوستم گفت بلند شو! از در که بیرون آمدیم با محبت لبخندی زد که نشان از موفقیت داشت. از طبقه بالا به پایین آمدیم. برادرانی که بازجویی‌شان تمام می‌شد راه با دستبند، برده بودند در زیر زمین. اما خواهران در طبقه همکف بودند. بدون دستبند. دوستم برای این که به من امتیازی داده باشد و به من دستبند نزند من را برد پیش خواهران.

صدای سردوحیانی برادران از زیر زمین بلند شد. خواهران هم از بالا شروع کردند. من این وسط مانده بودم. تنها برادر در میان جمع خواهران بودم. در به در دنبال دوستم می‌گشتم تا من را به نزد برادران ببرد. یکبار او را دیدم و به او گفتم. گفت نیازی نیست به زودی آزاد می‌شوید!

فهمیدم به قولی که داده بود، عمل کرده است. نیمه‌شبی بعد، که حدود ساعت ۱۰شب بود، صدایم کردند و در کمال ناباوری از اداره پلیس خارج شدم. جمع هوادارانی که در آن‌جا جمع شده بودند به گرمی استقبالمان می‌کردند. چند ثانیه بعد من در ردیف مستقبلینی قرار گرفتم که آزادی دیگران را تبریک می‌گوید.

شب به پایگاه که آمدیم خبر را شنیدیم. خبر که نه آوازی که تمامی نداشت.

بردیوار جهان کتیبه‌یی ست
از خشم، از نفرت
کتیبه‌یی از بغض، از عزم نفی این جهان دد
و کتیبه‌یی که ما به پادگار می‌سپریم
از اه رؤیاهای مقتول است.
هان ای سکوتتان قبول!
قبولتان لبخند بر قاتلان!
هان ای شما که روزتان را
با شستن دستانی خونین آغاز کردید
دستبندتان امروز بددستانی است
که مشت بودند برنیزه تباهی
هان ای شما ساکت و راضی و سرمست!
هان ای شما خوش و خوش خیال!
شامگاه
هنگام که سر در بستر گذاشتید
به خاطر آورید
کتیبه‌های شعله ور دیوارها را
تف برشما
هم‌چون قاتلان.

از عملیات «ضدتروریستی» ۱۷ژوئن چه باقی مانده است؟

دو سال پس از عملیات پلیسی که در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ در اورسورواز علیه سازمان مجاهدین خلق ایران به‌راه انداخته شده بود، روزنامهٔ اکورژیونال، در مورد اتهامات وارده به این جنبش به‌تحقیق پرداخته است. در مقالهٔ مصاحبه وقایع دو سال اخیر را مورد بررسی قرار دادهایم و مصاحبه‌یی انجام دادهایم با خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ شورای ملی مقاومت ایران

اکو رژیونال
۲۵خرداد۸٤
نویسنده: کارولین نوگ

صبح روز ۱۷ژوئن۲۰۰۳ وقتی که فرانسویان رادیو خود را روشن کردند تا به اخبار گوش بدهند، ناگهان متوجه شدند که شهر اورسورواز مهد نقاشان امپرسیونیست هم‌چنین محل «تروریستهای خطرناک» است. در ساعت ٦صبح روز۱۷ژوئن کماندوهای ویژهٔ ژاندارمری و پلیس فرانسه به‌همراه مأموران سرویسهای اطلاعاتی [داس.ت] برای انجام این عملیات بسیج شده بودند. در جریان این عملیات مجموعاً ۱٦۵نفر دستگیر شدند که هفتاد و پنج نفر از آنان ساکن اور بودند. مأموران بهسیزده ساختمان یورش بردند. هدف اصلی این عملیات مقر شورای ملی مقاومت ایران واقع در خیابان گرد در اورسورواز بود.

به‌مدت هفده روز ایرانیها بسیج شدند و خیابان گرد به‌صحنهٔ تحصن آنها تبدیل شده بود. در این خیابان چلچلهٔ مأموران پلیس ضدشورش تصاویر مریم رجوی بر روی دیوار نصب شده بود که اندازهٔ این عکسها گاهی بیش از یک و نیم متر بود. در همه جای این خیابان پلاکاردهایی نصب شده بود که بر روی آن نوشته شده بود مریم رجوی را آزاد کنید. خیابان مملو از جمعیت بود. هواداران از نقاط مختلف خیابان به اور آمده بودند و هر روز به تعداد آنها افزوده می‌شد. در فرانسه، سازمان مجاهدین خلق ایران که خود را جنبش اصلی مقاومت علیه رژیم ملاهای حاکم در تهران معرفی می‌کند، توسط قاضی بروگیر مورد این اتهام قرار گرفته بود: «تشکیل انجمن بزهکاران به‌منظور آماده‌سازی اقدامات تروریستی و تأمین مالی عملیات تروریستی».

از تروریسم تا پولشویی

در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ بیش از ۱۳۰۰مأمور پلیس به۱۳محل در حومهٔ پاریس یورش بردند و ۱٦۵نفر را دستگیر کردند. به‌هنگام بازرسی، حجتی یک سلاح به‌دست نیامد. ولی مأموران مبلغ زیادی پول نقد (هشت میلیون دلار) و مقداری تجهیزات کامپیوتری به‌دست آوردند و آنها را ضبط کردند. مریم رجوی در میان دستگیرشدگان بود. او به‌همراه ۱٦نفر دیگر مورد بازجویی قضایی قرار گرفت. سپس مریم رجوی به‌همراه ۱۰نفر از رفقایش بازداشت شد. چند روز بعد در تاریخ سه‌ژوئیه۲۰۰۳ دادگاه فرجام پاریس حکم آزادی او را صادر کرد. این حکم برای دست‌اندرکاران این عملیات کماندویی وقصات بخش دولت فرانسه، یک شکست تحقیرآمیز بود. پس از آن تاریخ به‌گفتهٔ هواداران مریم رجوی پرونده به‌بن‌بست رسیده است. یک هزار مدافع دادگستری پاریس می‌گویند که پرونده روند خود را طی می‌کند. در سال گذشته تحقیقات قضایی سمت و سوی جدیدی گرفتند و به سوی مسائل مالی کشیده شدند. ادارهٔ تحقیق درمورد مسائل مالی در کنار دادسرای مدافع، این اتهامات نیز راه‌به‌جایی نخواهد برد. بنابراین پس از دو سال تحقیق هیچ سند و مدرکی پیدا نشده است که با استناد به آن بتوان مدعی شد که این افراد در فرانسه به‌دنبال آماده‌سازی اقدامات تروریستی بوده‌اند. در چند ماه گذشته تحقیقات قضایی جدیدی به‌راه افتاده‌اند که هدف آن کشف شیوه‌های جمع‌آوری پول توسط این سازمان و نحوهٔ مصرف این پولهاست. در این پرونده اتهامات جدیدی مطرح شده‌اند از جمله پولشویی، کلاهبرداری و سوءاستفاده از ضعف افراد.

ولی به‌گفتهٔ کسانی که از محتوی پرونده مطلع هستند، هیچ ردپایی از فعالیتهای تروریستی یا نظامی در پرونده یافت نمی‌شود.

یک «زد و بند تجاری»

خانم مریم رجوی که با روزنامهٔ اکو یک مصاحبهٔ اختصاصی انجام داده است، می‌گوید که پرونده «خالی» است زیرا این پرونده قبل از هرچیز «سیاسی» و ناشی از یک «زد و بند» تجاری بین ایران و فرانسه می‌باشد. به‌گفتهٔ اعضای شورای ملی مقاومت ایران که بیست سال است در اور در تبعید به‌سر می‌برند، همین گونه زدوبندها چند سال پیش باعث شدند که سازمان مجاهدین خلق ایران در پست آزمایشهای تروریستی وزارت خارجهٔ آمریکا و سپس اتحادیهٔ اروپا گنجانده شود. در این زمینه یک گزارش محرمانه شده توسط خبرگزاری فرانسه بسیار روشنگرانه است و بررسی ما نشان داد که این گزارش واقعیت دارد. این گزارش که به‌تاریخ ۲۱اکتبر۲۰۰٤ نوشته شده، به‌سوء پیشنهادات اروپا به‌ایران در دکادر همکاریهای اتمی غیرنظامی اشاره می‌کند. هدف این مذاکرات در سال گذشته تحقیقات قضایی سمت و سوی جدیدی گرفتند و به‌سوی مسائل مالی کشیده شدند. ادارهٔ تحقیق درمورد مسائل مالی در کنار دادسرای مدافع، این اتهامات نیز راه‌به‌جایی نخواهد برد. بنابراین پس از دو سال تحقیق هیچ سند و مدرکی پیدا نشده است که با استناد به آن بتوان مدعی شد که این افراد در فرانسه به‌دنبال آماده‌سازی اقدامات تروریستی بوده‌اند.

در چند ماه گذشته تحقیقات قضایی جدیدی به‌راه افتاده‌اند که هدف آن کشف شیوه‌های جمع‌آوری پول توسط این سازمان و نحوهٔ مصرف این پولهاست. در این پرونده اتهامات جدیدی مطرح شده‌اند از جمله به‌موازات تحقیقات قضایی یکسری اتهامات به‌مقامات ایران و به مریم رجوی وارد شده‌اند. گروهی از افراد که توسط انجمن ایران-پیوند مورد حمایت قرار گرفته‌اند، در تاریخ ۱۹ژانویه۲۰۰۵ علیه مریم رجوی شکایت کردند و او را به نقض حقوق بشر متهم کردند. این انجمن که خود را متشکل از مخالفان رژیم، استبداد ملاها معرفی می‌کند، در آوریل گذشته در شهرهای اورسورواز و سرژی علیه مریم رجوی به‌تظاهرات پرداختند. مقامات فرانسوی به‌این افراد اجازه دادند که به تظاهرات بپردازند درحالی که این مقامات در تاریخ ۱۰فوریه تظاهرات هواداران مریم رجوی در پاریس را ممنوع اعلام کردند. کریم حقی که عضو انجمن ایران پیوند می‌باشد، ازجمله یکی از چهار نفری است که علیه مریم رجوی شکایت کرده است. او مدعی شده که دو سال توسط مجاهدین زندانی شده است و مجاهدین را متهم می‌کند به این که در اردوگاههایشان در عراق شکنجه می‌کنند. کریم حقی در تاریخ اول آوریل در گفتگو با خبرنگار اکو اظهار داشت: «زمانی که مجاهدین خود را در خدمت صدام حسین قرار دادند، به هنگام کشتار مردم کردستان من به مخالفت پرداختم و آنها مرا دو سال در اردوگاههایشان زندانی کردند. چند نفر دیگر زیر شکنجه کشته شدند. ما اقدامات قاضی بروگیر را مورد حمایت قرار می‌دهیم».

در تاریخ ۹اُمین انجمن حقوق بشری دیدبان حقوق بشر همین اتهامات را تکرار کرده است. گزارش ارائه شده توسط این انجمن به افشاگری پرداخته و مدعی شده است که حقوق اعضای سابق این جنبش نقض شده است. دیدبان حقوق بشر با ۶عضو سابق سازمان مجاهدین خلق ایران که در زندان ابوغریب در عراق زندانی شده بوده‌اند و هم‌چنین هفت «عضو سابق» دیگر سازمان مجاهدین خلق ایران مصاحبه‌هایی را انجام داده است. گزارش این انجمن تصویر بسیار ناخوشایندی از رفتار این سازمان با اعضای ناراضی‌شان ارائه می‌دهد. افراد مورد مصاحبه قرار گرفته اتهامات گوناگونی را مطرح کرده‌اند ازجمله بازداشت، سرکوب، شکنجه و حتی حذف فیزیکی افراد. بدیهی است که شورای ملی مقاومت ایران گزارش مذکور را شدیداً زیر سؤال برده و شیوهٔ تهیهٔ این گزارش را مورد انتقاد قرار داده است. انجمن این مصاحبه‌ها به‌طور تلفنی با انجام شده‌اند و هیچ گفتگویی با سازمان مجاهدین صورت نگرفته است. شورای ملی مقاومت معتقد است که دیدبان حقوق بشر آلت دست رژیم ملاها شده است.

افشین علوی یکی از اعضای کمسیون خارجهٔ شورا می‌گوید: «بنظر من این گزارش تلاشی است برای لیست سازمانهای تروریستی خارج شود. این گزارش دقیقاً در زمانی ارائه شده است که نمایندگان مردم آمریکا در کنگره مشغول بحث در مورد ایران هستند». یک فعال حقوق بشر (که نخواست نامش فاش شود) می‌گوید که نسبت به‌این گزارش باید بسیار محتاط بود: «شیوهٔ تهیهٔ این گزارش بسیار بحث برانگیز است زیرا تمامی این مصاحبه‌ها توسط تلفن انجام شده‌اند. سازمان ما نیز اظهاراتی درمورد بدرفتاری دریافت است. جنبش ما هیچ‌گاه به‌اعمال شقاوت بار دست نزده است و نشان داده است که می‌توان مقاومت کرد بدون آن‌که لازم باشد به کارهای ناشایست دست زده شود. تلاش زیادی در جریان است تا این جنبش مقاومت را نابود کند. در دنیای امروز هرگونه مقاومتی مورد سوءظن و اتهام قرار می‌گیرد.

مقاومت ایران در فرانسه توسط شخصیتهای متعدد مورد حمایت قرار گرفته است ازجمله دانیل میتران، ایو بونه رئیس سابق دادسرا، و اسقف گایو. در کشورهای دیگر نیز مقاومت ایران از حمایت زیادی برخوردار است. در فرانسه از یک سو کارشناسان در بحثهای مربوط به ایران مقاومت ایران را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند و در عین حال این مقاومت را جنبش اصلی مقاومت مسلحانه علیه این رژیم می‌نامند. رژیم تهران به تازگی مدعی شده که سوءقصدهای که حقوق بشر بازیچه قرار گیرند». او می‌افزاید: «این افراد همگی مهرهای شناخته شده هستند و اظهاراتشان ضد و نقیض می‌باشد. اگر مجاهدین کسانی بودند

Régional
Echo

که در پی بدرفتاری، شکنجه و حذف افراد بودند، به‌خصوص توسط رژیم صدام حسین، در آن‌صورت چطور شده است که مجاهدین به‌این افراد اجازه دادند که آزادانه به ایران یا به کشورهای خارجی بروند. همین که این افراد توانسته‌اند به‌کشورهای اروپایی بیایند، نشاندهندهٔ این است که مجاهدین جیزی برای پنهان کردن ندارند». افشین علوی اطمینان می‌دهد که «این افراد مخالفان رژیم ملاها نیستند. آنان مأموران سرویسهای مخفی ایران هستند که تلاش کرده بودند در سازمان مجاهدین نفوذ کنند». او می‌افزاید: «پس از پایان جنگ ایران و عراق، جنبش ما تمام دشمنانی که به اسارت درآمده بودند

یک شب آتش در نیستانی فتاد...

(از پیام مسئول شورای ملی مقاومت ـ ۱۲تیر۸۲)

در این جریان و در این ایام، من تلاش کردم که با حداکثر خویشتنداری، کلمه‌یی و عبارتی نگویم که این اعتراضهای برحق و مقدس بالا و بالاتر بگیرد.

می‌ترسیدم که حتی با یک کلمه و یک عبارت، بغض فروخفته در هزاران و هزاران تن از هموطنانمان و مجاهدان آزادیستان مشتعل و منفجر گردد و دیگر نتوان کسی را کنترل کرد.

بدون هیچ مبالغه، از صدها خودسوزی دیگر با پیام مریم، و با خواهش و التماس و استدعا از راه دور و از نزدیک، هم مستقیم و هم غیرمستقیم، ممانعت گردید و از مسئولان سازمان مجاهدین که در این خصوص به‌غایت همکاری و تفاهم داشتند، سپاسگزارم.

یک شب آتش در نیستانی فتاد
سوخت چون عشقی که برجانی فتاد
شعله تا سرگرم کار خویش شد
هر نی‌یی شمع مزار خویش شد

به‌راستی آنان وجود خود را به شمعهای فروزان آزادی و مشعلهای جاودان مقاومت و تاریخ این میهن تبدیل کردند.

سلام بر «ذبح عظیم» ملت ایران در آستان فرشته آزادی که خلق اسیرمان از یکصد سال پیش سر به پایش نهاده است. آزادی، خجسته آزادی ...

از آن‌سو آخوند خاتمی متقاضی استرداد مریم بود و کیسه‌ها دوخته بود. کسی که در مقام وزیر تبلیغات خمینی در جنگ هشت ساله افتخار می‌کرد که رژیمش ۴۵۰هزار دانش‌آموز را در پتو پیچیده و به میدانهای مین فرستاده است، عجبا که اکنون از طریق سخنگویان و مزدوران معلوم‌الحالش مدعی شد که خودسوزیها در کشورهای مختلف جهان «سازمانیافته» و «با دستور» بوده است!

بیچاره تفاوت سازمان و آرمان را بو نکرده و از آن‌جا که هیچ‌گاه در تمامی عمرش حتی آتش یک سیگار را بر پشت دست خود هم حس نکرده است، نمی‌داند که برخی امور از اساس با دستور و با سازمانیافتگی عملی نیستند. اگر غیر از این بود، آخوندها قبل از هرکس برای حفظ خود و رژیمشان به صدور دستورات لازم روی می‌آوردند و نیازی به داعیه کاذب اصلاحات و همچنین این همه فغان و فریاد علیه مجاهدین و مقاومت ایران نبود.

مریم رجوی: سلام به عشقهای فروزان و شعله‌ور برای آزادی

درود به پرچمداران و راهگشایان و مشعلداران آزادی. درود به جاودانه فروغها و ستارگان تابناک آزادی. و سلام به عشقهای فروزان و شعله‌ور برای آزادی، به صدیقه مجاوری و ندا حسنی و دیگر ندای بالا بلند آزادی و شرف میهنی...

کاش مقامها و مسئولین ذیربط مرا زودتر مطلع می‌کردند و گذاشته بودند که پیام من سریعتر به هموطنانم برسد و یا همان‌طور که می‌خواستم، بتوانم تعدادی از آنها را ببینم و از بابت سلامت دستگیرشدگان به آنها اطمینان خاطر بدهم، شاید به این ترتیب می‌توانستم نگرانی آنها را کاهش بدهم و مانع بشوم...در یک سال گذشته، هرشب من با یاد آنها که در مطبوعات جهان «مشعلهای انسانی» توصیف شدند، به‌خواب رفتم و هر صبح با یاد آنها بیدار شدم ...

همچنین یاد آنهایی که با اعتصاب غذای جانکاه ۱۷روزه، فرسوده و رنجور شده بودند، هیچ‌گاه از خاطرم نرفته و نمی‌رود.

من در برابر این‌همه فداکاری و جانفشانی سر تعظیم فرود می‌آورم و امیدوارم با برچیده‌شدن استبداد مذهبی حاکم برمیهنم، مردم و مقاومت ایران مجبور نباشند که این‌همه فدیه و قربانی بدهند.

مریم رجوی در روز آزادی:

«طی تمام این دوران، من خود را از یاد برده بودم و هرچه از دستم برمی‌آمد برای جلوگیری از خودسوزیها انجام می‌دادم(...) زنان جوانی که اینک دیگر این‌جا نیستند. ولی من احساس می‌کنم آنها هم در میان ما هستند. من به هیچ‌وجه از این کار آنها خشنود نیستم ولی در مقابل اراده عظیم آنها سر خم می‌کنم. این سقف غیرقابل دسترسی فدا به خاطر آزادی و میهن(...) من هنوز در تمامی وجودم دردی جانکاه را حس می‌کنم. در واقع قلبم هنوز از شعله‌های آتشی که زبانه می‌کشد، می‌سوزد. آتشی جاودانه که جز با آزادی دیرپا و همبستگی مردم ایران خاموشی نخواهد پذیرفت. تنها اگر من می‌توانستم زودتر در جریان قرار بگیرم شاید می‌توانستم جلوی این فداکاری غافلگیرکننده همان‌قدر که عظیم ، در تاریخ آزادی میهنمان را بگیرم».

ندا و عموی شهید

باباجان سلام، حالت چطوره؟ الان نشسته بودم و داشتم کتاب «قتل‌عام زندانیان سیاسی» را می‌خواندم که یک دفعه خیلی یادت افتادم و گفتم چند خط بنویسم. مطمئن هستم که این کتاب را چندین بار خوانده‌ای ولی خودم هر بار که قسمتی از آن را می‌خوانم ناخودآگاه یاد عمو می‌افتم و تازه کمی احساس می‌کنم که شرایطی که در آن بود را می‌فهمم. خیلی یاد آن روزهایی می‌افتم که با ماماجان و باباجان می‌رفتیم ملاقات، نمی‌دانم باورت بشود یا نه، ولی خیلی از صحنه‌های ملاقات را خوب یادم هست، بعضی وقتها خیلی بیشتر دلم می‌خواهد در مورد عمو می‌دانستم ولی حیف که نیستی برایم تعریف کنی. اگر یک بار وقت کردی زندگینامه‌اش را برایم کامل بنویس و بفرست خیلی دوست دارم بدانم.

ژورنال دودیمانش، ۳تیر۸۲

ژورنال دودیمانش: همواره بایستی به کسانی که خود را برای آرمانهای خود قربانی می‌کنند احترام گذاشت

روزنامه ژورنال دودیمانش در ۲۲ژوئن ۲۰۰۳ نوشت: مخالفان رژیم آخوندی در پاریس، لندن و برن خود را به آتش می‌کشند. آنها علیه عملیات ضدتروریستی که توسط DST بر ضد سازمان مجاهدین خلق ایران به ویژه ستاد مرکزیش در شهر اور سورواز صورت گرفته است، اعتراض می‌کنند. همواره بایستی به کسانی که خود را برای آرمانهای خود قربانی می‌کنند احترام گذاشت. خصوصاً وقتی که آنها قربانی معاملهای شده باشند که از کنترلشان خارج است.

آسوشیتدپرس ۴تیرماه۸۲

مادر تظاهرکنندهٔ ایرانی که خود را به آتش کشید، گفت که به دخترش افتخار می‌کند

روز سه‌شنبه، مادر تظاهرکننده ایرانی که خود را در مقابل سفارت فرانسه به آتش کشید و بر اثر آن درگذشت گفت او به دختر خود افتخار می‌کند اما از دیگران خواست که کار او را نکنند. ندا حسنی ۲۶ساله هنگامی که در یک تظاهرات در روز پنج‌شنبه اقدام به عمل تراژیک کرد. او برای تعطیلات به انگلستان آمده بود... بعد از آن‌که خانم حسنی خود را به آتش کشید، مادرش فروغ حسنی از اتاوای کانادا سریعاً خودش را به لندن رساند. این زن جوان در روز دوشنبه بعدازظهر درگذشت. این مادر اندوهناک در حالی‌که صدایش می‌لرزید گفت:«ندا بسیار خوشحال بود. او عاشق زندگی بود».

فروغ حسنی، مادر ندا

...آخر بگذارید به مردم دنیا بگویم من به ندا در لحظه شهادتش قول دادم گفتم مادر تو سوختی اما من صدایت می‌شوم. تو با شعله‌های وجودت نگذاشتی ظالم پیروز بشود. تو سوختی و شعله‌هایت زبانه کشید. من صدایت را می‌شوم. امیدوارم بتوانم صدایت را برسانم. بچه‌های ما آزادی می‌خواهند. بچه‌های ما محیط سالم می‌خواهند و تنها و تنها با ارتش آزادیبخش با شورای ملی مقاومت تحت رهبری خانم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت (امکانپذیر) است آخر او بهترین ماست. او دلیلی است برای این که ما این‌جا بایستیم و بگوییم ایرانی هستیم. ما لایق آزادی هستیم ما خون دادیم. آزادی را با خون می‌خریم. مریم را به تهران می‌بریم. بگذارد دشمنان هرچه می‌خواهند بگویند. روی سرمان ریختند خون بچه‌های نازنینمان را ریختند. آمدند دست زدند به سرمان و حرمتمان اما مجاهد خلق را نشناخته‌اند، ایرانیها را نشناخته‌اند.

احمد حسنی، پدر ندا:

وای که چه آتشی از وجودش برخاست. شعله‌هایش هنوز زبانه می‌کشد و در آتشش همهٔ نامردمیها، تا دنیا دنیاست، خواهد سوخت. مطمئنم که ندا الان با ماست و پیش ماست.

ندا در روز ۲۳ژوئن ساعت چهارو چهل و چهار دقیقه به‌وقت لندن، در حالی‌که من و مادرش بالاسرش ایستاده بودیم، پرواز کرد و به‌وعده‌اش با خدا و مردم وفا کرد و جاودانه شد. (خطاب به‌شهروندان فرانسوی): هم‌چنان که ژاندارک در تاریخ و فرهنگ شما یک سمبل هست، برای ما هم صدیقه و ندا سمبلهای آزادی هستند.

سلام بر صدیقه و ندا، روزی که زاده شدند و روزی که قهرمانانه پرکشیدند و روزی که دوباره برانگیخته خواهند شد.

حکایت دود و دل

برای صدیقهٔ مجاوری و ندا حسنی

دکتر محمد قرایی

دودی ز دلی دیدیم، می‌رفت سوی گردون
پیچان به هوا چون رود، سرخ و جگری چون خون
گفتیم چه می‌سوزد؟ دل از چه می‌افروزد؟
دل کاسهٔ خون باشد، آب است ولی گلگون!
چون پیش‌ترک رفتیم، دیدیم چو دیوانه
قلبیست که می رقصد، فتانه‌تر از مفتون
گویی به سماعی خوش، صوفیست که می‌چرخد
بی‌خویش‌تر از درویش، دیوانه‌تر از مجنون
خلقی به تماشایش، از حیرت آن آتش
خواهد که کند خامَش، گه دور و گهی مقرون
گفتیم مگر سحر است!، پروانه شده قلبی
بر گِرد که می‌رقصد؟ این قلب شده افسون
چون این بشنید آن دل، از دایره آتش،
گامی زد و جستی زد، آمد سوی ما بیرون
گفتا که غلط گفتید، بس سهو و سقط گفتید
این نایره عشق است کی فهمدش افلاطون؟
گر عقل نماید نقل، خون آب بود گلگون
عقل است و نمی فهمد، وان فهم بود وارون
گر عشق کند تفسیر، هر جرعه خون شعله ست
کاین جرعهٔ آتشگون، با عشق شده معجون
دود ار که ز من خیزد، از سوز یکی عشق است
بیداد زمان کردهست، معشوق مرا مسجون
پروانه تواند شد دل گر بودش عشقی
آتش شود آن خونی کز عشق شود محزون
دود از دل ما برخاست زین قصه پر آتش
دیدیم به گرد ما، دریا شده چون هامون

۱۷خرداد۸۵

صدیقه مجاوری در سیاهچالهای اوین

خاطره‌یی از آن جان پاک شعله‌ور

اولین بار او را در بند ۲۴۶ پایین اوین دیدم ضعیف و مریض‌حال و در عین حال شاد و سرزنده به‌نظر می‌رسید. همیشه به‌عنوان کسی که به بقیه روحیه می‌داد، شناخته می‌شد. اغلب تعدادی دورش جمع بودند و به صحبتهای او از تجربیاتش در بازجویی و مقاومتهای بیرون از زندان گوش می‌دادند . از حرفهایش همه روحیه می‌گرفتند و سرحال می‌شدند. او نقطه اتکا کسانی بود که زیر بازجویی پدر می‌بردند به همین دلیل دژخیمان کینهٔ خاصی از او به‌دل داشتند و چندین بار او را به شعبه صدا زده و تهدید کرده بودند که نباید با کسی صحبت کند . در لحظهٔ ورودش ۴۰۰ضربه شلاق خورده بود و همواره از کسانی بود که تنبیه و به سلول انفرادی منتقل می‌شد.

روزهای ماه رمضان سال۶۲ بود، یادم می‌اید که تازه افطار کرده بودیم. یکی از دختران معاویه از بلندگوی بند اعلام کرد همه به سلولهای خود بروند و کسی حق خروج ندارد و به این ترتیب جو رعب و وحشت را در بند حاکم کردند. یکی یکی در سلولها را باز کرده و اسامی افراد مورد نظر را اعلام می‌کردند. سپس آنها را بدون آن‌که فرصت خداحافظی باقی بگذارند از بند بیرون می‌کشیدند. دلم در تب‌وتاب بود، به سلول ما که رسیدند اسم صدیقه را خواندند. او وسایلش را جمع کرد ولی مثل همیشه سرحال بود و در حالی که خنده از لبانش دور نمی‌شد، گفت: یعنی خداحافظی هم نکنیم که دژخیم پاسخ داد نخیر، نکنید. صدیقه پوزخندی زد بعد رو به ما که با قیافه‌های نگران او را بدرقه می‌کردیم، آهسته گفت «بابا مگه از اینها انتظاری غیر از این دارید اون اصلیه (اشاره به مسعود) جونش سلامت» و دستی تکان داد و رفت. آن‌شب هیچ‌کدام خواب به چشممان نیامد، بغض گلویمان را گرفته بود و نگران سلامتی‌اش بودیم ولی با گفتن خاطرات او شب را به صبح رساندیم. چند روز بعد متوجه شدیم که صدیقه را به انفرادی منتقل کرده و در وضعیت بدی به‌سر برده و ملاقاتهایش نیز قطع شده بود.

صدیقه به‌رغم وضعیت وخیم جسمی‌اش هرگز تسلیم شرایط نمی‌شد و به ما درس پایداری و مقاومت به هر قیمت را می‌داد.

گزیده‌یی از حمایتهای برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی و اجتماعی فرانسه از مقاومت ایران

ژوزه بووه، سخنگوی جنبش جهانی دهقانان:
این دستگیریها با نقض قوانین بین‌المللی، که پناهندگان سیاسی را مورد حفاظت قرار می‌دهد، صورت گرفت. این اقدام هم‌چنین ناقض قوانین فرانسه بود که قاعدتاً باید به هرکس اجازه دهد که طبق سلیقه خودش زندگی کند.
... دولت فرانسه تلاش دارد برای خوشایند دولت آخوندها عمل کند تا به شرکتهایی مثل توتال اجازه دهد که با یگیرند. این بسیار تأسف‌بار است که شرکتهای فرانسوی برای کسب پول دموکراسی را نادیده می‌گیرند...
به همین خاطر است که امروز من در کنار شما هستم، با همه شهروندان از زن و مرد و با همه حقوقدانانی که برای حقوق پناهندگان ایرانی در جهان مبارزه می‌کنند و هم‌چنین به خاطر حمایت از مبارزه خلق ایران برای این‌که بتواند دموکراسی خودش را انتخاب کند. برای این‌که بتواند آزادانه نوع زندگی خودش را انتخاب کند.

میشل توبیانا، رئیس لیگ حقوق بشر فرانسه:
آنها برای اتهامهای خود به نام مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی استناد می‌کنند. این اقدامی است که با آن می‌توان مخالفان دولتهایی که ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک را لگدمال می‌کنند، تحت فشار قرار داد. رژیم ایران مصداق بارز این حقیقت است.
با این لیست می‌توانند اصولی را که در اروپا حق مقاومت در برابر یک رژیم استبدادی را به‌رسمیت شناخته، به چالش بکشند. ما روش اتهام به ارتکاب جرم را مردود می‌شماریم.

ایزابل دبره، سناتور از حزب او.ام.پ، حزب حاکم فرانسه
وقتی برای اولین بار برای ملاقات خانم مریم رجوی می‌آمدم، به من گفتند که تو چرا می‌روی، آنها تروریست هستند... اگر امروز در میان شما هستم قبل از هرچیز برای حمایت از یک زن است. یک حمایت شخصی از جانب یک زن برای زنی که به‌خاطر حقوق مردم مبارزه می‌کند.

ادیت کرسون، نخست‌وزیر سابق فرانسه:
به‌راستی چگونه می‌توان در کنار شما قرار نگرفت؟... وقتی که شما در سرزمین حقوق‌بشر از حقوق‌بشر حمایت می‌کنید ما چگونه می‌توانیم از شما حمایت نکنیم؟
...ما در تاریخ خودمان به‌یاد داریم که در گذشته چگونه مقاومت فرانسه نیز با مشکلات زیادی روبه‌رو بود. آن‌را هم به‌سختی به‌رسمیت می‌شناختند اما نهایتاً پیروز شد.

ژان لوک ملانشون، وزیر سابق و عضو رهبری ملی حزب سوسیالیست:
هر بار که بحث دفاع از حقوق و دموکراسی در میان باشد، دیدگاه ما در قبال حقوق‌بشر نشانگر محکوم‌کردن حمله‌یی است که شما قربانی آن بودید... ملت فرانسه به‌هیچ وجه در چنین اعمالی که مخالف اصولش است درگیر نمی‌شود. کشور ما فرانسه با همه دنیا تجارت می‌کند. اما ارزشهایش را به معامله نمی‌گذارد.

دانیـل میتران: وثیقه قرار دادن مقاومت صلح‌طلب ایـران توسط ارگانهای مالی یک آبروریـزی است

● من این‌جا با این جملات می‌خواهم توجه وجدان عمومی فرانسویان را جلب کنم که باید بر این چنین اعمالی شورش کنند
● تحقیق یک روند قضایی برای پرونده‌یی که خالی است

...تحقیق یک روند قضایی برای پرونده‌یی که خالی است.
چرا و تا کی ما می‌خواهیم برخورد با ایرانیان، این مردم صلح‌طلب را، به این صورت وثیقه قرار دهیم. من نمی‌خواهم فکر کنم که اینها بازار یا ارگانهای مالی هستند که این مسیر را دیکته می‌کنند. در هر صورت برای من این یک آبروریزی است.
من این‌جا با این جملات می‌خواهم توجه وجدان عمومی فرانسویان را جلب کنم که باید بر این چنین اعمالی شورش کنند.

پیام آبـه پیر: هر بار کسی به دفاع از حقوق‌بشر برمی‌خیزد و به‌ویژه زنی مثل خانم رجوی، آبه پیـر هم آن‌جاست

●آبه‌پیر می‌داند آن‌چه بر سر شما آمده است غیرقابل فهم و شوکه‌آور است. آبه‌پیر به‌تازگی باردیگر یک نامه برای وزیر خارجه نوشت تا نسبت به سرنوشت جامعهٔ ایرانی که در عراق پناهنده است و در تهدید اخراج به ایران قرار دارد، به‌شدت ابراز نگرانی کند

ژاک لوک، به نمایندگی از سوی آبه پیر:
...او می‌داند آن‌چه بر سر شما آمده است غیرقابل فهم و شوکه‌آور است. آبه‌پیر به‌تازگی باردیگر یک نامه برای وزیر خارجه نوشت تا نسبت به سرنوشت جامعهٔ ایرانی که در عراق پناهنده است و در تهدید اخراج به ایران قرار دارد، به‌شدت ابراز نگرانی کند. اما نگران نباشید، هر بار که کسی به دفاع از حقوق بشر برمی‌خیزد و به‌طور خاص زنی مثل خانم رجوی، آبه پیر هم آن‌جاست. حتی اگر سلامتی و سن و احتیاط و درایت به او اجازه ندهد که آن‌طور که می‌خواهد درگیر شود. پیام او برای شما این است که شایسته بمانید. همواره متحد بمانید برای انسانیتی بهتر و شجاع باشید.

اسقف گایو:
من همیشه وقتی که درمیان شما هستم احساس خوشحالی می‌کنم. چون شما حامل نوری در قلبهایتان هستید. در ماههای اخیر من تلألو درخشان نورهایی بسیار زیبا در شب را شاهد بودم. این نورها قلب مرا پر از شوق و شور می‌کند.

ژان فرا، خواننده و آهنگساز معروف فرانسوی:
خانم رجوی زنی است فوق‌العاده و من از او حمایت می‌کنم. امروز این‌جا و بین شما هستم و در حد امکانم از نبردی که شما دارید پیش می‌برید، حمایت می‌کنم... ما حمایت از مقاومت شما را ادامه خواهیم داد.

مارک ریمن، عضو کمیسیون خارجه مجلس ملی فرانسه:
حمایت از مبارزه مریم رجوی دفاع از ارزشها جمهوری ماست
اکنون زمانی است که فرانسه می بایستی در کنار میلیونها ایرانی که آرزوی برپایی حقوق بشر، دموکراسی و یک دولت لائیک را دارند قرار بگیرد، نه در طرف یک رژیم بنیادگرا و سرکوبگر.

برنارد استازی، وزیر پیشین فرانسه:
من با تمام قلب و تمام احساسم با شما همراه هستم. ایران متأسفانه حکومتی دارد که به‌هیچ چیز و ازجمله دموکراسی و حقوق بشر پایبند نیست.

ژرژ هاژ، رئیس سنی مجلس ملی فرانسه:
از کشورم سرشکسته هستم که در زمینه دفاع از مردم ایران و دموکراسی در ایران آن‌چنان که در تاریخ سابقه داشته است، تلاشی نمی‌کند در مقابل همه متعهد می‌شوم که زدوبندهای زشت میان رژیم ایران و شرکتهای بزرگی که می‌شناسید و به ایران رفته‌اند را به‌طور گسترده افشا کنم.
پرونده خالیست. اتهام تروریست به بن‌بست رسیده است.

ژان میشل بلورژه، نماینده سابق مجلس فرانسه:
چه بسا برند فعالان سیاسی و نمایندگان ملت فرانسه که در امیدهایشان با شما سهیم هستند و اذیت و آزار و رفتار ناعادلانه‌یی را که با شما شده، محکوم می‌کنند، آنهاکم نیستند. آنها هم‌چنین آمادگی رهبران فرانسه را برای قربانی کردن آزادیهای شما و شرف این کشور به‌پای منافع اقتصادی و دیپلوماتیک، محکوم می‌کنند.
پیروزی از آن شماست چرا که شما عدالت را نمایندگی می‌کنید.

رنه آندره، نماینده و عضو کمیسیون خارجی مجلس از حزب او.ان.پ و معاون هیأت فرانسه در اتحادیه اروپا:
مقاومتی که شما در شورای ملی مقاومت ایران انجام می‌دهید، جای ستایش دارد. به‌طور غیرموجه به‌شما برچسب تروریسم زده شده است. من اصلاً با آن موافق نیستم. و این امر مرا نمی‌ترساند. آنهایی که در لندن به ژنرال دوگل پیوستند بلافاصله تروریست خوانده شدند. اما برای بازگرداندن افتخار و احترام و دموکراسی به‌فرانسه، در واقع بسیاری به او پیوسته بودند و یقین دارم که مبارزه شما در این راستاست.

آلن ویوین، وزیر مشاور سابق:
باید پرونده شنیع ۱۷ژوئن خاتمه پیدا کند. عادی نیست که امروز عده‌یی با الهام گرفتن از ملاها ادعا کنند مقاوم ایران تروریست است.

ژرار شاراس نماینده و عضو کمیسیون دفاع مجلس ملی فرانسه از حزب رادیکال چپ:
حمایت از جنبش شما باید فراتر برود. شما نماینده سازمانیافته‌ترین مقاومت ایران هستید و شایسته حمایت ما هستید و بدانید که ما همواره در کنار شما قرار خواهیم داشت.

میشل ترو، نماینده و عضو کمیسیون خارجی مجلس فرانسه از حزب او.ان.پ (حزب حاکم):
معتقدم که اتهاماتی که علیه شما مطرح شده غیرقابل‌قبول است. آرمانها و سیاستهایی که شما با اراده و پرنسیپ زیاد از آن حمایت می‌کنید جای ستایش دارد.

فرانسوا لونکل، نماینده و عضو کمیسیون خارجی مجلس فرانسه از حزب سوسیالیست
من مایلم همبستگی خودم را با شما اعلام کنم. مسأله ایران در حزب ما در گروه سوسیالیست در پارلمان فرانسه، بسیار مورد توجه است و ما موضوع را دنبال می‌کنیم.

ژان کلود آبریو، نمایندهٔ مجلس فرانسه
یورش ۱۷ ژوئن ۲۰۰۳ علیه مقر شورای ملی مقاومت ایران و خانه‌های پناهندگان ایرانی که به بهانهٔ مبارزه با تروریسم» انجام شده بود اکنون به‌یک افتضاح بزرگ تبدیل شده است. این پرونده خالی است و انگیزه‌های به‌دام انداختن این پرونده صرفاً سیاسی بوده‌اند. این رفتار، با ارزشها و ستهای فرانسه مغایرت دارند. فرانسه مهد دموکراسی، مهد حقوق بشر و مهد حق پناهندگی است

ژان پل بنوا، مسئول روابط بین‌الملل حزب رادیکال چپ
اگر امروز، توسط دولت کشور من و بعضی از سرویسهای آن با مجاهدین خلق به‌عنوان تروریست برخورد می‌شود، یعنی مبارزه علیه یک رژیم تروریست و ناقض حقوق‌بشر، تروریسم است، پس سازمان مبارزه با تروریسم و ما سازمان قربانیان تروریسم و رئیس آن و صدها عضو آن و پارلمانترها و خود من هم تروریست خواهیم بود

ماریو استازی: رئیس سابق کانون وکلای پاریس:
«امه سزر» شاعر بزرگ اهل آنتی می‌گوید که وکلا باید صدای بی‌صدایان باشند. باور کنید که با حمایت شما و با نیرویی که اعتقادمان به ما می‌دهد، با همبستگی که شما با حضورتان بیان می‌کنید، ما می‌توانیم صدای خودمان را به گوشها برسانیم

سناتور ژان پیر میشل:
به‌عنوان یک پارلماتر فرانسه نفرت خودم را به‌خاطر عملکرد دستگاه قضاییمان، اعلام کنم. تحقیقات قضایی اداره دارد، وکلا هم معتقدند که هیچ چیز در پرونده نیست و پرونده خالی است.
باید دادگستری روشی را ادامه دهد که به بستن این قضیه منتهی شود. در این پرونده، دادگستری در دست قدرت سیاسی و از جمله در دست دولت فرانسه است. بنابراین باید دولت کاری کند که پروسه به‌پایان برسد.

سید احمد غزالی، نخست‌وزیر سابق الجزایر
حمایت من از شما کامل و بی‌تردید است، حمایتی صادقانه، زیرا معتقدم که مبارزه شما فقط مربوط به مردم ایران نیست، بلکه مربوط به تمامی ملتهای عرب و مسلمان است.

رژین دفورژ، نویسنده معروف فرانسوی:
من این‌جا آمده‌ام که حمایت خود را از مریم رجوی و یارانش در مقاومت ایران اعلام کنم. می‌خواهم به‌سادگی بگویم که شما الگویی هستید که نبودن دموکراسی، نابرابری بین زن و مرد و دست درازی مذهب به امور دولتی را نمی پذیرید.

مولود آنونیت، دبیرکل جنبش علیه نژادپرستی و دوستی خلقها:
فرانسه‌یی که در ۱۷ژوئن با شما بیدا شد از پای نخواهد نشست و همبستگی مردم فرانسه در کنار مبارزه شما قطعاً به حذف نام شما از لیست تروریستی منجر خواهد شد.

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر:
آن‌چه باید در این‌جا مورد مؤاخذه قرار گیرد، تجاوز از اصول حکومت قانون است که زیر عنوان مبارزه با تروریسم ما را به متحد عینی تروریستها تبدیل می‌کند. به باور من در موضوع مجاهدین خلق این ارزشهای دموکراتیک حکومت ما زیر سؤال قرار گرفته است. در این مورد نه‌تنها با تروریسم مبارزه نشده... بلکه بکبار دیگر سیاست بر عدالت حاکم شده است...

ژیل پارونل، رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز:
از دیرباز بارها گفته‌ام که تروریسم هیچ سنخیتی با اورسرواز ندارد، بلکه در تهران حضور دارد.
می‌خواهم این جمله ویکتور هوگو را هنگامی که در تبعید بود، یادآوری کنم:
او گفت: «هیچ مقاومتی بدون مبارزه و هیچ مبارزه‌یی بدون شجاعت و هیچ شجاعتی بدون عزم و اراده، وجود ندارد»؛ و شما از این چهار ارزش و کیفیت انسانی برخوردار هستید.

آندره میشل، جامعه‌شناس مشهور و مدافع باسابقه حقوق زنان:
برای اجتناب از این که دولت فرانسه وارد سیاستی نشود که برای یک کشور مدعی احترام به حقوق بشر مایه سرشکستگی باشد، و برای اجتناب از این که ما فرانسویها بیش از این به‌خاطر نقض حقوق و موقعیت پناهندگان ایرانی در برابر افکار عمومی ایران و جهانیان شرمنده شویم، ما خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان هستیم. ما هم‌چنین خواهان پرداخت غرامت به آنان و تضمین تأدیهٔ کامل حقوقشان برای ادامه زندگی در فرانسه و تأمین کامل امنیت آنها هستیم.

بیانیه حمایت امه سزر و شمار دیگری از برجسته‌ترین شخصیتهای سیاسی و فرهنگی و ۲۵۰هزار شهروند فرانسوی از مقاومت ایران

امه سزر مبارز نامدارآزادی، شاعربزرگ فرانسه و از یاران سارتر، فانون وکامو، شماری دیگر ازبرجسته‌ترین شخصیتهای فرهنگی و اجتماعی فرانسه، بیش از ۱۰۰تن از نمایندگان پارلمانهای اروپا و استرالیا، ازجمله سه تن از معاونان پارلمان اروپا و رئیس سابق مجلس لوکزامبورگ همراه با۲۹۱ انجمن مدافع صلح، حقوق بشر و برابری زنان طی بیانیه‌یی از گردهمایی ایرانیان در پاریس و راه‌حل سوم ارائه شده توسط خانم رجوی- تغییر دموکراتیک توسط مردم و مقاومت ایران- حمایت کردند(متروچاپ پاریس،۲۸و۲۷ژوئن).
در میان حمایت کنندگان شماری از پارلمانترهای فرانسوی، شخصیتهای سیاسی، هنرمندان و وکلا و حقوقدانان در دیده می شوند، از جمله:
ژان پیر میشل نماینده مجلس سنای فرانسه، پاسکال ترامی، نماینده پارلمان فرانسه، پیر برسی، رئیس حقوق بشر نوین، ژاک گایو، اسقف مترقی و مدافع برجسته حقوق‌بشر در فرانسه، فرانسوا کولکومه، قاضی، عضو سابق پارلمان فرانسه و معاون کمیته برای اقدام دموکراتیک در ایران، ژیل پارونل، رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز فرانسه و رئیس کمیته برای اقدام دموکراتیک در ایران، ژان فرا، خواننده مشهور فرانسه، فرانسوا اریتیه، پروفسور افتخاری کالج فرانس، اودیل فاورا رئیس انجمن فاوستی، هانری بوریکاد، کشیش مترقی فرانسه، ژاک لوش، مدیر بنیاد امانوس لیبرته و مارتین ساری، هنرمند سرشناس فرانسوی.
روزنامه متروا این بیانیه را با عنوان «فراخوان ۲۵۰۰۰۰هزار شهروند به منظور عدالت برای مقاومت ایران» به چاپ رسانده و این عبارات را از متن بیانیه برجسته کرده است:
ـ حقوق پناهندگان و مخالفان ایرانی به بهانه‌هایی مانند لیست تروریستی لگدمال شده است.
ـ عدالت ایجاب می کند که اتحادیه اروپا و از جمله فرانسه حکم دادگاه اروپا را به اجرا گذاشته و رسماً اسم مجاهدین خلق را از لیست تروریستی حذف نماید.
ـ امروز بطلان برچسبهای ساخته‌شده علیه مقاومت ایران در ژوئن ۲۰۰۳ به اثبات رسیده و به یک فضاحت تبدیل شده است.

حمایت شـهرداران شهرهای مختلف استان والـدواز و شهر بـورژه

ونسان کاپوکانلا، شهردار بوژه، جنبش شما باید مورد حمایت و تشویق قرارگیرد، همان‌طور که از جنبش ژنرال دوگل حمایت شد
جنبش شما باید مورد حمایت و تشویق قرارگیرد، همان‌طور که از جنبش ژنرال دوگل حمایت شد، شما شایان حمایت هستید و این برای همه ما یک مبارزه مشترک می‌باشد

ژان پیر مولر، شهردار مانی آن وکسن: اکنون نه زمان استمالت، بلکه زمان حمایت از جنبش مقاومت مردم ایران است
مبارزه شما مبارزه ماست، این باید مبارزه همه دموکراتهایی باشد که به شعار جمهوری‌خواهان فرانسه، یعنی آزادی، برابری و برادری معتقدند و می‌خواهند این شعار از محتوایی عملی برخوردار باشد و فقط یک‌سری بیانات و شعار توخالی نباشد. قراردادشتن درکنار شما برای برابری، آزادی، دموکراسی، حقوق‌بشر، انتخابات آزاد و هم‌چنین برابری زن و مرد، و علیه حکم اعدام و شکنجه، بیش از یک مبارزه سیاسی است، بیش از بیان یک حمایت است. بیش از یک حمایت اصولی است. این یک ضرورت معنوی است که ما در قلب و روح و روان خود آنرا حمل می‌کنیم

ژان پیر بکه، شهردار اور سور اواز: در کنار دیگر همکارانم، در مبارزه شما برای پیروزی آرمان دموکراسی و آزادی در ایران شریک هستیم
شما ایرانیان به ما چیزهای زیاد آموختید: آزادی برابری و برادری. اگر ما بتوانیم به شما کمک کنیم که آن آزادی از دست‌رفته را بازیابید، بدانید که ما را در کنار خود خواهید یافت.

از فـراخـوان ۲۹ جریان حقوق‌بشری در دومین سالگرد ۱۷ ژوئن

هجوم گسترده پلیسی در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ به دفاتر شورای ملی مقاومت ایران و خانه‌های پناهندگان ایرانی که تحت نام «مبارزه با تروریسم» صورت گرفت، به‌یک فضاحت بزرگ تبدیل شد، چرا که دو سال بعد، به اعتراف دست‌اندرکاران آن هیچ گونه شواهدی مبنی بر فعالیتهای تروریستی این مخالفان، که بیش از دو دهه حضوری قانونی و بدون مشکلی در فرانسه داشته‌اند، یافت نشده است. این یک پرونده خالی با اهداف صرفاً سیاسی می‌باشد که مغایر ارزشها و سنن دیرپای فرانسه در حمایت از دموکراسی، حقوق‌بشر و حقوق پناهندگان است.
آزادیخواهان ایرانی در فرانسه در شرایطی خود را با فشارهای مستمر از جانب دولت و به درخواست ملایان حاکم بر ایران روبه‌رو می‌بینند که بحران در ایران به‌اوج رسیده است. مردم، به‌خصوص جوانان و زنان، نارضایتی خود را از دیکتاتوری مذهبی به‌صورت اعتراضات و تظاهرات مختلف به‌نمایش می گذارند. نمایش انتخابات ریاست جمهوری ۱۷ژوئن که مردم ایران را میان مشتی آخوند و پاسدار مخیر می‌سازد، با جنبش تحریم سراسری بی‌سابقه‌یی روبه‌رو است. ملایان در هرحال به نقض شدید حقوق‌بشر، صدور تروریسم و توسعهٔ سلاح اتمی ادامه می‌دهند.
ما عموم احزاب، سیاستمداران، فعالان حقوق‌بشر و مردم فرانسه را به حمایت از مردم و مقاومت ایران برای تغییر دموکراتیک و تحقق حکومتی دموکراتیک و غیرمذهبی در ایران فرامی‌خوانیم. فرانسه، مهد حقوق‌بشر، باید در کنار میلیونها ایرانی مشتاق آزادی قرار گیرد و نه در کنار ملایان خونریز.

امضاکنندگان:
۱ـ جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی خلقها (مراپ)
۲ـ جنبش صلح
۳ـ حقوق‌بشر نوین
۴ـ فرانسه آزادی بنیاد دانیل میتران
۵ـ لیگ حقوق‌بشر شاخه والدواز
۶ـ امانوس لیبرته
۷ـ فدراسیون یاری
۸ـ فدراسیون سراسری کارگران مهاجر (فاستی)
۹ـ انجمن کارگران مراکشی فرانسه
۱۰ـ انجمن حمایت از ایرانیان اورسورواز
۱۱ـ انجمن دوستی الجزایریهای اروپا در والدواز
۱۲ـ انجمن خلق همبسته
۱۳ـ لیگ زنان برای صلح و آزادی بخش فرانسه
۱۴ـ شورای دموکراتهای مسلمان فرانسه
۱۵ـ هنر و فرهنگ دو سوی ساحل
۱۶ـ اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه دانشگاه سرژی پونتواز
۱۷ـ اروپای بدون مرز
۱۸ـ انجمن زنان همبسته کونفلان
۱۹ـ انجمن وکلا و حقوقدانان اروپا و اعراب
۲۰ـ جمعیت مراکشیهای مقیم فرانسه
۲۱ـ اتحادیه اروپایی زنان
۲۲ـ انجمن زنان پیام (زنان تونسی مقیم فرانسه)
۲۳ـ کمیته زنان جیبوتی
۲۴ـ انجمن شهروندان استان والدواز (۹۵)
۲۵ـ جنبش صلح منطقه والدواز
۲۶ـ انجمن حقوق به‌پیش
۲۷ـ فدراسیون بین‌المللی زنان علیه بنیادگرایی
۲۸ـ کمیتهٔ حمایت از حقوق‌بشر در ایران

اجلاس کمیته «عدالت و حقیقت برای شورای ملی مقاومت ایران» در پارلمان فرانسه

فراخوان برای تشکیل کمیته «عدالت و حقیقت برای شورای ملی مقاومت ایران»

نزدیک به‌یکسال قبل، در روز ۱۷ژوئن ۲۰۰۳، یک عملیات گسترده پلیسی در اوور، مقر شورای ملی مقاومت ایران، به‌این بهانه که مجاهدین خلق ایران یک اکسیون «تروریستی» صورت می‌دهند صورت گرفت.
هیچ سلاحی کشف نشد و همه کسانی که دستگیر شده بودند، آزاد شدند، به‌خصوص خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت علیه دیکتاتوری مذهبی ملاها. همه احکام اخراج نیز منتفی شد.
اما پرونده هم‌چنان باز است و بدین‌شکل حق پناهندگی سیاسی، که بیش از دو دهه است توسط فرانسه به‌آنها اهدا شده، زیر سؤال برده شده است.
برای این‌که این امور دهسال دیگر مانند امور«ایرلندیهای ونس» خاتمه پیدا نکند، یک کمیته «عدالت و حقیقت برای شورای ملی مقاومت ایران» به‌ابتکار زنان و مردانی که در مبارزه این شورا علیه شکنجه، قتل و زندانی‌کردن گسترده در ایران، که نزدیک به‌ربع قرن ادامه دارد، خود را سهیم می‌دانند، تشکیل شده است. و این افراد شاهدانی هستند بر عمل و فعالیت مستمر این شورا برای برقراری یک دموکراسی لائیک در تهران.
اسامی اولین امضاکنندگان:
کلود شسون، وزیرخارجه سابق فرانسه و رئیس افتخاری کمیته
پیر برسی، رئیس سازمان حقوق بشر نوین و رئیس کمیته
مولود آنونیت، دبیر کل سازمان مراب
ژان پیر بکه، شهردار شهر اور سور اواز
ایو بونه، رئیس سابق سازمان امنیت فرانسه و نماینده سابق مجلس
ژوزه بووه، سندیکالیست مشهور
نوئل شاته، نویسنده و دانشگاهی
ژولین دری، نماینده مجلس
ژان فرا، خواننده و آهنگساز
ژاک گایو، اسقف
فرانس گال، خواننده
ژرژ هاژ، رئیس سنی مجلس ملی فرانسه
فرانسواز هاردی، خواننده معروف
فرانسواز اریتیه، استاد ادبیات کالج‌دوفرانس
آنا ماریا ژاراملیو، رئیس دانشگاه
ژان‌ژاک کریکاشاریان، عضو هیأت رئیسهٔ سازمان مراب و نماینده دائمی در سازمان ملل متحد
آندره میشل، مدیر افتخاری در مرکز تحقیقات علمی فرانسه
ژنرال هاتری پاریس، رئیس سازمان دموکراسی ژیل پرو، نویسنده
ژان پل پیشار، استاد ادبیات
ژان پونتیه، شهردار شهر تورنون سوروون
مارک ریمن، نماینده مجلس
ادیل شوانرتز فاورا، رئیس سازمان فاستی
فرانجسکا سولیول، خواننده
ژاک سگلا، رئیس کمپانی تبلیغاتی
میگل انزل استرلا، پیانیست
اولین سولرو، نویسنده و جامعه شناس
پاسکال ترامی، نماینده سوسیالیست پارلمان
آلن ویوین، وزیر سابق و رئیس سابق کمیته بین‌وزارتخانه‌یی برای مبارزه با سکت.

موج اعتـراض در فرانسه و حمایت بیـن‌المللی از مقاومت ایران پس از یورش ۱۷ژوئن

دانیل میتران در کنفرانس مطبوعاتی دفاع از مقاومت ایران در پاریس:
عمل مجاهدین شباهتی به تروریسم ندارد مقاومت است یا دفاع

در ۱۹سالگی وقتی علیه فاشیسم می‌جنگیدم دوگل برای من یک بت بود

به‌دنبال یورش نامو‌جه و غیرقانونی پلیس فرانسه به اقامتگاه خانم مریم رجوی و خانه‌های پناهندگان ایرانی در فرانسه، خانم دانیل میتران، همسر رئیس جمهور فقید فرانسه و رئیس بنیاد فرانس لیبرته، به‌همراه میشل تویبانا، رئیس فدراسیون حقوق بشر فرانسه در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک که بوسیله جامعه حقوق بشر، فرانس لیبرته و فدراسیون حقوق بشر و هم‌چنین جامعه حقوق بشر ایران (در تبعید) برگزار شده بود، شرکت نمودند.

خانم میتران طی سخنان بسیار مؤثری از جمله گفت:... به‌کار بردن برخی کلمات درمورد مجاهدین در قدم اول جعلی است. این اتهامها می‌تواند به افکار عمومی احساساتی را متقل کند که مجاهدین را در مقابل مردم قرار دهد. یک (روزنامه نگار) کلمه سکت را به‌کار برده است...در مورد به‌کار بردن این کلمه توسط کسانی که خود را در جنگ علیه تروریسم تلقی می‌کنند، مایلم هم‌نسلهای من آن‌چه در زمان دولت ویشی، متحد فاشیسم، گذشته است را به‌خاطر بیاورند. آن‌چه بر سر مردمی که مقاومت می‌کردند، آمده است، هم مقاومت مسلحانه بود و هم مقاومت سیاسی. آیا مقاومت سیاسی یک سکت بود که یک بازوی مسلح داشت؟ آیا اگر در لندن زمانی هجومی به میان می‌آمد و مقداری پول پیدا می‌شد که برای مصرف مقاومت بود، می‌توانستند ادعا کنند که وجود این پولها علیه امنیت داخلی انگلستان است؟ من فکر می‌کنم باید در به‌کار بردن کلمات توجه بسیار داشت. زیرا باعث فریب افکارعمومی می‌شود. وقتی که آن (روزنامه نگار) از فاناتیزم (تعصب) سخن می‌گوید. باید این کلمه را هم دوباره تعریف کرد. اگر کسی به جنگ علیه بی‌عدالتی و استبداد اعتقاد داشت و قادر به خودسوزی بود متعصب است؟ من چندین نفر از مقاومت را می‌شناسم که قرص سیانور بلعیده‌اند برای آن‌که اعتراض کنند و بگویند این رژیم پذیرفتنی نیست و در جنگ جلادان قرار نگیرند. این کلمات اهمیت دارند. آنها کلمه مستبد را در مورد مریم رجوی به‌کار می‌برند. باید این کلمه را دوباره تعریف کرد. و هم‌چنین او را محرک خشونت می‌دانند. به‌ویژه بت تلقی شدن او و کیش شخصیت. گوش کنید امروز من ۷۸ سالم‌ام. وقتی دختر جوان ۱۹سالم‌یی بودم علیه فاشیسم می‌جنگیدم، به شما اطمینان می‌دهم که ژنرال دوگل برای ما یک بت بود و این به‌رغم هراتقادی بود که هر کس به او داشت. او برای ما شاخص مقاومت بود. در زمان جنگ این‌چنین بود. من مایلم کلمات را در معانی واقعی آنها به‌کار ببریم. این را در پاسخ مصاحبه‌ی که صبح از رادیو فرانس آنتر شنیدم، بگویم. روند کار را شما می‌دانید. به چند نکته از آن می‌پردازم. سازمان مجاهدین خلق ایران در ۱۹۶۵ تأسیس شد. این سازمان در برابر جبارت شاه ایستاد. آنها هم‌چنین در انقلاب ایران شرکت کردند. فعالیتهای آنها توسط جمهوری اسلامی ممنوع شد. آنها در ۱۹۸۱ به فرانسه پناهنده شدند. آنها را پذیرا شدیم. آنها در فرانسه به‌عنوان پناهنده سیاسی باقی ماندند. در ۱۹۸۷هنگام دولت التلافی که وزیر کشور آقای «پاسکوا» بود به آنان حمله کردند و آنها را بازداشت کردند. حتماً یک دلیل وجود داشت اما نه یک دلیل حقوقی یا حداقل قانونی. نتیجه آن‌که آنها اعتصاب غذا کردند که دراماتیک بود. یعنی آنها در حال مرگ بودند. و ما نگران آن‌که مبادا کسی بمیرد و فرانسه حساب پس بدهد و محکوم شود. چرا باید پناهنده‌یی را که پذیرفته‌ایم صرفاً به‌خاطر آن‌که نظرش با دولت تفاوت دارد، بگذاریم تا بمیرد. آن زمان یک رئیس جمهور دیگر داشتیم که نوع دیگری می‌اندیشید. من به دیدار آنها رفتم. دیدم که آنها قاطعانه می‌خواهند تا پایان خط بروند.

حال واقعاً آنها کیستند؟ آیا آنها در فرانسه با جای دیگر مرتکب عمل تروریستی شده‌اند؟ عمل آنها شباهتی با تروریسم ندارد. مقاومت است یا دفاع. باید بدانیم که آنها اسلحه خود را به آمریکا تحویل دادند. به این ترتیب آنها پذیرفتند که مشکلات خود را با رژیمی که سرکوبشان می‌کند به‌نحو دیگری به‌جز اسلحه حل کنند. به‌ویژه باید دید که امروز چگونه دانشجویان علیه این رژیم اقدام می کنند. اگر آنها قصد حمایت از این جنبش را داشته باشند، چه اعتراضی به آنها وارد است؟ زمانی که دانشجویان در فرانسه برخاستند آیا آنان در خارج پشتیبان نیافتند؟ همبستگی سال۱۹۷۸ را باید به‌یاد بیاوریم. تمام دانشجویان جهان با آنها بودند. مثلا در مکزیک. دانشجویان مکزیکی چه شدند. امروز آنها در مقاومت دیگری شرکت دارند. معتقدم که شرایط مجاهدین را باید در مقایسه با تمام مقاومتهایی که در مقابل دیکتاتوری و جبارت ایستاده‌اند، ارزیابی کرد. استراتژی آنها به‌قول خودشان ارتباط دارد ولی در هر حال آنها هیچ عمل تروریستی در هیچ‌جا نکردند. ما باید به آنچه آنها روش مناسب برای مبارزه با یک رژیم فاشیست و متعصب در کشور خود تلقی می‌کنند، احترام گذاشته شود...

میشل تویبانا:
یک انحراف مطلقاً خطرناک

میشل تویبانا گفت: اول آن‌که ما اجازه نمی‌دهیم یک مخالف سیاسی در مطبوعات چنین تعبیر شود که می‌بینیم. این یک انحراف مطلقاً خطرناک است. آنها برای اتهامهای خود به نام مجاهدین در لیست سازمانهای تروریستی استناد می‌کنند. این اقدامی است که با آن می‌توان مخالفان دولتهایی که ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک را لگدمال می‌کنند، تحت فشار قرار داد. رژیم ایران مصداق بارز این حقیقت است. با این لیست می‌توانند اصولی را که در اروپا حق مقاومت در برابر یک رژیم استبدادی را به‌رسمیت شناخته، به چالش بکشند. ما روش اتهام به ارتکاب جرم را مردود می‌شماریم.

ما دیگر نمی‌توانیم انحرافهای مستمر دایره ضدتروریسم را بپذیریم. شرایطی که در آن این هجوم به وقوع پیوسته و خشونتی که غیرقابل تحمل است. خشونتی که علیه اشخاص موردنظر آنان در قالب یک اقدام قضایی انجام شده و به اشخاص دیگری که اصلاً در این موضوع دخالتی نداشتند، تسری یافته است. مثل ورود به خانه اهالی اورسورواز که هیچ ارتباطی با این مسایل نداشتند آن‌هم در ساعت۶صبح. خشونت به‌کار برده شده روش دولت کسونی را به‌خاطر می‌آورد. مخصوصا آن‌چه بر «زوزه بوه» رفت.

ما انگیزه‌های این حوادث را درک نمی‌کنیم. سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران، مدت ۲۰سال است که در فرانسه هستند. بازداشت‌شدگان بعضاً فرانسوی می‌باشند...قوه قضاییه بر اساس پرونده‌یی که دو سال پیش تشکل شده، تصمیم گرفته است... ما در بستر یک امر کاملا سیاسی قرار داریم. اینها همه خارق العاده است...در این اقدام سیاست در کار قاضی تحقیق مداخله کرده است. این یک رفتار غیرقابل تحمل است...

پاتریک بودوئن:
تجاوز از اصول حکومت قانون زیر عنوان مبارزه با تروریسم ما را به متحد عینی تروریستها تبدیل می‌کند

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر فرانسه در سخنرانی خود گفت:...ما در فرانسه از حدود ۲۰سال قبل اشخاصی را داریم که بسیاری از آنها پناهنده سیاسی هستند و در کشور ما ادغام شده‌اند. آنها شناخته‌شده‌اند و زیر عنوان مبارزه با تروریسم ما را به متحد عینی تروریستها تبدیل می‌کند. به باور من در موضوع مجاهدین خلق این ارزشهای دموکراتیک حکومت ما مورد سئوال قرار گرفته است. در این مورد علاوه نه‌تنها با تروریسم مبارزه نشده...بیکبار دیگر سیاست بر عدالت حاکم شد...

...دستگاه اداری از دید کوتاه‌مدت به یک عدالت نمایشی، روی آورده که به جلب توجه افکار عمومی بیشتر اعتبار می‌دهد تا تثبیه آنانی که مرتکب تروریزم می‌شوند...تجاوز از اصول حکومت قانون زیر عنوان مبارزه با تروریسم ما را به متحد عینی تروریستها تبدیل می‌کند. به باور من در موضوع مجاهدین خلق این ارزشهای دموکراتیک حکومت ما مورد سئوال قرار گرفته است. در این مورد علاوه نه‌تنها با تروریسم مبارزه نشده...بیکبار دیگر سیاست بر عدالت حاکم شد...

محمد محدثین:
هیچ عمل خلافی صورت نگرفته است

محدثین در صحبتهای خود ضمن ارائه مدارک قانونی خانم رجوی، ازجمله کارت اقامت خانم رجوی، خاطرنشان نمود که حضور ایشان در فرانسه کاملا قانونی و با اطلاع مقامهای فرانسوی بوده است. مسئول کمیسیون خارجه شورا خاطرنشان نمود فعالیتهای مقاومت ایران همواره در کادر قانون و در راستای افشای جنایات رژیم ملایان و فعالیتهای تروریستی و تلاش آنها برای دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی ازجمله سلاح اتمی بوده است و هیچ عمل خلافی صورت نگرفته است.

محکومیت بین‌المللی توطئه هفده ژوئن و حمایت گسترده از مقاومت ایران

گردهمایی بزرگ به سوی پیروزی - ۳۰ ژوئن ۲۰۰۷، پاریس

سناتور براون‌یک، عضو سنای آمریکا (خطاب به‌سفیر فرانسه در واشینگتن):

این اقدام دولت فرانسه پشت‌کردن به سنت غنی فرانسه در حمایت از آزادی و محقق‌کردن خواستهای شنیع رژیم ایران است. من با اضطرار زیاد درمورد اقدامهای اخیر کشور شما علیه تروریستهای ایران، به‌خصوص خانم مریم رجوی به شما نامه می‌نویسم.

سناتور جیمز تلنت، عضو سنای آمریکا:

شورای ملی مقاومت ۲۰سال است که درخارج ایران به شکل مسالمت‌آمیز فعالیت می‌کند. این شورا نقش اصلی در افشای برنامه مخفی هسته‌یی رژیم ایران داشته است. بنابراین مقامهای فرانسوی به‌جای دستگیری مریم رجوی باید او را مورد تمجید و تحسین قرار می دادند.

تام تانکردو، نماینده کنگره آمریکا:

اقدامات انجام‌شده توسط فرانسه علیه جامعه ایرانی نه روشن است و نه توجیه‌پذیر....

اد تاونز، نماینده کنگره آمریکا:

در اعتراض به این اقدام، تعداد زیادی از پناهندگان ایرانی در سراسر اروپا، دست به خود سوزی زده‌اند و تا کنون دو زن درگذشته‌اند. در حالی که در مورد این اقدام نامو‌جه که فقط در خدمت منافع دیکتاتوری تروریستی ایران می باشد، عصبانی و به‌شدت نگران می‌باشم، از شما خواهشمندم که برای ترتیب دادن آزادی فوری خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران و دیگر دستگیر شدگان در پاریس اقدام کنید تا از سوء استفاده رژیم ایران از این عمل جلوگیری شود.

باب فیلنر، نماینده کنگره آمریکا :

من از خبر دستگیری خانم مریم رجوی، رئیس جمهور شورای ملی مقاومت ایران بسیار ناراحت شدم. ما نباید به همان افرادی که از بیشترین صلاحیت برای ایجاد تغییر در ایران برخوردارند، پشت کنیم.

سناتور کی‌بیلی هاچینسون، عضو سنای آمریکا

برای من مایه افتخار است که در کنار شما برای صلح و دموکراسی قرار بگیرم

لیسی کلی، نماینده کنگره آمریکا:

من در احساس شوک و انزجار جامعه ایرانی ـ آمریکایی خودم را به‌خاطر این حمله نامو‌جه علیه جامعه ایرانی در فرانسه سهیم می‌دانم. این دستگیرها منافع دیکتاتوری تروریستی حاکم بر ایران را بر آورده می کند.

ایلیانا رز لهتینن، نماینده کنگره آمریکا:

من به حمایت خود از مجاهدین، ادامه می‌دهم. من با اظهارات فرانسه در مورد طراحی اعمال تروریستی از سوی این گروه قانع نیستم(میامی‌هرالد۵تیر۸۲).

بنی تامپسون، نماینده کنگره آمریکا:

دستگیری خانم مریم رجوی علیه کلیه اصول حقوق انسانی و دموکراسی می‌باشد...اکنون بدترین زمان برای سرمایه‌گذاری روی رژیم ایران و محدود کردن جنبش اصلی مقاومت آن است.

کندریک ب. میک، نماینده کنگره آمریکا:

شما با این کارتان حمایت کوتاه‌مدتی در تهران به‌دست می‌آورید، ولی حتماً احترام جهان را از دست خواهید داد...از شما خواهش می‌کنم با انجام کارهای کثیف جمهوری اسلامی ایران به‌سنت کشورتان در حمایت از آزادی پشت نکنید.

دنیس مور، نماینده کنگره آمریکا:

رژیم ایران به‌خاطر حمایتش از تروریسم منفور است و کارنامه حقوق‌بشر بسیار وخیمی دارد. در زمانی که فشارهای داخلی و بین‌المللی مشوق تغییر در ایران هستند، دستگیری علنی شخصیتهای مقاومت ایران تلاش برای پایان بخشیدن به‌رژیم سرکوبگر ایران را تضعیف خواهد کرد.

شیلا جکسون لی نماینده کنگره آمریکا:

من برای خواهرانم در حلوت خود اشک می‌ریزم... من از این دستگیری به‌غایت ناراحت شده‌ام. به‌خصوص وقتی که صدایی که آزادی سایر مردم و رفتار عدالت‌جویانه با آنها را می‌خواند، دستگیر و بازداشت شده باشد. به‌عنوان یک زن، من به‌طور خاص نسبت به وضعیت خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب مقاومت‌نگران هستم.

دایانا دیگت، نماینده کنگره آمریکا از حزب دموکرات

من قویاً از اهداف شما برای کسب آزادی زنان، دانشجویان، معلمان و کارگران حمایت می‌کنم

نیک لمپسون، عضو کنگره آمریکا از حزب دموکرات

شما را به خاطر تعهد به آرمان آزادی و دموکراسی می‌ستایم

تام پرایس، نماینده جمهوریخواه کنگره آمریکا

دولت آمریکا باید از ملتی که خواستار آزادی و دموکراسی است حمایت کند

آنتونی وینر، نماینده کنگره آمریکا از حزب دموکرات

من شما را ستایش می‌کنم . زیرا که شما در جبهه‌یی می‌جنگید‌که ما همگی خود را در آن سهیم می‌دانیم

دنیس ال. مجیت ـ نماینده کنگره آمریکا:

بازداشت مریم رجوی با جنگ بین‌المللی علیه تروریسم، که در آن آمریکا و فرانسه متحد هستند، در تناقض است.

لرد رابین کوربت، عضو مجلس اعیان انگلستان:

... این شرم‌آور است که دولت فرانسه اکنون می‌باید در ظرف رژیمی قرار گیرد که از ترور در داخل کشور استفاده کرده و به‌خارج نیز صادر می‌کند. آنها که به اتهام دروغین تروریسم دستگیر شده‌اند، باید آزاد گردند. جرم آنها مبارزه برای آزادی و دموکراسی است.

وین گریفیت، نماینده مجلس عوام انگلستان:

«من از خبر مربوط به دستگیریهای گسترده در فرانسه شوکه شده... به‌نظر می‌رسد که تنها یک توضیح برای این اقدام وجود دارد و آن یک برنامه گسترده‌تر و سیاهتر است که شورای ملی مقاومت قربانی و مهره این بازی شده است.

لرد آلتون، عضو مجلس اعیان انگلستان:

این برای من بسیار تعجب‌آور است که به‌گروهی حمله شده که با رژیم تروریستی ایران مخالفت می‌کند.

استیو مک‌کیب، نماینده مجلس عوام انگلستان:

من می‌خواهم شوک و حیرت خود را از دستگیری خانم رجوی، که امید هزاران ایرانی تبعیدی در آمریکا و اروپا است، ابراز کنم.

پانولو کاساکا، نماینده پارلمان اروپا از پرتغال (خطاب به‌ژاک شیراک):

من فکر می‌کنم دعاوی مضحک درخصوص تروریسم که توسط وزیر دولت شما تکرار شده است، شایسته رژیم ایران است.

آلخو ویدال کوادراس، نایب‌رئیس پارلمان اروپا

مطمئن باشید که بسیاری از سیاستمداران اروپایی از آرمان شما برای آزادی و دموکراسی در ایران حمایت می‌کنند

اولا سندبیک، نماینده پارلمان اروپا از دانمارک:

شرایط خشونت‌بار این حمله موجب برانگیختن سؤالهای زیادی شد و شهرت فرانسه به‌عنوان سرزمین پناهندگی را مخدوش می‌کند.

میشائیل پانزه، نماینده مجلس ایالتی آلمان:

در حالی که تظاهرات مستمر در ایران، پایان رژیم دیکتاتوری این کشور را هدف خود قرار داده‌اند، سیاست ممامشات‌گرایانه فرانسه کمک به دشمنان جنبش دموکراسی در ایران خواهد بود.

جنبشی که توسط شورای ملی مقاومت ایران و رئیس جمهور آن خانم مریم رجوی رهبری می‌شود. من می‌خواهم با نامه‌ام این رفتار دولت فرانسه را محکوم کنم.

هولتس هوتز، نماینده سابق پارلمان فدرال آلمان:

من مایلم حمایت کامل خود را ازخانم رجوی اعلام کنم. خبردستگیری وی مرا شوکه کرد. من وهمه همکاران ودوستانم براین عقیده‌ایم که آینده درمورد این دستگیری قضاوت خواهد کرد و آن را یک بی‌عدالتی خواهد خواند.

لرد اریک ایوبری، نایب‌رئیس گروه حقوق‌بشرمجلس اعیان انگلستان (خطاب به‌ژاک شیراک):

من از دستگیری خانم رجوی و ۱۶۵تن دیگر از تبعیدیان ایرانی که در اورسورواز زندگی می‌کنند، شوکه و متعجب شدم. چه چیزی تغییر کرده است که چنان اقدامهای خودسرانه و سرکوبگرانه‌یی را توجیه نماید.

لرد تونی کلارک، عضو مجلس اعیان انگلستان:

من در اندوه بسیاری از آزادیخواهان سهیم هستم. کسانی که برای استقرار آزادی مبارزه می‌کنند و نقض حقوق بشر در ایران را برجسته می‌کنند، در اسارت و تحت رفتار دهشتبار پلیس فرانسه هستند.

مایک هنکاک، نماینده مجلس عوام انگلستان:

به نظر می‌رسد فرانسه با اقدام اخیرش ترجیح می‌دهد که این امتیاز را به‌رژیم بنیادگرا در تهران بدهد.

گلین فورد، نماینده پارلمان اروپا از انگلستان:

این اقدام برخلاف تمامی اصول سیاسی، کنوانسیون ژنو در حمایت از پناهندگان و قطعاً ستهای فرانسه است...

استروان استیونسون، نماینده پارلمان اروپا از انگلستان:

گزارشهای حملات پلیس فرانسه علیه فعالان شورای ملی مقاومت ایران مرا شوکه کرده است.

پرنیله فرام، نماینده پارلمان اروپا از دانمارک:

من از گزارشهای یورش پلیس فرانسه علیه پناهندگان ایرانی، که فعالان مقاومت ایران هستند، عصبانی هستم. در شرایطی که در تهران و شهرهای اصلی ایران مردم در تظاهرات ضددولتی خواهان آزادی سیاسی و جایگزینی رژیم آخوندی هستند، حمله به مقاومت ایران به‌طور قطع فرانسه را کنار رژیمی قرار می‌دهد که خواست طولانی‌مدتش اکنون محقق شده است...

کریس دیویس، نماینده پارلمان اروپا از انگلستان:

این گونه اقدامها مغایر اصول سیاسی، کنوانسیون ژنو برای امنیت پناهندگان و حتی ستهای فرانسه می‌باشد. حمله علیه مقاومت ایران قطعاً فرانسه را در کنار رژیم حاکم بر ایران قرار می‌دهد.

دیتریش تیده، نماینده پارلمان ایالتی آلمان:

برای فرانسه که به مهد دموکراسی شناخته شده شرم‌آور است با خانم مریم رجوی، که امید واقعی برای ایران دموکراتیک است،طی این چند روز چنین رفتاری کند. دستگیری وی فقط در خدمت منافع رژیم شیطانی ایران است.

یواخیم تایه،نماینده سابق پارلمان فدرال آلمان

من در سالیان گذشته همراه با شمار زیادی از دوستان خود درپارلمان به‌خبی با شورای ملی مقاومت ایران و خانم رجوی آشنایی داریم. ما همبستگی وحمایت خود را از خانم رجوی اعلام می‌کنیم وخواهان آزادی هرچه سریعتر ایشان هستیم.

کارلو کارلی، نمایندهٔ پارلمان استرالیا:

خانم رجوی ۲۲ سال است که در فرانسه زندگی می‌کند و هیچ‌گونه مدرکی دال بر شرکت او در کارهای تروریستی وجود ندارد. بنابراین حمله به خانم رجوی به‌طور کامل غیرقانونی است.

اسوند جی. رابینسون، نمایندهٔ پارلمان کانادا:

ایرانیان در سراسر جهان رویه‌روی سفارتهای فرانسه اعتراض کرده‌اند، اعتصاب غذا کرده‌اند و در برخی موارد خود را آتش می‌زنند. من نگران سرنوشت زندانیان ایرانی هستم...دولت فرانسه نباید مجاز باشد این افراد را خودسرانه دستگیر کند و باید جوابگو باشد.

آنتونیو استانگو، رئیس کمیتهٔ ایتالیایی هلسینکی‌واچ برای حقوق بشر:

در دورهٔ تظاهرات مسالمت‌آمیز عظیم برای آزادی و دموکراسی در تهران، این دستگیری متأسفانه فرانسه را در کنار رژیمی قرار می‌دهد که از این یورش ابراز رضایت کرد.

ژان اشپاتز، رئیس مجلس لوگزامبورگ:

کوششهای خانم رجوی علیه بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، که از آن سرچشمه می‌گیرد، پایهٔ عظیمی است برای استقرار صلح و ثبات در منطقه و در جهان.

من از تفتیش در منزل خانم رجوی غافلگیر و متعجب شدم و با توجه به‌شناختم از این موضوع، حاضر به ادای شهادت می باشم.

مالکوم هاپرو، رئیس انجمن ملل متحد انگلستان:

ترازدی خودسوزیهای اعتراضی افراد جوان، بیانگر بیزاری شدید نسبت به جامعه ما و سطح بی‌عدالتی‌یی است که آنها احساس می‌کنند قربانی آن بوده‌اند و این یک زخم عمیق و فراموش‌ناپذیر در وجدان ما خواهد بود

تاریخ گواه باش!

از شهادتها در دادگاه جنجه پاریس در مورد خودسوزیهای اعتراضی علیه یورش کودتاگونه ۱۷ژوئن۲۰۰۳

وکیل مدافع: فضای این دادگاه از صبح تا به‌حال پر از درد و رنج است. آیا درک می‌کنید که کسانی که از صبح در این جا شهادت می‌دهند، چقدر در زندگی خود و خانواده‌شان درد کشیده‌اند.

آنها متعلق به سازمان مجاهدین هستند. یعنی یک سازمان مقاومت که علیه فاشیسم مذهبی مبارزه می‌کند. کسانی که به این مقاومت تهمت زده‌اند، هدفشان فقط توجیه حمله پلیسی ۱۷ژوئن به دفاتر این مقاومت بوده است. اما این فقط یک خدمت به آخوندها بود.

در ۲۴مهر۸۶ شعبه ۱۶ دادگاه جنحه پاریس در مورد خودسوزیهای اعتراضی علیه یورش کودتاگونه ۱۷ژوئن۲۰۰۳، تشکیل جلسه داد. در این دادگاه دفاعیات وکلا و گزارشهای شاهدان وجدانهای بیدار انسانی را تکان داد

در هنگام تشکیل دادگاه، جمعیتی از شاهدان و ناظران و خبرنگاران و شخصیتهای برجسته فرانسوی شامل نمایندگان پیشین و کنونی سنا و مجلس ملی فرانسه، ازجمله سناتور ژان پیرمیشل قاضی سابق، آقای آلن وبوین، وزیر و رئیس سابق کمیسیون مبارزه با سکتها در دولت فرانسه و آقای ایوبونه، رئیس سابق سازمان امنیت فرانسه، استاندار و نماینده سابق مجلس ملی این کشور، آقای مولود آنوئیت، رئیس جنبش علیه نژادپرستی و برای دوستی بین خلقها (مرآب)، در محل دادگاه حضور داشتند.در این پرونده دو تن از وابستگان مقاومت ایران که توسط دادستانی متهم شده بودند افرادی را تحریک به خودسوزی کردهاند در مقابل دادگاه حاضر شدند.

در این جلسه، علاوه بر وکلای مدافع، آقایان آلن وبوین و ایوبونه، مسئولان کمیسیونهای صلح و خارجه شورای ملی مقاومت و دو تن از کسانی که پس از حمله ۱۷ژوئن به‌نشانه اعتراض، اقدام به خودسوزی کرده بودند، به‌عنوان شاهد سخن گفتند.

در زیر بخشی از دفاعیات، شهادتها و بازتابهای این دادگاه نگان دهنده را می‌آوریم:

تلویزیون فرانسه کانال۲: ژوئن۲۰۰۳ شوک‌آور بود. **ممخالف رژیم ایران در مقابل دادستان** دست به خودسوزی زدند، صدیقه مجاوری جان باخت و اکنون دو بازماندهٔ آن حوادث از یک «اقدام مقاومت» سخن می‌گویند. از نظر وکلا این اقدام ناشی از تصمیم خود آنها بوده است. مخالفان ایرانی دستگیرپهای آن ایام را تقبیح می‌کنند

شهادت الن وبوین:

سازمان مجاهدین سازمانی منطبق بر ارزشهای آزادیخواهانه و مردمی است

اولین شاهدی که در دادگاه به ادای شهادت پرداخت، آقای آلن وبوین، وزیر سابق و رئیس کمیسیون دولتی مبارزه با سکتها بود. وی در شهادت خود تأکید کرد که برخلاف دعاوی مطرح‌شده در پرونده علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، این سازمان هیچ‌یک از مشخصه‌های یک سکت و فرقه را ندارد و برعکس سازمانی منطبق بر ارزشهای آزادیخواهانه و مردمی است. آقای وبوین همچنین با استناد به تحقیقات گسترده‌یی که شخصاً به آنها مبادرت ورزیده است، نتیجه‌گیری نمود که جنبش مقاومت به رهبری خانم مریم رجوی، مقاومتی متعهد به آزادی بیان، آزادی اجتماعات، جدایی دین و دولت، حمایت از حقوق زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی است. آقای وبوین افزود: خانم رجوی که به‌عنوان یک مسلمان، خود به‌شعائر اسلامی ازجمله حجاب اسلامی پایبند است، با این حال قویاً به حق زنان در انتخاب پوشش و آزادی کلیه آحاد جامعه در این زمینه معتقد است و در میتینگهای ایشان که گاه دهها هزار تن از ایرانیان در آن شرکت می‌کنند، افراد با تنوع پوشش حضور پیدا می‌کنند.

آقای وبوین، در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه در خصوص اتهامات و برچسبهایی نظیر سکت علیه مجاهدین و مقاومت ایران گفت که منشأ این اتهامات علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، تبلیغات وزارت اطلاعات رژیم آخوندی است که هدف آن خراب کردن چهرهٔ آزادیخواهانی است که خواستار یک ایران دموکراتیک هستند.

شهادت ایوبونه: سازمان مجاهدین خلق ایران یک نیروی مقاومت است

شاهد دوم دادگاه، آقای ایوبونه، رئیس سابق د.اس.ت بود که نمایندگی مجلس ملی و سمت استانداری را هم عهده‌دار بوده است. وی در شهادت خود تأکید کرد که سازمان مجاهدین خلق ایران یک نیروی مقاومت است و برخلاف تبلیغات صورت گرفته، هیچ‌یک از ویژگیهای یک سازمان تروریستی را ندارد. آقای بونه تأکید نمود که اتهام تروریسم علیه مجاهدین، هیچ مبنای مادی یا حقوقی ندارد. مجاهدین هیچ‌وقت غیرنظامیان را مورد هدف قرار نداده و در خارج از خاک ایران درگیر هیچ گونه عملیات نظامی نبوده‌اند.

آقای بونه به سوابق معاملات دولت شیراک و رژیم خمینی در سال۱۹۸۶ در زمان اقامت رهبر مقاومت ایران در فرانسه و همچنین اخراج شماری از پناهندگان هوادار مقاومت ایران در سال۱۹۸۷ به گاین اشاره کرد و نتیجه‌گیری نمود که در فردای ۱۷ژوئن یک نگرانی واقعی در مورد احتمال اخراج اعضا و حامیان مقاومت، به ایران تحت حاکمیت ملایان وجود داشت.

آقای بونه همچنین به تلاشهای خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت در سال۲۰۰۳ و پیام فوری ایشان مبنی‌بر درخواست قطع خودسوزیها اشاره کرد و گفت متأسفانه خانم رجوی به‌دلیل شرایط زندان امکان این‌را پیدا نکرد که بتواند زودتر از این وقایع مطلع شود و ممانعت به‌عمل بیاورد.

ایو بونه همچنین این ادعا را که خودسوزیها سازمانیافته بوده، قویاً رد کرد و در پاسخ به سؤال رئیس دادگاه تأکید نمود که به‌طور واقعی مواردی از اخراج در گذشته وجود داشته و من شخصاً از احتمال استرداد حامیان مقاومت چه در فرانسه و چه در اشرف، نگران بودم.

آقای بونه در پاسخ به سؤال وکیل گفت که شورای ملی مقاومت ایران همانند شورای ملی مقاومت فرانسه یک مقاومت مشروع می‌باشد.

مهدی ابریشمچی:روز ۱۷ژوئن بعد از دستگیریها به ما گفتند یک هواپیمای ایرانی در فرودگاه اورلی منتظر است که شما را به تهران منتقل کند

مهدی ابریشمچی مسئول کمیسیون صلح شورای ملی مقاومت، یکی دیگر از شهود بود که در مقابل دادگاه به ادای شهادت پرداخت. وی مشاهدات خود از حملهٔ گسترده پلیس به دفتر شورای ملی مقاومت در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ را تشریح کرد و گفت من: فریاد دستگیرشدگان و صدای شکستن درها و انفجارها را می‌شنیدم. دستگیرشدگان را روی زمین می‌کشیدند. زنی را دیدم که بسیار بیمار بود و او را روی زمین می‌کشیدند و وحشیانه کتک می‌زدند.

مهدی ابریشمچی همچنین فاش ساخت هنگامی که به زندان د.اس.ت در پاریس منتقل شده بود، مأموران د.اس.ت به‌وی گفتند که یک هواپیمای ایرانی هما در فرودگاه اورلی پاریس منتظر است که شما را به تهران منتقل کند. آنها مثل پاسداران رفتار می‌کردند. به‌آنها گفتم اگر می‌خواهید مرا به ایران استرداد کنید، این کار را انجام بدهید. اما بدانید که به علت مبارزات زیادی که علیه رژیمهای شاه و خمینی کرده‌ام، در آنجا حتماً شکنجه و اعدام خواهم شد. در آن صورت البته برای من جز افتخار و برای شما و دولت فرانسه جز ننگ و شرم نخواهد بود. در آن موقع من مطمئن بودم که ما را به رژیم ملایان مسترد می‌کنند. چون فراموش نکرده بودم که نماینده آقای شیراک در مذاکرات سال۱۹۸۶ با رژیم ملاها گفته بود که ما چشممان را می‌بندیم تا مخالفان ایرانی ربوده شوند.

مهدی ابریشمچی در پاسخ به سؤال وکیل مبنی بر این که آیا شما هیچ تصوری دارید که روزی دست به خودسوزی بزنید، به تشریح شکنجه‌هایی که توسط ساواک در زمان رژیم شاه متحمل شده بود پرداخت و خطاب به رئیس دادگاه گفت متأسفانه یا خوشبختانه شما معنی شکنجه را نمی‌فهمید چون در یک جامعه دموکراتیک بسر می‌برید. وقتی یک نفر به تخت شکنجه بسته می‌شود و با شلاقهای الکتریکی او را می‌زنند و درد همه وجود او را فرا می‌گیرد تا این که او را زیر شکنجه زجرکش کنند. و یا مجبورش نمایند دوستانش را لو بدهد و یا این که او را به تلویزیون بکشانند تا به آرمانش خیانت کند، بی‌تردید ترجیح می‌دهد که خود را به آتش بکشد تا با چنین سرنوشتی مواجه نشود.

محمد محدثین: گزارش سرویسهای فرانسوی مبنی بر این که خودسوزیهای پس از ۱۷ژوئن براساس دستور صورت گرفته، بی اساس است

محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، که به عنوان شاهد در جلسه دادگاه پاریس شرکت کرده بود، گفت: رژیم آخوندی، با استفاده از یک ماشین تبلیغاتی بزرگ سعی می‌کند بگوید مجاهدین یک سکت و فرقه هستند و تروریستند، اما همه اینها، اتهامهای دروغ است.

هنگامی که در زندان د.اس.ت در پاریس بودم، به آنها گفتم که ما علیه شاه و خمینی بوده‌ایم. ۱۲۰هزار نفر از فرزندان مردم ایران توسط رژیم آخوندها به شهادت رسیده‌اند. وی گزارش سرویسهای فرانسوی را که ادعا کرده‌اند خودسوزیهای پس از هفده ژوئن بر اساس دستور صورت گرفته، بی‌اساس دانست.

محمد محدثین به تشریح وقایع روز ۱۷ژوئن و وحشیگریهای پلیس فرانسه علیه اعضای مقاومت در اورسورواز پرداخت و گفت واکنش طبیعی به این وحشیگریها بسیار بیشتر از آن چیزی بود که واقع شد. وی هم‌چنین به تشریح تلاشهای رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت برای کنترل اوضاع در آن شرایط بسیار پرتشنج و تنش پرداخت.

محمد محدثین در خاتمه شهادت خود، سه جلد کتاب تحقیقی را که توسط یک گروه متشکل از نمایندگان پارلمان اروپا، و یک مؤسسه آمریکایی تحت ریاست رئیس اکثریت سابق کنگره آمریکا و همچنین یک بنیاد فکری آمریکا در مورد مجاهدین و مقاومت منتشر شده است، به دادگاه تقدیم کرد.

وکیل ژوزف کوهن سابان: این اتهام که خودسوزیها به تحریک دیگران بوده یک اندیشه کثیف و اهانتی به انسانیت است

آقای ژوزف کوهن سابان، وکیل مدافع متهمان سخنانش را در جلسه دادگاه چنین آغاز کرد: من هیچ‌گاه قلبم به این تندی نزده است.

وی ضمن اشاره به‌حضور سه تن دیگر از وابستگان مقاومت که به‌دنبال حوادث ۱۷ژوئن در سوئیس، ایتالیا و انگلستان خود را به آتش کشیده بودند و هم‌چنین حضور خانواده ندا حسنی، مشعل فروزان آزادی، که پس از هفده ژوئن به شهادت رسید، چنین گفت: این امتیاز و افتخار را دارم که عید فطر را در کنار مادران و خواهران شهیدان بودم. این افتخار را دارم که همراه با کسانی که خود را فدا کردند از این افراد دفاع کنم. این افراد با ارزش را تبدیل به وجه‌المصالحه و موضوع معامله کرده بودند. اما این اهانتی به انسانیت است.

ما به مرضیه باباخانی و محمد وکیلی‌فر چه بگوییم؟ آیا می‌توانیم بگوییم کسان دیگری شما را تحریک کردند که خود را آتش بزنید؟ چنین اتهام‌زدنی یک اندیشه کثیف است که موضوع تعقیب را تشکیل می‌دهد. وی گفت: دولت فرانسه یک کارت سفید به ۱۳۰۰مأمور پلیس داده بود که به دفاتر مقاومت ایران حمله کنند و هرطور خواستند بزنند.

وی در مورد قربانیان خودسوزی گفت من وکیل قربانیان هستم. من آنها را به دادگاه دعوت کردم. اما سؤال این است که چرا آقای «دادستان» آنها را دعوت نکرد تا از آنها بپرسد که چگونه خود را به آتش کشیدند. ولی من این کار را کردم تا همه بدانند که کسی روی اندیشه آنها تأثیری نداشته است.

آقای کوهن سابان گفت: من در پرونده و در هیچ‌جا سند، مدرک، نوشته، کاغذ یا مقاله‌یی ندیدم که در آن مقاومت ایران خودسوزی را توزیع کرده باشد. در هیچ کجای پرونده طرح خودکشی جمعی وجود ندارد و سندی که آن را ثابت کند، دیده نمی‌شود. درحالی که هیچ گونه شواهدی مبنی‌بر هرگونه ارتباط حضوری، تلفنی و یا از طریق ایمیل بین متهمین و افرادی که خود را به آتش کشیدند وجود نداشته، چگونه می‌توان صحبت از تحریک یا تشویق یا ترغیب نمود.

آقای ژوزف کوهن سابان، وکیل مدافع متهمان پس از ارائه دلائل خود در رد اتهام، گفت: ما امروز محاکمه زیبایی برگزار کردیم برای یک داستان زشت! آقای قاضی، روز ۱۷ژوئن۲۰۰۳ یک روز ننگ است.

اریک نستات از وکلای مدافع: حمله گسترده پلیس به دفاتر مقاومت ایران در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ خیانتی از جانب دولت وقت فرانسه بود

آقای اریک نستات، یکی دیگر از وکلای مدافع در دفاعیات خود در دادگاه گفت: فضای این دادگاه از صبح تا به‌حال پر از درد و رنج است. آیا درک می‌کنید که کسانی که از صبح در این جا شهادت می‌دهند، چقدر در زندگی خود و خانواده‌شان درد کشیده‌اند.

آنها متعلق به سازمان مجاهدین هستند. یعنی یک سازمان مقاومت که علیه فاشیسم مذهبی مبارزه می‌کند. کسانی که به این مقاومت تهمت زده‌اند، هدفشان فقط توجیه حمله پلیسی ۱۷ژوئن به دفاتر این مقاومت بوده است. اما این فقط یک خدمت به آخوندها بود.

آقای اریک نستات حمله گسترده پلیس به دفاتر مقاومت ایران در ۱۷ژوئن۲۰۰۳ را خیانتی از جانب دولت وقت فرانسه دانست و تأکید کرد که این توصیف غلطی نیست.

وی شرائط پراضطراب کسانی را که به نشانه اعتراض خودسوزی کردند، تشریح نمود و به دادگاه نشان داد که این افراد بر اساس استقلال عمل دست به این اقدام زده‌اند.

وکیل مدافع متهمان گفت: به‌نظر من ما باید کار انسانی افراد این مقاومت را به‌رسمیت بشناسیم. یک طنین انسانی و فلسفی در کار این افراد بوده است. آنها با آگاهی از آن‌چه می‌کنند، دست به این اقدام زده‌اند. و ما باید آن را درک کنیم.

در جلسه دادگاه در تمام ساعتهای صبح و بعدازظهر ناظران و خبرنگاران و شخصیتهای فرانسوی و هم‌چنین شماری از مسئولان کمیسیونها واعضای شورای ملی مقاومت ایران، چند تن از وکلا و حقوقدان فرانسوی مدافع مقاومت ایران، شهروندان فرانسوی، و مادران شهیدان شرکت داشتند.

دهها خبرنگار و فیلمبردار از رسانه‌های مختلف فرانسوی از این جلسه گزارش تهیه کردند واین خبر دهها بار در رسانه‌های مختلف فرانسوی منعکس شد.

وقتی شعله‌های فروزان به شهادت می‌نشینند

اگر شما در جستجوی متهم هستید، متهم واقعی دولت وقت فرانسه و آقای شیراک است

مرضیه باباخانی: وقتی اتهام زده می‌شود که براساس دستور، خودسوزی کرده‌ام، این یک توهین به من است

مرضیه باباخانی که پس از هفده ژوئن۲۰۰۳ به نشانه اعتراض اقدام به خودسوزی کرده بود، به‌عنوان شاهد در جلسه دادگاه پاریس شرکت نمود.

مرضیه باباخانی در این جلسه از اقدام اعتراضی خود دفاع کرد و گفت هنگام مبادرت به این عمل، مطمئن بودم که در راه درستی حرکت می‌کنم. وی خاطرات خود را از روز حمله هفده ژوئن در دادگاه بیان کرد و گفت هنگام حمله وحشیانه پلیس، در لحظات اول فکر کردم این پاسداران رژیم هستند که لباس پلیس فرانسه را پوشیده‌اند.

مرضیه باباخانی با اشاره به جنایتهای گسترده رژیم آخوندی ازجمله به اعدام برادرانش مهدی و تقی توسط آخوندهای حاکم اشاره کرد و افزود شمار زیادی از همکلاسیهایم تحت شکنجه قرار گرفته و اعدام شده‌اند. او مشخصاً به مجاهد شهید حمیرا اشراق و شمار دیگری از خواهران مبلیشیا در شکنجه‌گاههای رژیم اشاره کرد و گفت: دژخیمان روی سینه زندانیان با آتش سیگار می‌نوشتند زنده باد آزادی و می‌گفتند این همان آزادی است که می‌خواستید.

مرضیه باباخانی در ادامه سخنانش گفت: وقتی به من اتهام زده می‌شود که براساس دستور خودسوزی کرده‌ام، این یک توهین به من است و هویت انسانی مرا زیر سؤال می‌برد. آن‌چنان که گویا من حق انتخاب و تصمیم‌گیری ندارم. درحالی‌که من مثل هر یک از اعضای مقاومت، خودم تصمیم به مبارزه و مقاومت می‌گیرم و چگونگی آن را خودم انتخاب می‌کنم. آن روز هم این اقدام را برای رساندن صدای اعتراضم علیه سرکوب و بی‌عدالتی بزرگی که در حق مقاومت ایران شده بود برگزیدم.

مرضیه باباخانی خطاب به دادگاه گفت: اگر شما در جستجوی متهم هستید، متهم واقعی دولت وقت فرانسه و آقای شیراک است که در یک معامله ننگین با رژیم ملاها دست به‌چنین تهاجم گسترده‌یی به دفاتر مقاومت زد و به‌چنین وضعیتی منجر شد.

تمام زندگی من برای مقاومت و برای آزادی بوده و هست

محمد وکیلی فر:

محمد وکیلی‌فر که در اعتراض به حمله ۱۷ژوئن و همدستی دولت شیراک با فاشیسم مذهبی، خود را به آتش کشیده بود، در دادگاه پاریس به‌عنوان شاهد حضور یافت. حضور محمد وکیلی‌فر که آثار جراحتهای عمیق هم‌چنان در سر و صورتش پیداست، حضار را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد.

محمد وکیلی‌فر در شهادت خود در برابر دادگاه تأکید کرد که براساس تصمیم خودش و برای نشان‌دادن خشم و اعتراض خود نسبت به زدوبند دولت شیراک با رژیم آخوندی، به‌این اقدام دست زده و پیشاپیش کسی را از تصمیم خود مطلع نکرده است.

رئیس دادگاه پرسید با چه انگیزه‌یی به فکر خودسوزی افتادید؟

محمد وکیلی‌فر پاسخ داد تمام زندگی من برای مقاومت و برای آزادی بوده و هست. در آن لحظه، پس از حمله ۱۷ژوئن من به‌یاد همسر و پنج عضو خانواده‌ام افتادم که اعدام شده‌اند، به‌یاد خواهر همسر شهیدم که همراه دو کودکش در زندان بود و به یاد بسیاری دوستانم که تحت شکنجه قرار گرفتند.

آقای محمد وکیلی‌فر افزود: درحالی این تصمیم را گرفتم که به‌زندگی عشق می‌ورزیدم و دخترانم را به‌شدت دوست داشتم. اما باید اعتراض خودم را ابراز می‌کردم. مهم این بود که نشان بدهم آزادی ایرانیان و مبارزه آنان برای آزادی نمی‌تواند موضوع معامله قرار گیرد.

تلویزیون کانال ۳فرانسه: این مشعل انسانی مرضیه باباخانی است...

مرضیه باباخانی: این توهین به اراده یک زن آزاد است. من یک زن آزاد هستم. خودم تصمیم به خودسوزی گرفتم

گزارشگر تلویزیون کانال۳ فرانسه در روز ۱۶ اکتبر، در گزارشی از دادگاه پاریس، ازجمله گفت:

در این جا تصویرها و صورتهایی را می‌بینند که تغییر شکل داده‌اند، صحنه‌هایی که آزاردهنده هستند، تصوراتی که محو نخواهند شد.

محمد و مرضیه برای همیشه آثار ماه ژوئن۲۰۰۳ را با خود حمل خواهند کرد.

در آن روز آنها نیز مانند بسیاری دیگر از هموطنانشان در مقابل مقر اصلی د.اس.ت در پاریس به دمنگیری رهبرشان اعتراض دارند و آزادی رهبرشان را خواهان هستند.

ناگهان کمی دورتر از محل تظاهرات یک زن در لحظه به‌یک مشعل انسانی تبدیل می‌شود. او مرضیه باباخانی است. کمی بعد از آن، در جایی دیگر در همان نزدیکی، محمد اقدام به خودسوزی می‌کند.

محمد وکیلی‌فر: «من در این رابطه حتی با نزدیکترین دوستانم آن را درمیان نگذاشتم. من نمی‌خواستم آنها را در جریان قرار دهم زیرا مطمئن بودم در صورت آگاهی از این موضوع مانع من خواهند شد و سعی خواهند کرد من را منصرف کنند.»

گزارشگر تلویزیون فرانسه آن‌گاه گفت:

آیا این افراد خودشان این کار را آسان انجام دادند و یا این که از طرف جنبش به آنها امر شده است؟

مرضیه باباخانی: «این توهین به اراده یک زن آزاد است. من یک زن آزاد هستم. خودم تصمیم گرفتم. پروسه دادرسی این افراد پروسه خود من می‌باشد. به این خاطر است که من تصمیم گرفتم به این‌جا بیایم تا به‌نفع آنها شهادت بدهم. هیچ‌کس قادر نیست فردی را مجبور کند که دست به چنین عملی بزند».

وهن همهٔ شما گواراییم!
می‌ایستیم!
رو در رو
و چشم در چشم تک تکتان
و تف می‌کنیم
به‌ذرهٔ ذرهٔ حیات این جهان رسوا
و می‌افروزیم
خود را
چونان پرچمی از آتش
و مشعلی از خشم
و می‌خوانیم
با تک تک نسره‌های تنم
زیباترین ترانهٔ آزادی را

این شعله‌ها
از جداراخانه‌هایتان
از پستوی قرارهایتان
و از نهاراخانهٔ مدارهایتان عبور خواهد کرد
و روشن می‌کند
هر آنچه را که در خفا
رشته بوده‌اید
نگاه کن جهان!
نگاه کن هزار شعلهٔ درکمین نشسته را
که تا عرش خدا زبانه خواهد کشید
اگر که قرار است قربانی شود
کلامی که زندانی است.

LES FAITS DIVERS
L'émouvant témoignage de Marzieh l'immolée

پاریزین: شهادت تکاندهنده مرضیه خودسوخته

پاریزین، ۲۴مهر۸۶

... با دستهای داغان شده، روسری خود را مرتب می‌کند. پارچه روی موهایش را کامل نمی‌گیرد. سوختگی مانع از این می‌شود که آن‌را جلوتر بیاورد. انگشتانش ترمیم نشده‌اند ولی نگاهش زنده و با نشاط است. بعد از حدود ٤سال، مرضیه از سکوت خودش خارج می‌شود. این ایرانی ٤٥ساله یکی از سه نفریست که «در خیابان نلاتون خودسوزی کرده‌اند». امروز در دادگاه دو نفر از همسطنان و همراهانش در مقاومت علیه رژیم اسلامی ایران، که مظنون به تشویق برای فداشدن در میان شعله‌ها شده‌اند، شهادت خواهد داد «با این دادگاه احساس می‌کنم این من هستم که دارم محاکمه می‌شوم. هیچ‌کس حق من برای انتخاب سرنوشتم را به‌رسمیت نمی‌شناسد». مرضیه شجاع، در مورد دوستانش توضیح می‌دهد. او اصلا پشیمان نیست» و این «تصمیم نه‌چندان ساده را» بر عهده می‌گیرد یعنی زنده زنده خود را سوزاندن: «حیاتم تنها وسیله‌یی بود که برای اعتراض داشتم». ۱۸ ژوئن۲۰۰۳، مرضیه «در شوک» بود. او «هجوم» گسترده به جامعه ایرانیان در اورسورواز را نمی‌فهمید. بیش از ۱۰۰۰ پلیس، ١٦٤پناهنده سیاسی، اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران و ازجمله تعدادی را که مظنون به ایجاد اعمال تروریستی بودند، بازداشت کردند. «دوستان من در بازداشت بودند. من تنها سوار قطار شدم تا پاریس، برای رفتن به د.اس.ت، چند ایرانی در آن‌جا بودند. من شب را در آن‌جا گذراندم».

پشت‌پرده‌های توطئه ۱۷ژوئن پس از ۵سال

نقش وزارت اطلاعات و مزدوران گشتاپوی آخوندی در پرونده ۱۷ژوئن

به نقل از مجاهد ۷۲۹ ـ ۹فروردین ۱۳۸۴

یک میلیون دلار بودجه برای مداخله در پرونده

شماره: ۸۲/۴۲۳۶
تاریخ: ۸۲/۰۶/۲۶
موضوع: پیگیری قضایی پرونده مطروحه در دادگاه فرانسه با عنایت به تصمیمات متخذه در شورایعالی امنیت در خصوص پیگیری قضایی مطروح در دادگاههای فرانسه، که برای تأمین هزینه‌های مربوطه مبلغ یک میلیون دلار از محل سهمیه ارزی نهاد ریاست‌جمهوری طی نامه شماره: ۶۹۸/ ۳۰۲ س ر مورخ: ۸۲/۰۶/۰۲ اختصاص و مراتب به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابلاغ شود.
مسول اجرایی دبیرخانه شورایعالی امنیت
علی ربیعی

یک ستاد ویژه در وزارت اطلاعات برای مداخله در پرونده ۱۷ژوئن و سرهم‌بندی شکایت و پرونده‌سازی علیه مقاومت تشکیل شده و دبیر اجرایی شورایعالی امنیت رژیم بر کار آن نظارت دارد

شورایعالی امنیت رژیم آخوندی، در تاریخ ۲۴شهریور۸۲ نامه‌یی با شماره ۸۲/۴۲۱۴ تحت عنوان «پیگیری پرونده منافقین توسط محاکم قضایی فرانسه» و برای دریافت و تصویب بودجه ارزی به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال داشته است. علاوه براین در تاریخ ۲۶شهریور نامه محرمانه دیگری با موضوع «پیگیری قضایی پرونده مطروحه در دادگاه فرانسه» و با شماره۸۲/۳۶۱۴ به سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی ارسال شده است. متن نامه ۲۶شهریور۸۲ را که طی آن یک میلیون دلار بودجه برای این کار درخواست شده، در این‌جا ملاحظه می‌کنید:

محمد محدثین در کنفرانس مطبوعاتی در پاریس: منابع اطلاعاتی این پرونده مستقیم و غیرمستقیم مربوط به وزارت اطلاعات ملایان است. من در این‌جا یک سند دارم که به‌خوبی نشان می‌دهد که از ابتدا وزارت اطلاعات و د.ا.ث.ت روی این پرونده مشترکاً کار می‌کرده‌اند. این بولتن وزارت اطلاعات شماره ۳۷۲۶ه است که روز ۲۳ژوئن۲۰۰۳ برای مقامات عالیرتبه رژیم ارسال شده است. من از روی این متن برای شما می‌خوانم:
«خ۵ ـ انتشار محدود: عملیات مذکور که در نوع خود بی‌سابقه است، از بیش از ۵/۳سال قبل توسط سرویس امنیت داخلی فرانسه (DST) برنامه‌ریزی شده و مراحل قضایی آن به‌تدریج پیش رفته بود که جزئیات امر در جلسات تبادل توسط سرویس مذکور برای ما تشریح می‌شد. براساس برنامه‌ریزی به‌عمل آمده، شانزده نفر از اعضای اصلی منافقین در فرانسه به جرم مشارکت در اقدامات تروریستی محاکمه خواهند شد».
این همکاری بعداً نیز ادامه یافته است. بنا به‌گزارشهایی که از داخل کشور به‌دست ما رسیده، در سال۲۰۰۴ شماری از مأموران وزارت اطلاعات که خودشان را اعضای سابق سازمان مجاهدین معرفی می‌کنند، تحت عنوان شاهد، بارها بطور رسمی و غیررسمی مورد استماع قرار گرفته‌اند. دعاوی جدید مطرح‌شده در پرونده به‌طور بیمارگونه‌یی متکی به شهادت ۶عضو شناخته‌شده وزارت اطلاعات است. این گزارش به‌لحاظ تکنیکی با یک جزوه تبلیغی وزارت اطلاعات که توسط سفارتهای رژیم ایران در کشورهای مختلف توزیع می‌شود، برابری می‌کند.

از بولتن داخلی وزارت اطلاعات

(به تاریخ ۵تیر۸۲ برابر با ۲۳ژوئن۲۰۰۳)

شماره ۳۷۲۶/د

«عملیات مذکور که در نوع خود بی‌سابقه است، از بیش از دوونیم‌سال قبل توسط سرویس امنیت داخلی فرانسه (DST) برنامه‌ریزی شده بود و جزئیات امر در جلسات تبادل سرویس مذکور برای ما تشریح می‌شد.
براساس برنامه‌ریزی به‌عمل‌آمده، ۱۶نفر از اعضای اصلی منافقین در فرانسه به‌جرم مشارکت در اقدام تروریستی محاکمه خواهند شد».

تلاشهای رژیم آخوندی برای تأثیرگذاری بر روند قضایی در فرانسه

در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاریس که در روز ۱۵اردیبهشت۸۳ با حضور وکلا و حقوقدانان فرانسوی برگزار شد، مسئول کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت، در افشای تلاشهای رژیم آخوندی برای تأثیرگذاری بر پرونده ۱۷ژوئن، گفت: دستگاه اطلاعاتی رژیم از قبل از ۱۷ژوئن۲۰۰۳ تلاش می‌کند شکایتهای متعددی علیه مجاهدین مطرح کند. هیأتهای مختلفی را برای تحقیق و استمزاج به فرانسه فرستاده است. گزارشهای آنها موجود است. این گزارش سفر یکی از هیأتهاست که یک مقام وزارت اطلاعات به‌نام شکرالله شکری به همراه یک وکیل ایرانی به‌نام عباسی که برای وزارت اطلاعات کار می‌کند، به فرانسه آمده‌اند... در این گزارش وکیل را با نام مستعار سعید معرفی کرده است. در این گزارش ضمن بیان جزئیات سفر تصریح می‌کند که ما باید به یکی از سه راه کار یا ترکیبی از آنها عمل کنیم: باید به عنوان شاکی خصوصی وارد پرونده ۱۷ژوئن شد (موضوع ورود به پرونده برای دستیابی به اطلاعات). یا این که افراد حقیقی در دادگاههای فرانسه از مجاهدین شکایت کنند (همین راهی که الان انجام شده است) و سوم این‌که افراد حقیقی به دادگاههای ایران شکایت کنند و مجاهدین مقیم فرانسه را غیاباً محکوم کنید... در وزارت اطلاعات یک ستاد ویژه برای مداخله در پرونده ۱۷ژوئن تشکیل شده است. در این ستاد افرادی از وزارت خارجه هم حضور دارند. در شورای عالی امنیت ملی رژیم علی ربیعی، معاون سابق وزارت اطلاعات و دبیر اجرایی این شورا این موضوع را دنبال می‌کند.
کسی که همین شکایت به اسم او انجام شده است قبل و بعد از ثبت شکایت بارها توسط مقامات وزارت اطلاعات توجیه شده است...
بودجه این فعالیتها توسط شورای عالی امنیت تأمین می‌شود. در این متن سندی وجود دارد که به‌تاریخ ۲۶شهریور۸۲ و به امضای علی ربیعی؛ وی برای مخارج قضایی در فرانسه خواستار اختصاص یافتن یک میلیون دلار از محل سهمیه ارزی ریاست‌جمهوری می‌شود.

زد و بند و معامله با آخوندها

پذیرش این تحقیق از سوی دادستانی پاریس یک معامله شرم‌آور است. پذیرش این پرونده نتیجه یک معامله است. شما می‌توانید وقایع هفته‌های اخیر را یکبار مرور کنید. همه چیز روشن می‌شود. خرازی وزیر خارجه رژیم آخوندی روز ۲۱آوریل وارد فرانسه می‌شود و در بالاترین سطوح مورد استقبال قرار می‌گیرد. همان روز قرارداد ۱۲۰۰میلیون دلاری گاز پارس جنوبی به‌رغم داشتن مشتریان بهتر به توتال داده می‌شود. سه روز بعد بالاترین مسئولان رنو برای نهایی‌کردن یک قرارداد بسیار کلان راهی تهران می‌شوند. طبق این قرار داد از ۳سال دیگر ۲۵۰هزار و از ۴سال دیگر هر سال ۵۰۰هزار خودرو توسط رنو در ایران تولید می‌شود. برای اولین‌بار ۱۵درصد سرمایه فرانسوی و چهار نفر از هیأت مدیره هفت نفره شرکتی که در ایران تأسیس می‌شود فرانسوی هستند. کمی قبلتر در ماه مارس بزرگترین قرارداد نوسازی و گسترش شبکه‌های تلفنی در ایران به آلکاتل سپرده می‌شود و... در سال ۲۰۰۳ حجم معاملات تجاری بین رژیم ایران و فرانسه ۳۰درصد افزایش پیدا می‌کند و فرانسه را در عداد اولین طرف تجاری رژیم ایران قرار می‌دهد.
جنایت ادعایی مربوط به ۴سال پیش است و تحقیقی که امروز گشوده شده است، یکسال در دادستانی پاریس خاک خورده و در انتظار نهایی‌شدن این قراردادها بوده است. هر چند ما فکر نمی‌کنیم که تجارت با یک فاشیسم مذهبی که ۱۲۰هزار نفر را اعدام و ۵۰۰هزار زندانی سیاسی را شکنجه کرده است، نه به‌نفع حقوق‌بشر و نه علیه تروریسم است. ما کاری به تجارت فرانسه با رژیم ایران نداریم. اما سکوت در برابر زدو بندهای ننگین و شرم‌آور و پرداخت بهای این تجارت از خون مردم و مقاومت ایران قابل‌پذیرش نیست. من مطمئنم روح مردم فرانسه، فرانسه حقوق‌بشر، فرانسه آزادی و فرانسه قانون، از این معامله بیزار است. همان مردمی که به قاطعانه‌ترین صورت با حادثه تلخ ۱۱سپتامبر۲۰۰۳ که الان به سالگرد آن نزدیک می‌شویم مخالفت کردند و به‌عنوان سخن آخر به‌نظر می‌رسد که بازگشایی این تحقیق یک شیوه مناسب برای ماستمالی‌کردن و تحت‌الشعاع قراردادن پرونده ۱۷ژوئن نیز می‌باشد.
پرونده‌یی که هر روز که می‌گذرد بیشتر ثابت می‌شود که مجاهدین، قربانی بیگناه یک معامله شرم‌آور بوده‌اند.

بخشهایی از گزارش وزارت خارجه به شورای عالی امنیت ملی رژیم

ـ در اکثر ملاقاتهای دوجانبه‌یی که بود مسأله دادگاه منافقین در فرانسه را پیگیری کردیم. در ملاقات آقای روحانی با وزیر خارجه فرانسه و مقامات فرانسوی حتی رئیس سنای فرانسه، ملاقات آقای خرازی با وزیر خارجه، ملاقاتهای آقای صادق خرازی (سفیر در پاریس) با مدیرکل خاورمیانه وزارت خارجه فرانسه، ملاقاتهای آقای رحیم‌پور (مدیرکل اروپای غربی وزارت خارجه) و آقای فرجی (رئیس اداره دوم غرب اروپای وزارت خارجه) با آقای نیکولو فرانسوا (سفیر فرانسه در تهران) از آنها خواستیم این مسأله دنبال بشود و عدالت در مورد آنها باجرا درآید. در ملاقات آخر آقای صادق خرازی در پاریس با مسئولان وزارت خارجه، از طرف آنها گفته شد شکایتی را مسئولان قضایی تشخیص دادند که قابل تحقیق است و لذا خواستند هماهنگی بشود تا اطلاعات بیشتری در اختیار مقامات قضایی فرانسه گذاشته شود و مقامات قضایی ایران همکاری لازم را این خصوص بکنند.
ـ علت این اصرار ما بر این امر این است که منافقین در ضعیف‌ترین نقطه خودشان قرار دارند و در این وضعیت فشار قضایی می‌تواند آنها را در انزوای بیشتری قرار دهد.
ـ از طرفی این باب در کشورهای دیگر هم می‌تواند باز شود. وقتی با اصل استرداد آنها بلحاظ سیاسی مخالفت می‌شود، در مورد مسائل حقوقی مخالفتی نخواهد بود. جرم و جرایم آنها زیاد است و اطلاعات زیادی هم در این خصوص جمع‌آوری کردیم که همه‌اش قابل ارائه به مراجع ذیصلاح است. از طرفی هم منافقین می‌خواهند زمان بخرند و با زیاد شدن فشارهای سیاسی روی نظام، خودشان را از مهلکه دربیرند.
ـ منافقین از نقطه ضعف ما روی فعالیتهای هستیی سوءاستفاده می‌کنند و می‌خواهند هرچه بیشتر این تئور علیه ما گرم نگهداری شود و گرمترش بکنند. ما هم باید از نقطه ضعفهای آنها شروع بکنیم.
ـ میزان بریدگی در درون منافقین افزایش زیادی پیدا کرده است و از اینها به‌خوبی می‌تواند برعلیه‌شان استفاده شود.
الان منابع اصلی اطلاعاتی مقامات امنیتی غربی و اروپایی، نفرات سابق منافقین هستند که به‌طور مرتب درمورد منافقین اطلاعات در اختیار مقامات امنیتی در اروپا می‌گذارند و آنها هم استقبال می‌کنند و این تاکتیک بسیار عالی و مانند همان‌کاری است که حضرت با سپاه خوارج کرد و پیروز شد.
ـ رابطه سیاسی و اقتصادی ما با فرانسه رشد خوبی داشته است. هم فرانسه و هم ما نمی‌خواهیم که خدشه‌یی به رابطه وارد شود.
به‌لحاظ اقتصادی قراردادی که با توتال فرانسه منعقد شده رابطه دو کشور را بیشتر از گذشته گرمتر کرده است.

سند «موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری با فرانسه» دو هفته قبل از حمله ۱۷ژوئن

۲۱ آوریل قرارداد ۱/۲میلیارد دلاری گاز به توتال داده می‌شود.
۲۴آوریل بالاترین مسئولان رنو برای عقد یک قرار داد کلان به تهران می‌روند و روز ۲۷آوریل دستور بازگشایی تحقیقات علیه مجاهدین صادر می‌شود. کمی قبل‌تر، در ماه مارس، بزرگترین قرارداد مخابراتی به آلکاتل سپرده شده بود

در جریان روشدن یک افتضاح شرکت توتال و پرداخت رشوه ۴۰میلیون دلاری به‌پسر رفسنجانی فاش شد:

قرارداد میدان گازی پارس جنوبی با شرکت توتال، پاداش انجام کودتای ننگین ۱۷ژوئن توسط دولت فرانسه علیه مقاومت ایران بود

خبرگزاری فرانسه(اول فروردین۸۶)
رئیس شرکت نفتی توتال فرانسه به‌دلیل دادن رشوه به‌مقامهای رژیم ایران مورد بازجویی قرار می‌گیرد. مدیر اجرایی این شرکت به‌دلیل امضای قرارداد گاز در سال۱۹۹۷ مورد بازجویی قضایی قرار گرفته است. کریستوف دو مارژوری، مدیر اجرایی و نفرات بلندپایه این شرکت برای بازجویی از طرف پلیس مالی احضار شده‌اند.

تلویزیون فرنسه۲۴ (اول فروردین)
گفته می‌شود شرکت توتال برای کسب قراردادی بر سر میدان نفتی پارس جنوبی، ۴۰میلیون یورو را بدون گواهی واریز کرده است.

تلویزیون کانال ۵فرانسه (اول فروردین۸۶):
بین سالهای۱۹۹۶ و ۲۰۰۳، معادل ۶۰میلیون یورو توسط توتال از طریق سوئیس به تصمیم گیرندگان ایرانی واریز شده است.

ممنوعیت ملاقات رئیس شرکت توتال با رفسنجانی و پسر وی

دستگاه قضاییه فرانسه ملاقات رئیس شرکت توتال با رفسنجانی و پسر وی را ممنوع اعلام کرد. روز ۴فروردین۸۶ خبرگزاری فرانسه از پاریس خبر داد: به گفته یک منبع قضایی، کریستوف دومارژری، مدیرکل شرکت توتال، در ارتباط با مسأله فساد مالی و ارتباط آن با رژیم ایران به ممنوعیت دیدار با اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور اسبق این رژیم و پسر وی محکوم شد. وی به پسر رفسنجانی برای به‌دست‌آوردن امتیاز میدان نفتی پارس جنوبی ایران رشوه داده است. برخی منابع این مبلغ را ۴۰میلیون یورو اعلام کرده‌اند.
ایست رپوبلیکن (۴فروردین۸۶) اعلام کرد این حکم در چارچوب کنترلهای قضایی صادر شد که یک قاضی امور جرائم مالی که درباره این پرونده تحقیق می‌کند صادر کرده است. دومارژری ۵۵ساله که مدت زمان کوتاهی است در رأس چهارمین شرکت نفتی جهان قرار دارد روز پنجشنبه به فساد مالی با اشخاص دولتی خارجی و حیف و میل اموال عمومی متهم شد. شرکت توتال این مسأله را تأیید کرد اما مدعی شد که قراردادها در چارچوب قانون فرانسه صورت گرفته است. مدیرکل شرکت توتال که در زمان وقوع این مسأله مدیر بخش خاورمیانه‌یی این شرکت بود به‌غیر از ممنوعیت دیدار با رفسنجانی از دیدار با چندین مقام دیگر رژیم ایران نیز منع شده است.
نام مهدی هاشمی رفسنجانی پسر رئیس‌جمهور اسبق رژیم ایران در تحقیقات نروژ از شرکت ملی نفت این کشور یعنی استات اویل مطرح شد. به‌گفته یکی از شاهدان، وی یک سیستم فساد مالی را سازمان داده است. دستگاه قضایی فرانسه مظنون است که مدیرکل توتال از این سیستم فساد بهره برده است. قراردادی که قاضی تحقیق پرونده آن را مشاهده کرده است به سال۱۹۹۷ مربوط می‌شود. این پرونده به یک طرح سرمایه‌گذاری مشترک میان شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای توتال فرانسه، گاز پروم روسیه و پتروناس مالزی برای استخراج گاز از میدان نفتی پارس جنوبی مربوط می‌شود.

اعتراف کریستف دمارژوری به‌پرداخت رشوه کلان به رژیم

کریستف دمارژوری، در مقابل قاضی کورووا اعتراف کرد که در سال۱۹۹۷ میلادی، رقم کلانی رشوه را برای به‌دست‌آوردن یک قرارداد به‌رژیم ایران پرداخت کرده است. وی گفت: «بله، تیری دمارست، رئیس وقت توتال، در جریان قرار داد این شرکت با ایران برای بهره‌برداری از منابع گازی پارس جنوبی بوده و با توافق وی این کار صورت گرفته است. ما برای به‌دست‌آوردن این قرارداد مجبور بودیم کمیسیونی به مقامات ایرانی پرداخت کنیم».
مجله فرانسوی اکسپرس نوشت: «یکی دیگر از متهمان اعتراف کرده است، شرکت توتال برای به‌دست‌آوردن قراردادهای سودآور نفتی در این مناطق، مجبور به پرداخت باج به مسئولان رژیم ایران بوده است. به نوشته این منبع در این پرونده، مقامهای رژیم برای رد گم کردن گیرنده‌های حقیقی رشوه، پس از توافق در رقم دریافتی، به شرکت توتال پیشنهاد کرده‌اند که این مبلغ را در دو کشور و در چند مرحله بپردازد. بنا بر اعترافات متهمان، شرکت توتال در مرحله نخست، ۳۰میلیون یورو را به‌حسابی در یک بانک سوئیسی متعلق به شرکتی با نام Basto Associated به‌مدیریت فردی به نام بیژن دادفر، ساکن لندن و دویی واریز کرده است. در مرحله دوم، ۱۰میلیون یورو به دو حساب در «لاسیوتال بانک» و «یونیون ناسیونال بانک» در دویی به حسابی به اسم دادفر واریز شده است.
«باتریک رامیو»، مدیر کل سبق «ترادینگ توتال»، متهم دیگر این پرونده، در بازجوییهای اولیه اعلام کرده است که رشوه پرداختی به واسطه دادفر به یک مقام نفتی ایرانی پرداخت می‌شده است.
امانوئل رونژانفاد، وکیل دمارژوری، نیز ضمن قبول پرداخت رشوه به وسیله موکل خود، اظهار داشت: «چنین اعمالی، طبق قوانین ایران مانعی ندارد و قانونی برای جلوگیری از چنین اعمالی در ایران وجود ندارد».
این رشوه مربوط به مهدی هاشمی رفسنجانی پسر رفسنجانی رئیس تشخص مصلحت نظام آخوندها پرداخت شده است(سایت بازتاب ۴فروردین۸۶).

امتیاز رژیم ایران به فرانسه در ازای کودتای ۱۷ژوئن علیه مقاومت ایران

به‌دنبال فاش‌شدن این افتضاح، یکی از رؤسای بانکهای رژیم در فرانسه که در جریان قرارداد پارس جنوبی با شرکت توتال بوده است، در یک جلسه درونی فاش کرده که این قرار داد، امتیاز رژیم ایران به‌فرانسه در مقابل کودتای ۱۷ژوئن و حمله به مقر شورای ملی مقاومت در پاریس بوده است.
به نوشته مجله فرانسوی اکسپرس، کریستف دمارژوری، رئیس شرکت نفتی توتال فرانسه که به‌خاطر رشوه ۴۰میلیون دلاری به مهدی هاشمی پسر رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت رژیم از طریق یک شرکت واسط سوئیس برای انعقاد قرارداد پارس جنوبی در سال۱۳۷۶ مورد بازپرسی قرار گرفته است، در مقابل قاضی کورووا اعتراف کرد که در سال۱۹۹۷ میلادی، رقم کلانی رشوه را برای به‌دست‌آوردن یک قرارداد به رژیم ایران پرداخت کرده است. کریستف دمارژوری، در تیرماه سال۱۳۸۲ (ژوئیه ۲۰۰۳) که در آن زمان نفر دوم وقت شرکت توتال بود، به‌عنوان جایزه ۱۷ژوئن، قرار داد پارس جنوبی را در تهران منعقد کرد.
مروری بر اخبار سه ماه اول سال۱۳۸۲ ارتباط میان رد و بدل رشوه و دادن قرارداد پارس جنوبی به شرکت توتال با زد و بندهای کثیف رژیم آخوندی در فرانسه در آن زمان را روشن می‌کند:
رژیم ایران در بهار سال۱۳۸۲ موضوع قرارداد پروژه فاز ۱۱ و ۱۲ میدان گازی پارس جنوبی را برای مناقصه عرضه کرده بود. این پروژه چند میلیارد دلاری، مورد علاقه توتال بود که در این مناقصه بیرینش پترولیم BP ـ انگلیسی با شرایط مناسبتر و ارزانتر از توتال متقاضی این پروژه بود.
دولت فرانسه در پشتیبانی از توتال برای دستیابی به این پروژه پرسود، اقدامات زیر را صورت داد:
ـ در تاریخ ۲۴آوریل (چهارم اردیبهشت۱۳۸۲)، دومینیک دو ویلپن (وزیر خارجه وقت فرانسه) به تهران رفت تا زمینه مناسبات اقتصادی و تجاری را نیز فراهم کند.
ـ روز ۱۲ماه مه (۲۲اردیبهشت سال۸۲)فرنسوا لوس، وزیر تجارت خارجی فرانسه به تهران رفت و در این سفر، قرارداد مهم تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین ایران و فرانسه به امضا رسید. طی این مدت، مذاکراتی برای عقد قراردادهای جدید در زمینه نفت، تولید خودرو، ایجاد نمایشگاه و غیره صورت گرفته و موافقت شد که کریستف دمارژوری برای قرار داد پروژه فاز ۱۲ میدان گازی پارس جنوبی به تهران مسافرت کند، تا ۶۰درصد فاز ۱۲ میدان گازی پارس جنوبی از طریق مناقصه به توتال داده شود.
ـ در روز ۷خرداد۱۳۸۲ (۱۷ژوئن۲۰۰۳) پلیس فرانسه به دفاتر شورای ملی مقاومت یورش برده و خانم مریم رجوی رئیس‌جمهور مقاومت و ۱۶۶نفر دیگر را بازداشت کردند.
ـ در اول تیرماه۱۳۸۲ روزنامه حکومتی همشهری اعلام کرد که توتال، مناقصه پارس۱۲ جنوبی را برنده شده است و این در حالی بود که بیرینش پترولیم BP انگلیسی بر مبنای مناقصه، برنده آن بود.
بعداز اعلام برنده‌شدن توتال در این مناقصه، کریستف دمارژوری که در آن زمان مسئول بخش خاورمیانه توتال و نفر دوم آن به‌شمار می‌رفت در نیمه دوم تیرماه۸۲ به تهران مسافرت کرد و قرار داد ۶۰درصد فاز ۱۲میدان گازی پارس جنوبی را امضا کرد.
رئیس دفتر وقت نمایندگی توتال در تهران در توضیح این قرار داد، در جلسه خصوصی این نمایندگی گفته بود که: «بیرینش پترلیوم و توتال برای فاز ۱۱ و ۱۲ هر دو مبارزه می‌کردند، بیرینش پترلیوم قیمتی داد و توتال هم قیمتی داد ولی بنا به صلاحدید، مقامات تصمیم گرفته بودند که فاز۱۲ را به توتال بدهند.
به‌دنبال این قرارداد، یکی از رؤسای بانکهای رژیم در فرانسه که در جریان پروژه فاز ۱۲جنوبی به توتال فرانسه بود در یک جلسه خصوصی گفته که: دادن پروژه فاز۱۲ به توتال، امتیاز اقتصادی بزرگ ما به فرانسه در مقابل عملیات ۲۷خرداد (۱۷ژوئن) علیه مخالفین ما بود.

اشتباه استراتژیک دولت فرانسه

محمد محدثین در برنامه ارتباط مستقیم تلویزیون سیمای آزادی که روز۲۳اسفند۱۳۸۳پخش شد، گفت: دولت فرانسه بعد از قضایای عراق در سال۲۰۰۳ تصورش این بود که مجاهدین و شورای ملی مقاومت از بین رفته‌اند، مقاومت ایران نابود شده یا در آستانه نابودی است. فرانسه به‌همین خاطر یک اشتباه استراتژیک مرتکب شد و با خودش گفت حالا که مجاهدین در عراق از بین رفته‌اند، این مقاومت در آستانه نابودی است، ما هم ضربه آخر را بزنیم و امتیاز خودمان را از ایران بگیریم، این اشتباه استراتژیکی بود که فرانسه مرتکب شد، چون بعدها قدم به قدم ثابت شد که مقاومت ایران نه‌تنها از بین نرفته، بلکه قوی‌تر و قدرتمندتر شده است. به‌همین دلیل تأکید می‌کنم که این پرونده باید بسته شود، این پرونده جهت جایگاهی به لحاظ حقوقی ندارد، اموال و وسائلی که از این مقاومت ضبط شده باید برگردانده شود، منافع استراتژیکی فرانسه در کاری که دولت فرانسه کرده نیست، اینها روی همان اسب بازنده شرط‌بندی کرده‌اند، شرایط داخلی علیه این رژیم هر روز بیشتر و بیشتر تغییر می‌کند، شرایط منطقه‌یی و شرایط بین‌المللی علیه این رژیم تغییر می‌کند. دو سال بعد از جنگ عراق، روز به روز ثابت شده که حرف این مقاومت و موضع این مقاومت و عملکردهای این مقاومت درست بوده است. این مقاومت در بوته یک آزمایش بسیار بزرگ قرار گرفته و از بوته این آزمایش سرفراز بیرون آمده است. اصالت مقاومت و صحت نظرگاههایش، تحلیلهایش و کارکردهایش ثابت شده است.

«ما ماندگار شدیم»

گرامی باد خاطره تابناک مجاهد کبیر رضا رضایی به مناسبت سی و پنجمین سال شهادتش

برجسته و ذیصلاح سازمان قرار گرفت و در سال۴۹ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد. در جریان ضربه شهریور سال۵۰، و نیز به همراه تعدادی از کادرهای سازمان دستگیر شد. در زندان ضمن تماس با سایر اعضای مرکزیت و مسئولان سازمان، طلاعات و تجربه‌های آنان در زمینه‌های بازجویی و تاکتیکهای دشمن و نیز اخبار و اطلاعات مربوط به سازمان را جمع‌آوری نمود.آن‌گاه طرح دقیق و حساب‌شده فرار او از چنگ ساواک که توسط سازمان تنظیم شده بود، به پشتوانه هوشیاری و کارآیی و جسارت و دلیری او به بهترین وجه به اجرا درآمد و رضا به جمع معدود مسئولان مجاهدی که بیرون زندان بودند، پیوست.

رضای قهرمان که در شهریور۵۰ همراه با سایر اعضای کمیته مرکزی سازمان دستگیر شده بود، سه‌ماه بعد، یعنی در سوم‌آذر ۵۰، با فرار بزرگ خود ضربه غیرقابل‌جبرانی به‌ساواک شاه وارد کرد. او در بیرون زندان به همراه مجاهد شهید احمد رضایی به‌بازسازی سازمان و سازماندهی اعضای باقیمانده پرداخت

او در یکی از نامه‌هایش نوشته بود:

«...به‌هرصورت هیچ‌کدام از تلاشهای وسیع و وحشیانه پلیس قدرت نابودی ما را ندارد. ما دیگر امروز با جرأت و اطمینان می‌گوییم که ما ماندگار شدیم چون باید که بمانیم. ضامن بقای ما خونهای پاکی است که داده‌ایم. امروز بار دیگر سازمان خود را بناکرده‌ایم. با تجربه‌ی انبوه، با توانایی قابل‌توجه و با برخورداری از حیثیت و پیوندی معنوی با مردم خود. امروز در نظامرات پرشکوه و قهرمانانه دانشگاه، دانشجویان قهرمان سرود مجاهدین را باشکوه تمام می‌خواندند. همه جا سخن از انقلاب مسلحانه است. اگر تا دیروز همه نگران باقی ماندن جریکها بودند، امروز از ما می‌خواهند که عملیات خود را توسعه دهیم. امروز کسی نگران بقای ما نیست. بلکه خواستار حرکت سریعتر و شدت بخشیدن به عملیات است. امروز انقلاب مسلحانه به‌مثابه اصولی‌ترین راه حل در مقابل این‌همه جور وستم و توسری‌خوری پاپرفته شده است...»

از او در دوران مخفی نامه‌های متعددی خطاب به اعضای خانواده‌اش باقی مانده که هرکدام حاوی پیام و رهنمود و انگیزش خاصی می‌باشد.

طی نامه‌یی از جمله نوشته بود:

«سلام

اکنون که این نامه را برایتان می‌نویسم، از خداوند برای تحمل سختیهای راه کمک می‌طلبم. امروز دیگر امید ما به پیروزی، امیدی موهوم و دروغ نیست. درست خلاف آن‌چه که عافیت‌طلبان تصور می‌کنند، دشمن باتمام وحشیگریهایش و جنایاتی که در این مدت مرتکب شده، نفاذ‌رژیش را بلکه ضعف و زبونیش را نشان داده است. رفقای مجاهد ما همچون شیر غران بر دشمن یورش می‌برند و جسارت و شجاعتی می‌مانند، از خود نشان می‌دهند. امروز دیگر ما بازیچه‌های مسخره زندگی نیستیم، بلکه این زندگی است که به‌صورت بی‌ارزشترین بازیچه فریب انسان در نظر همه ما، خود را نشان داده است. این که انسان به‌چیزی جز پیکار، به‌چیزی جز فضیلتها و فداکاریها و خاطرات سرشار از فداکاری و شجاعت رفقای شهید فکر نکند، توفیق کمی نیست و امروز احساس افتخار می‌کنیم از این که خود را بارهبی از پیکر پرفضیلت انقلاب علاقانه خود می‌دانیم. احساس افتخار می‌کنیم که هیچ مساله دیگری جز نبرد مقدس و انقلابی ذهن ما را مشغول نکرده است. این که انسان توفیق یابد که همه نیرو و انرژی خود را، همه لحظات زندگیش را در راه خدا و خلق به‌کارگیرد، واقعاً افتخارآمیز است و این که دشمن پست و رذل ما، فریادهای دیوانه‌وار سر می‌دهد، این که همه نیرو و امکانات خود را برای نابودی و خاموشی شعله‌یی جاویدان و برحق بسیج کرده است، دیدنی و من تمام تنم می‌لرزید. برای اولین بار بود که در آن روز احساس کردم که مسلمانان صدر اسلام چه‌احساسی در مقابل قرآن داشتند...»

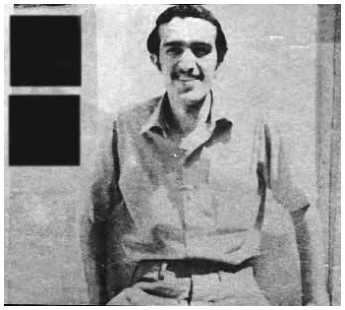

رضا وقتی سه ماه بعد از فرار او از زندان، برادر بزرگترش مجاهد قهرمان احمد رضایی ـ اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران ـ به آن شکل قهرمانانه و فداکارانه به شهادت رسید، در یکی از نامه‌ها نوشت:

«شهادت احمد بر خلاف تصور احمقهایی که برای اثبات نظرات تسلیم طلبانه‌شان از هر شکست، ناامیدی و از هر سوز و سرما، زمستانی می‌سازند، نه تنها هیچ ناتوانی را اثبات نمی‌کند، بلکه درست نشان‌دهنده‌این است که ما تا آن حد، از ظرفیت فداکاری و جانبازی برخورداریم که رنج نبردی سخت و طاقت‌فرسا را تا آن زمان که خلق را به حرکت درآوریم، دلاورانه بر دوش کشیم...محال است خونهایی که ریخته شده است هدر برود، این خونها بدون شک نهال انقلاب را بارور کرده است و دیگر این نهال نخواهد خشکید. گلدار سازشکاران، ترسوها و بزدلان از این‌همه شهادت هراسان شوند و بکوبند. نمی‌شود کار کرد. اما مفهوم شهید، جز این نیست که همچون چراغی باشد. فراراه دیگران. این جاهایی که امروز شهدا می‌سازند، فردا راه انقلاب را هموار خواهند ساخت.

مجاهد کبیر رضا رضایی تأکید می‌کرد:

«اگر بنا باشد که در جهان،ستم پیروز شود، اگر بنا باشد که در جهان این‌همه شهامت و انسانیت پوچ باشد، پس باید فاتحهٔ این جهان را خواند، ولی حرکت تاریخ درست عکس این مساله را نشان می‌دهد.نشان می‌دهد که پیروزی در لفاف سختیها و رنجها و فداکاریها و شهادتها پیچیده شده است.ما هم از روز اول انتظار نداشتیم که دشمن در یک صبح روشن با دست خودش تسلیم شود و در مقابل اراده انقلابی خلق زانو بزند.ما زمانی انتظار پیروزی داریم و شاهد آن خواهیم بود که همه سرزمین ما از خون پاک‌ترین و فداکارترین فرزندانش، سرخ و سیراب شود و البته تا آن روز راه زیادی داریم. فریاد رزم‌آوری انقلابیون، خروش مسلسلها و همچنین زوزه دردناک دشمن، همه نشانه این است که جنبش به جاده اصلی خودش افتاده است و سرانجام پیروزی حتمی از آن ماست.

یادش را گرامی می‌داریم، با یادآوری آرم خون‌رنگ و پرافتخار سازمان مجاهدین خلق ایران که او با خلاقیت، ظرافت و دقت تمام به طراحی آن همت گماشت و آرمانهای توحیدی، سیاسی و اجتماعی مجاهدین را با خطوطی ساده در آن سمبلیزه نمود.

و درس‌آموز است. راستی چرا؟ مگر ما چه داریم که دشمن را به‌هراس افکنده است؟ مگر دشمن چه‌چیز از اسلحه و ثغرات و حیله و نیرنگ کم دارد که قادر نیست این شعله سرکش و فروزنده را خاموش کند؟ اگر معادله‌یی چنین در جهان برقرار نبود که علی‌رغم همه امکانات و نیرنگها و توپ و تانکها، دشمن ما محکوم به شکست باشد، واقعاً آیا جهان می‌توانست بر نظام هستیش باقی بماند؟!

آرم پرافتخاری که هم‌اینک نیز در بلندترین قله‌های سرافرازی و پیروزی در دستان هزاران مجاهد در اهتزاز است و تا برافراشته شدن بر بام جامعه بی‌طبقه توحیدی همچنان در اهتزاز خواهد بود.

نیمه‌شب ۳۰خرداد۱۳۵۲، در جریان یک حادثه تصادفی، پایگاه مسکونی رضا رضایی در خیابان غیاثی (جنوب‌شرق تهران)، توسط ساواک مورد حمله قرار گرفت، قهرمان مجاهد خلق از طبقه دوم ساختمان به‌پایین پرید و با این که پایش شکسته بود، با مزدوران ساواک درگیر شد تا حلقه محاصره را بشکند. پیش از این رضای قهرمان، بارها محاصره تیمهای شکار دشمن را درهم‌شکسته و گریخته بود. این بار اما جنگ‌وگریز ۲ساعت به‌طول انجامید و سرانجام درحالی‌که او تا آخرین گلوله سلاحش، سینه دشمن را نشانه رفته و از انقلاب و خلق ستمدیده‌اش دفاع می‌کرد، به خاک افتاد و خون پاکش را قدیه آزادی مردم و مهیئش کرد.

سخن از ماندن و ماندنها نیست
سخن از رفتن هم نیست.
سخن این است که خاکستر تو،
تخم رزم‌آور دیگر باشد،
سخن از سوختن است

مجاهد کبیر رضا رضایی یکی از رهبران برجسته انقلابی تاریخ معاصر ایران و از درخشانترین چهره‌های انقلاب مسلحانه میهنمان بود نمونه تمام‌عیار کادرهای همه‌جانبه‌یی که حنیف کبیر تحقق آن را از یک آرزو به‌واقعیت تبدیل کرد. رضا عضو کمیته مرکزی مجاهدین و از اولین اعضای سازمان بود که پس از بنیانگذاری مجاهدین در سال۴۴، همراه با برادر بزرگترش احمد به‌سازمان پیوست و در دامان عقیدتی و تشکیلاتی حنیف کبیر پرورسه رشد خود را گذراند.او خود دراین باره می‌گفت:

«...من افتخار می‌کنم که از اولین روزهای تشکیل سازمان به آن پیوستم و از اولین اعضای آن بودم. برای من زندگی جدیدی بود و من بی‌هیچ تردید و هیچ ماجرا جویی آن را پذیرفتم با کمال اشتیاق.

به‌خاطر شایستگی و صلاحیتهای بارزی که داشت، به‌سرعت مراحل رشد همه‌جانبه را طی نمود و به زودی در زمره کادرهای

انتخابی از یک کتاب و تذکر یک نکته:

از کتاب مجمع الجزایر رنج خاطرات زندان خواهر مجاهد هما جابری

من همیشه فکر کرده‌ام نوشتن یک «قصه» دشوارترین نوع نویسندگی است. به خصوص قصه‌یی که آدم را می‌نویسد. یعنی «نویسنده» و «نوشته» در یک بده‌بستان متقابل انسانی یکدیگر را تکمیل می‌کنند. هرکدام تعریفی از یکدیگر می‌شوند. و پرواضح که هرقدر این بده‌بستان کلمه و انسان قویتر باشد نوشتن قصه دشوارتر است.

گاهی در نوشتن سطر سطر برخی قصه‌ها، احساس دوندیی را دارم که پایش در قیر فرو رفته. این جور مواقع می فهمم، به جمله به جمله که باید سنگر به سنگر پیش روم. گاهی فکر می‌کنم نویسنده، پیکرتراشی است که با تیشه و پتک از «تراشیده»یی باید «تراشیده»یی را خلق کند و گاه خود را در برابر سقراطی می‌یابم که جام شوکران برکف. سقراط قلم به دست من بر می‌گرینَد که «نماند». قطره «قطره» و یا گاه یکباره، و گاه هزار بار اگر لازم شد، «برود» تا حقیقت بماند. عرق ریزان روح را گفته‌اند کم و بیش می‌شود حس کرد.

در پایان سفری که موفق می‌نمایاد، وقتی که به تندیس بیرون آمده از دل «نخراشیده» نگاه می‌کنی، یعنی قصه‌ات را دوباره می‌خوانی خود را فاتح یک قله می‌یابی و نفسی به راحتی می‌کشی.

حالا چرا اینها را می‌نویسم؟ برای این که چندی پیش قصه‌یی نوشته بودم و خود را فاتحی یافته بودم. اما این احساس خوش دیری نپایید. هفته پیش کتاب «مجمع الجزایر رنج» را خواندم و دیدم که از واقعیت چقدر عقیمم!

کتاب حاوی خاطرات زندان یکی از خواهران مجاهدم، به نام هما جابری، است. در این که خود کتاب حاوی خاطرات بسیار تکان‌دهنده‌یی بود حرفی نیست. با این که با خواهرم هما در سالهای گذشته درباره واحد مسکونی صحبت داشتم اما حرفهایش در این کتاب به راستی تازگی داشتند. در بلشوی «خاطره نویسی»هایی که گاه بیشتر تصفیه حسابی است با کسان دیگر، این قبیل نوشته‌ها حکم سند دارند. برگهایی از یک تاریخ که نباید فراموش شوند.

ولی من باز هم نمی‌خواهم کتاب را معرفی کنم. راستش وقتی قطعه‌یی از که در زیر می‌آورم خوانده، تمام دستگاه فکری و احساسی‌ام به هم ریخته است. احساس گنگی آمیخته به شرم و ضعفی پیدا دارم. شرم از خود، در برابر تمام کودکان مبهم که در معرکه‌یی به نام «حسینی» کجا هستم و برای آنها چه کرده‌ام؟ وقتی قطعه زیر را خواندم به این سؤال رسیدم. نوشته به قدری قوی است که فکر نمی‌کنم هیچ نویسنده‌یی بتواند کوس توانایی به رشته تحریر کشیدنش را برسینه بکوبد. من که همواره با خود عهدهای بسیار بسته‌ام تا روای صادقی از واقعیت باشم، به شدت در این قبیل موارد احساس کم آوردن می‌کنم.

هرچند با همه اشکها و آهها، بار دیگر عهد بستم که کودکان سرزمینم را فراموش نکنم! اما در باب «توانایی و ناتوانی روایت صادقانه واقعیت»، فکر نمی‌کنم کسی بتواند کاری کند. همیشه واقعیت قویتر از ماست. به این واقعیت باید ایمان آورد. می‌تواند قبول نداشته باشید. اما بخوانید و اگر توانستید، مثل من، از خیس شدن پهنای صورتتان جلوگیری کنید.

ک. م

بچه‌یی که لکه آفتاب را دوست داشت!

در بند عمومی اوین که بودیم، روزی در بند را باز کردند و خواهری سیزده یا چشمهای مشکی را که بچه ٔ شیرخواری در بغل داشت، به‌داخل بند هل دادند. او که اسمش «شهلا کوهستانی» بود، همراه همسرش، توسط یک تیم ضربت که از تهران به ماهشهر یا گچساران (دقیقاً یادم نیست) اعزام شده بودند، دستگیر شده بود. «شهلا» را پس از دستگیری با دختر دوماهه‌اش به‌مدت ۱۵ماه در سلول انفرادی بند آسایشگاه انداخته و زیر بازجویی و شکنجه برده بودند. آن قدر به کف پای شهلا کابل زده بودند که پاهایش هنوز زخم بود و وضعیت خوبی نداشت.

بچه شهلا که اسمش «مریم» بود، از آدمها و از هر وسیله‌یی که برای بازی به‌او می‌دادیم می‌ترسید و جیغ می‌کشید و از بغل مادرش پایین نمی‌آمد، بچه هنگام ادرار هم جیغهای دلخراشی می‌کشید که علت آن عفونت مثانه بود. زیرا به علت فقدان امکانات و شرایط سلول و این که ساعتها کهنه‌اش را عوض نمی‌کردند، مثانه اش چرک کرده بود.

تنها چیزی که این بچه به آن خیلی علاقه داشت، لکه آفتاب بود که وقتی از کنار پنجره روی موکت می‌افتاد، زبانش را در می‌آورد و آن را لیس می‌زد و تنها وسیله‌یی که به عنوان اسباب بازی قبول می‌کرد و جیغ نمی‌زد، یک جفت دمپایی بود که ما هم اجباراً آنها را شسته بودیم و برای بازی به او می‌دادیم.

چند روز بعد، شهلا را به شعبه بردند، وقتی برگشت دیدیم رنگ به چهره ندارد و نفسش در سینه حبس شده است. پرسیدم «شهلا» چه شده است؟ با حالتی بغض‌آلود گفت مرا به شعبه بردند و حاکم شرع گفت: می‌خواهم یک خبر خوش به تو بدهم که خوشحال بشوی! پرسیدم: چه خبری؟ گفت: شوهرت «علی» را اعدام کردیم! «شهلا» می‌گفت وقتی این خبر را شنیدم، انگار دنیا را روی سرم خراب کردند، چون من خیلی «علی» را دوست داشتم، اما دشمن در مقابلم بود و مخصوصاً خبر را به این نحو داد که مرا در هم بشکند. من هم گفتم: او مجاهد بود و به آرزویش رسید. آخوند جنایتکار که دیده بود توانسته روح بزرگ شهلا را درهم بشکند، عصبانی شده و ضربه‌یی به سر او زده و گفته بود بپرسش!

شهلا تعریف کرد که یکبار برای این که علی را درهم بشکنند، او را نزد من و بچه کوچکمان «مریم» آوردند. درعرض چند روز تمام موهای او سفید شده و دمنش شکسته بود و صورتش آن قدر ورم داشت که نمی‌شد او را شناخت.

برای عذاب دادن خود شهلا هم، بچه‌اش را گرسنه نگه می‌داشتند. بچه از گرسنگی جیغ می‌کشید و بعد ناله می‌کرد و با این که مادر شیر داشت، ولی نمی‌گذاشتند به طرف بچه‌اش برود و می‌گفتند اعتراف کن تا بگذاریم بچه‌ات را شیر بدهی، اما او چیزی نمی‌گفت و یا نمی‌گذاشتند او کهنه بچه را عوض کند و بچه از سوزش پایش جیغ می‌زد و بیتابی می‌کرد اما "شهلا" تسلیم نمی‌شد، آنها می‌زدند، فحش می‌دادند و می‌گفتند تو عاطفه مادری نداری! بگو تا بگذاریم به بچه‌ات رسیدگی کنی.

بعضی روزها بچه را در سلول تنها می‌گذاشتند و مادر را تنها برای بازجویی می‌بردند، بچه در سلول فریاد می‌زد و تنها وسیله‌یی که در سلول بود و بچه می‌توانست با آن بازی کند، دمپایی‌های مادرش بود که در دهانش می‌کرد و لکه آفتاب را که از پنجره به داخل سلول می‌افتاد و زمین را روشن می‌کرد، طفلک گرسنه همان جا را لیس می‌زد.

به همین علت بود که وقتی او را به بند عمومی آوردند فقط با دمپایی بازی می‌کرد و لکه آفتاب را لیس می‌زد. همه بسیج شدیم و چند اسباب‌بازی از پارچه برای او درست کردیم. هنوز به او جیره خوار نمی‌دادند و چون «شهلا» را هر روز برای بازجویی می‌بردند، ما مریم را نگه می‌داشتیم و مجبور بودیم با موادی از غذای خودمان او را سیر کنیم. بعد از مدتی مادر شهلا آمد و بچه را تحویل گرفت. بعدها شنیدم که او بزرگ شده است ولی در اثر آسیبهای روحی که هم در چندماهگی بر او وارد آمد و هم به خاطر یتیم شدن از پدر و بعد مادر (چون شهلا را هم درجریان قتل عام زندانیان در سال۶۷ اعدام کردند) مریم حالت نرمالی ندارد.

پیروزی عدالت

دکتر محمد قرایی

دیواره کینه را ببین، می‌ریزد
از نسادی آن، عشق، بپا می‌خیزد

روز ۱۸اردیبهشت امسال، دادگاه استیناف انگلستان به ریاست قاضی‌القضات لرد فیلیپس درخواست اجازه وزیر کشور انگلستان برای استیناف‌خواهی از حکم مورخ ۳۰ژوئیه ۲۰۰۷ کمیسیون استیناف سازمانهای ممنوعه (پونک) را رد کرد.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران آن روز گفت: این حکم به «یک توهین بزرگ» علیه این مقاومت پایان داد. با این حکم، برچسب تروریستی، فروریخته و دوران بی‌عدالتی بزرگ علیه مقاومت ایران به پایان رسیده است. اکنون ننگ و رسوایی نصیب ملاها و حامیانشان شده است. این یک پیروزی بزرگ برای مردم ایران است.

آن روز، آئینه مقاومت، سه تصویر داشت. سه تصویر، که پایی، به یکدیگر تبدیل می‌شدند. سه تصویر از اشکها و لبخندها. سه تصویر از شوقها و سرورها. چه رخ داده بود؟ دیوار دروغ فروریخته بود. یا به عبارت بهتر، دیوار دروغ را سیل حقیقت، از جای برکنده بود. و قلبها، به شادی این پیروزی، به تپش درآمده بود.

آنروز در آئینه سه بعدی مقاومت که نگاه می‌کردی، هر تصویر تو را به اعماق یک سفر پر از رنج و خون می‌برد، و آنجا به تو پندی می‌داد. گویی صدایی از اعماق زمانهای پشت سر گذاشته شده به تو می‌گفت: «آن روز که فتنه‌ها بسیار بودند، آن روز که هیولای فتنه‌گر توطئه می‌چید، آن روز که دستهای ناپاک به هم گره شده بودند تا خنجر خیانت را در گرده این نسل مقاومت کنند، فروبرند. آنروز، کسی بود که از امید می‌گفت: بلهٰ! آن‌روز قلبی بود که به حقیقت ایمان داشت، صدایی بود که از ضرورت پایداری و از حتمیت پیروزی چنین می‌گفت: «من، همه زنان و مردان شریف اروپا را در هر مقامی که هستند، فرامی‌خوانم که از این جنگ، فاصله بگیرند و شورای وزیران اتحادیه اروپا را به تسلیم در برابر حکم دادگاه و قانون، وادار کنند». (مریم رجوی ۹ تیر۸۶).

و اینک روز اثبات آن یقین رسیده بود. و مریم رجوی می‌گفت: امروز روز پیروزی و رهایی آنهاست.

هر چند دو صد بار به گرداب افتاد
این قافله پیروز نشد به بر ساحل
پیروز ز بحر فتنه‌ها کرده گذر
پرشور و سرور باز می‌رانند شاد
اینان که خروشنشان به عالم باشید
اینان که سرودشان چو توفان توفید
بنگر که جهان عدل و انصاف کنون
بر پا کیشان، مهر حقیقت کوبید
از دوش خروش این یلان می‌تابد
فردا به وطن طلایه‌های خورشید

چاره کار چنین جانی نباشد جز قیام

جمشید پیمان

شیخک حاکم کند بر ما ستمها بی‌قیاس
با ستم گویا سرشته جوهر او از اساس

بخت بد را بین که برما گشته حاکم در جهان
قاریِ اهل قبور و روضه‌خوانِ اُس و پاس

خانه آباد ما را سر به سر ویرانه کرد
شیخکِ کج فکر و ناساز و بداندام و قناس

در زیان خلق و سود خود کند بازیچه دین
گفته درحقش چه خوش فردوسی گوهرشناس (۱)

گشته پنهان روز و شب در پشتِ نام انبیا
گرچه اهریمن بود از کرده‌اش اندر هراس

گرچه غارت کرده زین مردم، همه مال و منال
از ریا و زرق می‌پوشد به تن پشمین پلاس

خوردن مال یتیمان و صغیران، صنعتش
نیست شغلش اندرین عالم به‌غیر از اختلاس

کرده دستاویز قرآن، تا فریبد ملتی
در رذالت بی‌شبیه است این پلیدِ ناسپاس

در حقیقت خصم دیرین پیمبر باشد او
غصب کرده از پیمبر کفش و دستار و لباس

هیچ خائن در خیانت نیست با او همردیف
هیچ جانی در جنایت نیست چون او در جناس

گر بود روح خدا، من شاکیم نزد خدا
این که شیطان در عمل از وی نماید اقتباس

ضربه‌ها خورده ز خلق و می‌نماید های و هو
دست و پایی می‌زند چون مور افتاده به طاس

چاره کار چنین جانی نباشد جز قیام
کی فرو ریزد بساطِ ظلم او با التماس

(۱)- فردوسی درباره اینان گفته است:

زبان کسان از پی سود خویش
بجویند و دین اندر آرند پیش

شکنجه و آمال «خلیفه خمینی»(۱۳)

ما خلیفه می‌خواهیم که دست ببرد و حد بزند و رجم کند - خمینی

کاظم مصطفوی

در بخش دیگری از خاطرات عزت شاهی به زندانهای متعدد و ناشناختی‌یی اشاره می‌شود که محل اصلی بازجوییها و در واقع شکنجه‌گاههای رژیم است. او می‌گوید: «ما در کمیته ضد زندان داشتیم، یکی در طبقه همکف، مخصوص زندانیان عادی با جرمهای سبک و دیگری برای زندانیان با جرمهای سنگین اقتصادی ـ سیاسی. در همین شرایط و جوی که علیه ما درست شده بود، چند بار برخی آقایان برای بازدید و تحقیق از مجلس آمدند از جمله آقایان علی محمد بشارتی و محمد منتظری آمدند. منتظری وقتی زندان طبقه همکف را دید پرسید: عزت! جای دیگری هم زندان داری؟ گفتم: بله اگر تنها پایی نشانت می‌دهم، پرسید: چرا؟ گفتم: آن‌جا یک سری زندانیانی هستند که اتهامشان سنگین است و نیاز به بازجویی دارند، ما نمی‌توانیم آنها را با زندانیان عادی قاطی کنیم، ممکن است اطلاعات آنها بسوزد! [توجه شود که خود بشارتی از جنایتکاران اصلی سیستم شکنجه در رژیم آخوندی است. او اولین مسئول واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه بود و در دستگیری و شکنجه بسیاری از مجاهدین نقش داشت]

اعتراف از این صریحتر نمی‌شود. هربچه دبستانی هم معنای حرفهای جلادی مثل عزت شاهی را می‌فهمد. اما او به دروغ و بیشتر برای دست به سر کردن بقیه اضافه می‌کند: «برای به دست آوردن اطلاعاتشان هم به زور و شکنجه متوسل نمی‌شویم، راه خودمان را داریم».

بعد هم رسوایی روزافزون این بگیر و ببندها و شکنجه‌های بدتر از ساواک شاه را به گردن فلان آخوند دیگر می‌اندازد و می‌گوید: «آنها برای خراب کردن جو علیه ما می‌گفتند که اینها خلاف شرع می‌کنند، من هم حساب کردم دیدم تا آن موقع حدود پنج هزار نفر را به عنوان متهم گرفته‌ایم، از سارق، کلاهبردار، فاحشه و ... تا متهمین سیاسی. که از این تعداد حدود هزار و سیصد نفر را به دادگستری با اوین تحویل داده بودیم و الانهم یک را صلاحدید خودمان در بازداشتگاهی که داشتیم یک ماه، دو ماه نگه داشته و با گرفتن تعهد و ضمانت نامه آزاد کرده بودیم».

به دنبال این قبیل سگ‌دعواها عزت شاهی برای باقری که دستی و مهدوی کنی (آخوندهای بالای کل کمیته‌های کشور در آن زمان) گوالفروشی می‌کند و عاقبت آنها تن به اقتدار او در کمیته مرکزی می‌دهند و عزت می‌گوید: « بعد از آن هم وقت متهمی را می‌آوردند، یکسره می‌فرستادیم به اوین و اگر خلافش خیلی سنگین نبود به منطقه۳ در خیابان وزرا می‌فرستادیم. در آنجا دوستی داشتیم که در امر بازجویی وارد بود و می‌توانست از پس کار برآید. اگر می‌دید به این که واقعاً جرمش سبک است از طرف ما مجاز بود تا با گرفتن ضمانتی مانند خانه و ملک او را آزاد کند و اگر غیر از این بود به اوین می‌فرستاد. بعد عزت شاهی با خرم‌دردنای برای این که مسئولیت رسواییها فقط روی دوش خودش نیفتد، و ضمناً همکاران اصلی‌اش را در ببرد، پای تعدادی از شلاق‌زنهای خودرا با به میان می‌کشد و چند نفر از آنها را لو می‌دهد: «در شرایط جدید ما کمی به خودمان آمدیم، دوستان و همکارانی که داشتم: احمد سعادت، مرتضی میرباقر، مختار ابراهیمی، حسین دقیقی، حسین مدیری، اکبر براتچی و ...»

عزت شاهی در بخش دیگری از خاطرات خود به تضاد جناحهای مختلف رژیم برای تصاحب بیشتر قدرت در اوین اشاره می‌کند و پرده از برخی بادبادکها در آن جا برمی‌دارد. او به تضاد فلاحیان با بانک لاجوردی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«آقای مهدوی کنی از وزارت کشور رفت و به جای آقای ناطق نوری وزیر کشور شد، آقای ناطق به ادامه همکاری من با کمیته اصرار کرد و وعده داد که تغییرات زیادی را در کمیته بدهد و تپه‌های قبلی را کنار بگذارد و برای آن مسئول دیگری انتخاب کند، من هم قبول کردم. اما بعد از سه چهار ماه او کمیته را تحویل آقای فلاحیان داد، دیگر نور علی نور شد! مشکلات ما تازه شد.»

آقای فلاحیان پیش از این در دادسرای انقلاب واقع در چهار راه قصر با آقای سید حسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب همکاری می‌کرد، موسوی با لاجوردی خیلی مخالف بود، می‌خواست به هر نحوی که شده لاجوردی را از دادستانی اوین بردارد و فلاحیان را جایگزینش کند.

آنها به لطایف‌الحیل درصدد برکناری لاجوردی بودند، اما هر چه کردند که او استعفا بدهد گفته بود: من استعفا بدهم نیستم، اخراجم کنید، بگویید مرا بیرون کنند، اما استعفا، نه! چرا که من دارم کارم را می‌کنم و تا زمانی که آقای خمینی راضی است ما کار خودرا انجام می‌دهیم. آقای بهشتی هم به لاجوردی گفته بود که گوش به حرف هیچ کس نده، سفت و محکم سر جایت باش و کارت را بکن. [توجه شود به نقش فریبکارانه بهشتی در حمایت از لاجوردی]

وقتی اینها دیدند که به هیچ طریقی نمی‌توانند لاجوردی را کنار بگذارند، ترفند دیگری به کار بستند، از آن‌جا که لاجوردی کمی خشن بود و چهره تندی داشت، گفتند که آقای خمینی به حاج سید احمد آقا گفته‌اند که دیگر شرایط تغییر کرده و الان اوضاع سر و سامان گرفته، باید ملایمتر بود و ایشان (آقای لاجوردی) را باید از دادستانی برداشت.

لاجوردی به تأکید می‌برسد که این حرف و نظر امام است؟! آنها جواب می‌دهند حاج سید احمد آقا جواب گفته است. لاجوردی هم مهر دادستانی را تحویل می‌دهد و می‌گوید: پس خداحافظ! می‌روم! نه چیزی آورده بودم و نه چیزی دارم که ببرم ... از دادستانی بیرون می‌آید، رفقای او آقایان عسگراولادی، سعید امانی و ... [توجه شود به نقش امثال عسگراولادی و بعد پیوند و اشتراکات امثال بهشتی با آنها] متوجه قضیه شده به او اعتراض می‌کنند که مرد حسابی چرا این کار را کردی حداقل می‌گفتی یک دست خط از آقای خمینی نشانت می‌دادند.

فردا یا پس فردای این واقعه آنها با آقای خمینی ملاقات می‌کنند، در این دیدار آنها موضوع را گزارش می‌دهند که بله مسائل دادستانی چنین است و از قول شما به آقای لاجوردی گفته‌اند که باید برود که او هم بیرون آمده است. آقای خمینی خیلی ناراحت می‌شوند و آنها را سرزنش می‌کنند که نه! آنها بیخود کرده‌اند، حالا ایشان تازه جا افتاده است ...[توجه شود به پدر خوانده اصلی همه شکنجه‌گران، خود خمینی و تشخیصی که در مورد لاجوردی داشت]

پس از این ملاقات، لاجوردی بدون این که با آنها مشورت کند و یا خبر دهد رفت در اتاقش نشست، گفت: مهری را که از آن گرفته‌اید پس بدهید. گفتند: شما استعفا داده‌اید. گفت: شما گفتید امام این طور نظر دارند، شما بروید. یک دست خط از امام بیاورید تا من استعفا بدهم. به این ترتیب نقشه آنها نگرفت و لاجوردی سر جایش ماند و قضیه دادستانی آقای فلاحیان منتفی شد». (خاطرات عزت شاهی به کوشش محسن کاظمی، بخش۷۷)

کتاب خاطرات عزت شاهی مشحون است از این قبیل اعترافات. البته پرواضح است که فقط گوشه‌یی از آنها را و آن هم به صورت بسیار ناقصی بیان کرده است. اما باز هم مجبورم برای رعایت اختصار از آنها در گذرم و به قسمتهای دیگری از این خاطرات بپردازم.

عزت شاهی درباره شکنجه‌گر بودن خود توجیهات بسیار ابلهانه‌یی ارائه می‌کند. مثلاهیش را یا ناقص می‌گوید یا بالکل تحریف می‌کند و آشکارا دروغ می‌گوید؛ و یا فقط قول بیان می‌گناه مجاهدین در زیر شکنجه‌ها و تهدیدهای شکنجه‌گرانی مثل خودش اعتراف می‌کند و می‌گوید: «برخوردهای آنها (هواداران مجاهدین که دستگیر می‌شدند) از روی شعور و منطق نبود، بیشتر بر مدار احساس بود، تا چیزی می‌پرسیدیم داد و فریاد و به آقای خمینی توهین می‌کردند و به سمعود رجوی درود می‌فرستادند و ... من با این که بازجو نبودم ولی برای پیشگیری از برخوردهای تند درصدد انتقال تجربیاتم از زندان و بازجوییهای ساواک برآمدم، البته تنها از کسانی که دست به انفجار، ترور و یا کار مسلحانه‌یی زده بودند در میانه راه ولشان کنید که بروند، ما نمی‌توانیم با آنها برخورد کنیم، سعی کنید آنها را به کمیته نیاورید. در ادامه یک دروغ بسیار روشن می‌گوید: «آگاهی هم آنها در خیابانها، حزب‌اللههها را کتک می‌زدند که پاسداران کمیته آنها را می‌گرفتند و به کمیته می‌آوردند و چون فهمیده بودند که ما در برخورد ما آنها محدودیت داریم خیلی بدذهنی می‌کردند، حتی اسمشان را هم نمی‌گفتند، وقتی اسمشان را می‌پرسیدیم می‌گفتند: مجاهد، فرزند خلق، هر سؤالی که می‌کردیم با پرخاش و توهین می‌گفتند به شما چه مربوط است؟ مگر فضولید!

ما برای شناسایی آنها از شماره‌هایی استفاده می‌کردیم که بر پشت لباسشان می‌زدیم در عین حال آقایان بر این نظر بودند باید با اینها خیلی ملایم برخورد کنید، ما هم بعضی را با گرفتن ضمانت و یا تعهدنامه از خودشان، پدرشان و یا حتی یکی از بستگانشان رها می‌کردیم. اما مواردی هم بود که طرف خیلی بد دهن بود و به آقای خمینی توهین می‌کرد، آنها را چند روزی نگه می‌داشتیم، ده پانزده نفر که می‌شدند زنگ می‌زدیم به ابریشمچی که یا اینها را بردار و ببر!»

البته از آن جا که جستجوی ارزنی از صداقت در گفتار بازجو و شکنجه‌گری همچون عزت شاهی کاری عبث است، نباید از دست پیش گرفته‌های او تعجب کرد: «برهبران مجاهدین تحلیلی برای اعضا و سمپاتهای خود ارائه کرده بودند که عزت شاهی در کمیته شکنجه‌گر تمام عیار است، تبلیغات مسمومی علیه کمیته و دادستانی صورت داده بودند که در آنجا شما را شکنجه می‌کنند، اینها همه خود ساواکی و شکنجه‌گر هستند. البته این که مجاهدین نسبت به ماهیت دمدمش شکنجه‌گر کینه‌جو و هاری مثل عزت شاهی به خود و هوادارانشان هشدار داده باشند جرمی محسوب نمی‌شود. اما مضحک این‌جاست که خود عزت شاهی دروغ خودش، مبنی بر شکنجه‌گر نبودن، را آن چنان بی‌مایه می‌بیند که بلافاصله دم خروس اعتراف جدیدی را بیرون می‌دهد: «البته نسبت به یک و راها بودن آنها در جامعه حرف داشتم، نظرم این بود که نباید به آنها آزادی عمل داده می‌شد، باید سرانشان را دستگیر و مدتی در زندان نگه داریم که حقایق بر طرفدارانشان مشخص شود. اگر امروز برای حل شدن این مشکل چند نفر از اینها را نگیرید و زندان نکنید، آنها جسارت خواهند یافت و فردا دست به ترور و به قول خودشان اعدام انقلابی شما خواهند زد، شما هم مجبور می‌شوید عکس‌العمل نشان بدهید، پس اگر الان مهارشان نکنید فردا خیلی دیر است.»

دم خروس اعتراف جدید دیدگاه به غایت فاشیستی و سرکوبگرانه امثال عزت و باند لاجوردی است که حق هیچ گونه حیاتی برای مجاهدین قائل نبودند. این جناح ارتجاعی، به پیشگیری شخص خمینی و مدیریت امثال بهشتی و آیت و عسگر اولادی و بادامچیان، از همان ابتدای پیروزی انقلاب ضد سلطنتی معتقد به برخورد قهرآمیز با مجاهدین بودند. آنها حتی به آخوندهای دیگری که چنان سرکوبی را، حداقل در آن شرایط، درست نمی‌دانستند ایراد می‌گرفتند. عزت شاهی خود گفته است: «خیلی از اخیلی از شاهی خود گفته است: «خیلی از اخیلی به بگیر و ببند تمایلی نداشتند، به یاد دارم که گاهی با آقای مهدوی کنی به سر بعضی مسائل از این دست متکل ... ایشان با این طرز تفکر می‌خواستند در همان سالهای اول انقلاب مدینه فاضله به وجود آورند و از در رحمت خداوند وارد شوند، به نظرم همین دیدگاه و روح آن بود که باعث برخی مشکلات و مسائلی چون خرابکاری و کودتا می‌شد.»

آقای مهدوی در خصوص مجاهدین نظرشان این بود (و شاید هنوز هم باشد) که نباید با شدت با آنها برخورد می‌شد، آن موقع وی مخالف دستگیری و بازداشت اینها بود، بعد از مدتی هم که مجاهدین به عملیات مسلحانه روی آوردند ایشان معتقد بودند که ما باعث شدیم که آنها دلشان به این جا کشیده شود، و می‌گفت شما به اینان میدان ندادید و به اینها فشار آوردید، تا اینها در نهایت مجبور شدند این کار را بکنند، در صورتی که آقای مهدوی شناخت صحیحی از آنها نداشت و پی به ماهیت واقعی مجاهدین نبرده بود.

در جای دیگری عزت شاهی به نکتیی اشاره می‌کند که برای شناخت او بسیار قابل توجه است. او می‌گوید: «هم بی‌صدر و هم مهدوی کنی نامه نوشتند و دست خط دادند که شما به کادرهای مجاهدین و محافظینشان کارت حمل سلاح بدهید، من این دست خطها را دارم. من می‌دانستم که اینها (مجاهدین) چه موجوداتی هستند، اول گفتم: نه! نمی‌شود! اما چون اصرار زیاد بود گفتیم می‌دهیم، منتها طبق ضوابط. این آقایان اول باید بیایند آدرس خانه، مشخصات، آدرس محل استقرار و کارشان را بدهند و ضامن هم داشته باشند، ضامن نیز باید کارمند دولت یا کاسب با جواز کسب باشد، تا هر وقت ما با این آقایان کار داشتیم بتوانیم از طریق آدرس، مشخصات و اگر نشد از طریق ضامن پیدایشان کنیم، ایستادن جلو شاهی در برابر دستور بالاترین مقامات رسمی رژیم، رئیس جمهور و رئیس کل کمیته‌ها، بدون شک نمی‌تواند بدون پشتیبانی از شخص خمینی باشد. یعنی اگر عزت شاهی با سلاح دادن به مجاهدین مخالفت می‌کند برای اجرای طرحهای ترور و چماقداریهای آن دوره است. و این همان چیزی است که خواسته اصلی شخص خمینی بود.

عزت شاهی در جای دیگری از خاطرات خود به اقبال عمومی گسترده از مجاهدین و مقابلا منفوریت روز افزون رژیم اعتراف می‌کند و می‌گوید: «مجاهدین خلق در این مدت از ضعف تشکیلاتی ما سوء استفاده کردند و به سازماندهی تشکیلات و سازمان خود پرداختند. بعد با تهمت و تحریف برخی واقعیتها اضافه می‌کند: «از طرف دیگر برخی جوانان طرز تفکر روحانیت و مدیریت آنها را نمی‌پسندیدند و در عوض جذب مجاهدین می‌شدند، جاذبه آنها (به هر دلیل) زیاد بود و دیدیم که در اوایل انقلاب از میان محصلین و دانشجویان، کارمندان چه دختر و چه پسر، تعداد زیادی جذب آنها شدند و مجاهدین بیشترین نیروهایشان را از همین طیف جمع کردند، و مهره‌هایی از آنها در میان دانش‌آموزان و دانشگاهیان و ادارات دولتی فعال بودند و با تبلیغات وسیع و شعارهای جذاب نیرو جمع می‌کردند. عزت شاهی و مرتجبانی مثل او به خوبی از پیروزیهای مجاهدین در صحنه اجتماعی و اقبال عمومی نسبت به آنها برخود می‌لرزند و به دست و پا می‌افتند و فریاد برمی‌آورند: «آنها تجمعی در پارک خزانه صورت دادند و چند هزار نفر را در آنجا جمع کردند، در چند جای دیگر هم این کار را تکرار کردند، شاید اغتشاش موافق نظام و امام نمی‌توانستند چنین تجمعی را به وجود آورند...مردم برای سخنرانی مثلا یک روحانی به این صورت جمع نمی‌شدند، تعدادی هم که جمع می‌شدند آدمهای سن و سال دار و کم تحرک و کم انرژی بودند، اما به عکس مجاهدین به عملیات مسلحانه روی آوردند ایشان معتقد بودند که ما باعث شدیم که اینها کارشان به این جا کشیده شود، و می‌گفت شما به اینان میدان ندادید و به اینها فشار آوردید، تا اینها در نهایت مجبور شدند این کار را بکنند، در صورتی که آقای مهدوی شناخت صحیحی از آنها نداشت و پی به ماهیت واقعی مجاهدین نبرده بود.

البته شعور سیاسی و ایدئولوژیک عزت شاهی بسیار اندکتر از این است که بفهمد در آن شرایط تاریخی شاید آخوندی قادر به سرکوب بیشتر نبود. والا قبل از همه شکنجه‌گران این خود خمینی بود که مشتاقتر و با انگیزه‌تر از همه در تدارک سرکوب و نابودی مجاهدین بود. بنابراین امثال عزت شاهی کاسه‌های داغتر از آشی بودند که نمی‌فهمیدند خمینی برای اعمال نظرات آنها نیاز به طی یک دوره طولانی دارد. اگر عزت شاهی درباره مواضع مترقیانه بدر طالقانی در شورای انقلاب نسبت به مجاهدین و رای مارکسیتها می‌گوید، و خود معنای حرفش را نمی‌فهمد، خمینی بسیار خوب می‌فهمید که معنای موضعگیری امثال پدر طالقانی چیست؟ عزت شاهی خود به مواضع مترقیانه پدر طالقانی در شورای انقلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «طالقانی هم که اصلا طرفدار آنها (مجاهدین) بود و معتقد بود که حتی مارکسیتها هم باید سهمی از حکومت داشته باشند، چرا که آنها هم در این مملکت زندان رفتند، شکنجه دیدند، مبارزه کردند و آنها هم در سقوط شاه دخالت داشتند، در شورای انقلاب هم باید نماینده یی داشته باشند، با این حساب آیا مرتجعانی مثل عزت شاهی و لاجوردی می‌توانستند بیشتر از آن که کردند بکنند؟

توجه به یک نکته اساسی:

هرچند خاطرات عزت شاهی را می‌توان ورق به ورق و سطر به سطر به عنوان اعترافنامه یک جلاد نقد و بررسی کرد اما این بررسی را به جایی دیگر احاله می‌دهیم تا به ادامه بحث خود بپردازیم. اما در پایان این مبحث شایسته است که به یک سؤال مهم پاسخ دهیم. به راستی آخوندها به چه دلیل سعی می‌کنند از کشته‌شدگان اسلامی غرب کشور، از جمله سفیر رژیم در ترکیه و ژاپن بوده و علاوه برآن رئیس اداره سیاسی وزارت خارجه، مدیر کل اروپا، معاون امور بین الملل ، معاون حقوقی کنسولی و امور مجلس آخوندی هم بوده است.

بسیار روشن است که دادیار دادسرای انقلاب و جانشین دادستان انقلاب بودن دوره موفقیت آمیزی برای او بوده و مصری به خوبی آموخته است که در مشاغل رسمی سیاسی نیز وظایفش را چگونه مانند رئیس خود، احمدی‌نژاد(بازجو) انجام دهد.

ـ یکی از خوانندگان نوشته‌است: بهتر است حال که به جوانب مختلف شکنجه پرداخته‌اید به شکنجه‌گرانی هم که به ظاهر شلاق به دست نداشتند اما کارها و اعمالشان بیشتر از دهها شکنجه‌گر را شکنجه کرده است اشاره کنید. به طور مشخص منظورم کسی است که به «بلبل خمینی» معروف است، حاج صادق آهنگران، کسی است که با خواندن نوحه‌های آن‌چنانی هر زندانی و اسیری را شکنجه کرده است. خمینی از همه چیز ابزاری برای شکنجه ساخت. حتی نوحه‌خوانی این فرد شکنجه بود صدای او در وقت و بی وقت بیشتر از شلاقهای لاجوردی ما را آزار می‌داد»

حاج صادق آهنگران، نوحه‌خوانی که نوحه‌هایش ابزار شکنجه بود

بازجوی شکنجه‌گر، عبدالرضا مصری وزیر رفاه در کابینه پاسدار هزار تیر و شکنجه‌گر قهار و بیرحم زندان دیزل‌آباد کرمانشاه

کتاب خاطرات عزت شاهی مشحون از دروغ و فریب است اما از آن جا که اعترافات یک شکنجه‌گر شناخته‌شده و روسا است خواننده‌شی کمک می‌کند تا علاوه بر شناخت نسبت به او، به عنوان یک شکنجه‌گر، با تضادهای درونی حاکمیت و قطب‌بندیهای آن در نظام شکنجه آشنا شویم. به طور خاص خواننده کتاب عزت شاهی به خوبی در می‌یابد که شناخت نظام شکنجه بدون توجه به قطب مخالف آن، یعنی مقاومت، میسر نیست. عزت شاهی با خاطرات خود، ولو تحریف شده و ولو ناقص، اثبات می‌کند که در آن سوی قطب شکنجه، کسانی بوده‌اند که در برابر شکنجه ایستاده‌اند و تاریخ یک مقاومت را رقم زده‌اند.

سمت راست آخوند فلاحیان و سمت چپ آخوند اژه‌ای در یکی از دادگاههای شرع در اوین

جلاد بدنام اوین، اسدالله لاجوردی به اتفاق یکی از شکنجه‌گران اوین در بیدادگاهی که برای مجاهد شهید سید محمدرضا سعادتی به راه انداختند.

برخی نکات تکمیلی و تصحیحی

بعد از انتشار سلسله مقالات «شکنجه و آمال خلیفه خمینی» برخی تذکرات و یادآوریهای تصحیحی و تکمیلی به دستم رسیده است که همه آنها روشنگر و قابل استفاده هستند.

ضمن تشکر از همه یارانی که محبت کرده و نکات خود را برایم ارسال کرده‌اند یادآوری می‌کنم که من از ابتدای بحث می‌دانستم که این تحقیق به هیچ وجه نمی‌تواند کار یک فرد باشد. مقوله‌یی است که نیاز به یک کار جمعی دارد. نتیجه جبری این واقعیت این است که نیازمند برخورد فعال دوستان و خوانندگان باشم تا بحثها عمیقتر و اطلاعات تکمیل شوند.

لذا با تشکر دوباره از همه دوستانی که برایم اطلاعاتی ارسال کردند تقاضا می‌کنم باز هم من را در این مسیر تنها نگذارید. اطلاعات خود را ولو اندک و حتی در برخورد اول کم اهمیت باشد برایم بفرستید تا در روشنگریهای بعدی مورد استفاده قرار گیرند.

در زیر چند نمونه از این اطلاعات رسیده تکمیلی و تصحیحی را می‌آورم:

ـ برادری از اشرف پایدار و سرفراز در نامه‌یی اشتباهی را تصحیح کرده و نوشته است: «در نشریه مجاهد ۱۸اردیبهشت درباره باندهای سیاه در فاز سیاسی نوشته شده: "باند توحید در گلپایگان مجاهد قهرمان رضا حامدی را با ضربات چاقو به شهادت رساند." این موضوع اشتباه است. رضا حامدی در خمین توسط رگبار مسلسل بوزی، هنگام بازگشت ازمحل کتابفروشی هواداران، زخمی شد. برای سرپوش گذاشتن بر این مسأله پاسداران گفتند که او تصادف کرده و به علت جراحات وارده به اراک منتقل و بین راه شهید شده است. ولی واقعیت چیز دیگری بود. در سردخانه اراک از جسد او، توسط نفرات انجمن به صورت مخفیانه عکس گرفته شد (مجاهد قهرمان حسین حمزه‌لویان که بعدها درفروغ شهید شد این عکس را شبانه ومخفی گرفت). با چاپ این عکس درنشریه مجاهد، که اثر گلوله روی ناحیه سینه وشکم او دیده می‌شد؛ توطئهٔ رژیم برای وانمودکردن این که تصادف بوده افشا شد.

از تصحیح نویسنده این نامه بسیار متشکرم. هرچند اصل قضیه یعنی همان عملکرد باندهای سیاه در شهرستانها سر جای خود باقی است.

ـ نامه دیگری به دستم رسیده است که در آن آمده: «از شکنجه‌گرانی که بعدها مقامات سیاسی و اجرایی در رژیم آخوندی را به عهده گرفتند نام برده بودید. ضمن تأیید این مسأله یادآوری می‌کنم که یکی دیگر از شکنجه‌گرانی که مانند سرمدی(سفیر رژیم در آذربایجان) ابتدا بازجو بود و از مقامات وزارت اطلاعات است بهمن طاهریان (معروف به حاج حبیب) نام دارد. این فرد در وزارت اطلاعات زمان ریاست آخوند ریشهری رئیس اطلاعات آذربایجان بود و بعدها به سفارت رسید. او در سمتهای مختلفی از قبیل سفیر ایران در نیجریه، برزیل و اوکراین را کار کرده است».

ـ دوست دیگری نوشته است: «گوینده اصلی تلویزیون رژیم،به نام حیاتی، از مقامات بالای وزارت اطلاعات است. او سالهای متمادی است که ریاست حراست شهرداریها را به عهده داشت»

ـ دوست دیگری که از زندانیان سابق زندان دیزل‌آباد کرمانشاه است نوشته است: «در کابینه پاسدار هزار تیر احمدی‌نژاد که خود شکنجه‌گری قهار بوده است فردی وجود دارد به نام عبدالرضا مصری که سمت وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را دارا می‌باشد. این فرد از بازجویان و شکنجه‌گران سنگدل در زندان دیزل‌آباد بود. مصری همراه با نوریان رئیس زندان دیزل‌آباد و حاج بهرام و آخوندهای مرتجعی چون محمدعلی پرتوی به شکنجه زندانیان اشتغال داشت. او در سالهای ۶۰-۶۵ یعنی زمانی که فلاحیان حاکم شرع در کرمانشاه بود بازجوی دادگاه انقلاب بود. مصری به قدری بیرحم بود که نه تنها اسیران را شکنجه می‌کرد که خانواده‌های آنان نیز از دست او در امان نبودند. به مادر پیر خود من که با صدها مصیبت و دردرپای ملاقاتم آمده بود به تمسخر گفته بود «فرزندت کوبیش تمام شده» منظورش این بود که می‌خواهد اعدامم کند. مادر من مدتها به تصور او، که مرد، که بود: غذا در زندان ندارم و گرسنه می‌باشم ناراحتی و زجر کشیده بود. او یک بازجوی رسمی بود و هنگام بازجویی و شکنجه معمولاً یک اورکت آمریکایی می‌پوشید.

با تشکر از اطلاعاتی که نویسنده عزیز این نامه در اختیارمان قرار دادند تا آن‌جا که می‌توانستم تحقیقاتی پیرامون آن کردم که همگی دال برصحت اطلاعات ارسالی بود.

عبدالرضا مصری متولد ۱۳۳۵ در کرمانشاه است. در معرفی او نوشته‌اند که دکترای زمین‌شناسی خود را در سال ۱۳۸۰ از دانشگاه تربیت معلم گرفته است. اما در ضمن اعتراف کرده‌اند که در گذشته: «جانشین دادستان انقلاب اسلامی کردستان، دادیار دادسرای انقلاب اسلامی کرمانشاه، مسئول تعاون سپاه پاسداران اسلامی غرب کشور» بوده است. همچنین او در گذشته سفیر رژیم در ترکیه و ژاپن بوده و علاوه برآن رئیس اداره سیاسی وزارت خارجه، مدیر کل اروپا، معاون امور بین الملل ، معاون حقوقی کنسولی و امور مجلس آخوندی هم بوده است.

بسیار روشن است که دادیار دادسرای انقلاب و جانشین دادستان انقلاب بودن دوره موفقیت آمیزی برای او بوده و مصری به خوبی آموخته است که در مشاغل رسمی سیاسی نیز وظایفش را چگونه مانند رئیس خود، احمدی‌نژاد(بازجو) انجام دهد.

ـ یکی از خوانندگان نوشته‌است: بهتر است حال که به جوانب مختلف شکنجه پرداخته‌اید به شکنجه‌گرانی هم که به ظاهر شلاق به دست نداشتند اما کارها و اعمالشان بیشتر از دهها شکنجه‌گر را شکنجه کرده است اشاره کنید. به طور مشخص منظورم کسی است که به «بلبل خمینی» معروف است، حاج صادق آهنگران، کسی است که با خواندن نوحه‌های آن‌چنانی هر زندانی و اسیری را شکنجه کرده است. خمینی از همه چیز ابزاری برای شکنجه ساخت. حتی نوحه‌خوانی این فرد شکنجه بود صدای او در وقت و بی وقت بیشتر از شلاقهای لاجوردی ما را آزار می‌داد»

ادامه دارد

در کنفرانس مطبوعاتی شورای ملی مقاومت ایران در رم علیه سفر پاسدار احمدی‌نژاد

شخصیتهای ایتالیایی و هیأت شورای ملی مقاومت خواستار اتخاذ یک سیاست قاطع علیه دیکتاتوری آخوندی و طرد این رژیم از سوی جامعه بین‌المللی شدند

فورلانی
میتریتی
آلدو فورییچه
ماریو لانا
آنتونیو استانگو
ابوالقاسم رضایی
رضا اولیا
فریده کریمی

در اعتراض به سفر پاسدار احمدی‌نژاد به ایتالیا، یک کنفرانس مطبوعاتی در رم، به ابتکار شورای ملی مقاومت ایران برگزار شد. در این کنفرانس که روز سه‌شنبه ۱۴خرداد، در هتل آدریاتو در مرکز رم برگزار گردید، شخصیتهای سیاسی و حقوق‌بشری و پارلمانی ایتالیا و هیأتی از سوی شورای ملی مقاومت شرکت داشتند و با تأکید بر ابراز تزاحم افکار عمومی و جامعه سیاسی ایتالیا از احمدی‌نژاد، خواستار اتخاذ یک سیاست قاطع علیه دیکتاتوری آخوندی و طرد این رژیم ضدبشری از سوی جامعه بین‌المللی شدند.

آنتونیو استانگو: ابراز خوشحالی از مواضع دولت ایتالیا علیه احمدی‌نژاد

در ابتدا آنتونیو استانگو، رئیس انجمن حقوق بشری هلسینکی و از مسئولان حزب رادیکال ایتالیا، طی سخنانی گفت به‌عنوان یک عضو حزب رادیکال و رئیس انجمن هلسینکی در این جا حضور دارم و امشب حزب رادیکال تظاهراتی را علیه ورود احمدی‌نژاد در مقابل شهرداری شهر رم سازماندهی کرده است و در ضمن می‌خواهم بگویم از این که دولت ایتالیا یعنی نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه و همچنین پاپ بندیکت شانزدهم احمدی‌نژاد را نپذیرفته‌اند باعث خوشحالی من است. کسی که عامل نقض حقوق بشر در کشورش می‌باشد و وضع اسفناک اقتصادی را هم به کشورش با سیاستهای غلط تحمیل کرده است نمی‌دانم چه چیزی را می‌خواهد در میتینگ امروز به مردم دنیا بگوید. در ضمن من حامل حمایت نماینده‌گان حزب رادیکال در این کنفرانس می‌باشم.

رضا اولیا: احمدی‌نژاد دزد سرمایه‌های ملی ایران است

سپس رضا اولیا، هنرمند و مجسمه‌ساز عضو شورای ملی مقاومت ایران، گفت: موضوع صحبت ما امروز مسافرت احمدی‌نژاد است. احمدی‌نژاد این تروریست معروف، این جنایتکار که در جلسه فائو شرکت می‌کند. معلوم نیست چه می‌خواهد بگوید. چون بحث در این جلسه بین‌المللی مسأله گرسنگی میلیونها میلیون انسان است. احمدی‌نژاد دزد سرمایه‌های ملی ایران، بیش از ۷۰درصد جامعه را به زیر فقر کشیده و سرمایه‌های ایران را خرج اسلحه، خرج تروریستها و خرج پاسداران می‌کند.

وی افزود: سفر احمدی‌نژاد به خوبی روشن کرد که تا چه حد افکار عمومی ایتالیا از این شخص نفرت دارند. و از رژیم ایران نفرت دارند. بعضیها به‌وسیله مطبوعات و رادیو و تلویزیون در این چند روز خواستند که احمدی‌نژاد را تروریست بخوانند و در عوض رفرمیستهای قلابی مثل خاتمی را مطرح بکنند. اما چطور می‌شود از خاتمی حمایت کرد. جنایات خمینی و رفسنجانی و بعد جنایات خاتمی بود که رژیم پاسداران را بوجود آورد. در دوره ریاست رفسنجانی و خاتمی بود که پروژه‌های انرژی اتمی پیش رفت. این مجاهدین بودند که در سال۲۰۰۲ این پروژه‌ها را افشا کردند. این جنایتکاران در طول نزدیک به ۳۰سال دانشجویان استادان دانشگاه، زنان، دختران خردسال را در زندانها شکنجه کردند. در طول این ۳۰سال شورای ملی مقاومت ایران مبارزه سختی را برای به‌دست آوردن حقوق مردم پیش برده است.

رضا اولیا تأکید کرد که مبارزه ما یک مبارزه سخت است، برای این که ما خواهان آزادی و دموکراسی برای مردم ایران هستیم. برای این که ما خواهان صلح در منطقه و علیه جنگ و تروریسم هستیم.

ابوالقاسم رضایی: رژیم ایران به‌عنوان بانکدار مرکزی تروریسم و فعالترین حامی تروریسم دولتی شناخته می‌شود

آن‌گاه ابوالقاسم رضایی، نماینده شورای ملی مقاومت در ایتالیا طی سخنانی گفت: شرکت نماینده رژیمی که به‌عنوان بانکدار مرکزی تروریسم و فعالترین حامی تروریسم دولتی شناخته می‌شود، نقض آشکار ارزشها و اصولی است که ملل متحد برای حراست و نگاهبانی از آنها بنیانگذاری شده است.

طبق اطلاعات کاملاً موثق، احمدی‌نژاد شخصاً در شکنجه و سرکوب زندانیان سیاسی در ایران شرکت مستقیم داشته و با نام مستعار کلیا شخصاً اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران را شلاق زده و شکنجه می‌کرد. احمدی‌نژاد در بسیاری از اعمال تروریستی مستقیماً نقش داشته است.

نماینده شورا در ایتالیا تأکید کرد: همان‌گونه که خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت بارها خاطرنشان کرده است، این رژیم در حقیقت ضعف، قادر به هیچ تغییر و عقب‌نشینی نیست و تنها راه‌حل برای ایران تغییر دموکراتیک از طریق مردم و مقاومت سازمان یافته آنها است.

فورلانی: از زمانی که احمدی‌نژاد به‌قدرت رسیده است فشارها و تجاوز به حقوق بشر بیشتر شده است

در ادامه این کنفرانس، فورلانی، نماینده سابق پارلمان ایتالیا از حزب دموکرات مسیحی گفت: رژیم ایران علیه حقوق بشر و آزادیست از زمانی که احمدی‌نژاد به قدرت رسیده است فشارها و تجاوز به حقوق‌بشر شده و جامعه بین‌المللی از بابت اظهارات احمدی‌نژاد مبنی بر نابودی اسرائیل و آمریکا نگران است. فعالیتهای رژیم ایران برای رسیدن به بمب اتمی و دخالت در عراق، برای همه نگران کننده است.

ماریو لانا: من به دولت ایتالیا می‌گویم خجالت، خجالت

سخنران بعدی کنفرانس ماریو لانا، رئیس انجمن وکلای ایتالیا بود. وی گفت من به دولت ایتالیا می‌گویم: خجالت، خجالت. چطور احمدی‌نژاد می‌خواهد در این‌جا در باره فقر و گرسنگی در جهان صحبت بکند در شرایطی که مردم ایران را در زیر خط فقر و گرسنگی نگه داشته است. من شخصاً دیده‌ام چه شکنجه‌های وحشتناکی در زندان اوین تهران اعمال می‌شد. مردم ایران در سکوت زندگی می‌کنند. این مردم حق آزادی دارند و باید به آزادی برسند.

سناتور گوستاو سلو: احمدی‌نژاد یک خطر برای دنیاست

سخنرانی بعدی جلسه سناتور گوستاو سلوا از حزب مردمی ایتالیا و رئیس سابق کمیسیون خارجی پارلمان ایتالیا بود. وی گفت احمدی‌نژاد یک خطر برای دنیاست، درست مانند هیتلر... متأسفانه در سیاست، همیشه معیارهای اقتصادی از معیارهای انسانی مهمتر هستند. تا موقعی که نفت در میان است متأسفانه انسانیت و حقوق‌بشر و حرمت زندگی انسانها ارزشی ندارد. من دوباره به سیاست برمی‌گردم اما در پارلمان اروپا و معتقدم که اروپا می‌تواند در مقابل بنیادگرایی مبارزه کند. من معتقدم که تنها خطر برای دنیا و برای تمام کشورها و فرهنگها و زندگی بشری، همین بنیادگرایی است که احمدی‌نژاد نماینده آن می‌باشد و جهان باید با قدرت در مقابل آن بایستد.

آلدو فورییچه: لیست تروریستی اسباب خجالت اروپا و غرب است

سخنران بعدی جلسه، آلدو فورییچه، خبرنگار برجسته ایتالیایی و مسئول برنامه رادیویی زاپینگ بود. وی گفت: احمدی‌نژاد مطمئناً یک خطر برای دنیاست ولی تنها او خطر نیست. خطر رژیم بنیادگرا در تمامیت آن است و نباستی خامه‌ای را فراموش کنیم که اگر احمدی‌نژاد نباشد یک نفر دیگر را به جای او می گذارد. بنابراین باید خیلی مواظب باشیم. وی ضمن تأکید بر این که همادود این رژیم، مقاومت ایران است، گفت: لیست تروریستی اسباب خجالت اروپا و غرب است. کشورهای غربی باید این مقاومت را که در داخل و خارج ایران فعالیت دارد، به رسمیت بشناسند و به آن کمک کنند.

آلدو فورییچه، با اشاره به طرد احمدی‌نژاد ازسوی جامعه سیاسی و فرهنگی ایتالیا، افزود: از طرف دانشگاه رم به ملاقات احمدی‌نژاد پاسخ منفی دادند. و دولت ایتالیا هم او را برای ساام دعوت نکرد. وی یک هیتلر کوچک نیست بلکه بدتر است. این یک مسأله ایرانی نیست بلکه یک مسأله جهانی است.

فریده کریمی: حضور احمدی‌نژاد در فائو توهینی به مردم ایران می‌باشد

آن‌گاه فریده کریمی، عضو شورای ملی مقاومت ایران طی سخنانی گفت: امروز در شرایطی در این‌جا جمع شده‌ایم که کشور ایتالیا میزبان زندانیان ۷۰میلیون ایرانی می‌باشد. احمدی‌نژاد نماینده مردم ایران نیست و حضورش در این کنفرانس به عنوان نماینده مردم ایران نامشروع و توهینی به مردم ایران می‌باشد. حضور این فرد در ایتالیا به‌طور خاص توهینی به زنان ایرانی و مبارزات آنان است. در سال گذشته بیش از ۳۵۰تن در ایران اعدام شده‌اند که تقریباً نیمی از این اعدامها در ملاءعام انجام گرفته است.

وی افزود: احمدی‌نژاد چه دروغهایی را می‌خواهد در این کنفرانس سرهم بکند. در کشور ثروتمند ما بیش از ۸۰درصد مردم در شرایط اسفبار اقتصادی به‌سر می‌برند. مردم ایران خواهان ادامه این رژیم و یا دخالت خارجی نیستند و تنها راه رهایی را راه‌حل مقاومت ایران که همان راه‌حل سوم ارائه‌شده توسط خانم مریم رجوی است می‌دانند.

میتریتی: حرفها و ادعاهای احمدی‌نژاد ادعاهای تروریستی است

آخرین سخنران کنفرانس مطبوعاتی رم میتریتی، نماینده پارلمان از حزب ارزشهای ایتالیا بود. وی گفت مدتهاست شاهد فعالیتهای مقاومت ایران هستم و بارها بیانیه‌های آنها را امضا کرده‌ام. حرفها و ادعاهای احمدی‌نژاد ادعاهای تروریستی است.

وی برای فعالیتهای مقاومت ایران علیه دیکتاتوری آخوندی، آرزوی موفقیت کرد.

سفر پاسدار احمدی‌نژاد به ایتالیا به افتضاح دیگری برای رژیم آخوندها تبدیل شد و موج تنفر علیه این رژیم را برانگیخت

جان فرانکو فینی، رئیس مجلس ایتالیا دیدار خود با سفیر رژیم آخوندی در رم را لغو کرد

ریتا برناردینی، نماینده پارلمان و دبیرکل حزب رادیکال ایتالیا از کشورهای غربی به دلیل پذیرش احمدی‌نژاد در اروپا انتقاد کرد و آن را نشانه ضعف در برابر دیکتاتوری خشن چون احمدی‌نژاد دانست

شهاب‌نیوز: دولت ایتالیا در اقدامی نامتعارف و اهانت‌آمیز، نام احمدی‌نژاد را از لیست مدعوین ضیافت شام رهبران کشورها در رم حذف کرد!... رسانه‌های ایتالیا همچنین ادعا می‌کنند که بولوسکنی، نخست‌وزیر ایتالیا و پاپ بندیکت شانزدهم از پذیرش درخواست رئیس‌جمهور ایران سر باز زده و حاضر به دیدار با او نشده‌اند

اعتراض مقامات ایتالیایی و نمایندگان پارلمان این کشور علیه سفر پاسدار احمدی‌نژاد

سفر پاسدار احمدی‌نژاد به ایتالیا برای شرکت در اجلاس جهانی فائو، تبدیل به‌یک رسوایی و افتضاح برای رژیم آخوندی شد و موج تنفر و محکومیت مردم و دولت ایتالیا را علیه رژیم آخوندها برانگیخت.

به‌رغم تشریفات دیپلماتیک که در سفر هر رئیس‌جمهور به یک کشور دیگر صورت می‌گیرد، دولت ایتالیا هیچ اعتنایی به سفر این پاسدارهزار تیر نکرد. به‌گزارش رسانه‌های ایتالیایی و رسانه‌های رژیم هیچ مقامی در فرودگاه از احمدی‌نژاد استقبال نکرد، نخست‌وزیر و وزیر خارجه این کشور اعلام کردند که به‌رغم اصرار رژیم حاضر به ملاقات با احمدی‌نژاد نیستند. پاپ از ملاقات با احمدی‌نژاد سرباز زد و تلاشهای مقامات رژیم برای برگزاری چنین ملاقاتی بی‌اثر ماند. رئیس مجلس این کشور ملاقات از پیش‌تعیین شده خود با سفیر رژیم در ایتالیا را لغو کرد.

همچنین بسیاری از وزرا و مقامات دولتی و همچنین نماینده‌گان پارلمان ایتالیا علیه این سفر موضع گرفتند و از حضور پاسدار احمدی‌نژاد در کشورشان ابراز نگرانی کردند.

شهردار رم نیز در یک اقدام بی‌سابقه چراغهای شهر رم را به‌مدت ده دقیقه خاموش نمود.

همچنین چندین تظاهرات علیه سفر احمدی‌نژاد سازمان یافت و مردم ایتالیا ضمن شرکت در این تظاهرات، با اجرای آکسیونهایی به نقض حقوق بشر توسط آخوندها اعتراض کردند.

رئیس مجلس ایتالیا: متأسفانه امروز بسیاری خطر این دیکتاتوری را که سرگرم مجهزشدن به سلاح هسته‌یی است دست‌کم می‌گیرند

روز ۱۴خرداد خان فرانکو فینی، رئیس مجلس ایتالیا اعلام کرد دیدار خود با سفیر رژیم آخوندی در رم را لغو کرده است. این دیدار قرار بود روز دوشنبه ۲۰خرداد برگزار شود.

خانم ریتا برناردینی، نماینده پارلمان و دبیرکل حزب رادیکال ایتالیا نیز که در تظاهراتی که علیه حضور پاسدار احمدی‌نژاد در میدان اسپانیای رم ترتیب داده شده بود، شرکت داشت از کشورهای غربی به دلیل پذیرش احمدی‌نژاد در اروپا انتقاد کرد و آن را نشانه ضعف در برابر دیکتاتوری خشن چون احمدی‌نژاد دانست. وی گفت: ما باید دست در دست دیگر ملتها علیه هرگونه استبداد در هر کجای دنیا مبارزه کنیم.

ماسیمو پولدری، عضو دیگر پارلمان ایتالیا و از اعضای اتحادیه شمال نیز در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: حضور احمدی‌نژاد در رم ما را به یاد دورانی سیاه در اروپا می‌اندازد زمانی که در جریان کنفرانس مونیخ، لرد چمبرلین، به قدرت رسیدن هیتلر را دست کم گرفت و نتیجه آن، جنگ جهانی دوم بود. متأسفانه امروز نیز بسیاری خطر این دیکتاتوری را که سرگرم مجهزشدن به سلاح هستیی است دست‌کم می‌گیرند و بیم آن می‌رود که فردا باز با فاجعه دیگری روبه‌رو شویم.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۱۳خرداد، اما بوتینو، نماینده مجلس سنای ایتالیا و از رهبران اپوزیسیون این کشور با اشاره به سفر پاسدار احمدی‌نژاد به رم اعلام کرد نگران هستیم که سفر دیکتاتورها به ایتالیا، اهداف گروههایی را که پاسدار احمدی‌نژاد به رم اعلام کرد نگران هستیم که سفر دیکتاتورها به ایتالیا، اهداف گروههایی را که سابق وزارت خارجه، گفت: ما امروز فرصتی یافتیم تا مخالفت عمیق خود را با رئیس‌جمهور رژیم ایران، ابراز کنیم. نه‌تنها اظهارات احمدی‌نژاد، بلکه لحن و ادبیات او نیز برای ما قابل‌قبول نیست و به همین علت نیز نخست‌وزیر، بولوسکونی و وزیر خارجه از دیدار با او امتناع کردند.

فابریسو چیچیتو، سخنگوی پارلمانی گروه اکتریت در پارلمان ایتالیا نیز پاسدار احمدی‌نژاد را عنصری بسیار خطرناک خواند و گفت: رژیم ایران، به یکی از مشکلات اساسی جامعه جهانی تبدیل شده است(تلویزیون صدای آمریکا ۱۴خرداد۸۷).

اظهارات مسخره و دجالگرانه پاسدار احمدی‌نژاد در اجلاس فائو

پاسدار احمدی‌نژاد طی اظهارات خود در کنفرانس فائو ضمن تکرار دعاوی دجالگرانه در مورد تغییر دولتها و مدیریت منطقه و جهان، گفت: درحالی که قدرتهای بزرگ تصمیمات خود را به شورای امنیت تحمیل و از این شورا استفاده ابزاری می‌کنند چگونه سازوکارهای سازمان ملل متحد می‌تواند به اوضاع بهبود بخشد.

رئیس‌جمهور ارتجاع در ادامه دعاوی پوشالی خودش افزود: مشکلات امروز جهان حاصل اندیشه و مدیریت نامالم و سازوکارهای حاکم است و اصلاح آن مستلزم تغییر در اندیشه و مدیریت و نظامات حاکم بر جهان است. در چنین شرایطی ترویج اندیشه دینی و انسانی و ارزشهای اخلاقی با حاکمیت مدیران صالح و عدالت‌گستر بیش از پیش ضرورت می‌یابد.

پاسدار احمدی‌نژاد، طی موضعگیری دیگری در رم بر رویارویی با جامعه جهانی تأکید کرد و گفت: «ایران هیچ مطالبه غیرقانونی را قبول نمی‌کند. ایران هیچ‌گونه هراسی از تهدیدات برخی قدرتها ندارد»(خبرگزاری رژیم ایران ۱۵خرداد۸۷).

خبرگزاری آسوشیتدپرس روز ۱۴خرداد از رم گزارش داد: مسابقه‌دارانی ایتالیایی خشم خود را نسبت به سخنان احمدی‌نژاد در اجلاس فائو ابراز کردند. اینازیو لاروسا، وزیر دفاع ایتالیا گفت: لفاظیهای احمدی‌نژاد، علیه تاریخ و منطق می‌باشد. احمدی‌نژاد در سخنانی بی‌ربط در کنفرانس فائو، قدرتهای نامشخصی را متهم کرد که از قیمتهای بالا و از طریق سوسیدها و دستکاری در بازار سودجویی کرده‌اند.

یک روز از وقت فائو به‌خاطر حضور احمدی‌نژاد ضایع شد

معاون مدیر کل سازمان خواروبار جهانی فائو در گفتگو با تلویزیون الحره به‌خاطر این که حضور احمدی‌نژاد و ابراز مخالفتهای گسترده با او بخش زیادی از وقت اجلاس فائو را به خود اختصاص داده اظهار نارضایتی کرد. وی در روز ۱۵خرداد۸۷، در پاسخ به این سؤال خبرنگار تلویزیون الحره که «آیا شما از این که حضور احمدی‌نژاد بر تمامی تحولات اجلاس و تلاش بسیار زیادی که برای برگزاری آن به‌عمل آمده است سایه انداخت، ناراحت و ناراضی نیستید؟» پاسخ داد: «با اطمینان می‌شود گفت یک روز کامل از سه روز مدت زمان مشخص شده برای این اجلاس، به دلیل صحبت بر سر حضور احمدی‌نژاد ضایع شد».

اقدام بی‌سابقه شهردار رم: نورافکنهای بناهای تاریخی پایتخت ایتالیا به نشانه انزجار مردم ایتالیا از احمدی‌نژاد ۱۰دقیقه خاموش شد

در تظاهراتی که در میدان شهرداری رم علیه حضور پاسدار احمدی‌نژاد به دعوت شهردار رم برگزار شد، در یک اقدام بی‌سابقه، نورافکنهایی که به روی بناهای تاریخی پایتخت ایتالیا نور می‌اندازند، به نشانه انزجار مردم ایتالیا از احمدی‌نژاد، به مدت ۱۰دقیقه خاموش شد. جانی آلمانو، شهردار رم، گفت: ما اهالی این شهر، در این میدان تاریخی گردآمدیم تا نتیجه خود را از اظهارات رئیس‌جمهور رژیم ایران، واضح و روشن، بیان کنیم.

کارلو جوانّاردی، وزیر خانواده در دولت ایتالیا نیز سیاستهای رژیم ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی را خطری جدی برای جامعه جهانی خواند و افزود: ما امروز باید تلاش کنیم تا دنیا شاهد فاجعه دیگری نباشد. در این تظاهرات همچنین ۵وزیر سابق و نمایندگان انجمنهای مذهبی و رهبران سندیکاهای کارگری و دهها نماینده مجلس و چهره‌های سیاسی و فرهنگی این کشور شرکت داشتند، سخنرانان نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند و از مبارزه برای دموکراسی در ایران حمایت کردند. در این تظاهرات که به فراخوان روزنامه ایل رومپیستا برگزار شده بود، آنتونیو پولیتو، مدیر این روزنامه تأکید کرد که این تظاهرات در مخالفت با استبداد حاکم بر ایران است.

واکنش رژیم: رئیس‌جمهور ایران در رم مورد بی‌حرمتی علنی و سنگینی قرار گرفت

شماری از رسانه‌های حکومتی در جدال با باند رفیب، مخالفتها و اعتراضهای گسترده علیه احمدی‌نژاد در رم را معکس کردند و سفر او را باعث اهانت دولت ایتالیا دانستند و سوز و گداز کردند.

در یکی از این گزارشها که روز ۱۵خرداد در شهاب‌نیوز منتشر شده، تحت عنوان «اهانت دولت ایتالیا به رئیس‌جمهور ایران! آمده است: «دولت ایتالیا در اقدامی نامتعارف و اهانت‌آمیز، نام احمدی‌نژاد را از لیست مدعوین ضیافت شام رهبران کشورها در رم حذف زد!... رسانه‌های ایتالیا همچنین ادعا می‌کنند که برلوسکونی، نخست‌وزیر ایتالیا و پاپ بندیکت شانزدهم از پذیرش درخواست رئیس‌جمهور ایران سر باز زده و حاضر به دیدار با او نشده‌اند».

خبرگزاری حکومتی انتخاب روز ۱۶خرداد در مطلبی باعنوان کمبود تدبیر رئیس‌جمهور و بازلی که همواره تکمیل‌تر می‌شود نوشت: «بالغ‌ترین اشخاص مشتاق به وادی سیاست نیز می‌دانند که امروز بحث "محو اسرائیل" سخن حقی است که پازل دشمن را تکمیل‌تر می‌کند. نشانه واضح آن نیز اصرار خبرنگاران خارجی در سوق دادن و تهیج احمدی‌نژاد در ورود به این بحث است که به مدد سوءتدبیر شخص ایشان، همواره نیز از این کارزار موفق خارج می‌شوند و رئیس‌جمهور پازل را تکمیل‌تر می‌کند. واقعاً چرا آقای رئیس‌جمهور این‌چنین بر اشتباه خود اصرار دارد. تفکر قلدرمآب و نصیحت‌گریز اگر ماندگاری داشت که تاریخ ایران تصویر اضمحلال قلدرترینها را در خود ثبت نمی‌کرد. بی‌تردید، مسأله محو اسرائیل اگر آن‌گونه باشد که رئیس‌جمهور می‌گوید نیازی به این قبیل گافهای سیاسی و رجزخوانی ندارد!»

روزنامه حکومتی اعتماد ملی روز ۱۹خرداد اعتراف کرد: «اولین سفر اروپایی محمود احمدی‌نژاد با سردترین استقبال مواجه شد. در آستانه ورود او به ایتالیا هیچ مقام رسمی‌یی به استقبالش نیامد، ضمن این که هیچ‌یک از درخواستهای وی برای دیدار با مسئولان ایتالیایی مورد پذیرش قرار نگرفت. دعوت از محمود احمدی‌نژاد برای شرکت در این نشست، نه از جانب دولت ایتالیا بلکه از جانب دبیرکل فائو صورت گرفته و از ورود رئیس‌جمهور ایران به ایتالیا استقبال رسمی صورت نگرفت. با این وجود حتی از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در ضیافت شام شرکت‌کنندگان فائو در ویلای تاریخی مادهای رم به میزبانی سیلویو برلوسکونی نخست‌وزیر ایتالیا و بان کی‌مون دبیر کل سازمان ملل متحد دعوتی صورت نگرفت.

به گزارش دیدبان حکومتی در جدال با باند رقیب، مخالفتها و اعتراضهای گسترده علیه احمدی‌نژاد در رم را منعکس کردند و سفر او را باعث اهانت دولت ایتالیا دانستند و سوز و گداز کردند.

در این کنفرانس سرهم بکند. در کشور ثروتمند ما بیش از ۸۰درصد مردم در شرایط اسفبار اقتصادی به‌سر می‌برند. مردم ایران خواهان ادامه این رژیم و یا دخالت خارجی نیستند و تنها راه رهایی را راه‌حل مقاومت ایران که همان راه‌حل سوم ارائه‌شده توسط خانم مریم رجوی است می‌دانند.

میتریتی: حرفها و ادعاهای احمدی‌نژاد ادعاهای تروریستی است

آخرین سخنران کنفرانس مطبوعاتی رم میتریتی، نماینده پارلمان از حزب ارزشهای ایتالیا بود. وی گفت مدتهاست شاهد فعالیتهای مقاومت ایران هستم و بارها بیانیه‌های آنها را امضا کرده‌ام. حرفها و ادعاهای احمدی‌نژاد ادعاهای تروریستی است.

وی برای فعالیتهای مقاومت ایران علیه دیکتاتوری آخوندی، آرزوی موفقیت کرد.

بازتاب تظاهرات علیه حضور احمدی‌نژاد در رم

ایتالیا کشوری برای پذیرش یک دیکتاتور نمی‌باشد

روزنامه لوتا چاپ سوئیس در شماره ۱۵خرداد نوشت: احمدی‌نژاد اجلاس فائو در رم را آشفته کرد. با حضور احمدی‌نژاد در ایتالیا خیابانهای رم به صحنه تظاهرات علیه او تبدیل شد. در تظاهراتی در برابر ساختمان شهرداری تظاهرکنندگان شعار می‌دادند: «رم، دیکتاتورها را بیرون و متزوی می‌کند».

روزنامه واشینگتن تایمز ۱۴خرداد، از تظاهرات هواداران مقاومت ایران در رم علیه سفر پاسدار احمدی‌نژاد خبر داد و نوشت: رئیس‌جمهور رژیم ایران روز دوشنبه به‌دنبال شرکت در اجلاس سازمان خواروبار و کشاورزی، ازسوی رهبران کشورها و گروههای حقوق بشری، برسر مصائبی که بر سر مردم آورده است، زیرضرب قرار گرفت. اپوزیسیون ایران و یک سیاستمدار چپ ایتالیایی نیز فراخوان به انجام تظاهرات علیه احمدی‌نژاد داده بودند. وزیر کشاورزی آمریکا نیز اعلام کرده بود که با احمدی‌نژاد دیداری نخواهد داشت.

احمدی‌نژاد تو قاتلی!

روزنامه ایل تمپو ۱۴خرداد نوشت: ایرانیان با در دست داشتن پرچم سه رنگ ایران علیه حضور احمدی‌نژاد در رم به تظاهرات برخاستند و همزمان با سخنان احمدی‌نژاد فریاد برآوردند «احمدی‌نژاد تو قاتلی»، «احمدی‌نژاد برو گمشو». نماینده شورای ملی مقاومت ایران، احمدی‌نژاد را تروریست خواند و گفت او ایتالیا حاضر به دیدار با او نشدند.

روزنامه لوتان چاپ سوئیس در شماره ۱۵خرداد نوشت: احمدی‌نژاد اجلاس فائو در رم را آشفته کرد. با حضور احمدی‌نژاد در ایتالیا خیابانهای رم به صحنه تظاهرات علیه او تبدیل شد. در تظاهراتی در برابر ساختمان شهرداری تظاهرکنندگان شعار می‌دادند: «رم، دیکتاتورها را بیرون و متزوی می‌کند».

روزنامه واشینگتن تایمز ۱۴خرداد، از تظاهرات هواداران مقاومت ایران در رم علیه سفر پاسدار احمدی‌نژاد خبر داد و نوشت: رئیس‌جمهور رژیم ایران روز دوشنبه به‌دنبال شرکت در اجلاس سازمان خواروبار و کشاورزی، ازسوی رهبران کشورها و گروههای حقوق بشری، برسر مصائبی که بر سر مردم آورده است، زیرضرب قرار گرفت. اپوزیسیون ایران و یک سیاستمدار چپ ایتالیایی نیز فراخوان به انجام تظاهرات علیه احمدی‌نژاد داده بودند. وزیر کشاورزی آمریکا نیز اعلام کرده بود که با احمدی‌نژاد دیداری نخواهد داشت.

احمدی‌نژاد تو قاتلی!

روزنامه ایل تمپو ۱۴خرداد نوشت: ایرانیان با در دست داشتن پرچم سه رنگ ایران علیه حضور احمدی‌نژاد در رم به تظاهرات برخاستند و همزمان با سخنان احمدی‌نژاد فریاد برآوردند «احمدی‌نژاد تو قاتلی»، «احمدی‌نژاد برو گمشو». نماینده شورای ملی مقاومت ایران، احمدی‌نژاد را تروریست خواند و گفت او

نماینده مردم ایران نیست. پذیرش احمدی‌نژاد در ایتالیا به معنای توجیه جنایات او می‌باشد.

لاستامپا روزنامه دیگر چاپ ایتالیا در همین روز در گزارشی با عنوان «تظاهرات در میدانهای رم» گزارشی از تظاهرات ایرانیان هوادار مقاومت درج کرد و به نقل از آقای ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت نوشت: «همزمان با حضور احمدی‌نژاد در رم هشت زن در انتظار سنگسار به‌سر می‌برند».

روزنامه ایل لیبرو ۱۶خرداد، طی گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی به عنوان «تظاهرات در میدانهای رم» گزارشی از تظاهرات ایرانیان هوادار مقاومت درج کرد و به نقل از آقای ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت نوشت: «همزمان با حضور احمدی‌نژاد در رم هشت زن در انتظار سنگسار به‌سر می‌برند».

روزنامه ایل لیبرو ۱۶خرداد، طی گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی که تعدادی از مسئولان مقاومت ایران حضور داشتند تأکید شد قربانیان اصلی رژیم آخوندی زنان هستند: «آنها مورد بدرفتاری و اهانت قرار گرفته و تحت شدیدترین مجازاتهای قرون‌وسطایی قرار دارند. زندانهای ایران ازجمله زندان اوین محل اسارت هزاران تن از این زنان می‌باشد. ایل لیبرو افزود: خانم فریده کریمی، عضو شورای ملی مقاومت ایران، وضعیت دردناک نقض حقوق بشر در ایران را برای ما تشریح کرد و گفت: «رژیم ایران تنها رژیم در جهان است که افراد زیر ۱۸سال را اعدام می‌کند. در حال حاضر ۸۶تن از این نوجوانان در انتظار اعدام هستند».

جنایاتش علیه‌بشریت محاکمه گردد». در یک کنفرانس مطبوعاتی که تعدادی از مسئولان مقاومت ایران حضور داشتند تأکید شد قربانیان اصلی رژیم آخوندی زنان هستند: «آنها مورد بدرفتاری در میدانهای رم» گزارشی از تظاهرات ایرانیان هوادار مقاومت درج کرد و به نقل از آقای ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت نوشت: «همزمان با حضور احمدی‌نژاد در رم هشت زن در انتظار سنگسار به‌سر می‌برند».

روزنامه ایل لیبرو ۱۶خرداد، طی گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی که تعدادی از مسئولان مقاومت ایران حضور داشتند تأکید شد قربانیان اصلی رژیم آخوندی زنان هستند: «آنها مورد بدرفتاری در میدانهای رم» گزارشی از تظاهرات ایرانیان هوادار مقاومت درج کرد و به نقل از آقای ابوالقاسم رضایی، معاون دبیرخانه شورای ملی مقاومت نوشت: «همزمان با حضور احمدی‌نژاد در رم هشت زن در انتظار سنگسار به‌سر می‌برند».